إصدارات أنصار الإمام المهدي / العدد (٢٧)

**انتشارات انصار امام مهدی**

**الجواب المنير**

**عبر الأثير**

**(الجزء الأول)**

**پاسخ‌های روشنگر**

**بر بستر امواج**

(**جلد اول**)

أجوبة السيد أحمد الحسن

على الأسئلة الواردة عبر الإنترنت

سید احمد الحسن

گردآوری و تنظیم

هیأت علمی انصار امام مهدی

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی

 الطبعة الثانية

١٤٣١هـ - ٢٠١٠ م

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نام کتاب  نویسنده  گردآوری و تنظیم  مترجم  نوبت انتشار  تاریخ انتشار  کد کتاب  ویرایش ترجمه | پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد اول)  احمد الحسن  هیأت علمی انصار امام مهدی  گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی  دوم  ۱۳۹۴  ۲/۱۲۰  دوم | |
|  | | |

**جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.**

[**www.almahdyoon.co/ir**](http://www.almahdyoon.co/ir)

[**www.almahdyoon.co**](http://www.almahdyoon.co)

****

**فهرست**

[**پیش‌گفتار 7**](#_Toc442396751)

[پرسش 1: چگونه می‌توانم سید احمد الحسن را تصدیق نمایم 9](#_Toc442396753)

[پرسش 2: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟ 9](#_Toc442396754)

[پرسش 3: چگونه عیسی پشت غیرپیامبر نماز می‌خواند؟! 10](#_Toc442396755)

[پرسش 4: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد....» 11](#_Toc442396756)

[پرسش 5: منظور از سگ اصحاب کهف چیست؟ 12](#_Toc442396757)

[پرسش 6: تفسیر رویای رسیدن به حضور امیر المومنین 13](#_Toc442396758)

[پرسش 7: تفسیر رؤیا در مورد پشت بام و باغ سرسبز 14](#_Toc442396759)

[پرسش 8: آیا میوه چیدن آدم روی درخت تأثیر داشت؟ 15](#_Toc442396760)

[پرسش 9: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟! 15](#_Toc442396761)

[پرسش 10: چگونگی عمل به علم حروف 16](#_Toc442396762)

[پرسش 11: آیا زمان مرگ‌تان را می‌دانید؟ 16](#_Toc442396763)

[پرسش 12: ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مهم نموده، کدام است؟ 17](#_Toc442396764)

[پرسش 13: آیا شما از محتومات و تمثیل کدام شخصیت می‌باشی؟ 18](#_Toc442396765)

[پرسش 14: سخن خداوند متعال: «و اذ قال موسی لقومه.... التواب الرحیم» 19](#_Toc442396766)

[پرسش 15: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می‌کنید که شما سفیر پنجم هستید 25](#_Toc442396767)

[پرسش 16: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟ 37](#_Toc442396768)

[پرسش 17: این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است. 37](#_Toc442396769)

[پرسش 18: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم چقدر است؟! 38](#_Toc442396770)

[پرسش 19: آیا شما وصیّ امام مهدی هستی یا فرزند او؟ 39](#_Toc442396771)

[پرسش 20: نکاتی از داستان موسی در سفرش برای دیدار با حضر 40](#_Toc442396772)

[پرسش 21: زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن 43](#_Toc442396773)

[پرسش 22: آیا می‌توانید از غیبیاتی که اجازه‌شان داده شده است، مرا آگاه نمایید؟ 45](#_Toc442396774)

[پرسش 23: روح القدسی که در قرآن آمده است، کیست؟ 45](#_Toc442396775)

[پرسش 24: سخن خداوند متعالی: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً....» 47](#_Toc442396776)

[پرسش 25: گروه‌هایی که شمشیر امام به سویشان کشیده می‌شود 48](#_Toc442396777)

[پرسش 26: وظیفه‌ی من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟ 48](#_Toc442396778)

[پرسش 27: توقیع سمری 49](#_Toc442396779)

[پرسش 28: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام است 51](#_Toc442396780)

[پرسش 29: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟ 52](#_Toc442396781)

[پرسش 30: نقشه‌ی دینی که آورده‌اید چیست؟ 53](#_Toc442396782)

[پرسش 31: شناخت شجره‌نامه‌ی کامل 55](#_Toc442396783)

[پرسش 32: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می‌نمایید 55](#_Toc442396784)

[پرسش 33: چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! 57](#_Toc442396785)

[پرسش 34: ادعای قیسی و نامه‌ی تکذیبیه‌ی نامه‌ی وصایت 58](#_Toc442396786)

[پرسش 35: سؤال ماجد المهدی درباره‌ی دو اسم مخفی در سوره‌ی فاتحه 62](#_Toc442396787)

[پرسش 36: چگونه می‌توانم تصدیق کنم و حال آنکه مدعیان بسیارند 77](#_Toc442396788)

[پرسش 37: چرا قرآن بر حسب نازل شدن جمع نشده است 78](#_Toc442396789)

[پرسش 38: چرا پلیس محکوم می‌شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشتشان است 79](#_Toc442396790)

[پرسش 39: حکم تراشیدن موی گونه‌ها در آرایشگاه‌ها چیست؟ 80](#_Toc442396791)

[پرسش 40: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی در زمان قائم چیست؟ 80](#_Toc442396792)

[پرسش 41: عم با احتیاط به رساله‌های سه‌گانه 84](#_Toc442396793)

[پرسش 42: آل فلان در صیحه‌ی جرئیل چه کسانی هستند؟ 84](#_Toc442396794)

[پرسش 43: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی. 85](#_Toc442396795)

[پرسش 44: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل می‌دانید؟ 86](#_Toc442396796)

[پرسش 45: تهدید حمد آل ملحان 86](#_Toc442396797)

[پرسش 46: اگر مرا شفا دهی، خادمت خواهم شد. 88](#_Toc442396798)

[پرسش 47: بیست سؤال متنوع 90](#_Toc442396799)

[پرسش 48: چگونگی مشاهده‌ی امام مهدی و دعوت به مناظره 94](#_Toc442396800)

[پرسش 49: چرا برای عامه‌ی مردم معجزه ظاهر نمی‌کنی؟ 95](#_Toc442396801)

[پرسش 50: لطفا تفاصیل خمس و زکات را بفرمایید. 97](#_Toc442396802)

[پرسش 51: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟! 98](#_Toc442396803)



سيدي ومولاي اليماني الموعود وصي ورسول الإمام المهدي (عليكما الصلاة السلام ورحمة الله وبركاته).

وصلت عبر الشبكة المعلوماتية عدد من الأسئلة يود أصحابها وكذلك نحن الجاهلون المقصرون الحصول على جوابها ... لنستنير ونستزيد من علمكم ... علم محمد وآل محمد (صلوات ربي عليهم أجمعين) ... فنأكل من ثمار محمد وآل محمد (صلوات ربي عليهم أجمعين) ... وتلك الثمار نفتخر أن نأخذها من يدك المباركة ... بل وأي يد تملكها غير اليد التي صافحت المعصوم ... بل هي قطعة منه أدامها الله نصرةً لدينه ونشر فضله ورحمته ... وعذراً للتقصير.

المتشرف بخدمة ربه

أبو محمد الجابر

**پیش‌گفتار**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسلیماً**

سؤال‌های دریافت شده از طریق اینترنت که ارسال‌کننده‌های آنها و همچنین ما که جاهل و تقصيركاریم، مشتاق دریافت پاسخ‌هایشان هستیم.... تا از نور شما بهره‌ای گیریم و از علم شما به ما افزوده گردد.... علم محمد و آل محمد.... و از میوه‌ی محمد و آل محمد که سلام و صلوات پروردگارم بر همه‌ی ایشان باد، تناول کنیم.... و افتخار ما این است که این میوه را از دست مباک شما برگرفته‌ایم.... و چه دستی! دستی که معصوم را لمس و با او مصافحه نموده است.... و حتی این دست، بخشی از وجود او می‌باشد. خداوند این دست را برای یاری دینش و انتشار فضل و رحمتش حفظ فرماید.... عذر تقصیر دارم!

کسی که به خدمت پروردگارش مشرّف شده

أبو محمّد الجابر



**بسم الله الرحمن الرحیم**

السؤال/ ۱: كيف أستطيع أن أصدق بأنّ السيد أحمد الحسن هو رسول ووصي الإمام المهدي بأقصر الطرق ؟

زينب الموسوي

١٦/ صفر/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱: چگونه می‌توانم سید احمد الحسن را تصدیق نمایم**

چگونه می‌توانم از طریق کوتاه‌ترین راه باور کنم که سید احمد الحسن، فرستاده و وصیّ امام مهدی می‌باشد؟

زینب موسوی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ‌.ق[[1]](#footnote-1)

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

أقصر طريق للإيمان بالغيب هو الغيب، اسألي الله بعد أن تصومي ثلاثة أيام وتتوسلي بحق فاطمة بنت محمد  أن تعرفي الحق من الله بالرؤيا أو الكشف أو بأي آية من آياته الغيبية الملكوتية سبحانه وتعالى.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

کوتاه‌ترین راه ایمان به غیب، خودِ غیب است. بعد از اینکه سه روز روزه گرفتی و به حضرت فاطمه دخت گرامی پیامبر متوسّل شدی از خداوند بخواه که حقیقت را به وسیله‌ی رؤیا یا مكاشفه یا به هر نشانه‌ای از نشانه‌های غیبیِ ملکوتیِ خداوند سبحان و متعال، از سوی خداوند بشناسی.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٢: ما هي مضامين دعوتك وما أهدافها ؟

reta jorj - امرأة مسيحية

١٦/ صفر/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟**

مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

قال عيسى : (ليس بالطعام وحده يحيى ابن آدم ولكن بكلمة الله)، وأنا عبد الله أقول لكم بالطعام يموت ابن آدم وبكلمة الله يحيى.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

حضرت عیسی فرمود: «**بنی آدم فقط با غذا زنده نمی‌ماند بلکه کلام خداوند نیز انسان را زنده نگه می‌دارد**» و منِ بنده‌ی خداوند به شما می‌گویم که بنی آدم با غذا می‌میرد و با کلام خداوند زنده می‌شود.

فدعوتي كدعوة نوح وكدعوة إبراهيم وكدعوة موسى وكدعوة عيسى وكدعوة محمد .

دعوت من همانند دعوت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و مانند دعوت محمّد مى‌باشد؛

أن ينتشر التوحيد على كل بقعة في هذه الأرض، هدف الأنبياء والأوصياء هو هدفي، وأبيّن التوراة والإنجيل والقرآن وما اختلفتم فيه، وأبيّن انحراف علماء اليهود والنصارى والمسلمين وخروجهم عن الشريعة الإلهية ومخالفتهم لوصايا الأنبياء .

اینکه توحید در جای جای کره‌ی زمین انتشار یابد. هدف من همان هدف انبیا و امامان است. من تورات، انجیل و قرآن و اختلافاتی را که در آن دارید را برایتان واضح و آشکار می‌سازم و همچنین انحراف علمای یهود، مسیحی و مسلمان و خروجشان از دین الهی و مخالفت آنها را با وصیت‌هاى پیامبران را!

إرادتي هي إرادة الله سبحانه وتعالى ومشيئته، أن لا يريد أهل الأرض إلاّ ما يريده الله سبحانه وتعالى، أن تمتلئ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، أن يشبع الجياع ولا يبقى الفقراء في العراء، أن يفرح الأيتام بعد حزنهم الطويل وتجد الأرامل ما يسد حاجتها المادية بعز وكرامة، …… أن ……، وأن …… أن يطبق أهم ما في الشريعة العدل والرحمة والصدق.

خواست و اراده‌ی من همان خواست و اراده‌ی خداوند سبحان ومتعال است؛ اینکه ساکنان کره‌ی زمین جز به آنچه خداوند اراده فرموده است، عمل نکنند، زمین پر از عدل و داد شود همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، گرسنه‌ها سیر شوند و هیچ فقیری بى‌سرپناه نباشد، یتیم‌ها بعد از غم‌های طولانی شاد شوند و زنان بیوه نیازهای مادی خودی را با عزّت و کرامت به دست آورند و.... و.... و .... اینکه عدالت، رحمت و صداقت که مهم‌ترین موارد در شریعت الهی می‌باشد، فراگیر گردد.

وأرجو أن تبيني لي اعتقادَكِ بعيسى بن مريم (عليهما السلام) بكل صراحة، وأن تؤيدي اعتقادَكِ بآيات من الإنجيل لكي يتسنّى لي بيان الحق لكِ ولكل من يطلب الحق ويخاف القيامتين الصغرى والكبرى ويخاف المعاد ويخاف الله سبحانه وتعالى.

أحمد الحسن

از شما تقاضا می‌کنم اعتقادت به عیسی بن مریم را به طور واضح بیان کنی و همچنین پای‌بندی‌ات به آیات انجیل را، تا بتوانم حقیقت را برای شما و برای همه‌ی کسانی که خواهان حقیقت هستند و از دو قیامت صغری و کبری و از معاد و از خداوند سبحان و متعال می‌ترسند، بیان کنم.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٣:كيف تقولون أنّ النبي عيسى يظهر في آخر الزمان ويصلي خلف الشخص الذي تقولون أنّه ليس نبي وأسمه محمد المهدي، أليس هذا عجيب ؟ وكيف يصلي نبي خلف رجل ليس بنبي ؟

reta jorj - امرأة مسيحية

١٦/ صفر/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۳: چگونه عیسی پشت غیرپیامبر نماز می‌خواند؟!**

چطور می‌گویید که پیامبر خدا عیسی در آخر الزمان ظهور می‌کند و پشت سر کسی که می‌گویید پیامبر نیست و نامش محمّد المهدی است، نماز می‌خواند؟! آیا این عجیب نیست؟! چطور یک پیامبر پشت سر کسی که پیامبر نیست، نماز می‌خواند؟!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

أيتها الأخت، إنّ صلاة نبي الله عيسى بن مريم (عليهما السلام) خلف الإمام المهدي تحتمل أمرين:

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

ای خواهر! نماز خواندن پیامبر خدا حضرت عیسی بن مریم پشت سر امام مهدی از دو احتمال خارج نیست:

الأول: أن يكون الإمام المهدي أفضل من نبي الله عيسى ، وطبعاً لا يكون الإمام المهدي أفضل إلاّ إذا كان له مقام النبوة، وفي هذه الحالة لا يوجد موضع للإشكال الذي طرحتيه. وحتى لو كنت أعتقد بهذا فإني سأطرح الاحتمال الثاني وأجيب عليه.

**اول**: اینکه امام مهدی برتر از عیسی باشد و به طور طبیعی امام مهدی نمی‌تواند برتر باشد مگر اینکه مقام نبوّت را نیز دارا باشدکه در این صورت، جایی برای بحث درباره‌ی اشکالی که شما طرح نمودید، وجود ندارد. با وجود اینکه من به این مورد معتقدم ولی احتمال دوّمی را نیز مطرح می‌کنم و به آن پاسخ می‌گویم.

الثاني: أن يكون عيسى أفضل من المهدي ، وفي هذه الحالة يكون للإشكال الذي طرحتيه موضع في دائرة البحث عن الحق والحقيقة.

**دوم**: اینکه عیسی برتر از امام مهدی باشد؛ در این صورت اشکالی که شما مطرح نمودید، برای روشن شدن حق و حقیقت، جای بحث و بررسی دارد.

والجواب موجود في كتابَيْ التوراة والإنجيل أو العهدين القديم والجديد كما هو موجود في القرآن .

پاسخ، در دو کتاب تورات و انجیل يا عهد قدیم و عهد جدید وجود دارد؛ همان‌طور که در قرآن نیز موجود می‌باشد.

فمن التوراة أو العهد القديم أختار لكِ قصة شاؤول (أو طالوت) وداود (عليهما السلام)، فداود نبي من أنبياء الله وأفضل من طالوت ومع ذلك كان داود في بداية الأمر جندياً في جيش طالوت ويأتمر بأمره وتابعاً له؛ لأنّ طالوت (أو شاؤول) ملك معيّن بأمر الله سبحانه وتعالى. فداود قتل  جالوت (أو جليات) لعنه الله في الوقت الذي كان فيه داود جندياً من جنود طالوت. اقرئي صموئيل الأول: إصحاح 17 في التوراة، وقصة طالوت في القرآن الكريم.

از تورات یا عهد قدیم داستان شاؤول (یا طالوت) و داوود را برای شما انتخاب می‌کنم. داوود پیامبری از پیامبران خدا و برتر از طالوت می‌باشد، با این حال داوود در ابتدا، سربازی در سپاه طالوت بود و از دستورات وی پیروی می‌کرد و تابع وی بود؛ چرا که طالوت (شاؤول) پادشاهی بود که از جانب خداوند سبحان و متعال برگزیده شده بود. داوود، جالوت (جلیات) که لعنت خدا بر او باد را وقتی سربازی از سربازان طالوت بود به هلاکت رسانید. ساموئیل اوّل،اصحاح 17را در تورات و داستان طالوت در قرآن‌کریم را بخوان.

أمّا من الإنجيل أو العهد الجديد،  فأختار لكِ قصة عيسى ويحيى (أو يوحنا)، فعيسى أفضل من يحيى ومع ذلك جاء عيسى ليعتمد من يوحنا أو يحيى ، مع أنّ هذا الأمر يمثل التقديس والتطهير والتزكية، وفي هذا المقام مثَّل يحيى (أو يوحنا) حجة الله على عيسى ، جاء في إنجيل متى الأصحاح الثالث: (حينئذٍ جاء يسوع من الجليل إلى الأردن إلى يوحنا ليعتمد منه ولكن يوحنا منعه قائلاً أنا محتاج أن أعتمد منك وأنت تأتي إليّ. فأجاب يسوع وقال له اسمع الآن هكذا يليق بنا أن نكمل كل بر حينئذٍ سمح له فلما أعتمد يسوع صعد للوقت من الماء وإذا السماوات قد انفتحت له فرأى روح الله نازلاً مثل حمامة وأتيا عليه ...... ) ([[2]](#footnote-2)).

امّا از انجیل یا عهد جدید، برای شما داستان عیسی و یحیی (یا یوحنا) را انتخاب می‌کنم. عیسی برتر از یحیی بود ولی با این حال عیسی آمد تا از یوحنا یا یحیی غسل تعمید بگیرد. این عمل، تمثیلی از تقدیس و تطهیر و تزکیه می‌باشد و در این مقام، یحیی (یوحنا) تمثیل حجّت الهی بر عیسی می‌باشد. در انجيل متى اصحاح سوّم آمده است: «هنگامى كه يسوع از جليل به اردن به سوی يوحنا آمد تا از او تعمید یابد ۱۳ يوحنا در حالی که می‌گفت «من باید از شما تعمید یابم و حال آنکه شما به سوی من می‌آیید؟!» او را منع نمود ۱۴ يسوع پاسخ داد و به او گفت: گوش فرا گير؛ اکنون شايسته است كه ما تمام نیکی را به کمال برسانیم. پس در اين هنگام به او اجازه داد ۱۵ هنگامى كه عیسی تعمید یافت فوراً از آب بیرون آمد و در ساعت، آسمان براى او گشوده شد؛ پس ديد كه روح خدا چونان کبوتری فرود و به سویش آمد ۱۶ ....»[[3]](#footnote-3).

وفي كلا الحالين كان كل من داود وعيسى أفضل من يحيى وطالوت (عليهما السلام)، والحمد لله وحده.

أحمد الحسن

در هر دو مورد، داوود و عيسى از يحيى و طالوت برتر بودند. والحمد لله وحده.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٤: أمّا الخمس فقد أبيح لشيعتنا إلى يوم الظهور، كيف أفهم هذه العبارة الشريفة لحضرة سيدي ومولاي الإمام ؟

علاء  رزاق

١٣/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۴: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد....»**

امّا در رابطه با خمس که بر شیعه‌های ما تا روز ظهور مباح شد؛ چگونه بفهمم این عبارت شریف از آقا و مولای‌مان امام زمان است؟

علاء رزاق - ۱۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق[[4]](#footnote-4)

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

لتطيب ولاداتهم، ويكون أنصاره أبناء حلال لا أبناء حرام إذا تكونت نطفهم وأجسامهم من مال حرام مغصوب من خليفة الله في أرضه، والخمس مال خاص فلصاحبه أن يضعه حيث يشاء، وليس لأحد أن يعترض عليه، وصاحبه هو الإمام المهدي في هذا الزمان وأوصياؤه.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

تا فرزندانشان سالم و پاک بمانند، و انصار ایشان از فرزندان حلال می‌باشند نه حرام که اگر نطفه و جسمشان از مال حرام پرورش یابند، مورد غضب خلیفه‌ی خدا در زمینش خواهند بود. خمس، مال خاص (امام) است؛ پس صاحبش می‌تواند آن را هر جا که بخواهد، مصرف کند و کسی نمی‌تواند به ایشان معترض شود. صاحب خمس در این زمان، امام مهدی و جانشینان او می‌باشند.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٥: هل من الممكن أن أعرف ما أو مَن المقصود بكلب أصحاب الكهف، وإن كان كلباً عادياً فلماذا ورد ذكره أكثر من مرّة في هذه القصة، وأحياناً بصيغة الجمع (.... وخامسهم كلبهم)([[5]](#footnote-5)) ؟ أرجو التوضيح.

علاء رزاق

٨/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۵: منظور از سگ اصحاب کهف چیست؟**

ممکن است که برایمان توضیح دهید که منظور از سگ اصحاب کهف چیست یا چه کسی است؟ اگر یک سگ عادی است، چرا اسمش چند بار در این قصّه آمده و گاهی هم با صیغه‌ی جمع (... **پنجمین‌شان، سگشان بود**)[[6]](#footnote-6) آمده است؟

علاء رزاق - ۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب : بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

كان مع أصحاب الكهف  كلبٌ اعتيادي أيضاً، ولكن الأمر المهم لم يكن هذا الكلب بل من يُسيّر هذا الكلب ويسيطر عليه، وهو من الجن واسمه قطمير (وللجن هذه القدرة من العروض على الحيوان كالقط والكلب وتسييره )، وأراد هذا الجن قطمير أن يلفت انتباههم من خلال هذا الكلب إلى وجوده وقدرته على مساعدتهم بعد إيمانه بدعوتهم، وقطمير من الجن الذين لهم القدرة على ملءِ القلوب رعباً وزلزلة قلوب الشجعان، قال تعالى: *﴿***وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَاراً وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْباً***﴾*([[7]](#footnote-7)). والذي كان يُملئ قلوب من يقترب منهم رعباً هو هذا الجن قطمير الذي كان يتولى حراستهم. وقطمير هو أحد أنصار القائم ([[8]](#footnote-8)).

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

به همراه اصحاب کهف یک سگ عادی نیز بود ولی مسأله‌ی مهّم خودِ این سگ نبود بلکه کسی بود که این سگ را هدایت می‌کرد و بر او احاطه داشت و او یک جن به نامِ قطمیر بود (جّن این قدرت را دارد که حیواناتی مثل گربه و سگ را هدایت و راهنمایی کند) و این جن (قطمیر) خواست از طریق این سگ، توجّه آنان را به وجود و قدرتش برای کمک به آنان بعد از ایمان آوردن به دعوتشان، جلب کند. قطمیر از جمله جن‌هایی است قدرت پر کردن دل‌ها از ترس و لرزانیدن قلب‌های شجاعان را دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «(**و سگشان بر درگاه غار، دو دستش را دراز کرده بود. اگر سر وقتشان می رفتی گريزان بازمی‌گشتی و از آنها سخت می‌ترسيدی**)»[[9]](#footnote-9) و آن که قلب‌های کسانی که نزدیکشان می‌شد را آکنده از ترس و وحشت می‌کرد، همین جن (قطمیر) بود که حراست آنها را بر عهده داشت و قطمیر یکی از یاران قائم می‌باشد[[10]](#footnote-10).

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٦: شكر للاهتمام بإنسان ضال مثلي يبحث عن إمامه ويمنعه عن ذلك أنانيته وحبّه للدنيا، والآن لدي رؤيا أود طرحها عليكم، وأتصورها تدور حول موضوع السيد أحمد الحسن.

**پرسش ۶: تفسیر رویای رسیدن به حضور امیر المومنین**

از توجّه شما به انسان گمراهی مثل خودم که به دنبال امامش هست ولی خودخواهی و حبّ دنیا مانعش می‌شود، بسیار سپاسگزارم. رؤیایی دیده‌ام که مایلم با شما در میان بگذارم و تصوّر می‌کنم درباره‌ی موضوع سید احمد الحسن باشد.

قبل حوالي السنة من الآن كنت ومجموعة من الأصدقاء نتباحث حول موضوع السيد أحمد الحسن ومدى صحة كلامه، وفي نفس الليلة رأيت في المنام: أني وأخي فهمي وصديقي سيد غالب واقفين بباب حضرة الإمام علي ، الباب الذي يسبق باب الضريح الطاهر، واقفين ننظر إلى الضريح المحاط بهالة من النور عبر باب الضريح، أي وكأننا عبرنا الباب الأول وباقي أمامنا الباب الثاني. هذه الرؤيا والله العالم.

علاء رزاق

٧/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

یک سال پیش من و گروهی از دوستانم درباره‌ی موضوع سید احمد الحسن و میزان صحّت سخنانش بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. در همان شب من در خواب دیدم که خودم و برادرم و دوستم سیّد غالب، جلوی دربِ مرقد امام علی ایستاده بودیم؛ همان دری که قبل از درِ ضریح مطهّر می‌باشد و به ضریح که با نور زيادى احاطه شده بود نگاه می‌کردیم. گویا ما از درِ اوّل رد شدیم و فقط درِ دوّم، مقابل ما باقى مانده بود. این رؤیای من بود و خداوند داناتر است.

علاء رزاق - ۷ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

هي كذلك إن شاء الله.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

اِن شـاء الله کـه چـنـیـن اسـت.

**احمد الحسن**

السؤال/ ٧: ذات مرّة رأيت سيدي ومولاي الإمام المهدي في المنام يكلمني من خلال نافذة الغرفة وأنا في داخلها، حيث قال لي: بأني (أي هو ) قريب جداً، ثم أشار إلى بيت بسيط كان قريب من ذلك المكان، وقال: هذا بيتي وإذا صعدت إلى السطح ستجد حديقة خضراء واسعة. ما هو تفسير السيد أحمد الحسن لهذه الرؤيا ؟ جزاكم الله خيراً.

علاء رزاق

٦/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۷: تفسیر رؤیا در مورد پشت بام و باغ سرسبز**

یک بار مولا و آقایم امام زمان را در خواب دیدم که از پنجره‌ی اتاق با من صحبت می‌کرد؛ در حالی که من داخل اتاق بودم. به من فرمود: من بسیارنزدیک هستم. سپس به خانه‌ی بزرگی که نزدیک آنجا بود اشاره کرد و گفت: این خانه‌ی من است، اگر به پشت بام (آن خانه) بروی باغ سرسبز بزرگی خواهی دید. سید احمد الحسن، تفسیر این خواب چیست؟ خداوند به شما خیر دهد!

علاء رزاق - ۶ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

أمّّا الخضار فهو الدين، وأمّا السطح فهو الارتقاء في ملكوت السماوات.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

سرسبز بودن، دین و پشت بام، بالا رفتن در ملکوت آسمان‌ها می‌باشد.

وفي هذه الرؤيا وجه بسيط بين يديك وهو موقع الأنصار على الشبكة والحديقة الخضراء الواسعة هي العلم الموجود في الموقع، والسطح هو الأثير طريق الاتصال في الشبكة، والنافذة هي نافذتك على الموقع، والبيت البسيط هو الموقع نفسه لأنه صغير بحجمه.

أحمد الحسن

این رؤیا یک صورت ساده‌ای هم دارد که پیش روی شما حاضر است: سایت انصار در اینترنت و باغ سرسبز، دانش موجود در این سایت و پشت بام، همان امواج یعنی راه اتصال به اینترنت و پنجره همان پنجره‌ی سایت و خانه‌ی بزرگ نیز خودِ سایت می‌باشد؛ چرا که پنجره در مقایسه با سایت کوچک‌تر است.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال /٨:عندما قطف سيدنا آدم من الشجرة، هل أثر ذلك المقطوف على تغيير حلقة كانت ضمن واجبات هذه الشجرة ؟

علاء رزاق

١٣/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۸: آیا میوه چیدن آدم روی درخت تأثیر داشت؟**

زمانی که حضرت آدم از آن درخت میوه چید آیا آن میوه‌ی چیده شده بر مجموعه تکالیف و واجبات مربوط به این درخت، تأثیری داشت؟

علاء رزاق - ۱۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

الشجرة هي شجرة علم آل محمد ، وهي نفسها لم تتأثر ولكن آدم لم ينتفع منها؛ لأنه لم يؤذن له الأخذ منها، قال تعالى: *﴿***وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً***﴾*([[11]](#footnote-11))، بل تضرر وانسحب هذا الضرر على بعض ذريته ، *﴿***وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى***﴾*([[12]](#footnote-12)).

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

آن درخت، درخت علم آل محمّد می‌باشد که خودش تأثیر نمی‌پذیرد ولی آدم از آن درخت سود نبرد؛ چرا که اجازه‌ی چیدن از آن درخت به وی داده نشده بود. خداوند متعال می‌فرماید: «(**و ما پيش از اين با آدم پيمان بستيم ولی فراموش کرد و او را استوار و ثابت‌قدم نيافتيم**)»[[13]](#footnote-13). حتی متضرّر شد و این ضرر شامل بعضی از نسل آدم نیز شد: «(**و آنگاه که به فرشتگان گفتيم: آدم را سجده کنيد، همه سجده کردند جز ابليس که سرپيچی نمود**)»[[14]](#footnote-14).

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٩: بعد السلام ... أريد أن أعرف كيف تثبت للعوام أنك كذلك ...، وأيضاً أريد أن أعرف ما هو الفقه عندك والأحكام الفقهية، هل هي نفسها عند الفقهاء الموجودين الآن أو تختلف، وإذا كانت تختلف هل تستطيع إعطاءنا مثالاً على ذلك ... مع جزيل الشكر.

صادق/ ماجستير علوم دينية

٢٥/ صفر/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۹: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟!**

بعد از سلام.... می‌خواهم بدانم شما چطور به مردم ثابت ‌کنی این گونه که اعدا می‌کنی هستی.... و نیز می‌خواهم بدانم که نظر شما درباره‌ی فقه و احکام فقهی چیست؟ آیا احکام فقهیِ شما همان احکامی هستند که فُقَهای موجود صادر ‌کنند یا فرق دارد و اگر فرق می‌کند مثالی در این مورد بزنید. با سپاس و تشکر.

صادق - فوق لیسانس علوم دینی - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

أثبت أني كذلك كما أثبت نوح وهود ومحمد  أنهم كذلك بالله سبحانه تعالى. أمّا بالنسبة للفقه فلك أن تسأل وعلي أن أوصل لك الجواب.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

من ثابت می‌کنم که چنین هستم همان طور که نوح، هود و محمّد ثابت کردند که چنان هستند. اما در رابطه با فقه، شما باید بپرسی و من جواب را برایتان می‌فرستم.

**احمد الحسن**

\* \* \*

سؤال/ ١٠: السلام عليكم ورحمه الله وبركاته

أدامكم الله لخدمه الدين الإسلامي الحنيف وسنة الرسول الأعظم محمد  وآله الطاهرين من كل معصية وإثم، أدامكم الله لخدمه مولانا الإمام صاحبالعصر والزمان، وجعلنا الله وإياكم من أنصاره وخدامه، سؤالنا لجناب السيد الجليل هو: عن علم الحروف الجليل، و كيف العمل به بتفاصيله (من نعم الله عليك حاجة الناس إليك) أدامكم الله عزّاً ووقاراً.

صفاء الدبيسي

٢٤/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱۰: چگونگی عمل به علم حروف**

**سلام علیکم و رحمت الله و برکاته**

خداوند شما را برای خدمت به دین حنیف اسلام و سنّت رسول اکرم و خاندان پاک و معصوم آن حضرت از هر گناه و معصیتی مصون دارد. خداوند شما را برای خدمت به مولایمان صاحب الزمان حفظ کند و ما و شما را از یاران و خادمان آن حضرت قرار دهد! سؤال ما از جناب سید گران‌قدر درباره‌ی علم گران‌سنگ حروف و تفصیل نحوه‌ی عمل به آن می‌باشد. از نعمت‌هایی كه خداوند به شما داده است، نیاز مردم به شما است. خداوند شما را با عزّت و وقار حفظ فرماید.

صفا الدبیسی - ۲۴ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

ستجد جواباً لبعض سؤالك في تفسير سورة التوحيد الذي سيصدر في المستقبل إذا بقيت الحياة إن شاء الله، ولله الأمر من قبل ومن بعد، وربما وفقني الله سبحانه وتعالى لإصدار كتاب عن علم الحروف في المستقبل إن شاء الله.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

پاسخ برخی از سؤال‌هایت در کتاب تفسیر سوره‌ی توحید که اگر عُمری باشد انشاء الله به زودی منتشر خواهد شد[[15]](#footnote-15)، موجود می‌باشد، و همه‌ی امور از ابتدا تا انتها به دست خداوند است. شاید خداوند سبحان و متعال توفیقم داد تا در آینده کتابی درباره‌ی علم حروف منتشر کنم، انشاء الله.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١١: تحيه طيبه ..

سيدي هل تعلم بساعة موتك بواسطة إمامك ؟

reta jorj - امرأة مسيحية

٢٥/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱۱: آیا زمان مرگ‌تان را می‌دانید؟**

با سلام و تحیّات پاک....

سرور من، آیا زمان مرگتان را به واسطه‌ی امام خود می‌دانید؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

أعرف علامات وآيات إذا رأيتها علمت باقتراب ساعة رجوعي إلى الله سبحانه وتعالى.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

علامت‌ها و نشانه‌هایی را می‌شناسم که اگر آنها را ببینم زمان نزدیک شدن بازگشتم به سوی خداى سبحان و متعال را خواهم دانست.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١٢: إلى السيد المحترم أحمد الحسن

تحيه طيبه ..

ما المواصفات التي أهلتك لهذه المهمة أو لنقل ماهية المواصفات التي ميزتك عن باقي أبناء الشيعة لكي يختارك مهديكم لسفارته ؟؟؟ وشكراً

reta jorj - امرأة مسيحية

٢٥/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱۲: ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مهم نموده، کدام است؟**

به سید بزرگوار احمد الحسن

با عرض سلام و تحیّات پاک....

ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مأموریت کرده یا ویژگی‌هایی که شما را از دیگر فرزندان شیعه متمایز ساخته است تا مهدی شما را برای جانشینی و نمایندگی خود انتخاب کند کدام‌ها هستند؟ با سپاس.

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

عندما كلم الله موسى ، قال له: إذا جئت للمناجاة فاصحب معك من تكون خيراً منه، فجعل موسى لا يعترض أحداً إلاّ وهو لا يجترئ أن يقول أني خير منه، فنزل عن الناس وشرع في أصناف الحيوانات حتى مرّ بكلب أجرب، فقال: أصحب هذا، فجعل في عنقه حبلاً ثم مرّ به، فلما كان في بعض الطريق نظر موسى إلى الكلب، وقال له: لا أعلم بأي لسان تسبح الله فكيف أكون خيراً منك؟ ثم إنّ موسى أطلق الكلب وذهب إلى المناجاة. فقال الرب: يا موسى أين ما أمرتك به؟ فقال موسى : يا رب لم أجده، فقال الرب: يا ابن عمران، لولا أنك أطلقت الكلب لمحوت أسمك من ديوان النبوة ([[16]](#footnote-16)).

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

زمانی که خداوند با موسی سخن گفت، به او فرمود: هر وقت به مناجات آمدی با خودت کسی را بیاور که تو از او برتر باشی. موسی به هر کسی که برخورد می‌کرد جرأت نمی‌کرد به وی بگوید از او برتر است. پس انسان‌ها را رها کرد و سراغ حیوانات رفت تا اینکه از کنار یک سگ بیمارِ گَر گذر کرد. گفت: این را می‌برم. بر گردنش ریسمانی نهاد و آن را به دنبال خود کشید. اندکی از راه را رفته بود که موسی نگاهی به سگ انداخت و گفت: نمی‌دانم تو با کدام زبان خداوند را تسبیح می‌گویی؛ پس چطور می‌توانم از تو برتر باشم؟ موسی سگ را رها کرد و به مناجات رفت. پروردگار فرمود: آنچه به تو امر کردم کجا است؟ موسی فرمود: پروردگارا، نیافتمش! پس پروردگار فرمود: ای پسر عمران، اگر آن سگ را رها نمی‌کردی قطعاً نامَت را از دیوان پیامبران محو می‌کردم[[17]](#footnote-17).

وأنا العبد الحقير لا يخطر في بالي أني خير من كلب أجرب، بل أراني ذنباً عظيماً يقف بين يدي رب رؤوف رحيم.

أحمد الحسن

من بنده‌ی حقیر به فکرم خطور نمی‌کند که از سگ مریضی هم برتر باشم؛ چرا که پروردگار رؤوف رحیم مرا از گناه بزرگم در پیشگاهش آگاه ساخته است.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١٣: سيدي الفاضل .. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سمعنا بدعوتكم في أول بدايتها وحاولنا رؤيتكم والتكلم معكم بخصوصها في النجف الأشرف، ولكن لم نوفق لذلك لحكمة يعلمها الله.

**پرسش ۱۳: آیا شما از محتومات هستی؟ و تمثیل کدام شخصیت می‌باشی؟**

**سید بزرگوار من.... سلام علیکم و ورحمة و بركاته**

دعوتتان را از ابتدای آغاز آن شنیدیم و سعی کردیم شما را ببینیم و در رابطه با دعوتتان با شما در نجف اشرف صحبت کنیم؛ ولی به دلیل حکمتی که خداوند از آن آگاه است، موفق به این کار نشدیم.

سيدي ... أنعم الله علينا بمعرفة أهل البيت ، ومحاولة الحصول على محبتهم بأي طريق يرتضونه، وكنا نتصور في بداية أمرنا أن طريق المرجعية والاجتهاد هو الطريق الواضح والصحيح ليقربنا إليهم والفوز بمحبتهم ، ولكن الله أنعم علينا وبصّرنا بهذا الطريق ومدى سوئه وتآمره عليهم ، ووجدنا أنفسنا نبتعد عن طريق الحق كلما جهدنا في السير (لا تزيدهم سرعة السير إلاّ ابتعاداً)، فالحمد لله الذي أنعم علينا بهذه المعرفة قبل خمس أو ستة سنوات تقريباً، ومنذ ذلك الوقت ونحن نبحث عن ما يلم شعثنا، ويعيد تركيب كياننا الذي حطمناه قربة لله، بعد أن وجدناه مليئاً بالأوثان ومسالك الشيطان، فالحمد لله والشكر له.

سرورم.... خداوند با شناخت اهل بیت و تلاش برای کسب محبت ایشان بر ما منّت نهاد. ابتدا فکر می‌کردیم مرجعیّت و اجتهاد راه آشکار و درستِ نزدیک شدن ما به اهل بیت و جلب محبت آنان می‌باشد ولی خداوند بر ما منّت نهاد و ما را از ناراستی و میزان ناشایستگی آن و خیانت آنها علیه ایشان آگاه نمود. هر چه در این راه سیر کردیم، خود را دورتر از حق یافتیم (سرعت حرکت کردن، جز به دوری نمی‌افزود). پس سپاس خداوندی را که این شناخت را تقریبا ً پنج یا شش سال پیش ارزانی‌مان داشت و از آن زمان به دنبال چیزی می‌گردیم که ما را متّحد کند و اساس کیان ما را که با نیّت تقرب به سوی خداوند ویرانش کرده بودیم از نو بنیان کند؛ پس از آن که آن را آکنده از بت‌ها و راه‌های شیطانی یافتیم! پس حمد و ستایش مخصوص خداوند است و شکر از آنِ او.

سيدي، تتبعنا قضيتك واطلعنا على ما صدر منكم بأجمعه تقريباً، ودعونا لكم سرّاً وعلانية، وبصّرنا الناس بأمركم والحق الذي تتبعونه اعتماداً على رؤى وإشارات أنعم الله بها علينا.  سيدي عذراً لإطالتي، ولكن لدي ما أسأل والأمر لكم بالإجابة أو عدمها:

١- هل أنتم من المحتوم أم لا ؟

٢- إذا كنتم من المحتوم فأي شخصية تمثلون ؟

٣- وهل أنتم الأول أم الثاني من الشخصية ؟

٤- سيدي ورد في الأحاديث بأنّ أمير المؤمنين والحسين وباقي الأئمة  سيرجعون إلى الدنيا،فهل الرجوع بالشخص أم بالشخصية ؟ وإذا كانت بالشخصية فأي معصوم تمثلون.

ولكم الشكر على تفضلكم.

فهمي صالح

٢٧/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

آقای من! ما قضیه‌ی شما را دنبال کردیم و تقریباً از تمامی چیزهایی که ارایه نمودید اطلاع یافتیم و آشکارا و نهان به سوی شما دعوت کردیم و با تکیه بر اشارات و رؤیاهایی که خداوند با آنها بر ما منّت نهاد، مردم را از شما و از حقیقتی كه از آن پیروی می‌کنید آگاه ساختیم. سرورم، از اینکه کلامم طولانی شد عذرخواهم؛ ولی سؤال‌هایی دارم که پاسخ‌گویی یا پاسخ ندان به آنها به اختیار شما است:

**۱ -** آیا شما از محتومات (علایم حتمی) هستيد یا خیر؟

**۲ -** اگر شما از محتومات هستيد، در قالب کدام شخصیت مى‌باشيد؟

**۳ -** آیا شما از شخصیت‌های اوّل هستید یا دوّم؟

**۴ -** آقاى من در احادیث آمده است که امیرالمؤمنین، امام حسین و سایر ائمه به دنیا برمی‌گردند؛ آیا رجعت توسط خود امامان صورت می‌گیرد یا در قالب شخصیت‌های دیگر؟ و اگر رجعت در قالب شخص دیگر است شما بیانگر کدام شخص معصوم هستید؟ سپاس‌گذارم.

فهمی صالح - ۲۷ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

(١)، (٢)، (٣)، (٤): أنا العبد الحقير الخسيس الذليل قليل العمل كثير الزلل أراني ذنباً عظيماً بين يدي رب رؤوف رحيم، أمرني أبي وسيدي محمد بن الحسن المهدي أن أقول هذه الكلمات: (أنا حجر في يمين علي بن أبي طالب ألقاه في يوم ليهدي به سفينة نوح ، ومرّة لينجي إبراهيم من نار نمرود، وتارة ليخلص يونس من بطن الحوت، وكلم به موسى على الطور وجعله عصاً تفلق البحار، ودرعاً لداود ، وتدرّع به في أُحد وطواه بيمينه في صفين).

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**۱، ۲، ۳ و ۴**: من، بنده‌ی حقیرِ بی‌ارزشِ ذلیلِ کم‌عمل با گناهان بسیار، خود را گناهى بزرگ در پیشگاه پروردگار رؤوف رحیم مى‌بينم. پدرم و آقایم محمّد بن الحسن المهدی به من دستور داده‌اند که این سخنان را بگویم: «من سنگی در دست امیرالمؤمنین علی هستم؛ روزی آن را انداخت تا به وسیله‌ی آن کشتی نوح را هدایت کند، و بار دیگر برای نجات ابراهیم از آتش نمرود و بار دیگر برای نجات یونس از شکم نهنگ، و موسی به وسیله‌ی آن در کوه طور با خداوند سخن گفت و آن را عصایی قرار داد تا دریاها را شکافت و زرهی برای داوود، و در جنگ احد آن زره‌پوش را به تن کرد و در جنگ صفین آن را پیچید و مخفى نمود».

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١٤:بسم الله الرحمن الرحيم *﴿***وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ***﴾*([[18]](#footnote-18)).

إلى سماحة السيد أحمد الحسن وصي ورسول الأمام المهدي، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

**پرسش ۱۴: سخن خداوند متعال: «و اذ قال موسی لقومه.... التواب الرحیم»**

بسم الله الرحمان الرحیم: «**(و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما به آن سبب که گوساله را پرستيديد، بر خود ستم روا داشتيد. اينک به درگاه آفريدگارتان توبه کنيد و يکديگر را بکشيد، که چنين کاری نزد آفريدگارتان ستوده‌تراست. پس خدا توبه‌ی شما را پذيرفت؛ زيرا او توبه‌پذير و مهربان است**)»[[19]](#footnote-19).

به جناب سید احمد الحسن، وصیّ و فرستاده‌ی امام مهدی، سلام علیكم ورحمة الله و بركاته.

أنا مواطن مسلم شيعي سمعت بدعوتك وأعطيتها من وقتي الكثير، لا لأني مؤمن بها أو بك، ولكن عسى ولعل الله سبحانه أن يكون لقائي بالإمام المهدي على يديك، فأنا يا سيدي مللت عبادة الأصنام البشرية ممن يسمون أنفسهم المراجع العظام، وهم فعلاً (عظام ورميم)، ولشدّ لهفي لما سمعت من بياناتك وأنت تسقط تلك الوثنية الجاثمة على صدر الأمة، أمة محمد ، فالذي أرجوه منك بحق جدك إن كنت من ذرية الرسول، أن تدعوا لي بأن أتشرف ولو في الحلم برؤية الإمام المهدي، الذي أصبح شبه خيال أطارده ولا ألقاه. أنا يا سيدي حزين وحزين وحزين لبعده عنا، أو قل كما تشاء بعدي عنه، لا يهمني أي شيء سوى لقائي به، أريد أن أكون إنساناً بالمعنى الذي يريده الله ورسوله، آسف سيدي لأخذي من وقتك الكثير ولكن أراك بارقة أمل من مكان بعيد، وشكراً. والسلام عليكم ... أخوك في الله .. أبو مريم

من یک شهروند مسلمان شیعه هستم که دعوتتان را شنیدم و وقت زیادی صرف دعوت شما کردم؛ نه از این رو که به دعوت شما یا به خود شما ایمان دارم بلکه از این جهت که شاید خداوند سبحان دیدارم با امام زمان را به دست شما مقرر فرماید. ای سرورم، من از عبادت بت‌های انسانی یعنی کسانی که خودشان را مراجع عظام می‌نامند در حالی که استخوان‌های پوسیده‌ای بیش نیستند، خسته شدم و چقدر خوشحال شدم وقتی بیانات شما را شنیدم و اینکه شما آن بت‌هایی را که بر صدر امّت یعنی امّت محمد تکیه زده‌اند را از بین خواهید برد. چیزی که من از شما می‌خواهم این است که اگر شما از ذرّيه‌ی رسول اکرم هستید به حق جدّت مرا به دیدار امام زمان دعا کنید؛ حتى اگر در خواب نایل شوم. سرورم، من به خاطر دروی ایشان از ما، یا بهتر بگویم به خاطر دوری‌ام از ایشان بسیار ناراحت و نگرانم و هیچ چیز جز دیدارم با ایشان برایم مهم نیست. می‌خواهم کسی باشم که مورد پسند خداوند و رسول خدا می‌باشد. از اینکه وقتتان را گرفتم بسیار متأسفم ولی من شما را نور امیدی می‌بینم که از دور می‌درخشد، با سپاس. سلام بر شما.... برادر دینی شما.... ابو مریم.

ملاحظة: إذا كان هناك جواب فلا أريده من الأنصار إلاّ من السيد شخصياً ولا اعتقده يتعالى عن الرد؛ لأنّ رسالتي موجهة إليه.

أبو مريم

٢٣/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

توجّه: اگر قرار است جوابی به این نامه داده شود می‌خواهم که خود سید احمد الحسن جواب دهد نه انصار وی؛ و تصور نمى‌كنم از پاسخ دادن به آن صرف نظر كنند زيرا اين نامه متوجّه خود ايشان می‌باشد.

أبو مریم - ۲۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

الأخ أبو مريم .. أنا وأعوذ بالله من الأنا العبد الفقير المسكين المستكين بين يدي ربه.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

برادر، ابو مریم.... من و پناه می‌برم به خدا از منیّت، بنده‌ی فقیرِ مسکینِ درمانده در پیشگاه پروردگارش، به خداوند پناه می‌برم.

أدعوك وكل من يطلب الحقيقة لتحمل فأساً كما حمله إبراهيم ، وتحطم كل الأصنام التي تعبد من دون الله، بما فيها الصنم الموجود بين جنبيك وهو الأنا.

شما و همه‌ی کسانی که در جست‌وجوی حق هسنتد را دعوت می‌کنم به اینکه مثل ابراهیم تبری بردارند و همه‌ی بت‌هایی را که به جای خداوند پرستیده می‌شوند، نابود کنند؛ از جمله بتی که در بین دو پهلوی شما قرار دارد که همان منیّت می‌باشد.

وأكثر من ذكر الله، واعلم أنك مهما أكثرت لن تعدوَ الغافلين حتى توالي ولي الله وتكون من الساجدين.

بسیار خداوند را یاد کنید و بدان، هر قدر خداوند را یاد کنید باز هم از غافلین می‌باشی تا ولىّ خدا را پیروی کنی و از سجده‌كننده‌ها باشى.

وأقل العرجة على الدنيا، واعلم أنك مهما زهدت فيها حريص حتى تقتحم العقبة، وتفك رقبتك من نار الدنيا والآخرة.

مِیل به دنیا را کم کن و بدان که هر قدر زهد پیشه کنی باز هم طمعی به دنیا هست تا اینکه از آن گردنه عبور کنی و خود را از آتش دنیا و آخرت، رهایی بخشی.

عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ: (قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ: ﴿**فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ**﴾، فَقَالَ: **مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِوَلَايَتِنَا فَقَدْ جَازَ الْعَقَبَةَ وَنَحْنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ الَّتِي مَنِ اقْتَحَمَهَا نَجَا،** قَالَ: فَسَكَتَ، فَقَالَ لِي: **فَهَلَّا أُفِيدُكَ حَرْفاً خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا ؟** قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: **قَوْلُهُ:** ﴿**فَكُّ رَقَبَةٍ﴾،** ثُمَّ قَالَ: **النَّاسُ كُلُّهُمْ عَبِيدُ النَّارِ غَيْرَكَ وَأَصْحَابِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فَكَّ رِقَابَكُمْ مِنَ النَّارِ بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْت**ِ) ([[20]](#footnote-20)). وقال عيسى : طوبى لمن لا يعثر بي.

ابان بن تغلب می‌گوید: به ابو عبد الله عرض کردم: فدایتان شوم، معنای آیه‌ی: «(**و از آن گردنه عبور نکرد**)» چیست؟ ایشان فرمودند: «**کسی که خداوند او را به ولایت ما گرامی بدارد از این گردنه عبور می‌کند. ما همان گردنه‌ای هستیم که هر کس بتواند از آن بگذرد نجات یافته است**». ابان می‌گوید: سکوت کرد و بعد به من فرمود: «**آیا سخنی را به تو بياموزم که از دنیا و هر آنچه در آن است برایتان ارزشمندتر و بهتر است**؟». گفتم: بله فدایتان گردم. ایشان فرمودند: «**خداوند فرموده است**: «(**آزاد کردن بنده‌ای**)» » سپس فرمود: «**همه‌ی مردم برده و بنده‌ی آتش‌اند غیر از تو و یارانت؛ چرا که خداوند شما را به خاطر ولایت ما اهل بیت** **از آتش جهنم رها ساخته است**»[[21]](#footnote-21) و عیسی فرمود: «**خوش به حال کسی که عليه من برنمى‌خيزد**».

انحر نفسك بين يدي ربك لتفوز اليوم وغداً بكأس لن تظمأ بعده أبداً، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ *﴿***إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شانِئَكَ هُوَ الأَْبْتَرُ***﴾*، وعن الإمام الرضا قال: (**سمعت أبي موسى بن جعفر، يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد، يقول: سمعت أبي محمد بن علي يقول: سمعت أبي علي بن الحسين، يقول: سمعت أبي الحسين بن علي، يقول: سمعت أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، يقول: سمعت النبي  يقول: سمعت الله عزّ وجل، يقول: لا إله إلاّ الله حصني، فمن دخل حصني أمن من عذابي، قال: فلما مرّت الراحلة نادانا: بشروطها، وأنا من شروطها**) ([[22]](#footnote-22)).

والحق أقول لكم: وأنا من شروطها.

خودت را در پیشگاه پروردگارت قربانی کن تا امروز و فردا به جامی برسی که پس از نوشیدن آن، دیگر هرگز تشنه نخواهى شد. **بِسْم الله الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ**: «(**ما کوثر را به تو عطا کرديم \* پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن \* که بدخواه تو، خود، ابتر است**)». امام رضا فرمود: «**از پدرم موسى بن جعفر شنيدم كه فرمود: از پدرم جعفر بن محمّد شنيدم كه فرمود: از پدرم محمّد بن على شنيدم كه فرمود: از پدرم على بن حسين شنيدم كه فرمود: از پدرم حسين بن على شنيدم كه فرمود: از پدرم على بن ابى طالب** **شنيدم كه فرمود: شنيدم رسول خدا** **فرمود: شنيدم خداوند عزوجل مى‌فرماید: لا اله الا الله دژ و قلعه‌ی استوار من است، هر کس وارد این قلعه شود از عذاب من در امان خواهد بود**». هنگامی که شتر به راه افتاد، امام رضا به ما فرمود: «**با شرایطی، و من از شرایط آن هستم**».

و حق را به شما مى‌گویم: و من از شرایط آن هستم.

أتيتكم باسم الإمام المهدي ، ولم أطلب مشيئتي بل مشيئة الذي أرسلني .. فمن لا يقبلني لا يقبل أبي الذي أرسلني. والحق أنّ من لا يكرم الابن لا يكرم الأب الذي أرسله.

به نام امام مهدى به سوی شما آمده‌ام و خواهان اراده و خواست خود نيستم بلكه خواهان اراده و خواست کسی هستم که مرا فرستاده است.... پس کسی که مرا قبول نکند، پدرى که مرا فرستاده را قبول نکرده است، و حقیقت این است: کسی که پسر را اکرام نکند پدرى كه او را فرستاده اكرام نكرده است.

لن أشكوكم إلى الله، بل سيشكوكم جدّي رسول الله ؛ لأنه وصّى بي وذكر اسمي ونسبي وصفتي.

از شما به خداوند شکایت نخواهم کرد بلکه جدّم رسول خدا از شما شکایت خواهد کرد؛ چرا که او مرا در وصيّت خود ذکر كرده است و اسم و نسب و ویژگی‌هایم را بیان فرموده است.

وسيشكوكم آبائي الأئمة؛ لأنهم ذكروني باسمي ونسبي وصفتي وسكني.

پدرانم ائمه از شما شکایت خواهند کرد چون آنها مرا به اسم، نَسَب، خصوصیات و محل سکونتم ذکر کرده‌اند.

وستشكوكم دماء الحسين التي سالت في كربلاء لله؛ ولأجل أبي ولأجلي.

خون امام حسین که در کربلا که به خاطر خداوند و برای پدرم و به خاطر من جاری شد، از شما شکایت خواهد کرد.

وسيشكوكم إشعيا وارميا ودانيال ويوحنا البربري؛ لأنهم بيّنوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، كل هذا وتخذلونني ؟

و اشعیا، ارمیا، دانیال و یوحنای بربری از شما شکایت خواهند کرد؛ چرا که آنها موضوع مرا از سال‌های طولانی پیش از این، برای اهل زمین روشن کرده‌اند. با همه‌ی اينها باز شما مرا تنها می‌گذارید؟!

أريد حياتكم ونجاتكم فأعينوني على أنفسكم، طوبى لمن ينحر نفسه بين يدي ربّه، طوبى لمن لا يعثر بي، طوبى للغرباء المجانين عند أهل الأرض، العقلاء عند أهل السماء.

من خواهان زندگی و نجات شما هستم، پس به خاطر خودتان مرا یاری کنید. خوش به حال کسی که خود را قربانیِ پروردگارش کند و خوش به حال کسی که علیه من برنخيزد و خوش به حال غريب‌هاى ديوانه از دید اهل زمین، كه در پیشگاه اهل آسمان، عاقلان‌اند.

إذا كنت تريد رؤية الإمام المهدي ، فأدعو بهذا الدعاء أربعين ليلة بعد منتصف الليل:

اگر می‌خواهی امام زمان را رؤیت کنی، چهل شب بعد از نیمه شب این دعا را بخوان:

بسم الله الرحمن الرحيم

(**اللهم أنت دليل المتحيرين، ومفزع المكروبين، وغياث المستغيثين، مالي إله غيرك فأدعوه، ولا شريك لك فأرجوه، صلِ على محمد وآل محمد واجعل لي من أمري فرجاً، واهدني لأقرب من هذا رشداً، قرعت بابك، وأنخت رحلي بساحة قدسك وجنابك، طالباً شهادتك، وأنا العبد الخسيس الذليل وأنت الرب العزيز الجليل، بيّن لي أمر أحمد الحسن بأوضح بيان، وأفصح لسان، فإن كان وليك، صدّقته وبايعته ونصرته، وإن كان عدوك، كذبته وحاربته، يا من أوحى للحواريين وشهد لهم بأنّ عيسى رسوله** *﴿***وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ***﴾*([[23]](#footnote-23))**،**

**به نام خداوند بخشاینده‌ی بخشایش‌گر**

**خداوندا! تویی راهنمای سرگشتگان و پناهگاه دردمندان و یاری‌گر یاری‌طلبان، جز تو خدایی ندارم که بخوانمش و هیچ شریکی نداری که چشم امید به او داشته باشم، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و گشایشی برای مشکل من فراهم فرما و مرا به نزدیک‌ترین راه رشد هدایت فرما، درب سرای تو را کوبیدم و بارَم را مقابل ساحت مقدّس تو و در جَنبِ تو بر زمین گذاشتم در حالی که خواهان گواهی و شهادت تو می‌باشم. من بنده‌ی خوارِ ذلیل هستم و تو پروردگار عزیزِ بزرگوار. مسأله‌ی احمد الحسن را برای من با واضح‌ترین بیان و گویاترین زبان، روشن فرما؛ که اگر از اولیای تو باشد او را تصدیق و با او بیعت و او را یاری می‌کنم ولی اگر دشمن تو باشد او را تکذیب می‌کنم و با او می‌جنگم. ای کسی که به حواریون وحی فرمود و برای آنها گواهی داد که عیسی** **فرستاده‌اش است:**« و به حواريّون وحی کردم: به من و به پيامبر من ايمان بياوريد. گفتند: ايمان آورديم، گواه باش که ما تسليم‌شدگانیم »[[24]](#footnote-24)،

**اشهد لي وبيّن لي هذا الأمر، فقد شهد شعري وبشري ولحمي ودمي وعظمي، وما أقلت الأرض مني وروحي، إنّ شهادتك أكبر شهادة** *﴿***قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ***﴾*([[25]](#footnote-25))**،** **يا من عرض نفسه للكافرين برسالة محمد  شاهداً، فقال:** *﴿***وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ***﴾*([[26]](#footnote-26))**،** *﴿***أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ***﴾*([[27]](#footnote-27))**،** *﴿***قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيراً بَصِيراً***﴾* **([[28]](#footnote-28))،**

**برای من هم گواهی دِه و این مسأله را برایم روشن فرما، پوست و مو و گوشت و خون و استخوانم و هر چه از روح و جسم من در زمین هست، شهادت می‌دهد که گواهیِ تو بزرگ‌ترین گواهی است:** « بگو: شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگ‌تر است؟ بگو: خدا ميان من و شما شهادت می‌دهد »[[29]](#footnote-29)، **ای کسی که خودش را برای کافرین برای رسالت محمد شاهد قرار داد و فرمود:** «و کافران می‌گويند که تو پيامبر نيستی. بگو: خدا برای شهادت ميان من و شما کافی است»[[30]](#footnote-30)، «يا می‌گويند: اين کتاب، دروغی است که خود بافته است. بگو: اگر من آن را چون دروغی به هم بافته باشم، شما نمی‌توانيد خشم خدا را از من باز داريد. خدا از آن طعن‌ها که به آن می‌زنيد آگاه‌تر است و شهادت او ميان من و شما کافی است و او است آمرزنده‌ی مهربان»[[31]](#footnote-31)، « بگو شهادت خدا ميان من و شما کافی است؛ زيرا او به بندگانش آگاه و بينا است »[[32]](#footnote-32)،

**فزهدوا بشهادتك، اشهد لي يا رب فإني لا أزهد بشهادتك، وأشهد أنّ الرؤيا حق من عندك، وطلائع وحيك، وكلماتك التي تفضلت بها على العالمين، يا من مدح إبراهيم وجعل النبوة في ذريته؛ لأنّه صدّق الرؤيا، فقلت سبحانك:** *﴿***وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ***﴾*([[33]](#footnote-33))**، ومدحت مريم، فقلت:** *﴿***وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا***﴾*([[34]](#footnote-34))**، يا من خاطب محمداً ، فقال:** *﴿***نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ  إِذْ قَالَ يُوسُفُ لَأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ***﴾*([[35]](#footnote-35))**،**

**آنها گواهی تو را نادیده گرفتند. پروردگارا، به من گواهی دِه که من گواه و شهادت تو را نادیده نمی‌گیرم و گواهی می‌دهم که رؤیا، واقعیت و حقی است از جانب تو و نشانه‌های وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضّل فرمودی. ای کسی که ابراهیم** **را مدح کردی و پیامبری را در نسل ایشان قرار دادی؛ چرا که ایشان رؤیا را تصدیق نمود و تو خدای سبحان فرمودی:**« ما ندايش داديم: ای ابراهيم \* رؤیا را تصدیق کردی و ما این چنین نيکوکاران را پاداش می‌دهيم »[[36]](#footnote-36)، **و مریم را مدح کردی و فرمودی:**« و مريم دختر عمران را که شرمگاه خويش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دميديم و او کلمات پروردگارش را تصديق کرد »[[37]](#footnote-37)، **ای کسی که محمّد** **را خطاب قرار دادی و فرمودى:**« با اين قرآن که به تو وحی کرده‌ايم، بهترين داستان را برايت حکايت می‌کنيم، که تو پیش از اين از بی‌خبران بودی \* آنگاه که يوسف به پدرش گفت: ای پدر، در خواب يازده ستاره و خورشيد و ماه را ديدم، ديدم که سجده‌ام می‌کنند»[[38]](#footnote-38)،

**فسميت الرؤيا أحسن القصص في كتابك الكريم، ومدحت من صدّق بها من أوليائك وأنبيائك ورسلك، وذممت من كذب بها وسماها أضغاث أحلام، فقلت وقولك الحق:** *﴿***اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ لاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ  بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ***﴾*([[39]](#footnote-39))**،**

**پس رؤیا را در کتاب گران‌قَدرت بهترین حکایت نامیدی و هر کس از اولیایت و پیامبران و فرستادگانت که رؤیا را باور و تصدیق کرد، مدح فرمودی و کسانی که آن را تکذیب کردند و آن را خواب و خیالی پریشان و بی‌اساس نامیدند، سرزنش نمودی و در حالی که سخن تو حق است، فرمودی:**« روز حساب مردم نزديک شد و آنان همچنان در غفلت روي‌گردانند \* از سوی پروردگارشان برايشان هيچ اندرز تازه‌ای نيامد، جز آنکه آن را شنيدند و سرگرم بازيچه بودند \* دل‌های‌شان به لهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش يکديگر نهادند و گفتند: آيا اين مرد جز اين است که انسانی همانند شما است؟ آيا با آنکه به چشم خود می‌بينيد، همچنان از پِیِ جادو می‌رويد؟ \* گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمين آگاه است و او شنوا و دانا است \* گفتند: نه، خواب‌های پريشان است، يا دروغی است که به هم می‌بافد يا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پيامبران پيشين داده شده بود، معجزه‌ای بياورد»[[40]](#footnote-40)،

**وقال ملأ فرعون وزبانيته:** *﴿***أَضْغَاثُ أَحْلامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلامِ بِعَالِمِينَ***﴾*([[41]](#footnote-41))**، وصدّق يوسف بالرؤيا وأوّلها فمدحته، وقلت سبحانك:** *﴿***يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ***﴾*([[42]](#footnote-42))**، اللهم اجعلني كأوليائك وأنبيائك ورسلك، أصدق بالرؤيا، طلائع وحيك وكلماتك التي تفضلت بها على العالمين، وأحسن القصص في كتابك، ولا أنقض عهدك ولا أخلف وعدك**).

**و فرعون و یارانش گفتند:** «اينها خواب‌های آشفته است و ما را به تعبير اين خواب‌ها، آگاهی نيست»**. یوسف رؤیا را تصدیق و آن را تأویل نمود و تو ای خدای سبحان او را ستودی و فرمودی:** «ای يوسف، ای مرد راست‌گوی»[[43]](#footnote-43)، **خداوندا! مرا همانندِ اولیایت و پیامبران و فرستادگانت قرار دِه تا رؤیا که شعاعی از وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضّل فرمودی و آن را بهترین حکایت در کتابت قرار دادی، باور کنم و عهد و پیمانم را با تو نشکنم و وعده‌ات را فراموش نکنم.**

ثم تقول: (**أغثني يا رب بحق فاطمة، ارحمني يا رب بحق فاطمة، اهدني يا رب بحق فاطمة**).

أحمد الحسن

سپس می‌گویی: **پروردگارا! به حق حضرت فاطمه** **یاریَم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه** **به من رحم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه** **مرا هدایت فرما**!

**احمد الحسن**

السؤال/ ١٥: أنتم الشيعة تقولون: بأنّ السفراء أربعة وانقطعت بعدها السفارة، فكيف تثبت بالدليل النقلي والعقلي من (القرآن، والتوراة، والإنجيل) بأنك سفير رقم (٥) ؟

reta jorj - امرأة مسيحية

٢٥/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می‌کنید که شما سفیر پنجم هستید**

شما شیعیان معتقدید که سفرای امام زمان چهار نفر هستند و بعد از آن، سفارت قطع شده است. چطور با دلیل عقلی و نقلی از قرآن، تورات و انجیل ثابت می‌کنيد که شما سفیر پنجم هستيد؟!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

في التوراة سفر الملوك الثاني الأصحاح الثاني: (وكان عند إصعاد الرب إيليا في العاصفة إلى السماء …… وأخذ إيليا رداءه ولفه وضرب الماء فانفلق إلى هنا وهناك فعبر كلاهما في اليبس ولما عبرا قال إيليا لليشع اطلب ماذا أفعل لك قبل أن أوخذ منك فقال اليشع ليكن نصيب اثنين من روحك علي فقال صعبت السؤال فإنّ رأيتني أوخذ منك يكون لك كذلك وإلاّ فلا يكون وفيما هما يسيران ويتكلمان إذا مركبة من نار وخيل نزلت ففصلت بينهما فصعد إيليا في العاصفة إلى السماء وكان اليشع يرى وهو يصرخ يا أبي يا أبي مركبة إسرائيل وفرسانها ولم يره بعد ...).

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

در تورات دوّمین سِفر پادشاهان اصحاح دوّم آمده است: «۱ و چون پروردگار اراده نمود تا ایلیا را در گردباد به آسمان برد.... ۸ و ایلیا ردایش را گرفت و آن را پیچاند و آن را به آب زد و آب به این سو و آن سو شکافته شد و هر دویشان به خشکی عبور نمودند ۹ و هنگامی که عبور کردند، ایلیا به یشع گفت: قبل از اینکه از تو گرفته شوم آنچه را می‌خواهی برایت انجام دهم، بخواه. پس یشع گفت: نصیب مضاعف روح تو بر من شود ۱۰ پس ایلیا گفت: درخواست بزرگی طلب نمودی! پس اگر هنگامی که من از نزد تو گرفته می‌شوم، مرا ببینی، برای تو چنین خواهد شد وگرنه نخواهد شد. ۱۱ و چون این دو راه می‌رفتند و صحبت می‌کردند، ناگهان ارابه‌ی آتشین و اسبان نزول کردند و بِینشان جدایی انداخت. پس ایلیا در گردباد به آسمان بالا رفت ۱۲ و یشع این صحنه را می‌دید و او فریاد می‌زد: پدر! پدر ! ارابه‌ی اسرائیل و سوارانش! و دیگر او را ندید....».

هذا هو حال نبي الله ورسوله إيليا وهو مرفوع، ولم يمت إلى الآن ويعمل في الأرض أعمالاً كثيرة لله سبحانه وتعالى، ولكن لا يراه أهل الأرض؛ لأنهم عميان وإن كانت عيونهم مفتوحة، وأيضاً نظير إيليا الخضر وهو أيضاً مرفوع وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض، وعيسى كذلك مرفوع وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض، والإمام المهدي محمد بن الحسن كذلك وله أعمال بأمر الله سبحانه في الأرض.

این وضعیت پیامبر خدا و فرستاده‌اش ایلیا است که مرفوع می‌باشد و تا حالا نمرده است و در زمین کارهای زیادی را برای خداوند سبحان و متعال انجام می‌دهد؛ ولی ساکنان زمین او را نمی‌بینند، چون کور هستند اگر چه چشمانشان باز است و نیز مانند ایلیا، خضر می‌باشد که او نیز مرفوع است و به دستور خداوند سبحان وظایفی در زمین دارد و همچنین عیسی که مرفوع است و اعمالی به امر خداوند سبحان در زمین دارد و امام مهدی محمد بن الحسن که او نیز مرفوع است و به امر خداوند سبحان، وظایفی در زمین دارد.

وفي بداية رفع عيسى أرسل أوصياءه ورسلاً من عنده لتثبيت الحق الذي جاء به من عند الله سبحانه ونشر دين الله في أرضه، ومن هؤلاء: شمعون الصفا، أو كما هو اسمه في الإنجيل سمعان بطرس، وكذلك يوحنا البربري، أو كما هو في الإنجيل يوحنا اللاهوتي.

در آغاز غیبت عیسی، جانشینان و فرستادگان وی فرستاده شدند تا حقیقتی را که عیسی از جانب خداوند آورده بود تثبیت کنند و دین خداوند را روی زمین منتشر نمایند. از جمله‌ی ایشان، «شمعون صفا» یا آن گونه که در انجیل نامیده شده است «سمعان پطرس» و همچنین «یوحنا بربری» که اسمش در انجیل «یوحنا لاهوتی» است، می‌باشند.

ثم إنّ الرسالة من عيسى انقطعت ولا يعني انقطاعها فترة من الزمن انقطاعها إلى الأبد، فلا يوجد دليل عقلي أو نقلي يؤيد هذا الغرض، بل الدليل على عكسه، وهو إرسال عيسى من يمثله إذا حان وقت عودته واقتربت القيامة الصغرى، وسأورد الدليل فيما يأتي إن شاء الله.

سپس رسالت عیسی متوقف شد؛ ولی اینکه مدتی رسالت ایشان متوقف شود به این معنی نیست که تا ابد خاتمه یافته است. هیچ دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که این موضوع را تأیید کند بلکه دلایلی وجود دارد که عکس این قضیه را ثابت می‌نماید؛ از جمله اینکه عیسی هنگام بازگشتش و نزدیک شدن قیامت صغری، کسی را که تمثیلی از او است، ارسال می‌کند؛ که انشاء الله دلیلش را خواهم آورد.

أمّا بالنسبة للإمام المهدي ، فقد أرسل سفراءه الأربعة في غيبته الصغرى التي استمرت ما يقارب السبعين عاماً، ثم انقطعت السفارة والإرسال من الإمام المهدي ، وأيضاً لا يدل انقطاعها فترة من الزمن انقطاعها إلى الأبد، بل الدليل على إرساله رسولاً عنه يمثله إذا اقترب قيامه وحان وقت القيامة الصغرى، وسأورد الدليل فيما يأتي إن شاء الله.

اما در خصوص امام مهدی، سفرای چهارگانه‌اش را در مدت غیبت صغری فرستاد؛ غیبتی که نزدیک هفتاد سال طول کشید. سپس سفارت و ارسال از جانب امام مهدی متوقف شد و در اینجا هم توقف برای مدتی به معنای خاتمه یافتن آن برای همیشه نیست؛ بلکه دلیلی وجود دارد که وقتی قیام امام مهدی نزدیک شود و هنگامه‌ی قیامت صغری برسد، فرستاده‌ای از جانب که خود تمثیلی از او می‌باشد، می‌فرستد، که انشاء الله دلیل را خواهم آورد.

والآن وقبل بحث مسألة الدليل على إرسالهم رسولاً عنهم يمثلهم، لنبحث أمر هؤلاء الأربعة، أي الخضر وإيليا وعيسى ومحمد بن الحسن المهدي  هل هم واحد أم أنهم مفترقون ؟

حال قبل از اینکه دلیل ارسال فرستاده‌ای از سوی ایشان که تمثیلی از این چهار نفر یعنی خضر، ایلیا، عیسی و محمد بن الحسن المهدی باشد را بیاورم، باید ببینیم که آیا مأموریت آنها یکی است یا با هم فرق می‌کند؟

والحق أنّ أمرهم واحد، وهم متحدون وغير مفترقين ولا اختلاف بينهم؛ لأنّ ربهم واحد ودينهم واحد وهو التسليم لله سبحانه، وجميعهم يدعون لله وبأمره يعملون، والحق الذي يدعون إليه واحد وغايتهم واحدة؛ وهي القيامة الصغرى، وهدفهم وغرضهم واحد؛ وهو نشر القسط والعدل والتوحيد وعبادة الله في هذه الأرض من حيث يريد سبحانه وتعالى، فهم متحدون لا اختلاف بينهم، ويطلبون غاية واحدة وهدفاً واحداً، وربهم وإلههم واحد، فلا بد أن يكون الرسول منهم جميعاً واحداً، وهو أيضاً رسول من الله؛ لأنهم بأمر الله يعملون، فمن يمثلهم يمثل الله، ومن يخلفهم في الأرض يخلف الله سبحانه؛ لأنهم خلفاء الله في أرضه.

حقیقت این است که مأموریت اینان یکی است و آنها متّحد هستند و هیچ اختلافی بین آنها وجود ندارد؛ چرا که پروردگارشان یکی و دینشان نیز یکی است؛ یعنی تسلیم شدن در برابر خداوند سبحان و متعال. همه‌ی آنها به سوی خداوند فرامی‌خوانند و به دستور و فرمان او عمل می‌کنند. حقیقتی که به آن فرا می‌خوانند یکی است و غایت آنها که همان قیامت صغری می‌باشد نیز یکسان است و هدفشان نیز یکی است؛ یعنی نشر عدالت و توحید و بندگی خداوند در روی زمین آن گونه که مورد پسند خداوند سبحان و متعال است. پس اینان متحدند و هیچ اختلافی بینشان نیست، غایت و هدف یکسانی را طلب می‌کنند و پروردگار و خدایشان نیز، یکی است، پس باید فرستاده‌ی همگی‌شان نیز یکی باشد و در عین حال، او فرستاده‌ای از جانب خداوند نیز می‌باشد؛ چرا که ایشان به فرمان خداوند عمل می‌کنند و نماینده‌ی آنها، نماینده‌ی خداوند و جانشین آنها روی زمین، جانشین خداوند می‌باشد؛ چرا که آنها، جانشینان خداوند در روی زمینش می‌باشند.

والآن لنورد الأدلة على أنهم يرسلون رسولاً عنهم  إذا حان وقت القيامة الصغرى ودولة العدل الإلهي، ولنكتفي ببعض الأدلة لضيق المقام عن التفصيل.

حال دلایلی را ارایه می‌نماییم که هنگام قیامت صغری و برپایی دولت عدل الهی، آنها فرستاده‌ای را از جانب خود می‌فرستند؛ فقط چند دلیل می‌آوریم و تفصیل مطلب در این مقام نمی‌گنجد.

الأول: في القرآن، وأحاديث الرسول محمد ، وأحاديث الأئمة .

**اوّل:** **در قرآن، احادیث پیامبر** **و احادیث ائمه**:

(أ) **في القرآن:**

١- قال تعالى: *﴿***فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّماءُ بِدُخانٍ مُبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هذا عَذابٌ أَلِيمٌ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرى وَقَدْ جاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ إِنَّا كاشِفُوا الْعَذابِ قَلِيلاً إِنَّكُمْ عائِدُونَ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ***﴾*([[44]](#footnote-44)).

**الف - در قرآن:**

**۱ -** خداوند متعال می‌فرماید: «(**چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بياورد \* و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و اين عذابی است دردآور \* ای پروردگار ما، اين عذاب را از ما دورگردان که ما ايمان آورده‌ايم \* کجا پند می‌پذيرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد \* سپس از او رويگردان شدند و گفتند: ديوانه‌ای است تعليم يافته \* عذاب را اندکی برمی‌داريم و شما باز به آيين خويش بازمی‌گرديد \* روزی آنها را به صولتی سخت فرو گيريم که ما انتقام گيرنده‌ايم**)»[[45]](#footnote-45).

وهذا الدخان عذاب، والعذاب يسبق برسالة، قال تعالى: *﴿***وَما كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولاً***﴾* ([[46]](#footnote-46)).

این دود، عذابی است و عذاب بعد از فرستاده شدن فرستاده‌ای واقع می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «(**و ما هيچ قومی را عذاب نمی‌کنيم تا آنگاه که برايشان فرستاده‌ای بفرستيم**)»[[47]](#footnote-47).

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب هو عقوبة على تكذيب رسول أرسل للمعذبين وهو بين أظهرهم، كما هو واضح من الآيات: *﴿***ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ***﴾*.

همچنین این دود یا عذاب، مجازات تکذیب کردن فرستاده‌ای است که برای آنها فرستاده شده در حالی که فرستاده، در میانشان است، همان طور که به وضوح در آیا قرآن مشخص می‌باشد: «(**سپس از او رويگردان شدند و گفتند: ديوانه‌ای است تعليم يافته**)».

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب يكشف لإيمان أهل الأرض بهذا الرسول بعد أن أظلهم، كما أظل العذاب قوم يونس أو يونان.

و نیز این دود یا عذاب پس از سایه افکندن، ایمان ساکنان زمین را به این فرستاده آشکار می‌کند همان طور که عذاب بر قوم یونس یا یونان سایه افکند.

وأيضاً هذا الدخان أو العذاب مقارن للقيامة الصغرى، بل هو البطشة الصغرى كما هو واضح في الآية، فليس بعده إلاّ البطشة الكبرى والانتقام من الظالمين.

همچنین این دود یا عذاب، مقارن با قیامت صغری می‌باشد و همان گونه که در آیه واضح است، همان حمله‌ی کوچک (بطشه صغری) می‌باشد و پس از آن چیزی جز حمله‌ی بزرگ (بطشه کبری) و انتقام از ظالمین نخواهد بود.

إذن فالدخان من علامات قيام القائم ([[48]](#footnote-48))، وهذا ورد عن الأئمة ، وهو مقترن برسول، بل هو بسبب تكذيب أهل الأرض لهذا الرسول، فهو عقوبة لهم *﴿***أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرى وَ قَدْ جاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ***﴾*.

بنابراین دود (دخان) از نشانه‌های قیام قائم که در سخنان ائمه نقل شده است و هم‌زمان با آمدن فرستاده‌ای می‌باشد؛ بلکه به دلیل تکذیب این فرستاده از سوی ساکنان زمین واقع می‌شود. پس عقوبتی برای آنها می‌باشد: «(**کجا پند می‌پذيرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد**)».

فمن هو هذا الرسول ؟ ومن مرسل هذا الرسول ؟

این فرستاده کیست؟ ارسال‌کننده‌ی این فرستاده کیست؟

٢- وقال تعالى: *﴿***بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ  يُسَبِّحُ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَما فِي الأَْرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الأُْمِّيِّينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ مُبِينٍ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ***﴾*([[49]](#footnote-49)).

**۲ -** خداوند متعال می‌فرماید: «(**به نام خدای بخشاينده‌ی مهربان. خدا را تسبيح می‌گويند هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمين است، آن فرمانروای پاک پیروزمند حکیم را \* او است خدايی که ميان مردمی بی‌کتاب، پيامبری از خودشان مبعوث داشت تا آياتش را بر آنها بخواند و کتاب و حکمتشان بياموزد اگر چه پيش از آن در گمراهی آشکار بودند \* و بر گروهی ديگر که هنوز به آنها نپيوسته‌اند و پيروزمندِ حکيم است \* اين نعمت خداوند است که به هر که خواهد ارزانيش دارد و خدا را بخشايشی است بزرگ**)»[[50]](#footnote-50).

أي وآخرين منهم لما يلحقوا بهم، سيرسل فيهم رسولاً منهم، يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة ....

یعنی بر گروهی ديگر که هنوز به آنها نپيوسته‌اند، در بینشان فرستاده‌ای از خودشان خواهد فرستاد تا آیات خداوند را بر آنان بخواند و آنها را پاک سازد و به آنان کتاب الهی و حکمت خداوند را بیاموزد.

وقطعاً لا يمكن أن يكون محمداً  هو أيضاً يتلو على الآخرين الذين يأتون بعد رجوعه إلى الله، فلا بد أن يكون هناك رسول وأيضاً في الأميين، أي في أم القرى في زمانه، وله هذه الصفات يتلو الآيات ويزكي الناس، أي يطهرهم فينظرون في ملكوت السماوات ويعلمهم الكتاب والحكمة.

به طور قطع امکان ندارد حضرت محمّد بعد از رحلتش به سوی خداوند آیات خداوند را بر دیگران (نسل‌های بعدی) بخواند، پس باید بعد از او فرستاده‌ای باشد؛ فرستاده‌ای از امیّین یعنی امّ القرای زمان خودش و این صفات را داشته باشد که آیات خداوند را تلاوت کند و مردم را پاک سازد؛ یعنی آنها را پاکیزه گرداند تا در ملکوت آسمان‌ها نظاره کنند، و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد.

٣- قال تعالى: *﴿***وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لا يُظْلَمُونَ***﴾*([[51]](#footnote-51)).

**۳ -** خداوند می‌فرماید: «(**و هر امّتی فرستاده‌ای دارد و چون فرستاده‌شان بيامد، کارها ميانشان به عدالت فيصله يافت و مورد ستم واقع نشدند**)»[[52]](#footnote-52).

وفي الحديث عن جابر، عن أبي جعفر ، قال: (سألته عن تفسير هذه الآية: *﴿***لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لا يُظْلَمُونَ***﴾*، قال : (**تفسيرها بالباطن، أن لكل قرن من هذه الأمة رسولاً من آل محمد، يخرج إلى القرن الذي هو إليهم رسول، وهم الأولياء وهم الرسل، وأمّا قوله:** *﴿***فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ***﴾*، قال: **معناه إنّ الرسل يقضون بالقسط وهم لا يظلمون كما قال الله**) ([[53]](#footnote-53)).

جابر از امام باقر روایت می‌کند: از تفسیر اين آیه پرسیدم: «**وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِی بَینَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لا یظْلَمُونَ**». فرمود: «**تفسیر باطنی آن این است که در هر قرنی برای این امّت، فرستاده‌ای از خاندان محمّد** **به سوی قرنی که او فرستاده‌ی آن است، خروج می‌کند. آنها اولیا و فرستادگان‌اند و اما این سخن خداوند**«**إِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِی بَینَهُمْ بِالْقِسْطِ» این است که فرستادگان با قسط و عدالت قضاوت و رهبری می‌کنند و همان‌طور که خداوند می‌فرماید، آنها مورد ظلم واقع نمی‌شوند**»[[54]](#footnote-54).

وهذا يكفي للاختصار، وإلاّ فإنّ الأمر سيطول إذا استعرضنا الأدلة القرآنية.

این موارد به اختصار، کفایت می‌کند و اگر بخواهیم دلایل قرآنی را برشمریم مطلب به درازا خواهد کشید.

(ب) عن الرسول محمد  وردت أحاديث كثيرة نقلها الشيعة والسنة تدل على وجود مهدي وقائم يسبق الإمام المهدي ، وهو متصل به، ورسول منه ، وهو يمينه ووصيه.

**ب** - از حضرت محمّد احادیث زیادی از طریق شیعه و سنّی نقل شده است که دلالت بر وجود یک مهدی و قائم قبل از امام مهدی می‌نمایند؛ او با امام زمان در ارتباط است و فرستاده‌ی وی و دست راستش و وصیّش می‌باشد.

ووصية رسول الله  دالة على هذا الشخص باسمه وصفته، وإنّه المهدي الأول، واسمه أحمد، ومن ذرية الإمام المهدي .

وصیّت رسول اکرم به این شخص با اسم و صفت هدایت می‌کند؛ اینکه او مهدی اول است، نامش احمد و از نسل امام مهدی می‌باشد.

ووصف الأئمة  أيضاً هذا الشخص الذي يرسله الإمام المهدي باسمه ومسكنه وصفاته، واسمه أحمد ومن البصرة و... و... وأعتذر عن نقل الأحاديث للاختصار، ولمزيد من المعلومات راجعي الكتب الصادرة عن أنصار الإمام المهدي ، ومنها: البلاغ المبين، والرد الحاسم، والرد القاصم، وبعض البيانات التي تعرّضت فيها لبعض هذه الروايات التي نقلها كبار علماء الشيعة منذ مئات السنين، عن الرسول والأئمة كما نقل بعضها علماء السنة في كتبهم.

ائمه نیز این شخصی که امام مهدی او را می‌فرستد با اسم، محل سکونت و ویژگی‌هایش توصیف کرده‌اند؛ نامش احمد است، از بصره و.... و.... به جهت اختصار، از نقل احادیث معذورم، برای اطلاعات بیشتر به کتاب‌های منتشر شده‌ی انصار امام مهدی مراجعه کنید مانند «البلاغ المبین»، «الرد الحاسم» و «الرد القاصم» و بعضی از بیانیه‌هایی که در آنها به برخی از این روایات اشاره شده است؛ روایاتی که بزرگان علمای شیعه از صدها سال پیش از رسول خدا و ائمه روایت می‌کنند و بعضی از این روایت‌ها را علمای سنّی نیز در کتاب‌هایشان روایت نموده‌اند.

ثانياً : **في التوراة.**

٢- سفر إشعيا: (فيرفع راية للأمم من بعيد ويصفر لهم من أقصى الأرض فإذا هم بالعجلة يأتون سريعاً ليس فيهم رازح ولا عاثر لا ينعسون ولا ينامون ولا تنحل حزم أحقائهم ولا تنقطع سيور أحذيتهم الذين سهامهم مسنونة وجميع قسيهم ممدودة حوافر خيلهم تحسب كالصوان وبكراتهم كالزوبعة لهم زمجرة كاللبوة ويزمجرون كالشبل ويهرون ويمسكون الفريسة ويستخلصونها ولا منقذ يهرون عليهم في ذلك اليوم كهدير البحر ...) ([[55]](#footnote-55)).

**دوّم: در تورات**

**۲ -** سِفر إشعیا: «۲۶ پس پرچمی برای امّت‌های دور دست برپا می‌شود و از جای جای زمین برایشان فریاد خواهد زد ۲۷ ناگهان آنان به سرعت می‌آیند در حالی که در میان آنها شخص از پا افتاده‌ای وجود ندارد، نه چرت می‌زنند و نه می‌خوابند نه کمربندشان و نه بند کفششان پاره نمی‌شود ۲۸ کسانی که نوک تیرهایشان تیز و سُم اسب‌هایشان چون سنگ خارا است و چرخ‌هایشان مثل طوفان شمرده خواهد شد ۲۹ جوانانشان مثل طوفان هستند. مثل بچه شیر می‌غرند و به سرعت شکار خود را به چنگ می‌آورند و به سلامت می‌برند و رهاننده‌ای نخواهد بود ۳۰ و در آن روز بر ایشان چون دریا شورش خواهند کرد....»[[56]](#footnote-56).

وهذه الصفات أي لا ينامون ... و... و...، هي صفات أصحاب القائم كما في الروايات عن آل محمد  ([[57]](#footnote-57))، فمن هو رافع الراية (فيرفع راية للأمم) ؟!

این ویژگی‌ها یعنی نمی‌خوابند و.... و.... و.... خصوصیات اصحاب قائم می‌باشد همان گونه که در روایات از آل محمد نقل شده است[[58]](#footnote-58). حال برپا کننده‌ی پرچم کیست؟ (پرچم را برای امّت‌ها برخواهد افراشت)؛

أي الذي يطلب البيعة ويجمع الأنصار للإمام المهدي وعيسى وإيليا والخضر .

یعنی کسی كه از مردم بیعت می‌خواهد و انصار و یاران را برای امام مهدی و عیسی و ایلیا و خضر گرد خواهد آورد.

الأصحاح الحادي عشر: (ويخرج قضيب من جذع يسّى وينبت غصن من أصوله ويحل عليه روح الرب روح الحكمة والفهم روح المشورة والقوة روح المعرفة ومخافة الرب ولذته تكون في مخافة الرب فلا يقضي بحسب نظر عينيه ولا يحكم بحسب سمع أُذنيه بل يقضي بالعدل للمساكين ويحكم بالإنصاف لبائسي الأرض ويضرب الأرض بقضيب فمه ويميت المنافق بنفخة شفتيه ويكون البر منطقة متنيه والأمانة منطقة حقويه. فيسكن الذئب مع الخروف ويربض النمر مع الجدي والعجل مع الشبل ... لا يسوؤون ولا يفسدون في كل جبل قدسي لأنّ الأرض تمتلئ من معرفة الرب كما تغطي المياه البحر.

باب یازدهم: «۱ و از تنه‌ی یسّی شاخه‌ای خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت ۲ و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند ۳ و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود، صرفاً بر وفق مشاهده‌ی چشمش قضاوت نمی‌کند و موافق سمع گوش‌هایش حکم نمی‌دهد ۴ بلکه مسکینان را با عدالت داوری خواهد کرد و در میان بی‌نوایان زمین با انصاف حکم خواهد راند. زمین را با عصای دهانش می‌زند و منافق با نفس لب‌هایش خواهد مرد ۵ کمربند کمرش، عدالت و کمربند میانش، امانت خواهد بود ۶ پس گرگ با گوسفندان سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله با شیر.... ۹ و در تمام کوه مقدس من، فساد نمی‌کنند و کار زشتی انجام نمی‌دهند زیرا زمین از معرفت پروردگار پُر می‌شود همان طور که آب، دریا را می‌پوشاند ۱۰

ويكون في ذلك اليوم أن أصل يسّى القائم راية للشعوب إياه تطلب الأمم ويكون محله مجداً...) ([[59]](#footnote-59)).

و در آن روز ریشه‌ی یسّی به عنوان پرچمی برای مردم برپا خواهد شد و امّت‌ها فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود»[[60]](#footnote-60).

وهذه الأحداث كلها ملائمة للقيامة الصغرى، ولم تحدث فيما مضى ولا تحدث إلاّ في دولة العدل الإلهي.

تمام این حوادث با قیامت صغری مناسبت دارد و در گذشته اتفاق نیفتاده است و جز در دولت عدالت الهی اتفاق نمی‌افتد.

أمّا يسّى وهو في التوراة معروف أنه والد نبي الله داوود ، وأم الإمام المهدي من ذرية داوود .

اما یسّی در تورات شناخته شده است؛ او پدر پیامبر خدا داوود است و مادر امام مهدی از نسل داوود می‌باشد.

وقصتها باختصار شديد: (إنّها أميرة جدّها قيصر الروم رأت في المنام نبي الله عيسى ووصيه شمعون الصفا والرسول محمد ، وخطبها الرسول محمد  من عيسى لولده الإمام الحسن العسكري ، فقال عيسى لشمعون الصفا أو سمعان بطرس: قد جاءك شرف عظيم؛ لأنها من ذرية شمعون الصفا (سمعان بطرس) وصي عيسى ، ورأت بعد ذلك رؤى كثيرة، وعرّضت نفسها للسبي، وحصلت لها معجزات كثيرة حتى وصلت إلى دار الإمام علي الهادي ، فزوجها من ابنه الإمام الحسن العسكري ، وولدت له الإمام محمد بن الحسن المهدي ([[61]](#footnote-61)).

داستان آن به صورت کاملاً خلاصه به شرح زیر می‌باشد: «او ملکه‌ای است که جدّش قیصر روم می‌باشد. در خواب، عیسی و جانشین وی یعنی شمعون صفا و محمّد را می‌بیند و حضرت محمّد او را از حضرت عیسی برای فرزندش امام حسن عسکری خواستگاری می‌کند. عیسی به شمعون صفا (سمعان بطرس) می‌گوید: افتخار بزرگی نصیبت شده است؛ چرا که وی (مادر امام زمان) از نوادگان شمعون صفا (سمعان بطرس)، وصی و جانشین عیسی می‌باشد. بعد از این رؤیا، رؤیاهای زیادی می‌بیند، خودش را اسیر می‌کند و معجزه‌های زیادی برایش اتفاق می‌افتد تا به خانه‌ی امام علی هادی می‌رسد و آن حضرت وی را به همسری فرزندش امام حسن عسکری درمی‌آورد و از او امام محمّد بن الحسن المهدی متولد می‌شود»[[62]](#footnote-62).

فالإمام المهدي محمد بن الحسن العسكري من ذرية إسرائيل (يعقوب ) من جهة الأم، ومن ذرية محمد  من جهة الأب.

پس امام مهدی محمد بن الحسن العسکری از ناحیه‌ی مادری جزو نوادگان اسرائیل (یعقوب) و از ناحیه‌ی پدری از نوادگان محمّد به شمار می‌رود.

فيصدق عليه أنه قضيب من جذع يسّى.

پس اینکه حضرت مهدی شاخه‌ای از تنه‌ی یسّی است، بر او صدق می‌کند.

كما يصدق على المهدي الأول من المهديين الاثني عشر أنه غصن يخرج من ذاك القضيب من جذع يسّى؛ لأنه من ذرية الإمام المهدي .

همان گونه که این مورد بر مهدی اوّل از مهدیون دوازده‌گانه نیز صدق می‌کند؛ چرا که او نیز شاخه‌ای است که از شاخه‌ای از تنه‌ی یسّی بیرون می‌آید؛ چرا که او از نسل امام مهدی است.

والمهدي الأول والذي اسمه أحمد كما في الروايات عن الرسول محمد  والأئمة ، هو رسول الإمام المهدي ووصيه ويمينه، وأول مؤمن به عند بداية ظهوره قبل قيامه بالسيف ([[63]](#footnote-63))، وأكتفي بهذا القدر للاختصار، وإذا أردتِ المزيد اقرئي في التوراة في سفر إشعيا الأصحاح الثالث عشر، والثاني والأربعين، والثالث والأربعين، والرابع الأربعين، والتاسع والأربعين، والثالث والستين، والخامس والستين، والسادس والستين وتدبريها جيداً.

مهدی اوّل که طبق روایات رسول اکرم و ائمه، نامش احمد است، فرستاده‌ی امام مهدی و وصی و نیز دست راست وی می‌باشد و اولین کسی است که در آغاز ظهورش، قبل از اینکه با شمشیر قیام کند به وی ایمان می‌آورد. به جهت اختصار، به این مقدار بسنده می‌کنم. اگر خواستار توضیحات بیشتر هستی به تورات سِفر اشعیا، اصحاح‌های سیزدهم، چهل و دوم، چهل و سوم، چهل و چهارم، چل و نهم، شصت و سوم، شصت و پنجم و شصت و ششم مراجعه نما و در آنها به خوبی تدبّر کن.

٢- سفر دانيال: الأصحاح الثاني: (... أنت أيها الملك كنت تنتظر وإذا بتمثال عظيم ...... كنت تنظر إلى أنه قطع حجر بغير يدين فضرب التمثال على قدميه التي من حديد وخزف فسحقهما فانسحق حينئذ الحديد والخزف والنحاس والفضة والذهب معاً وصارت كعصافة البيدر في الصيف فحملتها الريح فلم يوجد لها مكان أمّا الحجر الذي ضرب التمثال صار جبلاً كبيراً وملأ الأرض كلها .....) ([[64]](#footnote-64)).

**۲ -** سفر دانیال اصحاح دوّم: «.... ۳۱ ای پادشاه تو در خواب مجسمه‌ی بزرگی دیدی.... ۳۴ وقتی تو به آن نگاه می‌کردی، سنگی بدون این که کسی به آن دست بزند، به پاهای گلی و آهنین آن مجسمه اصابت کرد و آن مجسمه را درهم شکست. ۳۵ آن‌گاه آهن، گِل، برنج، نقره و طلا همه با هم خُرد شدند و باد ذرات آن را همچون گرد و غباری که در تابستان از کاه خرمن برمی‌خیزد چنان پراکند که دیگر اثری از آن بر جای نماند. اما آن سنگی که به مجسمه برخورد کرد آن قدر بزرگ شد که مانند کوه بزرگی گردید و سراسر روی زمین را پوشانید....»[[65]](#footnote-65).

فهذا الحجر الذي يقضي على مملكة الطاغوت والشيطان في هذه الأرض هو رسول من الإمام المهدي ومن عيسى وإيليا والخضر .

این سنگی که حکومت طاغوت و شیطان را از بین می‌برد، فرستاده‌ای از سوی امام مهدی و عیسی و ایلیا و خضر می‌باشد.

الأصحاح السابع: (أجاب دانيال وقال كنت أرى في رؤياي ليلاً وإذا بأربع رياح السماء هجمت على البحر الكبير \* وصعد من البحر أربعة حيوانات عظيمة هذا مخالف ذاك \* الأول كالأسد وله جناحا نسر \* وكنت انظر حتى أُنتتف جناحاه وانتصب على الأرض وأوقف على رجلين كإنسان وأعطي قلب إنسان \* وإذا بحيوان آخر ثان شبيه بالدب فارتفع على جنب واحد وفي فمه ثلاث أَضلُع بين أسنانه فقالوا له هكذا قم كل لحماً كثيراً \* وبعد هذا كنت أرى وإذا بآخر مثل النمر وله على ظهره أربعة أجنحة طائر. وكان للحيوان أربعة رؤوس وأعطي سلطاناً \* بعد هذا كنت أرى في رؤى الليل وإذا بحيوان رابع هائل وقوي وشديد جداً وله أسنان من حديد كبيرة. أكل وسحق وداس الباقي برجليه. وكان مخالف لكل الحيوانات الذين قبله. وله عشرة قرون \* كنت متأملاً بالقرون وإذا بقرن آخر صغير طلع بينها وقلعت ثلاثة من القرون الأولى من قدامه وإذا بعيون كعيون الإنسان في هذا القرن وفم متكلم بعظائم \*

باب هفتم: «۲ دانيال پاسخ داد و گفت: شبگاهان در عالم رؤيا ديدم كه ناگاه چهار باد آسمان بر دريای عظيم تاختند ۳ و چهار حیوان بزرگ كه با هم فرق داشتند از دريا بيرون آمدند ۴ اولین آنها مثل شير بود و بال‌های عقاب داشت و من نظر كردم تا بال‌هايش كنده شد و بر زمین برخاست و بر پايهای خود مثل انسان قرار گرفت و قلب انسان به او داده شد ۵ و اينك حیوان دوم مثل خرس بود و بر يک طرف خود بلند شد و در دهانش در ميان دندان‌هايش سه دنده بود و وی را چنين گفتند: برخيز و گوشت بسيار بخور ۶ بعد از آن نگريستم و اينک مثل پلنگ بود كه بر پشتش چهار بال پرنده داشت و اين حیوان وحشی چهار سر داشت و سلطنت به او داده شد ۷ بعد از آن در رؤياهای شب نظر كردم و اينک وحش چهارم كه هولناک و مهيب و بسيار زورآور بود و دندان‌های بزرگ آهنين داشت و باقی‌مانده را می‌خورد و پاره پاره می‌كرد و با پاهایش پايمال می‌نمود و با همه‌ی وحوشی كه قبل از او بودند، فرق داشت و او ده شاخ داشت ۸ پس در اين شاخ‌ها تأمّل می‌نمودم كه اينک از ميان آنها شاخ كوچک ديگری برآمد و پيش رويش سه شاخ از آن شاخ‌های اول از ريشه كنده شد و اينک اين شاخ، چشمانی مانند چشم انسان و دهانی كه به سخنان تكبرآميز متكلّم بود، داشت

كنت آري أنه وضعت عروش وجلس القديم الأيام لباسه أبيض كالثلج وشعر رأسه كالصوف النقي وعرشه لهيب نار وبكراته نار متقدة \* نهر نار جرى وخرج من قدامه. ألوف ألوف تخدمه وربوات ربوات وقوف قدامه. فجلس الدين وفتحت الأسفار \* كنت أنظر حين أذن من أجل صوت الكلمات العظيمة التي تكلم بها القرن. كنت أرى إلى أن قتل الحيوان وهلك جسمه ودفع لوقيد النار \* أمّا باقي الحيوانات فنزع عنهم سلطانهم ولكن أعطوا طول حياة إلى زمان ووقت \* كنت أرى في رؤى الليل وإذا مع سحب السماء مثل ابن إنسان أتى وجاء إلى القديم الأيام فقربوه قدامه \* فأعطي سلطاناً ومجداً وملكوتاً لتتعبد له كل الشعوب والأمم والألسنة. سلطانه سلطان أبدي ما لن يزول وملكوته ما لا ينقرض \*  أمّا أنا دانيال فحزنت روحي في وسط جسمي وأفزعتني رؤى رأسي \* فاقتربت إلى واحد من الوقوف وطلبت منه الحقيقة في كل هذا. فاخبرني وعرفني تفسير الأمور \*

۹ و نظر می‌كردم تا كرسی‌ها برقرار شد و قديم‌الايام جلوس فرمود. لباسش مثل برف سفيد و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله‌های آتش و چرخ‌هایش آتش ملتهب بود ۱۰ نهری از آتش جاری شده، از پيش روی او بيرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می‌كردند و كرورها كرور به حضور وی ايستاده بودند. ديوان برپا شد و دفترها گشوده گرديد ۱۱ آنگاه نظر كردم به سبب سخنان تكبّرآميزی كه آن شاخ می‌گفت. پس نگريستم تا آن وحش كشته شد و جسد او هلاک گرديده، به آتش مشتعل تسليم شد ۱۲ اما ساير وحوش، سلطنت از ايشان گرفته شد، لكن درازی عمر به ایشان داده شد، تا زمانی و وقتی ۱۳ در رؤيای شب نگريستم و اينک مَثَل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قديم الايام رسيد و او را به حضور وی آوردند ۱۴ و سلطنت و جلال و ملكوت به او داده شد تا جميع قوم‌ها و امّت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمايند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملكوت او زايل نخواهد شد ۱۵ اما روح من دانيال در جسدم مدهوش شد و رؤياهای سرم مرا مضطرب ساخت ۱۶ و به يكی از حاضرين نزديک شده، حقيقت اين همه امور را از وی پرسيدم. او به من تكلم نموده، تفسير امور را برایم بيان كرد

هؤلاء الحيوانات العظيمة التي هي أربع ملوك يقومون على الأرض \* أمّا قديسوا العلي فيأخذون المملكة ويمتلكون المملكة إلى الأبد وإلى أبد الآبدين \* حينئذٍ رمت الحقيقة من جهة الحيوان الرابع الذي كان مخالفاً لكلها وهائلاً جدّاً وأسنانه من حديد وأظفاره من نحاس وقد أكل وسحق وداس الباقي برجليه \* وعن القرون العشرة التي برأسه وعن الآخر الذي طلع فسقطت قدامه ثلاثة وهذا القرن له عيون وفم متكلم بعظائم ومنظره أشد من رفاقه \* وكنت أنظر وإذا هذا القرن يحارب القديسين فغلبهم حتى جاء القديم الأيام وأعطي الدين لقديسي العلي وبلغ الوقت فأمتلك القديسون المملكة \*

۱۷ كه اين وحوش عظيمی كه عدد ايشان چهار است، چهار پادشاه می‌باشند كه از زمين خواهند برخاست ۱۸ اما مقدسان حضرت اعلی سلطنت را خواهند گرفت و مملكت را تا به ابد و تا ابدالآبدین متصرّف خواهند بود ۱۹ آنگاه آرزو داشتم كه حقيقت امر را درباره‌ی وحش چهارم كه مخالف همه‌ی ديگران و بسيار هولناک بود و دندان‌های آهنين و چنگال‌های برنجين داشت و سايرين را می‌خورد و پاره پاره می‌كرد و با پاهایش پايمال می‌نمود، بدانم ۲۰ و كيفيّت ده شاخ را كه بر سر او بود و آن ديگری را كه برآمد و پيش روی او سه شاخ افتاد، يعنی آن شاخی كه چشمان و دهانی را كه سخنان تكبّرآميز می‌گفت داشت و نمايش او از رفقايش سخت‌تر بود ۲۱ پس ملاحظه كردم و اين شاخ با مقدّسان جنگ كرده، بر ايشان استيلا يافت ۲۲ تا حينی كه قديم الايام آمد و داوری به مقدّسان حضرت اعلی تسليم شد و زمانی رسيد كه مقدّسان ملكوت را به تصرّف آوردند

فقال هكذا أمّا الحيوان الرابع فتكون مملكة رابعة على الأرض مخالفة لسائر الممالك فتأكل الأرض كلها وتدوسها وتسحقها \* والقرون العشرة من هذه المملكة هي عشرة ملوك يقومون ويقوم بعدهم آخر وهو مخالف الأولين ويذل ثلاثة ملوك ويتكلم بكلام ضد العلي ويبلي قديسي العلي ويظن أنه يغير الأوقات والسنة ويسلمون ليده إلى زمان وأزمنة ونصف زمان \* فيجلس الدين وينزعون عنه سلطانه ليفنوا ويبيدوا إلى المنتهى \* والمملكة والسلطان وعظمة المملكة تحت كل السماء تعطى لشعب قديسي العلي. ملكوته ملكوت أبدي وجميع السلاطين إياه يعبدون ويطيعون \* إلى هنا نهاية الأمر) ([[66]](#footnote-66)).

۲۳ پس او چنين گفت: اما وحش چهارم، چهارمین سلطنت بر زمين خواهد بود و با همه‌ی سلطنت‌ها متفاوت خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پايمال نموده، پاره پاره خواهد كرد ۲۴ و ده شاخِ اين مملكت، ده پادشاه می‌باشند كه خواهند برخاست و ديگری بعد از ايشان خواهد برخاست و او مخالف اولين خواهد بود و سه پادشاه را به زير خواهد افكند ۲۵ و سخنان بر ضدّ حضرت اعلی خواهد گفت و مقدّسان حضرت اعلی را ذليل خواهد ساخت و قصد تبديل نمودن زمان‌ها و شرايع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسليم خواهند شد ۲۶ پس ديوان برپا خواهد شد و سلطنت او را از او گرفته، آن را تا به انتها تباه و تلف خواهند نمود ۲۷ و ملكوت و سلطنت و حشمت مملكتی كه زير تمامی آسمان‌ها است به قوم مقدّسان حضرت اعلی داده خواهد شد كه ملكوت او ملكوت جاودانی است و جميع ممالكت فقط او را عبادت و اطاعت خواهند نمود ۲۸ انتهای امر تا به اينجا است....»[[67]](#footnote-67).

والأسد وله جناحان يرمز إلى الإمبراطورية الإنجليزية التي قامت في أوربا وشعارها هو الأسد وله جناحان، وأمّا الدب فهو شعار السوفيت، وأكل لحماً كثيراًً، أي قتل كثير من الناس ...... أمّا الحيوان الرابع الذي من الحديد فهو الإمبراطورية الأمريكية التي داست الآن كل الأرض وهيمنت على كل الأرض بالسلاح والمال.

شیری با دو بال اشاره به امپراطوری انگلستان دارد كه در اروپا قد علم كرد و سمبلش شیری با دو بال می‌باشد. امّا خرس نمادِ شوروی است كه گوشت زیادی می‌خورد یعنی مردمان زیادی را كشته است.... ولی حیوان چهارم که از آهن است، امپراطوری آمریكا می‌باشد كه با اسلحه و ثروت به همه جای این دنیا تسلط پیدا كرده است و آن را لگد کوب می‌کند.

أمّا قديم الأيام فهو الإمام المهدي ، ونهاية أمريكا كما قال دانيال تدفع لوقيد النار إن شاء الله.

قدیم الایّام همان امام مهدی است و همان طور که دانیال گفته است، در نهایت آمریکا در آتش خواهد سوخت، ان شاء الله.

والإمام المهدي وعيسى وإيليا والخضر  يأتون في القيامة الصغرى وهي حساب وعذاب ونقمة على الظالمين، فهل يصح العذاب والنقمة قبل الإنذار ؟ فمن المنذر ؟

امام مهدی و عیسی و ایلیا و خضر در قیامت صغری می‌آیند؛ قیامتی که حساب، عذاب و نقمتی است برای ظالمان. آیا عذاب و نقمت قبل از هشدار دادن، درست است؟ پس بیم‌دهنده كیست؟‌

لابد أن يكون هناك رسول منهم  يبشر وينذر الناس بين أيديهم، أي قبل ظهورهم، ويكفي هذا من التوراة للاختصار.

پس باید فرستاده‌ای قبل از ظهور ایشان باشد تا مردم را بیم و بشارت دهد. این مقدار به اختصار از تورات كافی است.

\* \* \*

ثالثاً : **في الإنجيل.**

إنجيل متى الأصحاح الرابع والعشرين : (......... (٦) وسوف تسمعون بحروب وأخبار حروب .......... (١٥) فمتى نظرتم رجسة الخراب التي قال عنها دانيال النبي قائمة في المكان المقدس ....... (٢٢) ولكن لأجل المختارين تقصر تلك الأيام ... لأنه كما أنّ البرق يخرج من المشارق ويظهر إلى المغارب هكذا يكون أيضاً مجيء ابن الإنسان .... وللوقت بعد ضيق تلك الأيام تظلم الشمس والقمر لا يعطي ضوءه .... ).

**سوّم: در انجیل**

انجیل متی باب بیست و چهارم: «و ... ۶ و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید.... ۱۵ پس چون مكروه ویرانی را كه به زبان دانیال نبی گفته شده و در مكان مقدس موجود است ببینید.... ۲۲ ولی به خاطر برگزیدگان آن روزها كوتاه خواهد شد.... زیرا همچنان كه برق از مشرق‌ها ساطع شده تا به مغرب‌ها ظاهر می‌شود آمدن پسر انسان نیز اینچنین خواهد بود.... و ‌بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد....».

وفي هذا الأصحاح علامات القيامة الصغرى يذكرها عيسى ، كما ذكرها الرسول محمد والأئمة ، حروب وكسوف وخسوف ([[68]](#footnote-68))،...... ورجسة الخراب (أمريكا) .... والمهم أنّه عبّر عن بداية ظهوره من المشرق إلى المغرب، والمشرق نسبةً إلى مكان عيسى في ذلك الزمان يكون العراق، والبرق الذي خرج من المشرق وظهر في المغرب هو إبراهيم، حيث خرج من العراق وظهر في الأرض المقدسة.

در این باب، عیسی نشانه های قیامت صغری را ذكر می‌كند همان طور كه رسول خدا حضرت محمد و ائمه ذكر كرده‌اند، جنگ‌ها، خورشید گرفتگی، ماه‌گرفتگی[[69]](#footnote-69).... و مكروه ویرانی (آمریكا).... مهّم این است كه وی در آغاز ظهورش از مشرق به سمت مغرب حركت می‌كند و مشرق نسبت به مكان عیسی در آن زمان عراق مى‌باشد، و نوری كه از مشرق خارج و در مغرب ظاهر شده ابراهیم است كه از عراق خارج و در سرزمین مقدس ظاهر شده است.

وقد قال عيسى عن يوحنا (يحيى): بأنه إيليا، أي مَثَل إيليا (ولكني أقول لكم أنّ إيليا قد جاء ولم يعرفوه بل عملوا به كل ما أرادوا. كذلك ابن الإنسان أيضاً سوف يتألم منهم حينئذٍ فهم التلاميذ أنه قال لهم عن يوحنا المعمدان) ([[70]](#footnote-70)).

و عیسی‌ درباره‌ی یوحنا (یحیی) گفته كه او ایلیا یا مَثَل ایلیا است؛ «ولی اکنون به شما می‌گویم كه ایلیا آمده است و او را نشناختند بلكه آنچه خواستند با وی انجام دادند. به همین صورت پسر انسان نیز از ایشان آزار و اذیت خواهد دید. گویا شاگردان دریافتند كه درباره‌ی یحیی تعمید دهنده به ایشان سخن می‌گفت....»[[71]](#footnote-71).

وقال عيسى عن يوحنا : (وإن أردتم أن تقبلوا فهذا هو إيليا المزمع يأتي من له أذنان للسمع فليسمع) ([[72]](#footnote-72)).

عيسى درباره‌ی يوحنا می‌فرماید: «اگر خواستید قبول كنید این همان ایلیا است که انتظار آمدنش وجود دارد، هر كه گوش شنوا دارد بیاید و بشنود»[[73]](#footnote-73).

لذا فإنّ الرسول الذي يرسله الإمام المهدي ومن معه، وهم عيسى وإيليا والخضر، وخروجه من العراق، يمكن أن يقال عنه أنه خروج عيسى بهذا المعنى، كما أنّ خروج يوحنا كان يمثل خروج إيليا في مرحلة معينة ويمكن أن يكون هذا الرسول من أمة أخرى، بل هو كذلك كما قال عيسى : (لذلك أقول لكم إنّ ملكوت الله ينزع منكم ويعطي لأمة تعمل أثماره) ([[74]](#footnote-74)).

بنابراين خروج فرستاده‌ای كه امام مهدی و کسانی كه با او هستند یعنی عیسی و ایلیا و خضر می‌فرستند، از عراق خواهد بود، و می‌توان به این معنی، خروج او را خروج عیسی دانست، همان گونه که خروج یوحنا در یک مرحله‌ی مشخص بیانگر خروج ایلیا بود و ممكن است این فرستاده از ملّت دیگری باشد همانطور كه عیسی می‌فرماید: «از این رو به شما می‌گویم كه ملكوت خداوند از شما گرفته مى‌شود و به امّتی كه به ثمره‌اش عمل می‌کند، عطا خواهد شد»[[75]](#footnote-75).

وقال عيسى : (لذلك كونوا أنتم أيضاً مستعدين لأنّه في ساعة لا تظنون يأتي ابن الإنسان فمن هو العبد الأمين الحكيم الذي أقامه سيده على خدمه ليعطيهم الطعام (أي العلم والمعرفة والحكمة) في حينه طوبي لذلك العبد الذي إذا جاء سيده يجده يفعل هكذا)([[76]](#footnote-76)).

و عیسی فرمود: «پس شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی كه گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید. پس آن غلام امین دانا كیست كه آقایش او را تعيين كرده است تا بر بنده‌هايش طعام (يا همان علم و معرفت و حكمت) دهد. در اين حال خوشا به حال آن غلامی كه چون آقایش آید او را در چنین كاری مشغول یابد»[[77]](#footnote-77).

فمن هو هذا العبد الأمين الحكيم ؟ إلاّ أن يكون رسولاً من الإمام المهدي ومن عيسى وإيليا والخضر .

این غلام امین دانا كیست؟ جز فرستاده‌ای از جانب امام مهدی، عیسی، ایلیا و خضر؟

وقال عيسى: ( وأمّا الآن فأنا ماضي للذي أرسلني وليس أحد منكم يسألني أين تمضي ولكن لأني قلت لكم هذا قد ملأ الحزن قلوبكم لكن أقول لكم الحق إنّه خير لكم أن انطلق لأنه إن لم انطلق لا يأتيكم المُعزّي، ولكن إن ذهبت أُرسله إليكم ومتى جاء ذاك يبكت العالم على خطيئة وعلى بر وعلى دينونة؛ أمّا على خطيئة فلأنهم لا يؤمنون بي؛ وأمّا على بر فلأني ذاهب إلى أبي ولا ترونني أيضاً؛ وأمّا على دينونة فلأن رئيس هذا العالم قد دين) ([[78]](#footnote-78)).

و عیسی فرمود: «۵ امّا الآن نزد فرستنده‌ی خود می‌روم و كسی از شما از من نپرسد به كجا می‌روی ۶ وليكن چون اين را به شما گفتم، دل شما از غم پُر شده است ۷ و من به شما راست می‌گويم كه رفتن من برای شما بهتر است؛ زيرا اگر نروم تسلّی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم ۸ و چون او آيد، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود ۹ اما بر گناه؛ زيرا آنها به من ايمان نمی‌آورند ۱۰ و اما بر عدالت، از آن سبب كه نزد پدر خود می‌روم و ديگر مرا نخواهيد ديد ۱۱ و امّا بر داوری، از آن رو كه بر رئيس اين جهان حكم شده است»[[79]](#footnote-79).

فمن هذا المُعزّي الذي يرسل ؟ ومن هذا الذي يبكت العالم على خطاياهم وتكذيبهم الأنبياء والرسل وقتلهم، وعلى تركهم حق الأنبياء ووصاياهم، وعلى تضيعهم حظهم في القيامة الصغرى، وخذلانهم رئيس هذا العالم وهو الإمام المهدي ، وقال عيسى : (إنّ لي أمور كثيرة أيضاً لأقول لكم ولكن لا تستطيعون أن تحملوا الآن، وأمّا متى جاء ذاك روح الحق فهو يرشدكم إلى جميع الحق لأنه لا يتكلم من نفسه بل كل ما يسمع يتكلم به ويخبركم بأمور كثيرة ذلك يمجدني لأنه يأخذ مما لي ويخبركم) ([[80]](#footnote-80)).

این تسلّی‌دهنده كه فرستاده می‌شود كیست؟ و این فردی كه اهل جهان را به جهت گناهانشان و تكذیب انبیا و رسولان و قتل آنان و نپذیرفتن حقیقت انبیا و وصيّت‌هايشان و برای ضایع کردن بهره‌ی آنها در قیامت صغری و بی‌حرمتی‌شان به رئیس این جهان یعنی امام مهدی سرزنش و توبیخ می‌كند، کیست؟ عیسی می‌فرماید: «۱۲ و بسيار چيزهای ديگر نيز دارم که به شما بگويم، ولی الآن طاقت تحمّل‌شان را نداريد ۱۳ ولی هنگامی که او يعنی روحِ راستی آيد، شما را به جميع راستی هدايت خواهد كرد زيرا كه از خود تكّلم نمی‌كند بلكه فقط به آنچه شنيده است سخن خواهد گفت و از امور بسیاری به شما خبر خواهد داد ۱۴ او مرا جلال خواهد داد زيرا آنچه از آنِ من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد»[[81]](#footnote-81).

وعن أبي عبد الله ، قال: (**العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين، حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً**) ([[82]](#footnote-82)).

از ابو عبد الله روایت شده است كه فرمود: «**علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چیزی كه انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم،‌ ظهور كند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج می‌کند و آن را بین مردم منتشر می‌كند و این دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منشتر شود**»[[83]](#footnote-83).

وأظن ما تقدّم وإن كان مختصراً يكفي لمن يطلب الحق والحقيقة، وإذا أردتِ المزيد ففي رؤيا يوحنا اللاهوتي الكثير لمن يطلب الحقيقة، لم أتعرض له للاختصار.

فكر می‌كنم توضيحاتی كه دادم هر چند مختصر بود ولی برای كسی كه طالب حق و حقیقت است كافی باشد. اگر توضیحات بیشترى خواستید در رؤیای یوحنای لاهوتی مطالب بسیاری برای كسی كه طالب حقیقت است وجود دارد و من جهت اختصار از آوردن‌شان صرف نظر می‌کنم.

وأذكرك أنّ اليهود لما بعث الله عيسى قالوا: ( أ من الناصرة يخرج شيء صالح )([[84]](#footnote-84))، وقالوا: (فتش وانظر إنه لم يقم نبي من الجليل)([[85]](#footnote-85))، وقالوا: (وهل المسيح من الجليل يأتي ألم يقل الكتاب إنه من نسل داوود من بيت لحم القرية التي كان داوود فيها يأتي المسيح) ([[86]](#footnote-86)).

یادآور می‌شوم هنگامی که عیسی مبعوث شد، یهود گفتند: «آیا از ناصره چیز صالحی خارج می‌شود؟»[[87]](#footnote-87) و گفتند: «تحقیق کنید و ببینید که هیچ پیغمبری از جلیل نبوده است»[[88]](#footnote-88) و گفتند: «و آیا مسیح از جلیل می‌آید؟ آیا کتاب نگفت که او از نسل داوود از بیت لحم است؟ مسیح از روستایی که داوود در آن بوده است، می‌آید؟»[[89]](#footnote-89).

وأخيراً نصيحتي لكِ أن تتدبري هذه الكلمات ... في التوراة مكتوب: (توكل عليّ بكل قلبك ولا تعتمد على فهمك في كل طريق اعرفني وأنا أقوم سبيلك، ولا تحسب نفسك حكيماً، أكرمني وأدب نفسك بقولي).

أحمد الحسن

و در انتها نصیحت من به شما این است كه در این سخنان نیک بیندیشی.... در تورات آمده است: «با تمام قلبت به من توکّل كن و به فهم و اندیشه‌ی خود اعتماد مكن. در همه‌ی راه‌ها مرا بشناس و من راه را به تو نشان خواهم داد. خود را حكیم مپندار، مرا گرامی بدار و خودت را با سخن من تأدیب نما».

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١٦: ممكن أن تكون هناك قوى تسيطر على القوى الواهمة في اللاشعور عندك، تبث لك هذا الإحساس ؟

reta jorj- امرأة مسيحية

٢٥/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱۶: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟**

آيا ممكن است كه در وجود شما نیرویی بر قدرت ذهن شما تسلط پیدا کرده و در شما چنین احساسی به وجود آورده باشد؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

قال عيسى : (الذي من الله يسمع كلام الله لذلك أنتم لستم تسمعون لأنكم لستم من الله. فأجاب اليهود وقالوا له ألسنا نقول حسناً إنك سامري وبك شيطان. أجاب يسوع، أنا ليس بي شيطان ولكني أكرم أبي وأنتم تهينونني لست أطلب مجدي يوجد من يطلب ويدين، الحق الحق أقول لكم إنّ كان أحد يحفظ كلامي فلن يرى الموت إلى الأبد) ([[90]](#footnote-90)).

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم والحمد لله رب العالمین**

عیسی فرمود: «۴۷ كسی كه از خدا باشد، كلام خدا را می‌شنود. شما از این رو كلام خدا را نمی‌شنوید که از خدا نیستيد. ۴۸ قوم یهود در پاسخ گفتند: آیا خوب نگفتیم كه تو سامری هستی و یک دیو داری. ۴۹ یسوع در پاسخ گفت: من دیو ندارم، لكن پدر خود را حرمت می‌دارم و شما مرا بی‌حرمت می‌سازید ۵۰ من مجد خودم را طالب نیستم ولی كسی هست كه می‌طلبد و داوری می‌كند. ۵۱ حقیقت، حقیقت را به شما می‌گویم كه اگر كسی كلام مرا حفظ کند تا ابد مرگ را نخواهد دید»[[91]](#footnote-91).

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١٧: آمل أن لا تنزعج من كلامي، وآسفة إذا بدرت من أسئلتي شيء يسئ الأدب، وأكرر شكري وامتناني على اهتمامك، فهذا دليل على روح أخلاقك العالية، في رعاية الأب والابن وروح القدس.

reta jorj - امرأة مسيحية

٢٥/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱۷: این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است.**

امیدوارم از سخنان من ناراحت نشده باشید و از اینکه در سؤال‌هایم جانب ادب رعایت نشده است، متأسفم. مجدداً از شما سپاس‌گزارم كه بر من منّت گذاشتید و عنایت فرمودید و این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است. در پناه پدر، پسر و روح القدس!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

لا أنزعج … ولكني حزين لأجلكم، فقد تهتم يا أهل الأرض في صحراء المادة، كما تاه بنو إسرائيل في صحراء سيناء.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم والحمد لله رب العالمین**

ناراحت نمی‌شوم.... ولی ناراحتی من به خاطر شما است؛ زيرا شما اى اهل زمين در صحراى ماديات سرگردان شده‌ايد همان گونه كه قوم بنى‌اسرائيل در صحراى سينا سرگردان شده بودند.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١٨: تحية طيبة إلى السيد أحمد الحسن ... السلام عليكم

وصلتني جميع أجوبتك، وأنا شاكرة وممتنة لاهتمامك بي ... ولكن حيرني شيء مهم، وهو أنك تريد معرفة مستواي الدراسي والديني، وأنت القائل: (أنا اعرف بالإنجيل من أهله والتوراة وقرآنكم ...الخ) فكيف لا يعلمك إمامك ... ؟؟؟ بمن أنا ومستواي الدراسي لكي تثبت لأمثالي حقيقة ما تقول، فما هو الجواب ؟؟؟ مع فائق تقديري وحبّي واحترامي, فليرعاك الرب ويحرسك. reta jorj ا - مرأة مسيحية

٢٣/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۱۸: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم چقدر است؟!**

درود بر سید احمد الحسن.... سلام علیكم

تمام پاسخ‌هایتان را دریافت كردم، متشكر و ممنونم از اینكه به من توجّه فرمودید.... ولی موضوع مهمی باعث تعجب من شده است؛ اینكه شما می‌خواهید سطح تحصیلات و میزان پایبندی من به دین را بدانید در حالی كه شما می‌گویید «من بهتر از مسیحیان، انجیل می‌دانم و همچنین تورات و قرآن را از شما بهتر می‌دانم....» چگونه است كه امام شما به شما نیاموخته است....؟‌ تا بدانی كه من چه کسی هستم و تحصیلاتم چقدر است تا حقیقت آنچه را كه می‌گویید به امثال من نشان دهید؟! پاسختان چیست؟ با تشكر فراوان و احترام و تقدیم دوستیِ من به شما. در امان خدا باشید.

reta Jorj - زن مسیحی - ۲۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

(وكذلك رؤساء الكهنة أيضاً وهم يستهزئون مع الكتبة والشيوخ قالوا خلص آخرين وأمّا نفسه فما يقدر أن يخلصها إن كان هو ملك إسرائيل فلينـزل الآن عن الصليب فنؤمن به، قد اتكل على الله فلينقذه الآن إن أراده).

وهل كان من ينظر إلى موسى يجهل أنّ في يمينه عصى ؟ فكيف بالله سبحانه ؟ فلماذا سأله ما تلك بيمينك يا موسى ؟

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم والحمد لله رب العالمین**

«و همچنين رؤسای كاهنان به همراه كاتبان و شیوخ با مسخرگی گفتند، دیگران را نجات داد ولی قادر نبود خود را نجات دهد؛ اگر او پادشاه یهود است، باید حالا از صلیب پایین بیاید تا به او ایمان بیاوریم. به خدا توكل كرد، اگر از او بخواهد باید او را نجات دهد».

اگر کسی موسی را ببیند آيا نمى‌داند در دستش عصا دارد؟ خداوند سبحان چطور؟ پس چرا پرسید: در دست چه داری، ای موسی؟

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ١٩: السلام عليكم ورحمة الله تعالى وبركاته

أتمنى لو تتفضلون علينا بإيضاح أكثر من مسألة، وهي: أنتم وصي الإمام أم ابن له ؟

فايز العراقي

٢٢/ صفر/ ١٤٢٦  هـ . ق

**پرسش ۱۹: آیا شما وصیّ امام مهدی هستی یا فرزند او؟**

**سلام علیكم ورحمة الله تعالى وبركاته**

امیدوارم لطف بفرمایيد و این مسأله را واضح‌تر بیان نمایید: آیا شما وصیّ و جانشین امام هستید یا فرزند او؟

فایز العراقی - ۲۲ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

إنّ السيد أحمد الحسن هو رسول الإمام المهدي محمد بن الحسن (عليهما السلام) إلى الناس كافة، وكذلك هو أول أوصياء المهدي الاثني عشر بعد وفاته ، كما جاء في الخبر أنّ بعد المهدي اثني عشر مهدياً ([[92]](#footnote-92))، وإنّ السيد أحمد الحسن هو من ذرية الإمام المهدي ، أي إنّ الإمام المهدي هو جدّه، ويصح القول أنّ السيد أحمد الحسن هو ابن الإمام المهدي، أي من نسل الإمام المهدي، وأن أجداد السيد أحمد الحسن بينه وبين الإمام المهدي كلهم ليسوا على قيد الحياة إلاّ الإمام محمد بن الحسن نفسه - مكن الله له في أرضه -، كما يقال لمن ينتسب لرسول الله  أنّه ابنه.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم والحمد لله رب العالمین، السلام علیكم ورحمة الله وبركاته**

سید احمد الحسن فرستاده‌ی امام مهدی محمّد بن الحسن به سوی همه‌ی مردم و همچنین اوّلین وصی از اوصیای دوازده‌گانه‌ی امام مهدی بعد از وفاتش می‌باشد؛ همان گونه كه در خبر آمده است كه بعد از حضرت مهدی دوازده مهدی می‌باشند[[93]](#footnote-93). سید احمد الحسن از نوادگان امام مهدی نیز هست؛ یعنی امام مهدی جدّ او می‌باشد. این درست است كه گفته می‌شود سید احمد الحسن فرزند امام مهدی است ولی منظور، فرزند بلاواسطه نیست بلکه از نسل امام مهد می‌باشد؛ همان طور که کسی که منتسب به رسول الله باشد گفته می‌شود فرزند او است. اجداد سید احمد الحسن تا امام مهدی همگی وفات یافته‌اند غیر از امام مهدی، که خداوند در زمین تمکینش دهد.

كما أنّ الإمام المهدي مراراً يتلفظ بكلمة - بُـني - عند حديثه مع السيد أحمد الحسن كما ورد في أحد البيانات، حيث ورد - بني فديتك عجّـل - يمكنك البحث عنها في شريط البحث ([[94]](#footnote-94)).

همانگونه كه امام مهدی بارها هنگام سخن گفتن با سید احمد الحسن عبارت «بُنیَّ» (پسرکم) را به زبان می‌آورده است؛ همان گونه که در یکی از بیانات ایشان این گونه روایت شده است: «**پسرم فدایت شوم عجله كن**....». می‌توانی از طریق نوار صوتی آن بررسی نمایید[[95]](#footnote-95).

وهو أول المهديين، وهو أول المؤمنين بدعوة الإمام المهدي .

أنصار الإمام المهدي

مكن الله له في الأرض

او اوّلین مهدی از مهدیّون دوازده‌گانه و اوّلین ایمان آورنده به دعوت امام مهدی می‌باشد.

**انصار امام مهدی**

**که خداوند در زمین تمکینش دهد**

\* \* \*

السؤال/ ٢٠: كيف أستطيع الإفادة من قصّة موسى في رحلة لقائه بالخضر ، في رحلة لقائي بالمهدي ؟

علاء رزاق

٤/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۰: نکاتی از داستان موسی در سفرش برای دیدار با حضر**

چگونه می‌توانم از داستان موسی در سفرش برای دیدار با خضر در سفرِ دیدارمان با امام مهدی بهره‌مند شویم؟

علاء رزاق - ۴ ربیع الأول ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الجواب موجود في الموقع في المكتبة: كتاب المتشابهات، الجزء الثالث مقتبس من جواب السؤال الرابع، الذي أجابه السيد أحمد الحسن كما في أدناه.

أنصار الأمام المهدي

مكن الله له في الأرض

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم**

پاسخ در سایت مکتب موجود است: كتاب متشابهات جلد سوّم برگرفته از پاسخ سؤال چهارم كه سید احمد الحسن در ذیل آن پاسخ داده است.

**انصار امام مهدی**

**که خداوند در زمین تمکینش دهد**

أمّا قصة العالم مع موسى …… ولزمان القائم سفينة وغلام وجدار تحته كنز أيضاً، أمّا السفينة وهي لأصحاب القائم فتعاب لتحفظ من الطواغيت (**يظهر في شبهة ليستبين**)، أي القائم كما ورد عنهم  ([[96]](#footnote-96))، وأمّا الغلام فيقتل؛ لأنّ باطنه أسود ومصاب بداء إبليس (لعنه الله) أنا خير منه ([[97]](#footnote-97))، وقد ورد عنهم  أنّ القائم يقتل أحد من يعملون بين يديه ومن المقربين منه ([[98]](#footnote-98))، وأمّا الكنز فيخرج من تحت الجدار ويبث في الناس وهو علم آل محمد .

اما داستان عالِم با موسی.... در زمان قائم‌ نیز کشتی، پسر و دیواری که زیرش گنج بود نیز وجود خواهد داشت. کشتی که متعلق به اصحاب قائم‌ است، معیوب می‌شود تا از گزند طاغوتیان در امان بماند: «(**با شُبهه آشکار می‌گردد تا آشکار گردد**)» ، یعنی قائم‌؛ که این معنا در روایات ائمه‌ آمده است[[99]](#footnote-99). اما پسر، کشته می‌شود زیرا باطنی سیاه دارد و به درد ابلیس لعنت الله گرفتار است: «(**من از او بهترم**)»[[100]](#footnote-100)؛ از ائمه‌ روایت شده است که قائم‌ یکی از کسانی که در کنار او کار می‌کند و از مقرّبین حضرتش است را می‌کشد[[101]](#footnote-101). اما گنج، عِلم آل محمد‌ است که از زیر دیوار بیرون کشیده و بین مردم نشر داده می‌شود.

عن الصادق : (**العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً**) ([[102]](#footnote-102)).

از امام صادق‌ روایت شده است که فرمود: «**علم بیست و هفت حرف است و همه‌ی آنچه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف است و مردم تا امروز جز آن دو حرف را نمی‌شناسند**. **هنگامی که قائم ما قیام کند**، **بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را بین مردم نشر می‌دهد**، **و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و بیست و هفت حرف را منتشر می‌سازد**»[[103]](#footnote-103).

قول أمير المؤمنين : وفيكم مثله ([[104]](#footnote-104))، يعني القائم فإنّه يدعو الناس فيقولون له: إرجع يا ابن فاطمة، ثم يدعو الناس في الثانية فيقولون:

و سخن امیر المؤمنین: در میان شما شبیه او (ذو القرنین) وجود دارد[[105]](#footnote-105)؛ یعنی قائم که مردم را دعوت می‌كند و مردم به او می‌گویند: ای پسر فاطمه برگرد. برای بار دوّم مردم را دعوت می‌كند و مردم به او می‌گویند:

إرجع يا ابن فاطمة ([[106]](#footnote-106))، وفي الثالثة يمكنه الله من أعناقهم فيقتل فيهم حتى يرضى الله سبحانه وتعالى ([[107]](#footnote-107))، وحتى يقول له أحد المقربين منه: إنّك تجفل الناس إجفال النعم ([[108]](#footnote-108))، وحتى يقول الناس: هذا ليس من آل محمد ، لو كان من آل محمد لرحم كما ورد في الروايات عنهم ([[109]](#footnote-109)).

ای پسر فاطمه، برگرد[[110]](#footnote-110). اما در مرتبه‌ی سوّم خداوند وی را بر آنها چیره می‌سازد و آنقدر از آنها می‌كشد تا خداوند سبحان و متعال خوشنود گردد[[111]](#footnote-111)؛ تا جایی که یكی از نزدیكان وی می‌گوید: تو مردم را به مانند گله‌ی چهارپایان فراری می‌دهی[[112]](#footnote-112) و تا جایی که مردم می‌گویند: این شخص از آل محمّد نیست؛ چرا که اگر از آل محمّد می‌بود ترحّم می‌نمود؛ همان طور که در روایات از ایشان نقل شده است[[113]](#footnote-113).

أرجو أن يكون ما ذكرته نافعاً للمؤمنين، وإن كان في هذه القصص الثلاث أسرار كثيرة جدّاً لم أسلط الضوء عليها ([[114]](#footnote-114)).

امیدوارم آنچه گفتم برای مؤمنان سودمند باشد و هر چند در این قصه‌های سه‌گانه رازهای بسیاری نهفته است که آنها را بیان ننموده‌ام[[115]](#footnote-115).

والنتيجة التي أريد أن أبينها هي أن هذه القصص الثلاث مرتبطة ارتباطاً وثيقاً مع القائم ومع أصحابه ومع علامات ظهوره.

نتیجه‌ای كه می‌خواهم بیان كنم این است كه این قصه‌های سه‌گانه ارتباط تنگاتنگی با قائم و یارانش و علایم ظهورش دارد.

كان هذا جواب السيد أحمد الحسن في المتشابهات.

این پاسخ سید احمد الحسن بود.

\* \* \*

السؤال/ ٢١: أرجو إعطائي السيرة الذاتية للسيد أحمد الحسن ؟

بكر السكيني

٢٥/ صفر/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۱: زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن**

لطفاً زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن را بیان نمایید؟

بكر السكینی - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

يرجى من أصحاب الموقع التفضّل بتزويدنا بالسيرة الذاتية للسيد الجليل أحمد الحسن (دام ظله) مع صورة شخصية إن أمكن، سددكم الله.

طالب خيري

١٦/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ. ق

**بسم الله الرحمن الرحیم**

از كاركنان سایت در خواست می‌شود بر ما تفضّل نموده، زندگی‌نامه‌ی سید بزرگوار احمد الحسن که سایه‌اش مستدام باد و در صورت امکان همراه با عكس ایشان، در اختیار ما قرار دهند. خداوند شما را تسدید فرماید!

طالب خیری - ۱۶ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

١- مولود في البصرة في العراق.

٢- خريج كلية الهندسة / الهندسة المدنية.

٣- درس في الحوزة العلمية في النجف الأشرف.

٤- أرسله الإمام المهدي للإصلاح في الحوزة العلمية في النجف الأشرف قبل حوالي أكثر من خمس سنوات، ومارس عملية الإصلاح العلمي والعملي والاقتصادي في الحوزة وفي المجتمع عموماً.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**۱-** در بصره در عراق به دنیا آمده است.

**۲-** فارغ التحصیل دانشكده‌ی مهندسی / مهندسی شهرسازی است.

**۳-** در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف درس خوانده است.

**۴-** امام مهدی حدود پنج سال پیش او را برای اصلاح حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف ارسال فرمود و كارهایى از قبيل اصلاح عِلمى، عَمَلى و اقتصادى در حوزه و به طور کلی در جامعه به انجام رسانید.

(أ) الإصلاح العلمي: وذلك لأنّ الحوزة لا يدرّس فيها القرآن، فدرّس القرآن فيها ونشر قضية الإمام المهدي .

**الف - اصلاح علمی**: از آنجا که در حوزه قرآن تدریس نمی‌شد، قرآن را در حوزه تدریس نمود و قضیه‌ی امام مهدی را انتشار داد.

(ب) صرّح علناً بعد تنجيس صدام الكافر للقرآن الكريم بأنّ صداماً فعل هذا تقرّباً للشيطان الرجيم، وتعرّض بسبب هذا التصريح للمطاردة من قبل قوات صدام الكافرة، وهو الوحيد في النجف الذي تكفّل هذا الأمر بقوّة، وقال: إنّ صداماً كتب موته بيده، وكتب نهاية حكمه بيده عندما كتب القرآن بالدم النجس. واعترض على علماء النجف وعلماء المسلمين عموماً لسكوتهم على هذا الفعل الشنيع من صدام الكافر.

**ب -** بعد از اینكه صدام، قرآن را با خون نجسش نوشت صریحاً اعلام كرد كه صدام این كار را به قصد نزدیک شدن به شیطان رجیم انجام داده است و به جهت همین تصریح در كلام از طرف نیروهای صدام كافر مورد تعقیب قرار گرفت. او تنها كسی بود كه در نجف این اقدام را با اقتدار تمام بر عهده گرفت و بیان نمود که صدام با دست خودش حكم مرگش را امضا كرده و به حكومتش پایان داده است؛ یعنی هنگامی كه قرآن را با خون نجسش نوشت، و به علمای نجف و به طور کلی به همه‌ی علمای مسلمانان به خاطر سكوتشان در برابر این اقدام ناپسند صدام کافر، اعتراض نمود.

(ج) الإصلاح العملي: وذلك لترك الحوزة للأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والاهتمام بأحوال الناس، وكان يصدع بكل مكان في الحوزة بضرورة الاهتمام بأحوال الناس الدينية والمعاشية، ورفع الظلم والحيف عنهم.

**ج -‌ اصلاح عملی**: به این جهت بود كه حوزه‌ی علمیه، امر به معروف و نهی از منكر و اهتمام به امور مردم را ترک کرده بود و آشکارا به همه‌ی قسمت‌ها می‌فرمود كه به امور دینی و دنیوی مردم و‌ رفع ظلم و ستم از آنها بپردازند.

(د) الإصلاح الاقتصادي: قام بما يعرف بالثورة ضد الفساد المالي في الحوزة العلمية، وقد نصره في هذا الأمر كثير من طلبة الحوزة، ودخل في يوم على أحد وكلاء المراجع ومعه أكثر من ثلاثين طالباً، وطلب منه إبلاغ ذلك المرجع بالفساد المالي وضرورة إصلاحه، كما أرسل طلبة من الحوزة العلمية إلى المراجع، وطالبهم بإصلاح الفساد المالي الموجود في برانياتهم المتمثل بإغداق الأموال على وكلائهم وترك الفقراء والأيتام والأرامل يتضورون جوعاً.

**د - اصلاح اقتصادی**: به آنچه به نام انقلاب علیه فساد مالی در حوزه‌ی علمیه معروف شد، اقدام نمود. در این مورد بسیاری از طلاب حوزه او را يارى كردند. روزی نزدِ یكى از وکلای مراجع رفت و در حالی که بیش از سی نفر از طلاب او را همراهی می‌كردند، از آن وکیل خواستند تا فساد مالی آن مرجع را منتشر كند و ضرورت اصلاح آن را یادآور شد. همچنین طلّاب را از حوزه‌ی علمیه به سوی مراجع فرستاد تا از آنها بخواهد فساد مالی موجود در خزینه‌هایشان را اصلاح كنند زیرا اموالشان را به وکلایشان می‌بخشیدند و فقیران و یتیمان و بیوه‌زنان كه از گرسنگی به خود می‌پیچیدند را رها کرده بودند.

(هـ) وقبل ثلاث سنوات تقريباً في عهد الطاغية صدام أعلن أنّه رسول الإمام المهدي، فطاردته قوات صدام الكافرة، فأنجاه الله بفضله سبحانه وتعالى من يد هذا الطاغية، وهو الآن يدعو إلى الإمام المهدي وضرورة نصرته والتمكين له .. وشكراً، وهذا باختصار شديد وإجمال وليس تفصيلاً ونعتذر عن  التفصيل.

أنصار الإمام المهدي

مكن الله له في الأرض

**هـ -** تقریباً سه سال پیش در زمان حكومت صدام طغیان‌گر اعلام كرد كه او فرستاده‌ی امام مهدی می‌باشد و درنتیجه نیروهای صدام اقدام به دستگیری او نمودند که خداوند سبحان و متعال با لطف خودش او را از چنگ این طاغوت نجات داد و اکنون او مردم را به سوی امام مهدی و ضرورت یاری و تمکین او دعوت می‌كند..... و خدا را شکر.

این توضیحات بسیار خلاصه تقدیم حضورتان شد و از اینكه جزئیات را بیان نكردیم پوزش می‌خواهیم.

**انصار امام مهدی**

**که خداوند در زمین تمکینش دهد**

\* \* \*

السؤال/ ٢٢: بسمه تعالى .. إلى سماحة السيد أحمد .. هل تستطيع أن تعلمني بالغيبيات التي هي مأذون بها إلى البشر ؟ والسلام عليكم.

زينب الموسوي

١٦/ صفر/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۲: آیا می‌توانید از غیبیاتی که اجازه‌شان داده شده است، مرا آگاه نمایید؟**

بسمه تعالی.... به جناب سید احمد الحسن.... آیا می‌توانید از امور غیبی که اجازه‌شان به انسان‌ها داده شده است، مرا آگاه نمایید؟ والسلام علیكم.

زینب موسوی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

بالنسبة للغيبيات المتعلقة بالدعوة، فسيصدر كتاب فيه الغيبيات المتعلقة بالدعوة، كالرؤيا والشفاء وغيرها، تابعي الموقع وخصوصاً صفحة جديد الموقع، وسنعلمك بصدوره فضلاً عن ذلك.

أنصار الإمام المهدي

مكن الله له في الأرض

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

در خصوص غیبیاتی که به دعوت مربوط می‌شود، به زودی کتاب غیبیات مربوط به دعوت مانند رؤیا، شفا و سایر موارد، منتشر خواهد شد[[116]](#footnote-116). سایت را دنبال کنید مخصوصا صفحه‌ی جدیدی که باز شده است و صفحات دیگر را نیز به اطلاع شما خواهیم رسانید.

**انصار امام مهدی**

**که خداوند در زمین تمکینش دهد**

\* \* \*

السؤال/ ٢٣: ما هو روح القدس في القرآن، وعلى من تتنزل، وما هي العلاقة بين فاطمة الزهراء وروح القدس ؟

وائل سعيدة

صفر/ ١٤٢٦ هـ. ق

**پرسش ۲۳: روح القدسی که در قرآن آمده است، کیست؟**

روح القدسی كه در قرآن آمده است، كیست و بر چه كسی نازل می‌شود و میان او و حضرت فاطمه‌ی زهرا چه رابطه‌ای وجود دارد؟

وائل سعیده - صفر ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب:بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الجواب موجود في المتشابهات، وأيضاً فاطمة  وأبوها وبعلها وبنوها والأئمة والمهديون روح القدس الأعظم.

أحمد الحسن

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

پاسخ، در کتاب متشابهات موجود می‌باشد و همچنین به همراه فاطمه، پدرش، شوهرش و فرزندانش، ائمه و مهدیون روح القدس اعظم هستند.

**احمد الحسن**

وهو كما يلي:

الجواب: روح القدس هو: روح الطهارة أو العصمة، فإذا أخلص العبد بنيته لله سبحانه وتعالى، وأراد وجه الله، أحبه الله ووكل الله به ملكاً يدخله في كل خير، ويخرجه من كل شر، ويسلك به إلى مكارم الأخلاق، ويكون الروح القدس واسطة لنقل العلم للإنسان الموكل به.

روح القدس همان روح پاكی و عصمت است. اگر بنده نیّتش را برای خداوند سبحان و متعال خالص گرداند و خواهان وجه او باشد، خداوند او را دوست می‌دارد و ملکی را موکّل او می‌کند تا او را به هر خیری وارد و از هر شرّی خارج كند و او را به سوی مکارم اخلاق (والاترین خصوصیات اخلاقی) سوق می‌دهد. روح القدس واسطه‌ی انتقال دانش به انسانی که موکّلش است، می‌باشد.

وأرواح القدس كثيرة وليست واحداً، والذي مع عيسى ومع الأنبياء دون الذي مع محمد  وعلي وفاطمة  والأئمة ، وهذا هو الروح القدس الأعظم لم ينزل إلا مع محمد ، وانتقل بعد وفاته إلى علي ، ثم إلى الأئمة ، ثم بعدهم إلى المهديين الاثني عشر.

روح القدس‌ها متعددند و یکی نیستند؛ روح القدسی كه با حضرت عیسی و انبیا بوده است با روح القدسی كه با محمّد، علی و فاطمه و ائمه است فرق می‌كند؛ این روح القدس، همان روح القدس اعظم است كه فقط برای حضرت محمّد نازل شد و پس از وفات او به علی منتقل شد و و پس از او به ائمه انتقال یافت و پس از ایشان به مهدیون دوازده‌گانه منتقل می‌شود.

عن أبي بصير، قال: (سألت أبا عبد الله عن قول الله تبارك وتعالى: *﴿***وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلا الْأِيمَانُ***﴾*([[117]](#footnote-117))، قال : **خلق من خلق الله عز وجل، أعظم من جبرائيل وميكائيل، كان مع رسول الله  يخبره ويسدده وهو مع الأئمة من بعده**) ([[118]](#footnote-118)).

از ابوبصیر روایت شده است كه گفت: از ابوعبد الله درباره‌ی این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: «(**و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است**)»[[119]](#footnote-119). فرمود: «**مخلوقی از مخلوقات خداوند عزوجل كه از جبرئیل و میكائیل بزرگ‌تر است و همراه حضرت محمد** **بود و به او خبر می‌داد و راهنمایی می‌كرد و بعد از ایشان، همراه ائمه‌ی بعد از او می‌باشد**».[[120]](#footnote-120)

عن أبي بصير، قال: (سألت أبا عبد الله عن قوله عز وجل: *﴿***وَيَسْأَلونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي***﴾*([[121]](#footnote-121))، قال : **خلق أعظم من جبرائيل وميكائيل ، كان مع رسول الله  وهو مع الأئمة وهو من الملكوت**) ([[122]](#footnote-122)).

ابو بصیر می‌گوید: از ابو عبد الله درباره‌ی این سخن خداوند عزوجلّ پرسیدم: «(**از تو درباره‌ی روح می‌پرسند. بگو: روح از امر پروردگارم است**)»[[123]](#footnote-123). فرمود: «**آفریده‌ای عظیم‌تر از جبرئیل و میكائیل** **كه همراه رسول خدا** **بود و با ائمه** **می‌باشد و این روح از ملكوت است**»[[124]](#footnote-124).

وعن أبي حمزة، قال: (سألت أبا عبد الله عن العلم أهو علم يتعلمه العالم من أفواه الرجال، أم في الكتاب عندكم تقرأونه فتعلمون منه ؟ قال : **الأمر أعظم من ذلك وأوجب، أم سمعت قول الله عز وجل:** *﴿***وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلا الْأِيمَانُ***﴾*([[125]](#footnote-125))، ثم قال: **أي شيء يقول أصحابكم في هذه الآية ؟ أيقرون أنه كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الأيمان ؟** فقلت: لا أدري جعلت فداك ما يقولون، فقال لي : **بلى، قد كان في حال لا يدري ما الكتاب ولا الإيمان، حتى بعث الله تعالى الروح التي ذكر في الكتاب، فلما أوحاها إليه علم بها العلم والفهم، وهي الروح التي يعطها الله تعالى من شاء، فإذا أعطاها عبداً علمه الفهم**) ([[126]](#footnote-126)).

از ابوحمزه روایت شده است كه گفت: از ابو عبد الله درباره‌ی علم پرسیدم كه آیا همان علمی است كه عالِم از دهان دانشمندان یاد می‌گیرد یا در كتابی نزد شما است كه آن را می‌خوانید و یاد می‌گیرید؟ فرمود: «**مسأله بزرگ‌تراز اينها است. این سخن خداوند متعال را شنیده‌ای كه می‌فرماید**: «(**و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است**)»[[127]](#footnote-127). سپس فرمود: «**نظر اصحاب شما درباره‌ی این آیه چیست؟ آیا اقرار می‌كنند كه پیامبر** **در وضعیتی بود كه نمی‌دانست كتاب چیست و ایمان كدام است**؟» گفتم: فدایتان گردم، نمی‌دانم كه آنها چه می‌گویند. حضرت به من فرمود: «**آری، او** **در حالتی بود كه نمی‌دانست كتاب و ایمان کدام است تا اینكه خداوند متعال این روح را كه در قرآن ذكر شده است، فرستاد. پس زمانی كه خداوند این روح را به پیامبر وحی فرمود، پیامبر به وسیله‌ی این روح، علم و فهم را دانست. این روحی است كه خداوند به هر كه بخواهد عطا می‌فرماید. اگر** **آن را به بنده‌ای عطا فرماید، علم را به او آموخته است**»[[128]](#footnote-128).

فرسول الله محمد  لما نزل إلى هذا العالم الجسماني ليخوض الامتحان الثاني بعد الامتحان الأول في عالم الذر حجب بالجسم المادي، فلما أخلص لله سبحانه وتعالى إخلاصاً ما عرفت الأرض مثله، أحبّه الله ووكل به الروح القدس الأعظم، فكان الفائز بالسباق في هذا العالم كما كان الفائز بالسباق في الامتحان الأول في عالم الذر.

أحمد الحسن

بنابراین رسول خدا حضرت محمّد هنگامی که به این عالم جسمانی آمد تا بعد از امتحان اوّل در عالم ذر وارد امتحان دوّم در این عالم كه با جسم مادی پوشیده شده است، شود. زمانی كه برای خداوند سبحان و متعال آنچنان که زمین، نظیرش را نشناخته بود، اخلاص ورزید، خداوند او را به دوست برگزید و روح القدس اعظم را وکیل او نمود. به این صورت در این دنیا نیز درست مانند امتحان اول یا عالم ذر، در مسابقه پیروز گردید.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٢٤: *﴿***وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً ............. قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرا**ً*﴾*([[129]](#footnote-129))، المطلوب: ما هو السر في هذه الآيات القرآنية الكريمة ؟

وائل سعيدة

صفر/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۴: سخن خداوند متعالی: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً....»**

«(**و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بيرون شدن قرار خواهد داد \* ...... و هر چيز را اندازه‌ای قرار داده است**)»[[130]](#footnote-130). **سؤال**: سرّ نهفته شده در این آیات قرآن چیست؟‌

وائل سعیده

صفر ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

وهل أنت تعرف السر ؟ هذا سؤال معاند وليس طالب حق.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

آیا تو می‌دانی سرّ چیست؟ این یک سؤال مغرضانه است و سؤال یک خواهان حقیقت نیست.

قال الإمام أمير المؤمنين: (**ولو إنّ السماوات والأرضيين كانتا على عبدٍ رتقاً ثم اتقى الله لجعل الله له منهما مخرجاً**) ([[131]](#footnote-131))، فالمخرج من تقدير الله، هو قدر الله وقانون وسنة الله التي لا تتبدل، المرافقة للتقوى.

أحمد الحسن

امیر مؤمنان می‌فرماید: «**اگر آسمان‌ها و زمین‌ها برای بنده‌ای سخت و غیرقابل نفوذ گردند سپس آن بنده تقوای الهی پیشه كند، خداوند برای او از آن دو، راهِ خروجی قرار خواهد داد**». پس راه خروج (مخرج) از تقدیر الهی است؛ همان قَدَر و قانون و سنّت خداوند است كه تغییر نمی‌یابد و ملازم و همراه تقوى می‌باشد.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٢٥: ما هي فئات الناس التي يطالها سيف سيدي ومولاي الإمام (عج)، ولماذا لا يصفي العلماء الذين يؤذونه بتأويل الحديث والقرآن على رواية الإمام الصادق : (... يقاسي أشد ما قاسى رسول الله من الكفار ...) معنى الحديث، وهل يقتل الإمام الذين لا يحاربونه مع عدم إيمانهم بفكرته، وهل عندما يقوم بالأمر يكون الناس فئتين فقط، أم توجد فئة (لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء) ؟

علاء رزاق

٢/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۵: گروه‌هایی که شمشیر امام به سویشان کشیده می‌شود**

گروه‌هایی كه شمشیر آقا و مولایمان امام زمان به سمتشان كشیده خواهد شد كدام‌ها هستند و برای چه علمایی كه اجازه‌ی تأویل احادیث و قرآن را ندارند این روایت امام صادق را روشن نمی‌سازند: «.... **خیلی بیشتر از سختگیری رسول اكرم نسبت به كفار سختگیری خواهد نمود**....». آیا امام زمان با كسانی كه با او نمی‌جنگند ولی به وی ایمان ندارند نیز خواهد جنگید؟ آیا زمانی كه او قیام می‌كند مردم فقط به دو دسته تقسیم می‌شوند و یا دسته‌ی دیگر هم وجود خواهد داشت كه نه از این گروه است و نه از آن گروه؟

علاء رزاق - ۲ ربيع الاول ۱۴۲۶

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

دعوة الإمام المهدي كأي دعوة إلهية لابد أن ينقسم الناس نسبة لها إلى ثلاث فئات مؤمنين ومنافقين وكافرين.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

دعوت امام مهدی مثل هر دعوت الهی دیگری است و مردم در این دعوت به سه گروه مؤمن، منافق و كافر تقسیم می‌شوند.

ورسول الله محمد  أمر بالكف عن المنافقين، والقائم مأمور بالقضاء على الكافرين، ثم المنافقين، ولله الأمر من قبل ومن بعد والحمد لله وحده.

أحمد الحسن

رسول اكرم محمّد دستور دادند كه منافقان را به حال خود واگذارند؛ ولی قائم مأمور است که ابتدا كافران و سپس منافقين را از بین ببرد. همه‌ی امور چه قبل و چه بعد از آن، به دست خداوند است و سپاس تنها سزاوار خداوند یگانه است.

**احمد الحسن**

\* \* \*

السؤال/ ٢٦: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسن وفقكم الله لنصرة وليه والقائم بأمره ..

أنا أدعو الناس إلى قضيتك، وأشرح لهم فكرة حركة الأنصار دون استجابة منهم، سؤالي هو: هل هذا هو تكليفي بالدعوة، أم هو ارتجال من ذاتي الحقيرة، وهل مطلوب مني أخذ موافقة سيدي ومولاي الإمام (عج) بذلك ؟ أرجو بيان موقفي هذا من وجهة نظر الإمام نفسه، وبماذا يوصيني وكيف تكون أخذ الموافقة (عجل الله له الفرج وسهل له المخرج) والله وحده يعلم أني فرحت بهذا الدعاء، وأسألكم الدعاء بالتوفيق لفهم معانيه، والاستفادة منه للوصول إلى نصرة الإمام المظلوم المهضوم.

علاء رزاق

٥/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۶: وظیفه‌ی من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟**

سید احمد الحسن، خداوند شما را برای یاری ولیّ‌اش و قائم به امرش توفیق عطا فرماید....

من مردم را به مسأله‌ی شما دعوت می‌كنم و ايده و فكر حرکت انصار را برای‌شان شرح می‌دهم بدون اینکه پاسخ مثبتی از آنان دریافت نمایم. سؤال من اين است که آیا تكلیف بنده در رابطه با دعوت همین است؟ یا این یک عمل ناپخته از منِ حقیر می‌باشد؟ آیا در این خصوص من باید موافقت مولا و آقایم امام زمان را کسب کنم؟‌ خواهش می‌كنم وضعیت من در این خصوص و نظر خود امام را بیان فرمایید و اینكه ایشان چه توصیه‌هایی برای من دارند و چگونه رضایت ایشان جلب می‌شود؛ خداوند فرج ایشان را تعجیل و خروج او را آسان فرماید. خداوند یگانه آگاه است که من از این دعا شادمانم و از شما تقاضا می‌کنم برایم دعا نمایید تا به درک معانی آن و نیز استفاده از آن جهت رسیدن به یاری امام مظلومِ از حقش محروم شده، توفیق یابم.

علاء رزاق - ۵ ربيع ثانى۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه … اللهم صلِّ على محمد وآل محمد

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، أمّا بعد ..

فإنّ تكليف كل شخص آمن برسالة أحمد الحسن عن الإمام المهدي ، هو الدعوة لهذه القضية ومناصرتها ومواكبتها واتباعها، وفق ما أرشد إليه السيد أحمد بنفسه، أو عن طريق ممثليه المعينين.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**الحمد لله على بلائه و عظیم نعمائه. اللهم صلی على محمّد وال محمّد. السلام علیكم ورحمة الله وبركاته.. أما بعد:**

تكلیف هر شخصی كه به فرستاده شدن سيد احمد الحسن از جانب امام مهدی ایمان بیاورد، دعوت کردن مردم به این قضیه و یاری دادن آن و همراهی کردن با آن و پیروی از آن می‌باشد؛ البته طبق دستورات سید احمد الحسن یا نمایندگان تعیین شده از سوی ایشان.

وإذن السيد أحمد الحسن في أي شيء ما هو إلا إذن الإمام المهدي ؛ لأنه ممثله الخاص، والناقل عنه ، هذا وأسأل الله لنا جميعاً التوفيق لنصرة الحق وصاحب الحق … والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي

أنصار الإمام المهدي

اذن و اجازه‌ی سید احمد الحسن در هر موردی همان اذن و اجازه‌ی امام مهدی می‌باشد؛ چرا که سید احمد الحسن نماینده‌ی خاصّ امام زمان و منتقل کننده از ایشان است. از خداوند برای همه‌ی‌مان توفیق یاری حق و صاحب حق را مسئلت می‌نمایم.... والحمد لله وحده.

**شيخ ناظم العقيلى - انصار امام مهدی**

\* \* \*

السؤال/ ٢٧: السلام على من اتبع الهدى، وصلتني رسالتكم وأنتم توصوني أن أقرأ كتاب الرد الحاسم، وقد اطلعت عليه فلم أجد فيه أي جديد وإنما هي أحاديث لها تأويل ومجمل ومتشابه لها أهلها من العلماء المختصين في علم الرجال والدراية، وأنا أرشدكم على كتاب اسمه دعوى السفارة في الغيبة الكبرى للشيخ محمد السند، ففيه ضالة كل منصف، وأنا الآن أورد لك التوقيع من الناحية المقدسة عليها آلاف التحايا: (**بسم الله الرحمن الرحيم يا علي بن محمد السمري، أعظم الله أجر إخوانك فيك، فانك ميت ما بينك وبين ستة أيام، فاجمع أمرك ولا توص إلى أحد يقوم مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبة الثانية التامة، فلا ظهور إلاّ بعد أذن الله عز وجل، وذلك بعد طول الأمد وقسوة القلوب امتلاء الأرض جوراً، وسيأتي شيعتي من يدعي المشاهدة ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفياني والصيحة فهو كذاب مفتر ، ولا حول ولا قوة إلاّ بالله العلي العظيم** ...... ) ([[132]](#footnote-132)).

محمد العقابي - العراق/ البصرة

٥/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۷: توقیع سمری**

سلام بر كسی كه از پِیِ هدایت گام برمی‌دارد. خبر رسالت شما به من رسید و شما به من توصیه کردید كه كتاب «پاسخ کوبنده» را بخوانم. من آن را خواندم و چیز جدیدی در آن نیافتم. این كتاب فقط شامل یک سری احادیث مجمل و متشابه كه همگی قابل تأویل است می‌باشد که علم آن به دست علمای متخصص در علم رجال و درایه است. من كتاب «ادعای سفارت در غیبت کبری» تأليف شیخ محمّد السند را به شما معرفی می‌كنم كه در آن گمشده‌ی هر فرد منصف و عادی وجود دارد و من اکنو توقیعی از ناحیه‌ی مقدسه که هزاران تحیت و سلام بر او باد را برای شما می‌خوانم: «**بسم الله الرحمن الرحیم. ای علی بن محمّد سمری، خداوند پاداش برادرانت را درباره‌ی تو بزرگ نماید. تو در فاصله‌ی شش روز از دنیا خواهی رفت. پس، کارهای خود را انجام بده و به هیچ‌کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد؛ زیرا غیبت دومِ کامل واقع شد و ظهوری نخواهد بود، مگر پس از اذن خداوند عزوجلّ و این اجازه پس از مدتی طولانی است که دل‌ها سخت شود و زمین از ستم آکنده گردد. و کسی که ادعای مشاهده می‌کند، به زودی به سراغ شیعیان من خواهد آمد. آگاه باشید! کسی که قبل از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ‌گو و افترا‌زننده است و هیچ قوت و نیرویی نیست، مگر برای خداوند بلندمرتبه‌ی بزرگ**....»[[133]](#footnote-133).

محمد العقابی - العراق – بصره - 5 ربیع الثانی 1426 هـ ق

هذا الذي أرسلتُ إليه كما تم التوجيه بأن يهدئ أعصابه وأن يقرأ الكتابين الرد الحاسم والرد القاصم.

أبو محمد الجابر

متابعة موقع  أنصار الإمام المهدي على الإنترنت

اين همان چيزى است كه من برای او فرستادم تا کمی اعصاب خود را کنترل کند و دو كتاب «الرد الحاسم» و «الرد القاسم» را بخواند.

ابو محمد جابر

دنبال کننده‌ی سایت انصار امام مهدی در اینترنت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه … اللهم صلِّ على محمد وآل محمد

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

إلى الأخ محمد العقابي .. أسأل الله لك التوفيق للتأني والبحث بدقة في هذه القضية الحقة، وأن لا يجعلك الله من المكذبين من غير دليل، الذين ذمهم بقوله تعالى: *﴿***بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ***﴾*([[134]](#footnote-134))، وأمّا ما ذكرت بخصوص كتاب (الرد الحاسم) فهو بحث لإثبات الذرية للإمام المهدي ، وغير مختص بإثبات إمكان مشاهدة الإمام المهدي في زمن الغيبة الكبرى، وقد بحثت قضية إمكان مشاهدة الإمام في كتاب (الرد القاصم على منكري رؤية القائم)، وقد ناقشت فيه (توقيع السمري) وغيرها، وأثبت فيه إمكان مشاهدة الإمام في زمن الغيبة الكبرى.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**الحمد لله على بلائه و عظیم نعمائه. اللهم صلی على محمّد وال محمّد. السلام علیكم ورحمة الله وبركاته.**

به برادر محمّد العقابی.... از خداوند برای شما توفیق درک و فهم و جست‌وجوی دقیق درباره‌ی این قضیه‌ی حق را مسئلت دارم و از خداوند می‌خواهم كه شما را از تكذیب‌كنندگان قرار ندهد؛ آنهایی که با این سخنش آنان را سرزنش فرموده است: «(**بلکه چيزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نيافته بودند**)»[[135]](#footnote-135). اما در رابطه با كتاب «الرد الحاسم» این كتاب درباره‌ی نسل و ذریه‌ی امام مهدی و اثبات آن می‌باشد و به اثبات امكان مشاهده‌ی امام زمان در زمان غیبت كبری اختصاص ندارد. من موضوع امكان مشاهده‌ی امام را در كتاب «پاسخ قاطع به منکران رویت قائم»‌ مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام و در آن «توقیع السمری» و سایر موارد را مورد نقد و بررسی قرار دادم و در آن امکان مشاهده‌ی امام را ثابت نمودم.

فيرجى منك أن تراجع هذا الكتاب وبدّقة فإنّ فيه ضالتك إن شاء الله، وأيضاً أنصح الأخ أن يطلع على كل إصدارات القضية ويتدبّرها جيداً .. وأن يتضرّع إلى الله تعالى في طلب الهداية إلى ما اختلف فيه من الحق، قال تعالى : *﴿***وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ***﴾*([[136]](#footnote-136))، والحمد لله رب العالمين.

ناظم العقيلي

أنصار الإمام المهدي

امیدوارم به این كتاب مراجعه و در آن دقت نمایی که انشاء الله مقصود و گمشده‌ی خود را در آن خواهی یافت و نیز توصیه می‌كنم كه همه‌ی كتاب‌هایی را كه در این خصوص منتشر می‌شود به دقت مطالعه و در آنها تدبّر نمایی.... و اینكه از خداوند متعال با دعا و گریه بخواهی كه تو را راهنمایی كند تا بتوانی حقی را که در آن اختلاف می‌کنند تشخیص دهی. خداوند متعال می‌فرماید: «**(و آن که خدا راهش را به هيچ نوری روشن نکرده باشد، هيچ نوری فرا راه خويش نيابد**)»[[137]](#footnote-137). والحمد لله رب العالمین .

**شیخ ناظم عقیلی - انصار الإمام المهدی**

\* \* \*

السؤال/ ٢٨: بسم الله الرحمن الرحيم

 والحمد لله رب العالمين، واللعنة الدائمة على أعداء الدين

السؤال الأول: على يد من من العلماء المراجع درس حضرة السيد، ومن أي بلد هو ؟

**پرسش ۲۸: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام است**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین و لعنت دائمی بر دشمنان دین!**

**سؤال اوّل**:‌ سید احمد الحسن نزد كدام يک از علماى مرجع درس خوانده است و وی از كدام كشور می‌باشد؟

السؤال الثاني: هل يعني أنه من صلب الإمام مباشرة، وكيف تم زواج الإمام (أرواحنا له الفدى)، وما اسم أمه، أي - أم السيد - ومن أي مكان هي ؟ أجيبونا رجاء وبالوثائق، ولنا أسئلة أخرى بضوء إجابتكم.

صالح المياحي - العراق

٤/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**سؤال دوّم**: آیا او فرزند مستقیم امام زمان است و امام زمان كه جان‌هایمان فدای وی باد چطور ازدواج كرده‌اند؟ اسم مادر سید احمد الحسن چیست و از كدام كشور است؟‌ لطفاً‌ با سند و مدرک به این سؤال‌هایمان پاسخ دهید و سؤال‌هاى ديگرى نیز داريم.

صالح المیاحی - العراق

۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم،الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه … اللهم صلِّ على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

ج س١: درس السيد أحمد الحسن على يد الإمام المهدي ، ولا دخل له بما درسه أو يدرسه المراجع، فهو عبارة عن ناقل عن الإمام المهدي ومبلغ وممهد له ، وهو من محافظة البصرة من العراق.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**الحمد لله على بلائه و عظیم نعمائه. اللهم صلی على محمّد وال محمّد. السلام علیكم ورحمة الله وبركاته.**

**جواب سؤال ۱:** سید احمد الحسن نزد امام مهدی ‌درس خوانده است و دروسی كه مراجع داده و می‌دهند با وی هیچ ارتباطی ندارد. او مبلّغ و نقل کننده از امام مهدی و زمینه‌ساز ظهور او است و از استان بصره در‌ عراق می‌باشد.

\* \* \*

ج س٢: إنّ السيد أحمد الحسن من ذرية الإمام المهدي ، وليس من صلبه مباشرة، وقد أثبت زواج الإمام المهدي وذريته في كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم)، فالولد يطلق تارة ويراد منه الولد الصلبي المباشر، ويطلق تارة أخرى ويراد منه الولد من الذرية.

**جواب سؤال ۲:** سید احمد الحسن از نسل و نوادگان امام مهدی است و فرزند مستقیم ایشان نمی‌باشد و ازدواج امام مهدی و نسل ایشان در كتاب «پاسخ کوبنده به منکران ذریه‌ی قائم» آمده است. ممکن است منظور از فرزند، فرزند مستقیم و یا مراد از آن، نسل و نواده باشد.

فالحسن والحسين وباقي الأئمة  يوصفون بأنهم أبناء رسول الله ، وهم ليسوا أبناءه بالمباشرة بل من ذريته ومن بضعته فاطمة الزهراء ، وكذلك الإمام المهدي يوصف في بعض الأخبار بـ (ابن فاطمة) وهو ليس ابنها مباشرة بل من ذريتها …

امام حسن و حسین و سایر ائمه فرزندان رسول اكرم خوانده مى‌شوند در حالی كه فرزندان مستقیم آن حضرت نیستند بلكه از نسل ایشان و پاره‌ی تن ایشان، یعنی فاطمه‌ی زهرا می‌باشند. امام مهدی نیز در برخی روایات پسر فاطمه خوانده شده است در حالی که فرزند مستقیم ایشان نیست بلكه از نسل و ذریه‌ی ایشان می‌باشد.

وقال تعالى في سورة يوسف حكاية عن قول يعقوب لابنه يوسف: *﴿***وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ***﴾*([[138]](#footnote-138))، ومن المعلوم أنّ نبي الله إبراهيم ليس أباً ليوسف بالمباشرة، ورغم ذلك وصف بأنّه أبوه … والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي

أنصار الإمام المهدي

خداوند متعال در سوره‌ی یوسف در حكایتی از زبان یعقوب به فرزندش یوسف می‌فرماید: «(**و به این گونه پروردگارت تو را برمی‌گزيند و تعبير خواب‌ها را به تو می‌آموزد و همچنان که نعمت خود را پيش از اين بر پدران تو ابراهيم و اسحاق تمام کرده بود، بر تو و خاندان يعقوب هم تمام می‌کند، که پروردگارت دانا و حکيم است**)»[[139]](#footnote-139). واضح است كه پیامبر خدا ابراهیم پدر بدون واسطه‌ی یوسف نیست و با این حال ابراهیم پدر یوسف توصیف شده است.... والحمد لله وحده.

**شیخ ناظم عقیلی**

**انصار امام مهدی**

\* \* \*

السؤال/ ٢٩: امرأة متزوجة عمرها ٣٥ سنة، هل يجوز أن تذهب إلى زيارة الإمام الرضا وبموافقة زوجها بدون محرم ؟ جزاكم الله خير الجزاء.

صلاح الفلاحي

٦/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۲۹: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟**

آیا جایز است زنی كه ازدواج كرده است و ۳۵ سال سن دارد با موافقت همسرش و بدون به همراه داشتن محرم به زیارت امام رضا برود؟ خداوند پاداش نیکو به شما عنایت فرماید!

صلاح الفلاحی - ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم،الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه … اللهم صلِّ على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

يجوز ذهاب المرأة إلى زيارة الإمام الرضا بدون محرم، إذا كان بموافقة زوجها كما هو مذكور في السؤال، وفقكم الله لمعرفة الحق ونصرته … والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

الجواب مستفاد من السيد أحمد الحسن.

ناظم العقيلي

أنصار الإمام المهدي

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**الحمد لله على بلائه و عظیم نعمائه. اللهم صلی على محمّد وال محمّد. السلام علیكم ورحمة الله وبركاته.**

رفتن زن به زیارت امام رضا بدون محرم جایز است اگر همان طور که در سؤال قید شده است، با موافقت شوهرش انجام شود.... والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

براى جواب از سيد احمد الحسن کمک گرفته شده است.

**شیخ ناظم عقیلی - انصار امام مهدی**

\* \* \*

السؤال/ ٣٠: بسم الله العزيز الحكيم

إلى السيد أحمد الحسن .. ما هو رأيك بالسيد الولي المقدس محمد الصدر (رض) ؟

**پرسش ۳۰: نقشه‌ی دینی که آورده‌اید چیست؟**

**بسم الله العزیز الحكیم**

به سید احمد الحسن.... نظرتان درباره‌ی ولیّ مقدس سید محمّد صادق صدر چیست؟

ما هي أطروحتك الدينية التي جئت بها لتكون حجه على المؤمنين ؟

بحث رسالت دینی كه آوردید تا حجّتی بر مؤمنان باشید چیست؟‌

إنّ طريقتك لإثبات حجتك على الكذابين من المراجع لا تحتاج أن تذهب لهم هم يأتوك؛ لأن حسب ما تدعيه أنت رسول الإمام (عج) ؟

نیازی نیست كه شما برای اثبات دعوت خود نزد مراجعی كه شما را تكذیب می‌كنند بروی؛ چرا که طبق ادعای خودتان، شما فرستاده‌ی امام می‌باشید.

أرجو الإجابة منك على أسئلتي.

ملاحظة: أنا لست أنكر أي تدخل للإمام؛ لأن الإمام حاضر الآن وننتظر أن يظهر بظهوره الأكبر.

نمير

٧/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

اميدوارم خودتان به سؤال‌هایم پاسخ گویید.

توجّه: من منكر وجود هر نوع ارتباطی با امامنیستم؛ چرا که امام زمان حاضر هستند و منتظر ظهور کبرای وی می‌باشیم.

نمیر - ۷ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم،الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه … اللهم صلِّ على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

رأي السيد أحمد الحسن بالسيد الشهيد محمد محمد صادق الصدر، بأنّه أحد المصلحين ويعتبر من الذين مهدوا للإمام المهدي كثيراً، فرحمة الله عليه وبركاته.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**الحمد لله على بلائه و عظیم نعمائه. اللهم صلی على محمّد وال محمّد. السلام علیكم ورحمة الله وبركاته.**

طبق نظر سید احمد الحسن، شهید محمّد صادق صدر یكی از اصلاح‌گران و از كسانی مى‌باشد كه تلاش‌های زیادی جهت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی انجام داده است؛ رحمت خدا و برکاتش بر او باد!

أطروحة السيد أحمد الحسن وحجته على الناس بأنه مرسل من الإمام المهدي للم شمل الأمة من الاختلاف والضياع والتشتت، وجمعهم تحت راية الإمام المهدي ، ونبذ ومحاربة تنصيب الناس (الفكر الديمقراطي الغربي) والإقرار بحاكمية الله تعالى، وقد بيّن ذلك في كتابه (حاكمية الله لا حاكمية الناس)، فيرجى مراجعته والتدبر فيه.

رسالت سید احمد الحسن حجّیت وی به این صورت است كه وی از جانب امام مهدی فرستاده شده تا امّت را از اختلاف و پراكندگی كه در بین‌شان حاكم است برهاند و آنان را زیر پرچم امام مهدی گرد آورد و با تفکر دموكراسی حزبی كه مردم آن را به پا داشته‌اند به نبرد برخیزد، حاكمیت خداوند را در روی زمین تأیید و تصدیق كند كه این موضوع را در كتاب خود «حاكمیت خداوند نه حاكمیت مردم» بیان فرموده است و امید می‌رود به این كتاب مراجعه و در آن تدبّر شود.

الأدلة على صدق السيد أحمد الحسن كثيرة يرجى مراجعتها على الموقع المذكور ونخص بالذكر منها (البلاغ المبين ج1) و(الرد القاصم) و(الرد الحاسم)، وغيرها من إصدارات أنصار الإمام المهدي .

دلایل زیادی برای حقانیت سید احمد الحسن وجود دارد؛ امیدوارم در سایت به آنها مراجعه كنید. چند تا از این منابع را به اختصار ذكر می‌كنم: «بلاغ المبین ج ۱»، «پاسخ کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر كتاب‌های انتشارات انصار امام مهدی.

سنّة الله تعالى  في أصحاب الدعوات الإلهية، هي تبليغ الناس وإقامة الحجة عليهم أمام الله تعالى، فإذا كان الناس أو العلماء معرضين ومهملين لتلك الدعوات، فيجب طرق أبوابهم وإسماعهم الحجة والبيان، وهذه هي سيرة الأنبياء والمرسلين والأئمة الطاهرين، فقد ذكر في وصف رسول الله : (**طبيبٌ دوارٌ يدور بطبه، قد أحكم مراهمه، وأحمى مياسمه**)، وقد بعث  في بداية مبعثه رسلاً إلى الملوك، كملك الروم وملك الفرس وغيرهم، يطلب منهم الإيمان برسالته عن الله تعالى، وقد ذكر الله تعالى هذه السنة في مناسبات كثيرة في القران الكريم، منها قوله تعالى في وصف دعوة نبي الله نوح ، قال: *﴿***قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلاً وَنَهَاراً فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائي إِلَّا فِرَاراً وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَاراً ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَاراً ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَاراً***﴾*([[140]](#footnote-140)).

ناظم العقيلي

أنصار الإمام المهدي

سنّت خداوند درباره‌ی صاحبان دعوت الهی به این صورت است كه این دعوت بین مردم تبلیغ شود و دلایل این دعوت نیز به آنها گفته شود؛ اگر مردم یا علما مخالف این دعوت‌ها باشند و نسبت به آن بی‌اعتنا، باید صاحبان دعوت درهای آنان را بكوبند و دلایل این دعوت را به آنها گوش‌زد نمایند که این همان روش انبیا و ائمه است. رسول اكرم این گونه توصیف شده است: «**مانند پزشكی دوره‌گرد بود كه در میان مردم می‌گشت و بیماران را مداوا می‌کرد و داروهایش نیز اثر بخش‌ترین بود**». حضرتدر آغاز بعثتش نمایندگانی را نزد پادشاهان فرستاد، مانند پادشاه روم، پادشاه ایران و سایرین، از آنان خواست كه به رسالت وی که از سوی خداوند متعال بود، ایمان آورند و خداوند متعال این سنت و روش را در موارد مختلفی در قرآن کریم ذكر فرموده است. از جمله این سخن خداوند متعال در وصف دعوت نوح: «(**گفت: ای پروردگار من، قوم خود را شب و روز دعوت کردم \* و دعوت من جز به فرارشان نيفزود \* و هر بار که دعوتشان کردم تا تو آنها را بيامرزی، انگشت‌هایشان را در گوش‌های خود کردند و جامه به سر کشيدند و پای فشردند و هر چه بيشتر سرکشی کردند \* پس به آواز بلند دعوتشان کردم \* باز به آشکار گفتم و در نهان گفتم**)»[[141]](#footnote-141)  .

**شیخ ناظم عقیلی**

**انصار امام مهدی**

\* \* \*

السؤال/ ٣١: السلام عليكم .. أود معرفة الشجرة الكاملة للسيد.

أحمد

٨/ ربيع الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۳۱: شناخت شجره‌نامه‌ی کامل**

سلام علیكم.... مایلم شجره‌نامه‌ی كامل سید احمد را بدانم.

احمد - ۸ ربیع الأول ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله على بلائه وعظيم نعمائه … اللهم صلِّ على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أولاً: إنّ طلب الأخ أحمد معرفة الشجرة الكاملة للسيد أحمد الحسن لا ينفع بشيء لمعرفة صدق السيد أحمد الحسن؛ لأنه مقطوع النسب من الجد الخامس تقريباً.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**الحمد لله على بلائه و عظیم نعمائه. اللهم صلی على محمّد وال محمّد. السلام علیكم ورحمة الله وبركاته.**

**اول**: درخواست برادر احمد جهت اطلاع از شجره‌نامه‌ی کامل سید احمد الحسن هیچ نفعى برای شناخت حقانیت سید احمد الحسن ندارد؛ چون وی تقریباً از نسل پنجم مقطوع النسب می‌باشد.

وثانياً: يجب عليك البحث في: هل هو حقاً رسول من الإمام المهدي أم لا ؟ فإذا ثبت أنه مرسل من الإمام فيثبت بعد ذلك كل ما يقول، ويصبح حجّة على الناس، فقضية إثبات نسب ذرية الإمام المهدي لا يمكن التوصل إليها إلاّ عن طريق الله تعالى والإمام المهدي نفسه، لعدم اطلاع الناس على ذلك وخفائه عنهم. وإن شئت الاطلاع أكثر عن ذرية الإمام فأنصحك بمراجعة كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم) أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي .

وفقك الله لمعرفة الحق ونصرته والثبات عليه … والسلام عليكم  … والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي

أنصار الإمام المهدي

**دوم**: باید شما روی این موارد تحقیق نمایید: آیا وی واقعاً‌ فرستاده‌ای از سوی امام مهدی است یا نه؟ اگر ثابت شد، همه‌ی آن چیزهایی که می‌گوید، ثابت و بر مردم حجّت می‌گردد. مسأله‌ی اثبات نسب و نسل امام مهدی جز از طریق خداوند و خود امام مهدی‌ امكان پذیر نیست؛ چرا که مردم از این موضوع اطلاع ندارند و از آنها مخفی می‌باشد. اگر مایل به کسب اطلاعات بیشتر در خصوص نسل امام هستید مراجعه به كتاب «پاسخ قاطع به منکران ذریه‌ی قائم» از انتشارات امام مهدی را به شما پیشنهاد می‌كنم.

خداوند شما را براى شناخت حق و پيروى از آن و ثابت بودن بر آن توفیق عطا فرماید.... والسلام عليكم.... والحمد لله وحده.

**شیخ ناظم عُقیلی**

**أنصار امام مهدی**

\* \* \*

السؤال/ ٣٢: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته ... أنا أحد أخوتكم من الشيعة الإمامية، ولست من النوع المتعصب لأي فكرة تطرح في الساحة الاجتماعية، وعندي بعض الأسئلة استفساراً وتأكيداً لما سمعت، وإن شاء الله يكون الذي سمعته خيراً ... أرجو سعة الصدر معي ومع أسئلتي، واعتقد أن من حق الشخص أن يسأل ويبحث، وخاصة عن أمور تخص دينه ومعتقده والله سبحانه أمر بذلك ... شكراً.

**پرسش ۳۲: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می‌نمایید**

سلام علیكم و رحمة الله وبركاته.... من یكی از برادران شما و شیعه‌ی امامی هستم و از نوع متعصب آن نسبت به هر موضوعی که در اجتماع مطرح می‌شود، نمی‌باشم. در خصوص چیزهایی که شنیده‌ام، مسایلی دارم که مطرح می‌نمایم و ان شاء الله آنچه شنیده‌ام خیر باشد.... امیدوارم با سینه‌ای باز به سؤال‌هایم پاسخ دهید. به اعتقاد من این حق یک فرد است كه بپرسد وجست‌وجو كند به ویژه اگر مربوط به دین و اعتقادات فرد باشد که خداوند سبحان نیز به آن امر فرموده است.... باتشكر.

أولاً: أريد معرفة أصل الموضوع الذي أتيتم للدعوة عنه، وما قصة السيد أحمد الحسن ؟ وحسب قولكم إنّه وصي الإمام ورسوله، وما هي الأدلة على هذه الوصاية، وهل له معجزات، حيث أنّ المعجزة تكون حاكمة في هذه الأمور، وخاصة في هذا الزمان الذي كثر فيه المتقولين والمدعين (لا جعلكم الله منهم).

وإن كان وما تقولون فما هي الأسس التي تتقوم عليها دعوتكم هذه ؟

**اوّل**: می‌خواهم بدانم اصل موضوعی كه شما برای دعوت به آن آمدید، چیست؟‌ داستان سید احمد الحسن كه طبق گفته‌ی شما وصی و فرستاده‌ی امام زمان است، چیست ؟ دلایل شما برای این وصایت و جانشینی چیست؟ ‌آیا او معجزاتی دارد؟‌ چرا كه معجزه در این گونه مسایل حكم كننده است، به ویژه اینكه در این زمان مدعیان زیادی وجود دارند (خداوند شما را از این گونه مدعیان قرار ندهد).

اگر شما آن گونه هستید که می‌گویید پایه‌هایی كه دعوت شما بر آن استوار است چیست؟

أرجو أن لا تأخذوا بعض الأسئلة على محمل التعصب فأسئلتي استفهامية وليست استنكارية ... وما دمت لا أعلم شيئاً عنكم إيجابياً أو سلبياً فأنا في موقف محايد، حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين ... وأشكركم جزيل الشكر والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المستفسر.. أبو صالح

امیدوارم برخی از سؤال‌های مرا به حساب تعصب نگذارید؛ سؤال‌های من استفهامی هستند نه به جهت انکار.... تا زمانی که دلیل مثبت یا منفی از سوی شما نیابم، موضع بی‌طرفی اتخاذ می‌كنم تا خداوند حكم كند كه او بهترین حكم كننده‌ها است.... از شما بسیار سپاس‌گزارم والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سؤال کننده... ابو صالح

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله على بلاءه وعظيم نعماءه … اللهم صلِّ على محمد وآل محمد.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

في البداية أود أن أشكر الأخ أبو صالح على حسن مراسلته وبحثه عن الحق، وأسأل الله تعالى أن يوفقك لمعرفة الحق ونصرته والثبات عليه.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

**الحمد لله على بلائه و عظیم نعمائه. اللهم صلی على محمّد وال محمّد. السلام علیكم ورحمة الله وبركاته.**

در آغاز مایلم از برادر ابوصالح علی حسن به خاطر ارسال این نامه و جست‌وجوی وی درباره‌ی حقیقت تشكر كنم و از خداوند می‌خواهم كه شما براى شناخت حقیقت و یاری آن و ثابن بودن بر آن موفق بدارد.

أصل موضوع دعوة السيد أحمد الحسن أنّه مرسل من قبل الإمام المهدي لتوحيد الأمة، بعد هذا التشتت والتفرّق والضياع، والسير بهم نحو نصرة الإمام المهدي .

اصل موضوع دعوت سید احمد الحسن این است كه وی از جانب امام مهدی فرستاده شده است تا این امّت را از پراكندگی و تفرقه به اتحاد برساند و به سوی یاری امام مهدی سوق دهد.

وأمّا قصة السيد أحمد الحسن فهي طويلة موجودة على الموقع المعلوم بعنوان: (قصة لقائي مع الإمام المهدي ) والكلام طويل جدّاً في الإجابة على كل أسئلتك، فيرجى مراجعة إصدارات أنصار الإمام المهدي على الموقع المذكور وأخص بالذكر منها (البلاغ المبين ج١، وكتاب الرد الحاسم، وكتاب الرد القاصم) وغيرها، فإن فيها الكفاية.

و اما داستان سید احمد بسیار طولانی است و در سایت با عنوان «داستان ملاقات من با امام مهدی» موجود می‌باشد و پاسخ به این سؤال شما بسیار طولانی می‌باشد. خواهش می‌كنم به انتشارات امام مهدی در سایت مذکور مراجعه نمایید؛ از جمله «بلاغ المبین جلد ۱»، «پاسخ کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر موارد که کفایت می‌کنند.

وأمّا أُسس قضية السيد أحمد الحسن، فمن أهمها هي تطبيق (حاكمية الله سبحانه وتعالى) ونبذ ورفض حاكمية الناس (الفكر الديمقراطي الغربي)، وقد بحث السيد أحمد الحسن هذا الموضوع في كتابه (حاكمية الله لا حاكمية الناس) يمكنك الاطلاع عليه من خلال الموقع المذكور، ونسأل الله السداد والهداية لكل خير … والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته… والحمد لله وحده.

ناظم العقيلي

أنصار الإمام المهدي

از مهم‌ترین اركان دعوت سید احمد الحسن، اجرا و تطبیق حاكمیت خداوند سبحان و متعال و رد حاكمیت مردم (تفکر دموكراسی عربی) می‌باشد. سید احمد درباره‌ی این موضوع در كتاب خود به نام «حاكمیت خدا نه حاكمیت مردم» به بحث و بررسی پرداخته است. می‌توانید از طریق این سایت به آن دسترسی داشته باشید. از خداوند توفیق راهنمایی و هدایت بر هر خیری را برایتان مسئلت می‌نمایم.... والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.... والحمد لله وحده.

**شیخ ناظم عُقیلی**

**انصار امام مهدی**

\* \* \*

السؤال/ ٣٣: بسم الله الرحمن الرحيم، كيف يمكن تصديق ادعائكم هذا، والذي رفضه العلماء كافة جملة وتفصيلاً ويقولون لا يوجد سفير بعد موت السفير الرابع، فما هو قولكم ؟

عبد الله الساعدي

٢٤/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۳۳: چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟!**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

‌چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! چیزی كه همه‌ی علما به طور کلی و جزئی آن را رد كرده‌اند و می‌گویند هیچ سفیری بعد از وفات سفیر چهارم وجود ندارد! در این خصوص چه می‌گویيد؟

عبد الله ساعدی - ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ . ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

لم يرفض العلماء كافة، بل يوجد علماء بايعوا واتبعوا الحق، منهم السيد حسن الحمامي ابن الفقيه والمرجع الديني السيد محمد علي الحمامي (رحمه الله)، ويوجد منهم من هو متحير كما صرّح بذلك.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

همه‌ی علما چنین چیزی را رد نکرده‌اند بلكه علمایی هستند كه بيعت و از حقيقت پيروی نمودند؛ از جمله‌ی اين علما ‌سيد حسن حمّامی فرزند فقيه و مرجع دينی سيد محمّد علی حمّامی می‌باشد. بعضی از علما ‌نيز مردّد هستند.

ولو رفض جميع العلماء الحق لم يكن رفضهم دليلاً على بطلان الحق، فهل يدل رفض علماء اليهود والنصارى والأحناف لدعوة الرسول محمد  في بدايتها على بطلان الدعوة المحمدية الإسلامية الحقّة ؟!!

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

حتی اگر همه‌ی علما حق را نپذيرند، نپذيرفتن‌شان دليل بر باطل بودن حق نيست؛ آيا نپذيرفتن دعوت حضرت محمّد از جانب علمای يهود، مسيحی و.... در آغاز دعوت ايشان دلیل بر باطل بودن دعوت اسلامی محمدی بود؟‌!!‌

**احمد الحسن - جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٣٤: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين والسلام على من اتبع الهدى وعرف اليقين، أمّا بعد ..

اِعلم أيها المدعي بالرسالة والوصاية، أنّ للأمر وجهان: معلوم ومجهول وهذا ينطبق على كل شيء في هذه الدنيا الفانية، وأمّا قولك بالوصاية والرسالة فهو جد مكذوب، وينافي لما استرسل سابقاً على لسان المعصومين، وقولك أنك تقابل الإمام، فالأولى منه يظهر بنفسه لا من خلال وساطة أحمد الحسن، الذي من كتابه همه الدرهم وتصريف شؤون الحوزة.

**پرسش ۳۴: ادعای قیسی و نامه‌ی تکذیبیه‌ی نامه‌ی وصایت**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین، والسلام من اتبع الهدی و عرف الیقین، اما بعد....**

ای مدعی رسالت و وصایت! بدان، هر امری دو وجه دارد: وجه معلوم و وجه مجهول؛ كه این قاعده همه‌ی امور این دنیای فانی را شامل می‌شود. ولی سخن تو درباره‌ی جانشینی و سفارت، دروغ محض است و با روایاتی كه از زبان معصومین وارد شده، منافات دارد. اما درباره‌ی این سخن تو كه نماینده‌ی امام هستی: برای آن حضرت شایسته‌تر است خودش ظهور كند نه به واسطه‌ی احمد الحسن كه قصدش از نوشتن كتاب‌هایش جمع‌آوری درهم و دینار و تخریب شئونات حوزه می‌باشد!

واِعلم أيّها المدعي الواهم، أنّ أفضل ما تدعي به هو الإصلاح، لكن باسمك أنت لا باسم الإمام، فهو أقرب للتقوى والتصديق، ومن هنا فقد زدت الطين بلة، بل أضحكت الناس عليك فأنت جعلت نفسك خامس السفراء.

ای مدعی متوهّم! برتر از آنچه ادعا می‌کنی، اصلاح نمودن است، اما به نام خودت و نه به نام امامت، که این به تقوی و راست‌گویی نزدیک‌تر است ولی تو حتی گِل را از خشت تشخیص نمی‌دهی! حتی وضعیت را بدتر كردی و خودت را پنجمین سفیر قرار دادی و باعث شدی مورد تمسخر دیگران قرار گیری.

إنّ للإمام مقام حق أشرف من أن يمثله شخص مثلك لا يعرف التميز بين الباطل والحق، وليست الرسالة هي مهاترات بين طلبة الحوزة الذين لا يفقهون من الحق شيء، سوى المتعة والخمس والنفاس، أو سرد الآيات القرآنية، أو حفظ بعض الروايات المنسوبة للائمة  إن كنت صادقاً في دعواك، وهذا محال، فأنا أدعوك لمساجلة عبر الانترنيت توضّح بها فكركم القاصر عن سر معرفة الإمام (عج)، ولما غاب واستتر عن الناس لتكون بالنتيجة أنت رسوله المنتجب، والوصي المؤيد كمحمد بن عبد الله  بجبرائيل وميكائيل لتخيف الناس السذّج بهذه الأسماء.

جایگاه امام والاتر و برتر از آن است كه كسی مثل تو که نمی‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد نماینده‌ی وی باشد. سفارت جز بحث بین طلبه‌های حوزه نیست؛ كسانی كه از فهم و ادراک حق بهره‌ای ندارند مگر احکام مُتعه و خمس و نفاس و به هم بافتن آيات قرآن و حفظ کردن برخی روایات منسوب به ائمه. اگر در ادعایت صادق هستی كه هرگز چنین نیست، من تو را به مناقشه از طریق اینترنت دعوت می‌كنم تا کوتاهیِ فکر تو آشکار شود؛ کوتاهی از شناخت و معرفت امام و اینکه چرا ایشان غایب و از نظر مردم پنهان شدند تا چون تویی فرستاده‌ی انتخاب شده‌ی او و همچنین وصىّ مؤید به جبرئيل و ميكائيل همانند محمّد ابن عبد الله باشی تا مردم ساده‌دل را با اين اسم‌ها بترسانى.

أنا أتحدّاك أن تعرف كنه جبرائيل وما كان يمثل للرسول الأعظم الذي لسخرية القدر أصبح يؤيدك ويفرد جناحيه فوق كتفيك ! الحمد لله الذي هدى العمي البصيرة وشاء فقدر، والحمد لله حمداً كثيراً على نعمه كلها.

تو را به مناظره می‌طلبم تا حقيقت جبرئيل و تمثیل رسول اعظم را بدانی؛ فرشته و فرستاده‌ای كه امروز به خاطر مقام مسخره‌اش تو را تأیيد مى‌كند و بال‌هايش را روى كتف‌های تو می‌گذارد! سپاس خداوندی را که نابینا را با بصیرت هدایت کرد و اراده فرمود و تقدیر کرد و حمد و سپاس بسیار خداوند را برای همه‌ی نعمت‌هایش!

أمّا المساكين الذين يتبعوك فقد أعمى الشيطان بصيرتهم، فأدعو الله لهم الهداية فلو كان لهم ذرّة من العقل ما تبعوك على ذبح نهج الإمام على مذبح كاذب مارق استغل اسم الإمام.

اما بدبخت‌هایی كه از تو پیروی می‌كنند، به واقع، شیطان بصیرت را از آنها گرفته و آنها را كوركرده است. پس از خداوند برای ایشان طلب هدایت می‌کنم. اگر ذرّه‌ای عقل در وجودشان بود از تو پیروی نمی‌كردند تا طریقت امام را با پیروی از قصابِ دزدِ دروغ‌گویی که به اسم امام عمل می‌کند، سلاخی کنند!

اِعلم يا هذا أنك لست الأول ولا الأخير، فليس كل من أثقل على نفسه بعشاء ونام فشاهد رؤية في منامه يجب أن يتبع، أنصحك بترك العشاء ليلاً لتنام خفيف البطن مرتاح، ولتترك عنك هذا الهراء وتستغفر الله على ما أفسدت من عقول.

بدان ای فلانی، تو اوّلین كسی نیستی كه ادعا می‌كنی و آخرین هم نخواهی بود. این طور نیست كه هر كس شام زیادی بخورد و بخوابد و در خوابش یک رؤیا ببیند، باید از او پيروى نمود. نصیحت می‌كنم شب‌ها دیگر شام نخوری تا با شكم خالی و راحت بخوابی، ‌و دیگر این چرندیات را نبافی و از خداوند به خاطر عقل‌هایی كه فاسد كردی طلب مغفرت نمایی.

اللهم إني بالغت في النصيحة ودعوتهم إلى سبيل الرشاد، اللهم فشهد.

العبد الفقير لله

علي القيسي .. رسول الإنسانية المعذبة - ووصي المساكين

٢٤/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

خداوندا! من بسیار نصیحت كردم و آنان را به راه صواب دعوت كردم. خدایا، خودت گواه باش!

بنده‌ی فقیر خداوند

علی القیسی - فرستاده‌ی انسانیت معذب - وصیّ بیچارگان

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم، السلام على من اتبع الهدى

أمّا بعد ..

فأني والله آسف لما كتبته صباح هذا اليوم بحقكم، أنكم لا تستحقون كل ما كتبته. عموماً اسأل الله المغفرة لأني اجاوزت على مريض نفسي مجنون، اسأل الله أن يعافيك ويشافيك من مرضك، ويلهم أهلك طريق مستشفى المجانين لكي ترتاح من مرضك هذا، وقد تجد من يستمع إليك هناك ويصدقك، أرجو من الله شفاء كل مريض.

الداعي بالعافية/ علي القيسي/ المواطن الصالح

**بسم الله الرحمن الرحیم، السلام علی من اتبع الهدی.... اما بعد....**

من به خدا سوگند به خاطر چیزهایی كه صبح امروز در حق شما نوشتم، متأسفم. به طور کلی از خداوند طلب مغفرت می‌کنم؛ چرا که من از حدّ یک مریض روانی و دیوانه پا را فراتر گذاشتم! از خداوند می‌خواهم كه به شما عافیت دهد و شما را شفا بخشد و راه تیمارستان را به خانواده‌ات نشان دهد تا تو از این بیماریت رها شوی. گاهی كسانی را می‌یابی كه به حرف‌هایت گوش و تو را باور می‌كنند؛ از خداوند برای همه‌ی مریض‌ها طلب شفا می‌كنم!!‌

دعا کننده برای عافیت.... علی قیسی.... هموطن نیکوکار

هذا خارج الموضوع ولكن هدية مني:

إنّ قضية موسى والبحر لم تكن كما تتصور، بل عبارة عن مدّ وجزر وهذا أمر طبيعي يحدث، ولذلك تبع فرعون موسى، ولو كان كما تتصور لما دخل البحر إلاّ مجنون مثلك مع جيشه.

اقرأ بين السطور يا مدعي النبوة والوصاية alaaalkaese@yahoo.com

بغداد

علي القيسي

این خارج از موضوع است ولی هدیه‌ای از طرف من می‌باشد:

موضوع موسی و دریا آن گونه كه تو تصوّر می‌كنی نیست؛ بلكه عبارت از یک جزر و مدّ می‌باشد و این یک رخداد طبیعی است كه اتفاق می‌افتد و از همین رو بود که فرعون، موسی را تعقیب نمود! ولی اگر آن طور بود كه تو تصوّر می‌كنی هرگز به آن دریا وارد نمی‌شد؛ مگر دیوانه‌ای مثل تو و سپاهیانش!

علی قیسی - بغداد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

اِنتظر الجواب من السيد أحمد الحسن اليماني الموعود، واِستمع إلى خطابه على الرابط التالي.

<http://home.ripway.com/2005-3/268344/kh_s/kh_s01.htm>

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمان الرحیم**

منتظر جواب سید احمد الحسن ـ‌یمانی موعود‌ـ باش. به خطبه‌ی وی در آدرس زیر گوش بده:

http://home.ripway.com/2005-3/268344/kh\_s/kh\_s01.htm

ونحن نشكرك على كلامك هذا؛ لأنك أثبَتََ أحد الأدلة التي تثبت صدق دعوة السيد أحمد الحسن، وكذلك من اِتبعه؛ لأنها أحد الأدلة التي نحتج بها على المكذبين، وهو:

اِتهام السيد أحمد الحسن بأنه مجنون ومريض، فإنها تهمة لا تكاد تفارق نبياً من الأنبياء ولا وصياً من الأوصياء، هل اِستقبل أهل مكة رسول الله محمداً  بالورود، أم صاحوا عليه ؟

ما به خاطر این سخنانت از تو تشكر می‌كنیم؛ چرا که تو یكی از دلایلی كه حقانیت دعوت سید احمد الحسن و کسانی که پیروی‌اش می‌کنند را ثابت می‌كند را اثبات نمودی؛ این دلیل، یکی از دلایلی است که ما علیه تکذیب‌کنندگان استفاده می‌کنیم و آن:

متهم نمودن سید احمد الحسن به دیوانگی و بیماری است؛ تهمتی كه تقریباً هیچ نبی‌ای از انبیا و هیچ وصی‌ای از اوصیا از آن برکنار نبوده است. آیا اهل مكه هنگام ورود حضرت محمّد به مكه از وی استقبال كردند یا بر او بانگ فریاد برآوردند؟

وأقولها لك بالعامية (.... مخبل) أي مجنون، ورموه بالحجارة، وكسروا ضلع الزهراء، وقد ذكر القرآن عشرات الآيات التي تصف تهماً ضد الأنبياء (مجنون، ساحر، …) وأنصارهم بأنهم أراذل وحاشاهم ([[142]](#footnote-142)).

و با کلمات عامیانه او را «... مخبل» یعنی مجنون و دیوانه خواندند، و به طرف وی سنگ پرتاب كردند و دنده‌های حضرت زهرا را شكستند. قرآن ده‌ها آیه ذكر كرده كه مردم انبیا را با کلماتی مانند دیوانه، ساحر و نظایر آن و یارانشان را نیز ارازل و فرومایه توصیف نمودند؛ که هرگز چنین نبوده‌اند[[143]](#footnote-143)!

وهل سمعت أنها أطلقت على أبي لهب أو فرعون أو معاوية أو صدام المجرم، فإنهم كانوا المبجلون (لعنة الله عليهم وعلى من لم يلعنهم).

آیا هیچ شنیده‌اید که به ابولهب، فرعون، معاویه يا صدام مجرم، لقب دیوانه بدهند؟ آنها همگی مورد احترام و تكریم بودند! لعنت خدا بر همه‌ی آنها باد!

فذاك الزمان أهون فإننا في أشرّ زمان، إنّ النصر لآت، اللعنة على الأعور الدجال الذي يخرج من سيستان كما أخبر أهل البيت في عدّة من المصادر العظيمة ([[144]](#footnote-144))، اللعنة على الدجال الأكبر، اللعنة على السفياني.

در مقایسه با آن زمان، ما در بدترین زمان به‌سر می‌بریم. پیروزی حتماً اتفاق خواهد افتاد. لعنت خدا به دجّال یک‌چشم كه از سیستان بلند خروج می‌کند[[145]](#footnote-145)؛ طبق روایات اهل بیت که در تعدادی از منابع بزرگ حدیث بیان نموده‌اند. لعنت خدا بر دجال بزرگ، لعنت بر سفيانی.

هذا جوابنا نحن الأنصار؛ أنصار الله والأنبياء والمرسلين والحسين والمهدي ، وبعد كل هذا اِنتظر جواب السيد أحمد الحسن، ولو إننا كنا نريدك أن تقسم قسم براءة وهو أن تقول: (أبرأ من حول الله وقوته إلى حولي وقوتي، إن كان السيد أحمد الحسن رسول ووصي الإمام المهدي) ولكننا ننصحك أن لا تتلفظ به إلاّ بعد جواب السيد أحمد الحسن، عسى أن تهتدي على يديه.

أخي مجنون وفي الموقع مئات التفاسير ؟!

السلام على اليماني، السلام على اليماني.

تابع جديد الموقع وكافة فقرات موقعنا.

أنصار الإمام المهدي

ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

این بود جواب ما انصار؛ انصار خدا، انبيا، فرستادگان، امام حسين و مهدى. بعد از این، منتظر پاسخ سید احمد الحسن باش. هر چند ما می‌خواستيم كه تو قسم برائت ياد كنى و بگویى: «**(از حول و قوه‌ی الهی خودم را خارج می‌کنم و به حول و قوه‌ی خودم پناه می‌برم اگر که سید احمد الحسن فرستاده و وصی امام مهدی باشد**)» ؛ ولی تو را نصيحت مى‌كنيم كه اين کلمات را ادا نکنی مگر بعد از پاسخ سيد احمد الحسن؛ شايد كه به دست او هدايت شوى!

برادر دیوانه‌ی من و در عین حال با صدها تفسیر؟!

سلام بر يمانی، سلام بر يمانی.

**انصار امام مهدی - ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق**

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

قال تعالى: *﴿***فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ***﴾*([[146]](#footnote-146))، وفي هذه الآية: (فَانْفَلَقَ، كُلُّ فِرْقٍ، كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ) كلّها تأبى المد والجزر الذي تأوله بعض من يجهل الحقيقة، فبالجزر ينحسر الماء باتجاه واحد، لا ينفلق ويكون فرقين من الماء وكل واحد منهما مرتفع عن الأرض كالجبل العظيم.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین**

خداوند متعال می‌فرماید: «(**پس به موسی وحی کرديم که: عصايت را بر دريا بزن. دريا بشکافت و هر پاره، چون کوهی عظيم گشت**)»[[147]](#footnote-147). در این آیه: «**فَانْفَلَقَ ، كُلُّ فِرْقٍ.... كَالطَّوْدِ الْعَظِیمِ**»: فانفلق (شكافت)، كل فرق (هر پاره) كالطود العظیم (مانند كوهی بزرگ). بعضی از جاهلان به حقیقت، تمام اینها را به جزر و مد تأویل می‌کنند. در جزر، آب فقط به یک طرف حركت می‌كند و نمی‌شكافد تا دو پاره شود و هر قسمت ارتفاعی به اندازه‌ی کوهی عظیم از زمین پیدا کند!

وأقول: لمن يجهل الحقيقة، إنّ هذه الآية حصلت ليوشع بن نون وصي موسى وجيشه، فانشق النهر وعبروا على القاع، وكذلك حصلت مع إيليا (إلياس) ووصيه اليشع كما هو مذكور في التوراة وانشق له النهر، فهل انتقلت ظاهرة المد والجزر إلى الأنهار؟!.

به كسانی كه از حقیقت بی‌خبرند می‌گویم كه این آیه و نشانه درباره‌ی یوشع بن نون وصیّ موسی و سپاهیانش نيز اتفاق افتاده است؛ رود می‌شكافد و آنها به ساحل می‌رسند. چنین حادثه‌ای برای ایلیا (الیاس) و وصیّ وی یشع‌ نیز اتفاق افتاده و داستانش در تورات آمده است كه رودخانه برای وی می‌شكافد. آیا پدیده‌ی جزر و مد به رودخانه‌ها انتقال یافته است؟!!

أمّا بقية كلام القيسي … فجوابه في كتاب الله*: ﴿***نْ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْراً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ***﴾*([[148]](#footnote-148)).

اما در مورد سایر سخنان قیسی.... پاسخشان در كتاب خدا وجود دارد: «(**نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نويسند \* که تو، به فضل پروردگارت، ديوانه نيستی \* و تو را پاداشی پايان‌ناپذير است \* و تو بر خُلقی عظيم هستی \* زودا که تو ببينی و آنها نيز ببينند \* که ديوانگی در کدام يک از شما است**)»[[149]](#footnote-149).

وجوابه في قوله تعالى: *﴿***اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ لاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ***﴾*([[150]](#footnote-150)).

و پاسخ وی از كتاب خداوند: «(**روز حساب مردم نزديک شد و آنان همچنان در غفلت روي‌گردانند \* از سوی پروردگارشان برايشان هيچ اندرز تازه‌ای نيامد، جز آنکه آن را شنيدند و سرگرم بازيچه بودند \* دل‌های‌شان به لهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش يکديگر نهادند و گفتند: آيا اين مرد جز اين است که انسانی همانند شما می‌باشد؟ آيا با آنکه به چشم خود می‌بينيد، همچنان از پی جادو می‌رويد؟ \* گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمين آگاه است و او شنوا و دانا است \* گفتند: نه، خواب‌های پريشان است، يا دروغی است که به هم می‌بافد يا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پيامبران پيشين داده شده بود، معجزه‌ای بياورد**)»[[151]](#footnote-151) ‌.

وجوابه في قوله تعالى: *﴿***مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً***﴾*([[152]](#footnote-152))، *﴿***… يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً وَدَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلاً كَبِيراً وَلا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً***﴾*([[153]](#footnote-153)).

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

و پاسخ او در این سخن خداوند متعال: «(**محمد پدر هيچ يک از مردان شما نيست. او رسول خدا و خاتم پيامبران است، و خداوند به هر چيزی دانا است**)»[[154]](#footnote-154) ، «.... (**ای پيامبر، ما تو را فرستاديم تا شاهد و مژده‌دهنده و بيم‌دهنده باشی \* و مردم را به فرمان خدا به سوی او بخوانی و چراغی تابناک باشی \* و مؤمنان را بشارت ده که از سوی خدا برايشان فضيلتی بزرگ آمده است \* از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن،که کارسازی را خدا بسنده است**)»[[155]](#footnote-155).

**احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶**

\* \* \*

السؤال/ ٣٥: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين، السيد أحمد الحسني  ... السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

أنا مؤلف لبحث عن الإمام المهدي بعنوان: (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي) و يمكن الاطلاع عليه في الموقع التالي:

http://www.geocities.com/almahdion2022

**پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدی درباره‌ی دو اسم مخفی در سوره‌ی فاتحه**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله و الصلاة و السلام على سیدنا محمّد و آله الطیبین الطاهرین.سید احمد الحسنى ... السلام علیكم و رحمة الله و بركاته.**

من مؤلّف تحقیقی درباره‌ی امام زمان هستم با عنوان «آغاز جنگ آمریكا عليه امام مهدی». می‌توانید این كتاب را در سایت زیر ببینید....

http://www.geocities.com/almahdion2022

ولقد أطلعني أحد الأخوة على ما تدعون إليه، وأعطاني عنوان موقعكم ليتسنى لي الاطلاع الموسع على آرائكم ودعواكم، وأنا في الحقيقة - واعذرني على كلامي هذا - لم أجد في دعواكم إلاّ كلام لا يغني ولا يسمن، وهو كلام قاله وادعاه الكثير من الناس على مرّ الزمان، ولم يثبت عندي إنّ الإمام الحجة (عجل الله سبحانه وتعالى فرجه الشريف) سيرسل رسول للناس، ولكني عرفت بعض الأمور التي لم أذكرها في الكتاب، ولهذا فإذا كنتم ما تقولون حقاً فوجب عليكم الإحاطة بها؛ لأنكم تدعون إنكم أعلم الناس الآن بكتاب الله سبحانه وتعالى، وسؤالي هو: هناك اِسمان مضمران في سورة الفاتحة ويستخرجان منها، وهما يكتبان بغير ما هو معروف عنهما، وأحدهما يكتب من اليمين لليسار، والآخر من اليسار لليمين، فما هما هذان الاسمان، وكيفية إظهارهما ؟ وأنا إذا استلمت منكم جواباً على تساؤلي هذا فأنا إن شاء الله من المبايعين لكم، أمّا إذا لم أستلم ما يفيد الإجابة ففي هذا إشارة منكم لبطلان دعواكم.

و الحمد لله رب العالمين الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

ماجد المهدي

٢٤/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

یكی از برادران، ادعای شما را به من اطلاع داد و آدرس سایت شما را به من داد تا بتوانم بیشتر از نظریات و ايده‌هاى شما آگاهی یابم. از این سخنم معذرت می‌خواهم ولی من چنین می‌پندارم كه سخن شما به هیچ دردی نمی‌خورد و این ادعایی است كه بسیاری از مردم در طول تاریخ بارها آن را ادعا كرده‌اند و برای من ثابت نشده است كه امام زمان فرستاده‌ای از جانب خود برای مردم خواهد فرستاد. من چیزهایی فهمیده‌ام كه آنها را در كتابم ذكر نكرده‌ام. اگر آنچه را كه می‌گویید واقعیت داشته باشد باید به آن احاطه‌ی كامل داشته باشید؛ چرا که شما ادعا می‌كنید عالم‌ترین مردم به كتاب خداوند سبحان و متعال می‌باشید. سؤال من این است.... دو اسم كه در سوره‌ی فاتحه پنهان‌اند و از آن قابل استخراج می‌باشند و آن دو اسم به شكلی نامألوف نوشته شده ، یكی از آنها از راست به چپ و دیگری از چپ به راست نوشته شده است؛ این دو اسم كدام‌اند و چطور آنها استخراج می‌شوند؟‌ اگر من جوابی از شما دریافت كنم انشاء الله با شما بیعت خواهم كرد اما اگر پاسخی قانع‌کننده از شما دریافت نکردم، دلیلی بر باطل بودن ادعای شما خواهد بود.

**و الحمد لله رب العالمين الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله و صلی الله على سيدنا محمّد و على آله الطيبين الطاهرين.**

ماجد المهدی

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

*﴿***إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ***﴾*([[156]](#footnote-156)).

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمين، وصلی الله على محمّد وآل محمّد الأئمة والمهديين**

«(**در اينها برای کسانی که از عذاب آخرت بيمناک‌اند عبرتی است. در آن روز که مردم گرد آورده شوند و آن روز که مردم را در آن حاضر آورند \* و جز تا اندک مدتی به تأخيرش نمی‌اندازيم**)»[[157]](#footnote-157).

١- لو أنك اطلعت اطلاعاً بسيطاً وليس موسعاً على كتاب المتشابهات، والفاتحة، والإضاءات، والعجل، وغيرها من الكتب الموجودة في الموقع التي بحسب رأيك كلام لا يغني ولا يسمن، لوجدتني بينت أنّ كل أسماء الله سبحانه وتعالى موجودة في سورة الفاتحة، واسم النبي  وعلي وفاطمة والأئمة  والمهديين  كذلك.

**۱ -** اگر تو اندک اطلاعی (و نه اطلاعاتی وسیع) از كتاب‌های «متشابهات، تفسیر سوره‌ی فاتحه و روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان و فتنه‌ی گوساله» كه در سایت وجود دارد، داشتی كه به نظر تو به هیج دردی نمی‌خورند، می‌فهمیدی كه در آنجا بیان نمودم كه تمامى اسامى خداوند سبحان و متعال و همچنين اسم پیامبر اكرم و علی و فاطمه و ائمه و مهديين در سوره‌ی فاتحه وجود دارد.

٢- إذا كان كلامي لا يغني ولا يسمن فلا داعي للاعتذار إلاّ اللغو، وإذا كان العكس فلا عذر إلاّ الاستغفار وطلب التوبة من الواحد القهار.

**۲ -** اگر كلام من به هیچ دردی نمی‌خورد، جایی برای عذرخواهی وجود ندارد؛ ولی اگر بر عكس باشد، هیچ عذرخواهی جایز نخواهد بود مگر استغفار و طلب توبه از خداوند واحد قهار.

٣- ولم يثبت عندك أنّ الإمام المهدي سيرسل رسولاً للناس، فمحمد ذو النفس الزكية أليس رسولاً ؟ والمولى الذي يلي أمره أليس رسولاً ؟ واليماني أليس رسولاً ؟ وطالع المشرق أليس رسولاً ؟ (اقرأ الأحاديث التي وردت عن آل محمد  والتي استشهد بها الشيخ ناظم العقيلي (حفظة الله) في كتابه الرد القاصم، وهو عبارة عن مناظرة مع السيد السيستاني ومكتبه ومركز البحوث العقائدية التابع له)، لعل الله ينوّر قلبك ويهديك إلى الحق، وهذه جوهرة من بحر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ذكرني فيها.

**۳** - اگر برایت ثابت نشده است كه امام مهدی فرستاده‌ای را برای مردم خواهد فرستاد، آیا محمّد دارای نفس زكیه، فرستاده نيست؟! آیا یمانی فرستاده نيست؟ آیا خروج‌کننده از مشرق، فرستاده نیست؟ روايت‌هايى كه از آل محمّد وارد شده است را بخوان و روایت‌هایی را که شیخ ناظم عقيلی (که خداوند حفظش کند) در كتاب خود «پاسخ کوبنده» به آنها استدلال کرده را نیز بخوان؛ این کتاب عبارت است از مناظره‌ای بين شيخ ناظم عقيلى و سيد علی سيستانی و دفتر و مرکز تحقیقات عقایدی وابسته به او. شاید خداوند قلبت را نورانى و به حق هدایت كند. این هم گوهری از دریای امیر مؤمنان علی كه در آن مرا ذکر فرموده است:

ورد عن الأصبغ بن نباتة، قال: (أتيت أمير المؤمنين فوجدته ينكت في الأرض، فقلت له: يا أمير المؤمنين ما لي أراك مفكرا تنكت في الأرض ؟ أرغبة منك فيها ؟ قال: **لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا قط، ولكني تفكرت في مولود يكون من ظهر الحادي عشر من ولدي هو المهدي الذي يملأها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يكون له حيرة وغيبة تضل فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون.** قلت: يا مولاي فكم تكون الحيرة والغيبة ؟ قال: **ستة أيام، أو ستة أشهر، أو ست سنين**. فقلت: وإن هذا الأمر لكائن ؟ فقال: **نعم كما أنه مخلوق، وأنى لك بهذا الأمر يا أصبغ، أولئك خيار هذه الأمة مع أبرار هذه العترة،** قال: قلت: ثم ما يكون بعد ذلك ؟ قال: **ثم يفعل الله ما يشاء فإن له بداءات وإرادات وغايات ونهايات**) ([[158]](#footnote-158)).

از اصبغ بن نباته روایت شده است که گفت: خدمت امیرالمومنین آمدم، دیدم ایشان چوبی در دست گرفته بود و به زمین می‌زند. به ایشان عرض کردم: ای امیرالمومنین! چه شده است که شما را می‌بینم متفکرانه سر چوب را به زمین می‌زنید؟ آیا به این زمین علاقه‌ای دارید؟ حضرت فرمود: «**خیر، به خدا قسم که هیچ وقت رغبتی به زمین و دنیا نداشته‌ام، لکن در مورد مولودی فکر می‌کنم که از نسل فرزند یازدهم از فرزندانم می‌باشد، او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و جور پر شده است. حیرت و غیبتی برای او پیش می‌آید که در آن بعضی از اقوام گمراه و بعضی دیگر هدایت می‌شوند**». عرض کردم: ای امیرالمومنین! حیرت و غیبت چه مدتی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «**شش روز یا شش ماه یا شش سال**». عرض کردم: آیا واقعاً این امر صورت می‌گیرد؟ فرمود: «**آری، گویی او خلق شده است، ولی ای اصبغ تو را با این امر چه کار است؟ آنها نیکان این امّتند همراه با نیکان این عترت**»**. عرض کردم: بعد از آن چه می‌شود؟ فرمود: «پس از آن، هر چه خدا خواهد می‌شود زیرا برای خدا بداءها و اراده‌ها و غایات و پایان‌ها است (هر طور که خدای تعالی بخواهد عمل می‌کند**)»[[159]](#footnote-159).

والحادي عشر من ولد أمير المؤمنين هو الإمام المهدي ، والذي من ظهره هو المهدي الأول من المهديين الإثني عشر، وهو وصي ورسول الإمام المهدي .

يازدهمین فرزند امیرالمؤمنین، امام مهدی است و کسی که از نسل او است، مهدی اول از مهدیون دوازده‌گانه که وصی و فرستاده‌ی امام مهدی می‌باشد.

وفي دعاء الإمام الرضا للإمام المهدي : (… **اللهم أعطه في نفسه وأهله وَوَلَدِهِ وذريته وأمته وجميع رعيته ما تقر به عينه** …)([[160]](#footnote-160))، فهذا الولد الذي خصّه الإمام الرضا بالدعاء هو المهدي الأول وصي ورسول الإمام المهدي ، فأحمد الله الذي جعلني مذكوراً عنده وعند آبائي الرسول الأعظم محمد  وأمير المؤمنين علي والأئمة  ولم يجعلني منسيّاً.

در دعای امام رضا برای امام مهدی آمده است: «.... **خدایا! به وی و خانواده‌اش و پسرش و اولادش و امّتش و همگی پیروانش چیزی را عطا فرما كه با آن شادمان شود**....»[[161]](#footnote-161). این فرزندی كه امام رضا در دعایش ذکر فرموده همان مهدی اوّل، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی می‌باشد. پس خدا را حمد و سپاس می‌گویم كه مرا نزد خودش و پدرانم، رسول اكرم، امیرالمؤمنین و ائمه ياد كرد و آنها مرا فراموش نكردند.

ثم إنّك في كتابك الموسوم أوجبت إرسال الإمام المهدي رسولاً، فما عدا مما بدا، وهذا نص كلامك حيث قلت في الفصل الثالث: (وأرجو أن لا يكون القارئ كالذين قالوا لنبي الله موسى أرنا الله جهرة، والآن لو فرضنا أنّ الله سبحانه وتعالى أراد أن يوضح للناس أنّ ظهور الإمام المهدي قريب إن شاء الله، وإنهم يجب عليهم أن يناصروه لرفع راية لا إله إلاّ الله محمد رسول الله، فكيف يتم هذا التوضيح أو التبليغ ؟ إذاً يجب أن يتم ذلك بأن يسخر سبحانه وتعالى من يشاء من عباده ليظهر على يديه ما يريده وفي الوقت المناسب، لضرورة معرفة هذا الأمر وفي هذا الوقت بالذات، حتى يقيم الحجة البالغة على عباده).

فهل نسيت أم تناسيت ما خطته يمينك في كتابك ؟!

به علاوه تو خود در كتابت فرستاده شدن فرستاده‌ای از جانب امام مهدی ‌را واجب دانسته‌ای؛ در فصل سوم كتابت گفته‌ای:

«امیدوارم خواننده‌ی این كتاب مانند كسانی نباشد كه به موسی گفتند: خداوند را آشکارا به ما نشان بده. اکنون اگر فرض كنیم خداوند سبحان و متعال بخواهد به مردم بگوید كه ظهور امام مهدی نزدیک (ان شاء الله) و بر آنها واجب است که او را یاری نمایند و پرچم لا اله الا الله و محمّد رسول الله را بالا ببرند، چگونه برای مردم واضح و به ایشان تبليغ خواهد شد؟ بنابراین، خداوند متعال باید یكی از بندگان خود را انتخاب فرماید تا در وقت مناسب آنچه اراده می‌فرماید را به دست او اجرا کند، تا این امر ضروری در وقتش اعلام و حجّت بالغه بر بندگان اقامه گردد».

آیا آنچه در كتابت نوشته‌ای را فراموش كردی یا خود را به فراموشی می‌زنی؟!

٤- كيف تقرّر أنني إذا لم أخض فيما خضت فيه أنت من حسابات (وقلب كلمات) تظن أنت إنّها صحيحة، أكون قد ادعيت باطلاً، ما هكذا يا سعد تورد الإبل !!!

**۴ -** چطور چنین تصور می‌کنی که اگر من به چیزهایی كه تو از محاسبات خودت (با برعكس كردن كلمات) به دست می‌آورى و تصور می‌كنی كه درست است، وارد نشوم، ادعاهای من باطل است. ای سعد، شترها را اینچنین آب نمی‌دهند[[162]](#footnote-162)!

٥- وإذا كنت تلتزم بطريقتك في الحساب وأنت متيقن منها وبأحقيتها، فبنفس طريقتك وبما ثبت به حساب الأرقام عندك وتريد إثباته للناس اِحسب:

**۵ -** اگر به روش خودت در حساب اعداد پایبند هستی و به درست و حق بودنش یقین داری، به همان روش خودت و به روشى كه حساب اعداد برای تو ثابت شده است و می‌خواهی آن را به مردم ثابت كنی، با من حساب کن:‌

من هو أحمد = هو رسول المهدي، كما حسبت من هو محمد = هو نبي الله، في كتابك الموسوم الفصل الثالث. ويحسب (المهدي) بالجمع الكبير وعدده (٩٠)، ويحول إلى الجمع الصغير فيصبح (٩)، كما حسبت في كتابك (محمد).

م + ن + هـ + و + ا + ح + م + د

4 + 5 + 5 + 6 + 1 + 8 + 4 + 4 = 37

هـ + و + ر + س + و + ل + (ا ل م هـ د ي)

5 + 6 + 2 + 6 + 6 + 3 +     (9)   = 37

من هو احمد = هو رسول المهدی؛ همان طور كه در فصل سوم کتابت حساب كردی: من هو محمّد = هو نبی الله. المهدی با جمع بزرگ با عدد ۹۰ حساب و با جمع كوچک به ۹ تبدیل می‌گردد؛ همان گونه كه در كتابت «محمّد» را اینچنین حساب كردی.

م+ ن + هـ + و + ا + ح + م + د = 4 + 5 + 5 + 6 + 1 + 8 + 4 + 4 = 37

هـ + و+ ر + س + و + ل + (ا ل م هـ د ی) = 5 + 6 + 2 + 6 + 6 + 3 + (9) = 37

وكذلك اِحسب: (ما هو كتاب الله) ستجده يساوي (هو رسول المهدي) كما حسبت في كتابك ما هو كتاب الله، هو القرآن الكريم.

م + ا + هـ + و + ك + ت + ا + ب + ا + ل + ل + هـ

4 + 1 + 5 + 6 + 2 + 4 + 1 + 2 + 1 + 3 + 3 + 5 = 37

هـ + و + ر + س + و + ل  + (ا ل م هـ د ي)

5 + 6 + 2 + 6 + 6 + 3 +      (9)      = 37

هـ + و + ا +  ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل + ك + ر + ي + م

5 + 6 + 1 + 3 + 1 + 2 + 1 + 5 + 1 + 3 + 2 + 2 + 1 + 4 = 37

همچنین حساب کن:‌ «ما هو كتاب الله» را برابر مى‌يابى با «هو رسول المهدی» همان طور كه در كتابت حساب كردی: ما هو كتاب الله، هو القرآن الكريم.

م + ا + هـ + و + ك + ت + ا + ب + ا + ل + ل + هـ = 4 + 1 + 5 + 6 + 2 + 4 + 1 + 2 + 1 + 3 + 3 + 5 = 37

هـ + و + ر + س + و + ل + (ا ل م هـ د ی) = 5 + 6 + 2 + 6 + 6 + 3 + (9) =37

هـ + و + ا + ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل+ ک + ر + ی + م = 5+ 6 + 1+ 3 + 1 + 2 + 1+ 5 + 1 + 3 + 2+ 2 + 1 + 4 = 37

فتبيّن لك مما سبق أنّ أحمد هو رسول المهدي، وكتاب الله، والقرآن الكريم الناطق، وبالطريقة التي جعلتها الدليل على مصداقية علم الحروف في كتابك الموسوم (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي ) ، فاتق الله والزم قول أمير المؤمنين علي بحق آل محمد : (**ولا تعلموهم فأنهم أعلم منكم**) ([[163]](#footnote-163)).

پس برای تو آشكار شد كه احمد، فرستاده‌‌ی مهدی است و همچنین كتاب خدا و قرآن ناطق است، با همان روشی كه تو آن را در كتابت «شروع جنگ آمریکا علیه امام مهدی» دلیلی برای درست بودن علم حروف قرار دادی. از خداوند بترس و به سخن امیرمؤمنان علی در حق خاندان محمّد پایبند باش كه فرمود: «(**به آنان آموزش ندهید كه از شما عالم‌تراند**)»[[164]](#footnote-164).

وبهذا لزمتك الحجة التي تقرّها في كتابك، فلا يقبل منك الإعراض وترك الجواب.

وأبيّن لك شيئاً من سر الرقم (٣٧).

قال تعالى: *﴿***فَصِيَامُ ثَلاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ***﴾*([[165]](#footnote-165)).

به این ترتیب، با همان روشی که خودت در کتابت اقرار نمودی، حجّت بر تو تمام شد؛ پس روى برگرداندن و پاسخ نگفتن شما مورد قبول نخواهد بود.

حال از اسرار عدد ۳۷ برایت چیزهایی روشن می‌كنم.

خداوند متعال می‌فرماید: «(**سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد، تا ده روز کامل شود و اين حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد**)»[[166]](#footnote-166).

والعشرة هي السموات السبع (العرش العظيم) والكرسي والعرش الأعظم وسرادق العرش الأعظم، وهذه الثلاثة هي بيت الله ومدينة الكمالات الإلهية في الخلق ومدينة العلم (محمد )، فمن كان من آل محمد عشرته كلها في الحج أي في بيت الله، أي في مدينة العلم، أي في بيت النبوة ومعدن الرسالة وللمزيد ولتتوضح لك الصورة أكثر اقرأ المتشابهات ج٣ (سؤال حول سر الأربعين، سؤال حول العرش والكرسي).

ده، همان آسمان‌های هفت‌گانه (عرش عظيم) + كرسى + عرش اعظم + سرادق عرش اعظم است و این سه مورد یعنی خانه‌ی خدا، شهر كمالات الهی در مخلوقات و شهر علم حضرت محمّد. پس هر كس از خاندان محمّد باشد، ده‌گانه‌ی ایمان او در حج یعنی در خانه‌ی خدا یعنی در مدینه‌ی علم یعنی در خانه‌ی نبوت و معدن رسالت می‌باشد؛ برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب متشابهات جلد ۳، سؤال درباره‌ی راز عدد چهل و سؤال درباره‌ی عرش و كرسی، مراجعه نما.

١- والرقم (٣٧) يتألف من الرقمين (٧،٣) ، ومجموعهما (١٠)، وهي عشرة التوحيد، فمن أتمها وحج بيت الله وزار مدينة العلم وتم عقله وكان من الثلاث مائة وثلاثة عشر أصبح منا أهل البيت، وهذا ورد عن آبائي : (**الإيمان عشر درجات** ([[167]](#footnote-167))**، وسلمان أتم العاشرة** (صلوات الله على سلمان)**، فسلمان منا أهل البيت**) ([[168]](#footnote-168))، أمّا نحن أهل البيت فعشرتنا في الحج، وفي بيت الله.

**۱ -** عدد ۳۷ از دو عدد ۳ و ۷ تشكیل شده است که جمع‌شان ۱۰ می‌شود که همان مراتب ده‌گانه‌ی توحید است. پس هر كس آن را انجام دهد و به حج خانه‌ی خدا برود و شهر علم را زیارت كند و عقلش كامل گردد و جزو سيصد و سيزده نفر شود، از ما اهل بیت به شمار می‌رود. این مضمون از پدرانم روایت شده است: «**ایمان ده درجه دارد**[[169]](#footnote-169) **و سلمان همه‌ی این ده درجه را به پایان رسانید، درود خدا بر سلمان باد. پس سلمان از ما اهل بیت است**»‌[[170]](#footnote-170). ما اهل بِیتیم و درجات دهگانه در حج و در خانه‌ی خدا.

٢- والرقم (٣٧) يتكون من (١٠ + ٢٧)، والعشرة هي عشرة الحج، والسبعة والعشرون هي العلم المسموح ببثه في الناس كما في الروايات عنهم  ، فمن أتم عشرة الحج (عشرة الإيمان) أمكنه حمل السبعة والعشرين حرفاً من التوحيد التي يبثها الإمام المهدي .

**۲ -** عدد ۳۷ از ۱۰ + ۲۷ تشكیل شده است؛ ۱۰ همان ده‌گانه‌ی حج و ۲۷ علمی است كه انتشارش بین مردم اجازه داده شده است، همان طور که در روایات اهل بيت آمده است. پس هر كس ده‌گانه‌ی حج (درجات ده‌گانه‌‌ی ایمان) را تمام کند می‌تواند حامل ۲۷ حرف توحید كه امام مهدی منتشر می‌سازد، باشد.

وقال تعالى: *﴿***وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ***﴾*([[171]](#footnote-171)).

خداوند متعال می‌فرماید: «(**و ما بر آن هستيم که بر کسانی که روی زمين به استضعاف کشیده شدند منّت گذاریم و آنان را پيشوايان سازيم و وارثان گردانيم**)»[[172]](#footnote-172).

وهؤلاء الذين يريد الله أن يجعلهم أئمة هم آل محمد  الأئمة والمهديون ، وكذلك الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدي ، وفي أول سورة القصص سرّها وهو (طسم) وإذا حسبت عدد هذه الحروف المقطعة بالجمع الكبير.

ط +  س  +  م

9 + 60 +40 = 109

کسانی که خداوند اراده می‌فرماید تا ائمه قرار دهد، خاندان محمّد ائمه و مهدیون و نیز سیصد و سیزده یار امام مهدی می‌باشند و این سرّ و راز آغاز سوره‌ی قصص یعنی «طسم» است؛ اگر عدد این حروف مقطعه را با جمع بزرگ حساب كنی:

ط + س + م = 9 + 60 + 40 = 109

فالنتيجة (٩+١٠٠) وإذا حولتها إلى الجمع الصغير (٩+١) يكون الناتج (١٠)، وهي عشرة الحج المتعلقة بالأئمة (الثلاث مائة وثلاثة عشر) المذكورين في الآية، وهي عشرة التوحيد فمن حج بيت الله تحلى بها وتم عقله وتيقن وثبت عنده الثابت ووحده سبحانه (هو)، وإذا جمعت حروف (هو) وجدتها.

هـ +  و

5  +  6  = 11

پس نتیجه ۹ + ۱۰۰ می‌باشد و اگر آن را به جمع كوچک تبدیل كنی ۹ + ۱ نتیجه ۱۰ می‌شود و این همان ده‌گانه‌ی حج مربوط به ائمه (سیصد و سیزده) است كه در آیه ذكر شده است و همان ده‌گانه‌ی توحید می‌باشد. هر كس به حج خانه‌ی خدا برود، به آن آراسته و عقلش كامل می‌گردد و یقین پیدا می‌كند و همه چیز برایش ثابت می‌گردد و خداوند سبحان (هو) را به یگانگی می‌پرستد. اگر حروف «هو» را جمع كنی، می‌بینی:

هـ + و = 5 + 6 = 11

وهي (١+١٠) والعشرة قد عرفتها، وهي عشرة الحج والإيمان، والواحد سبحانه وتعالى، فمن تحلّى بالعشرة، تيقن ووحد الواحد.

که ۱ +۱۰ می‌باشد. حال ده‌گانه را شناختی كه همان ده‌گانه‌ی حج و ایمان است و عدد یک همان خداوند سبحان و متعال می‌باشد؛ پس هر كس به این ده‌گانه آراسته باشد به وحدانیت خداوند یقین پیدا می‌كند.

وباختصار فقد بينت لك أنّ في هذا العدد (٣٧)، عشرة الحج والتوحيد وكذلك الـ (٢٧) حرفاً من علم التوحيد، فمن حج وتحلّى بالعشرة أمكنه حمل ومعرفة الـ (٢٧) حرفاً حال بثها في الناس، وهي السر الذي لا يتحمله إلاّ نبي مرسل، أو ملك مقرّب، أو مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان، وبالنتيجة تيقن ووحد الواحد سبحانه وتعالى (هو).

برای تو به اختصار بیان کردم كه در این عدد (۳۷) ده‌گانه‌ی حج و توحید و نیز ۲۷ حرف از علم توحید وجود دارد. پس هر كس به حج برود و به این ده‌گانه آراسته گردد، امكان تحمل و شناخت ۲۷ حرف را وقتى بين مردم منتشر می‌شود، دارا می‌باشد، و این، سرّی است كه هيچ کس تحملش را ندارد مگر پیامبر فرستاده شده يا فرشته‌ی مقرّب یا مؤمنی كه خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد؛ درنتیجه، بنده به يقين می‌رسد و به وحدانيت خداوند سبحان و متعال (هو) یقین پيدا می‌کند.

وأزيدك، فإذا جمعت (طسم) بالجمع الصغير.

ط + س + م =

9 + 6 + 4 = 19

وعدد حروف البسملة (١٩) حرفاً، والبسملة آية التوحيد.

براى اينكه بيشتر بدانی، اگر «طسم» را با جمع كوچک حساب كنی:

ط + س + م = 9 + 6 + 4 = 19

و تعداد حروف «بسملة» (**بسم الله الرحمن الرحیم**) ۱۹ و بسمله، آیه‌ی توحید می‌باشد.

قال تعالى: *﴿***وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْراً وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُوراً***﴾*([[173]](#footnote-173))، أي قل: بسم الله الرحمن الرحيم كما ورد عنهم  ([[174]](#footnote-174))، وقد عرفت أنّ (طسم) أشارت إلى أهل التوحيد، وهم الثلاث مائة والثلاثة عشر، ولذا استوى عدد حروف آية التوحيد (بسم الله الرحمن الرحيم) مع عدد آية الموحدين (طسم) وأهل النار مشركون؛ ولذا جعل عليهم عدد آية الموحدين.

خداوند متعال می‌فرماید: «(**و بر دل‌هاشان پرده افکنيم تا آن را درنيابند و گوش‌هاشان سنگين کنيم، و چون پروردگارت را در قرآن به يکتايی ياد کنی، بازمی‌گردند و می‌رمند**)»[[175]](#footnote-175) ؛ یعنی بگو: بسم الله الرحمن الرحیم، همان طور كه از ائمه روایت شده است[[176]](#footnote-176). پس دانستی كه «طسم» اشاره به اهل توحید دارد که آنها ۳۱۳ نفرند و از همین رو، عدد حروف آیه‌ی توحید (بسم الله الرحمن الرحیم) با عدد آیه‌ی موحّدین (طسم) برابر و مساوی است؛ و همچنین با عدد مشرکین اهل آتش؛ از همین رو خداوند تعدادشان را با عدد آیه‌ی موحّدین برابر قرار داده است.

قال تعالى: *﴿***عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَاناً وَلا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلاً كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ***﴾*([[177]](#footnote-177))، والموحدون هم أصحاب اليمين في سورة المدثر الذين يدخلون الجنة بغير حساب، وهم أصحاب اليماني وصي ورسول الإمام المهدي .

خداوند متعال می‌فرماید: «(**نوزده فرشته بر آن گماشته‌‌اند \* موکلان دوزخ را جز از ملائکه قرار نداديم و شمار آنها جز برای امتحان کافران نيست تا اهل کتاب يقين کنند و بر ايمان مؤمنان بيفزايد و اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند و تا آنان که در دل‌هاشان مرضی است و کافران نگويند: خدا از اين مثل چه می‌خواسته است؟ خدا اينچنين هر کس را که بخواهد گمراه و هر کس را که بخواهد راه می‌نمايد و شمارِ سپاهيان پروردگارت را جز او نداند و اين سخن جز اندرزی از برای مردمان نيست**)»[[178]](#footnote-178) ، و موحّدین، همان اصحاب يمين در سوره‌ی مدثر هستند كه بدون حساب وارد بهشت می‌شوند و آنها یاران يمانی، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی می‌باشند.

قال تعالى: *﴿***كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ***﴾*([[179]](#footnote-179)).

خداوند سبحان می‌فرماید: «(**هر کس در گرو عملی است که کرده است \* مگر اصحاب یمین**)»[[180]](#footnote-180).

اقرأ بيان اليماني الأخير لتتضح لك الصورة أكثر، ولتزداد يقيناً - إن كنت تبحث عن الحق وكنت من الذين أوتوا الكتاب أو الذين أمنوا بالكتاب - قال تعالى: *﴿***وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَاناً***﴾*.

برای اینکه بیشتر بدانی و به یقینت افزوده گردد ـ‌اگر در جست‌وجوی حقیقت هستی و از کسانی باشی که کتاب به آنها داده شده است یا کسانی که به کتاب ایمان دارند‌ـ بیانیه‌ی اخیر یمانی را مطالعه کن. خداوند متعال می‌فرماید: «(**و شمار آنها جز برای امتحان کافران نيست تا اهل کتاب يقين کنند و بر ايمان مؤمنان بيفزايد**)».

اِحسب معي: كلمة (وصي)، (اليماني)، (من هو اليماني)، (هو وصي)، (هو وصي المهدي)، (أصحاب اليمين).

با من حساب كن: كلمه‌ی «وصی»، «الیمانی»، «من هو اليمانى»، «هو وصى» ، «هو وصی المهدی»، «اصحاب الیمین».

ولكن قبل أن نبدأ بالحساب، لنراجع ما خطته يمينك في كتابك (بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي ) الفصل الثاني، حيث قلت فيه: (القرن السادس، النبوءة الثالثة والثلاثون: تمتد يده أخيراً في الآلوس الدموي، سيكون عاجزاً عن حماية نفسه في البحر، سوف يخشى اليد العسكرية بين النهرين، وسيجعله الشخص الأسود الغاضب يندم على فعلته)، ثم استطردت في كتابك قائلاً: وهذه من أغرب التنبؤات التي ذكرها نوستر اداموس حيث إنه ذكر الإمام المهدي بصورة لا تخطئه، ولقد احتار فيها المترجمون للتنبؤات في معنى الاسم الوارد في النبؤة، وذكرها أغلب المترجمين الاسم كما ورد (الوس)، بل إنّ البعض منهم قام بحذفه كما في الترجمة الإنكليزية، أمّا في الأصل الفرنسي فهي موجودة، وهنا ترجم المترجم كلمة (ALUS) المذكورة في النبؤة على إنها (الآلوس) (مضيفاً للكلمة ال التعريف العربية) ولا يعرف معناها، وتركها للتاريخ يحل لغزها حين تحدث تلك الواقعة، وأنا سأكشف عن ما قصده نوستر اداموس فيها، إنّ نوستر اداموس هنا وكعادته استخدم الجناس التصحيفي أو الترخيم، عندما يتعلق الأمر بأسماء أشخاص أو ألقابهم فلقد قام بحذف حرف (I) من نهاية الاسم؛ لأننا لو أضفنا هذا الحرف فإنّ الكلمة تصبح (ALUSI) (الوصي) ويصبح المعنى واضحاً جداً، حيث إننا نعرف أنّ لقب الأوصياء يطلق على الأئمة الاثني عشر من أهل البيت  والإمام المهدي هو أحد الأوصياء إذا ممكن أن يطلق عليه (الوصي)، ويتفق نوستر أداموس هنا أيضاً مع ما يذهب إليه الشيعة.

ولی قبل از اینكه حساب را شروع كنیم سری به چیزهایی که خودت در کتابت به نگارش درآوردی می‌زنیم؛ «آغاز جنگ آمریكا عليه امام مهدی» در فصل دوّم كتابت گفته‌ای:قرن ششم - پیش‌گویی سی و سوم:

«در آخر دستش را به سمت آلوس خونی دراز می‌كند، از حمایت خود در دریا عاجز خواهد ماند و از سپاه بین النهرین خواهد ترسید و شخصی سیاه و خشمگین او را از كرده‌اش پشیمان خواهد كرد»

سپس در ادامه كتابت گفته‌ای:

این از عجیب‌ترین پیشگویی‌های نوستراداموس می‌باشد که در آن به وضوح و نه به طور ضمنی امام مهدی را نام برده است. مترجمان در معنی نام وارد شده در این پیش‌گویی‌ها در حیرت مانده‌اند و بیشترشان آن را همان طور که وارد شده است یعنی «الوس» ذکر کرده‌اند. برخی از مترجمان از جمله در ترجمه‌ی انگلیسی، اقدام به حذف آن نمودند امّا در اصل فرانسوی، این اسم موجود است و مترجم كلمه «ALUS» را به الآلوس ترجمه كرده یعنی یک «ال» معرفه‌ی زبان عربی به آن اضافه كرده است، ‌در حالی كه معنایش را نمی‌داند و آن را به تاریخ واگذارده است یعنی تا زمانی كه آن واقعه رخ دهد و معما حل شود؛ ولی من هدف و قصد نوستراداموس را از این كلمه کشف کرده‌ام. در اینجا نوستراداموس طبق عادت خود از جناس تصحیفی (يعنى انتخاب كلمه‌ی غلط مشابه با كلمه‌ی اصلى) یا ترخیم (يعنى حذف حرفى از كلمه) استفاده كرده است. او هنگامی کلمه‌ای مربوط به اسامی یا القاب می‌باشد اقدام به حذف حرف «I» از انتهای آن کلمه می‌نمود؛ حال اگر ما این حرف را به انتهای کلمه اضافه کنیم کلمه‌ی ALUSI (الوصی) را خواهیم داشت و معنی بسیار واضح و آشكار خواهد شد چرا كه ما می‌دانیم لقب اوصیا به ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت اطلاق می‌گردد و امام مهدی نیز یکی از اوصيا می‌باشد و درنتیجه می‌تواند کلمه‌ی «الوصی» بر وی اطلاق گردد. در اینجا نوشته‌ی نوستراداموس با عقاید شیعه موافق و سازگار است.

ونوستر أداموس يصف هنا شخصاً معينا قد يكون قائداً عسكرياً، أو رئيس دولة يحاول أن يقتل الإمام المهدي ، أو القضاء على قواته ويكون خائفاً من القوة العسكرية (جيش الإمام المهدي) الموجودة بين النهرين (العراق) ولكن رجلاً من جنود الإمام المهدي (وصفه بأنه أسود أي إنه (شيعي)؛ لأنّ اللباس الأسود يرمز إلى الشيعة، أو قد يكون رجلاً عربياً مسلماً من أفريقيا (أسود) سيقوم بالقضاء عليه وعلى قواته وهي في البحر (ربما في أحد الأساطيل الحربية أو في أحد حاملات الطائرات ويدمرها).

به علاوه نوستراداموس در اینجا شخص معينی را توصیف می‌كند كه فرمانده نظامی یا رئیس كشوری است كه سعی می‌كند امام مهدی را به قتل برساند و نیروهای وی را از بین ببرد ولی از سپاه (ارتش امام مهدی) كه در بین النهرین (عراق) موجود هستند می‌ترسد؛ و یا مردی از سپاه امام مهدی كه مردی سیاه توصیف شده یعنی او شیعه است؛ چرا که لباس سیاه اشاره به شیعه بودن دارد. یا شاید یک مرد عرب مسلمان آفریقایی (سياه‌پوست) باشد، او و نیروهایش را در حالی كه در دریا هستند از بین می‌برد (چه بسا در یكی از ناوگان‌های جنگی یا در یكی از هواپیمابرها)‌.

وقبل أن أبدأ بالحساب لدي تعليق على كلامك المتقدّم، وهو أنّ الوصي المذكور في نبوءة نوستر أداموس ليس الإمام المهدي ، بل هو وصي الإمام المهدي ، وأول المهديين الاثني عشر أوصياء الإمام المهدي ، وهو رسول الإمام المهدي ووليه الذي يلي أمره كما في الروايات، وهو يماني آل محمد الموعود الذي يدعو إلى الحق والملتوي عليه من أهل النار كما في الروايات عنهم .

قبل از اینكه حساب را شروع كنم، شرحی به سخنان پیشین تو می‌دهم؛ وصیّ یاد شده در پیشگویی نوستراداموس امام مهدی نیست بلكه وصیّ امام مهدی ‌و اوّلین مهدی از مهدیون دوزاده‌گانه از اوصیای امام مهدی است. او فرستاده‌ی امام مهدی و جانشین او است که امرش را برعهده دارد، همان گونه که در روایات آمده است. او یمانی آل محمد، همان وعده داده شده‌ای است که به حق دعوت می کند و همان طور که در روایات ائمه وارد شده است، روی‌گردان از او از اهل آتش می‌باشد.

وفي وصية رسول الله : (عن أبي عبد الله ، عن آبائه، عن أمير المؤمنين ، قال: **قال رسول الله  في الليلة التي كانت فيها وفاتـه لعلي : يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة، فأملى رسول الله  وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الاثني عشر إمام**، وساق الحديث إلى أن قال: **وليسلمها الحسن إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد  فذلك اثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين، له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي، وهو عبد الله وأحمد والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين**) ([[181]](#footnote-181)).

در وصیت رسول خدا آمده است: از ابو عبدالله از پدرانش از امیر المومنین نقل شده است که فرمود: «**پيامبر خدا در شبی كه وفاتش بود به علي فرمود: يا اباالحسن، صحيفه و دواتی حاضر كن. پيامبر خدا وصيّتش را املا فرمود تا به اين جا رسيد كه فرمود: يا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی، نخستينِ دوازده امامی** و حدیث را ادامه می‌دهد تا اینکه می‌فرماید: **حسن** **خلافت را به پسرش م ح م د که حافظ دین آل محمد است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفات مهدی رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهدیین) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مؤمنان است**»[[182]](#footnote-182).

وعن الصادق ، إنه قال: (**إنّ منا بعد القائم اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين** )([[183]](#footnote-183)).

از امام صادق روایت شده است كه فرمود: «**از نسل ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان حسین** **خواهند بود**»[[184]](#footnote-184).

وعن الصادق ، قال: (**إنّ منا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين** ) ([[185]](#footnote-185)).

از امام صادق روایت شده است كه فرمود: «**از نسل ما بعد از قائم یازده مهدی از فرزندان حسین** **خواهند بود**»[[186]](#footnote-186).

وفي هذه الرواية القائم هو المهدي الأول وليس الإمام المهدي ؛ لأنّ الإمام بعده اثنا عشر مهدياً.

در این روایت قائم همان مهدی اوّل است نه امام مهدی چون بعد از امام مهدی دوازده مهدی خواهند بود.

وقال الباقر في وصف المهدي الأول: (… **ذاك المشرب حمرة، الغائر العينين، المشرف الحاجبين، العريض ما بين المنكبين، برأسه حزاز وبوجهه أثر، رحم الله موسى**) ([[187]](#footnote-187)).

امام باقر در وصف مهدی اول فرموده است: «.... **داراى قرمزى صورت، چشم‌هاى گود، ابروهاى برجسته، فراخ و پهنى ميان دو شانه، در سرش شوره و درصورتش اثرى است، رحمت خدا بر موسی باد**»[[188]](#footnote-188).

وعن أمير المؤمنين في خبر طويل: (… فقال : **ألا وإن أولهم من البصرة وأخرهم من الأبدال** …) ([[189]](#footnote-189)).

و از امیرمؤمنان در خبری طولانی روایت شده است: «.... **فرمود: آگاه باش كه اوّلین آنها از بصره و آخرینشان از ابدال است**....»[[190]](#footnote-190).

وعن الصادق في خبر طويل سمّى به أصحاب القائم : (… **ومن البصرة** … **أحمد** …) ([[191]](#footnote-191)).

و از امام صادق در خبری طولانی كه اصحاب قائم را نام برده است، روایت شده است: «.... **و از بصره.... احمد**....»[[192]](#footnote-192).

وعن الإمام الباقر إنه قال: (**له اسمان** – أي للقائم -، **اسم يخفى واسم يعلن، فأمّا الذي يخفى فأحمد وأمّا الذي يعلن فمحمد**) ([[193]](#footnote-193))، وأحمد هو اسم المهدي الأول، ومحمد اسم الإمام المهدي كما تبيّن من وصية رسول الله .

و از امام باقر روایت شده است كه فرمود: « **دو اسم دارد ـ‌یعنی قائم‌ـ اسمی مخفی و اسمی آشكار؛ اما اسمی كه پنهان می‌ماند احمد و اسمی كه آشكار می‌شود محمّد است**»[[194]](#footnote-194)، و احمد، اسم مهدی اوّل و محمّد اسم امام مهدی است، همان طور كه از وصیت رسول خدا آشكار شده است.

وعن الباقر : (**إنّ لله تعالى كنزاً بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفاً بخراسان شعارهم: (أحمد، أحمد) يقودهم شاب من بني هاشم على بغلة شهباء، عليه عصابة حمراء، كأني أنظر إليه عابر الفرات، فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبواً على الثلج**)([[195]](#footnote-195))، وأحمد هو اسم المهدي الأول ووصي الإمام المهدي ، وأول المؤمنين بالإمام المهدي في بداية ظهوره، ورسول الإمام المهدي إلى الناس كافة، وفي دعاء اليوم الثالث من شعبان (يوم ولادة الإمام الحسين ) الذي ورد عن الإمام المهدي : (**اللهم إني أسـألك بحق المولود في هذا اليوم** … **المعوض من قتله أن الأئمة من نسله، والشفاء في تربته والفوز معه في أوبته، والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته، حتى يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار، اللهم فبحقهم إليك أتوسل** …) ([[196]](#footnote-196))، إذا تدبّرت الدعاء تيقنّت أنّ المراد بالأوصياء هم أوصياء الإمام المهدي ، ومنهم أبوهم أول المهديين  المذكور في الروايات، والذي ذكرته نبوءة نوستر أداموس اليهودي، لتكون حجة دامغة على اليهود والمسيحيين والعالم الغربي الذي يؤمن بهذه النبوءة، كونها صدقت في أحداث كثيرة مضت، وكونها جاءت على لسان يهودي فرنسي غربي منهم.

از امام باقر روایت شده است كه فرمود: « **خداوند متعال گنجی در طالقان دارد كه نه از طلا است و نه از نقره؛ ‌دوازه هزار در خراسان که شعارشان** «**احمد احمد**» **است و رهبرى آنها را جوانى از بنى هاشم که سوار بر قاطرى خاکستری است و پيشانى‌بند قرمز رنگ دارد، بر عهده دارد. گویی به او مى‌نگرم كه فرات را مى‌گذرد و اگر شنيديد، به سوى او بشتابيد حتى اگر سینه خيز بر يخ و برف باشد**»[[197]](#footnote-197).

احمد، اسم مهدی اوّل و وصیّ امام مهدی و اوّلین ایمان‌آورنده به امام مهدی در آغاز ظهورش است و او فرستاده‌ی امام مهدی به سوی همه‌ی مردم می‌باشد. در دعای روز سوم شعبان (روز ولادت امام حسین) که از امام مهدی نقل شده، آمده است:

«(**بارخدایا! از تو درخواست مى‌کنم به حق مولود در این روز.... در عوض شهادتش، امامان و پیشوایان دین از نسل پاک او هستند و شفاى هر مرض در تربت او و هر که را محبت او است در رجعتش پس از قائم آل محمد** **و طول غیبت رستگار خواهد بود تا آنکه به خون‌خواهى او برخیزند و خدا را خوشنود سازند و بهترین یاران دین خدا باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که آمد و شد روز و شب در جهان برقرار است. بارالها! به حق آنها به درگاه تو توسّل مى‌جویم**....)»[[198]](#footnote-198).

اگر در این دعا تدبّر کنی به یقیین می‌رسی كه منظور از اوصيا، اوصیا و جانشینان امام مهدی می‌باشند و از بین ایشان، پدرشان، اوّلین مهدیین می‌باشد كه در روایت ذكر شده است. کسی که پیش‌گویی نوستراداموس یهودی گفته است كه وی حجّت قطعی بر تمام یهود و مسیحیان و جهان غرب خواهد بود؛ همان کسانی که به این پیش‌گویی ایمان دارند چرا که درستی آن را در بسیاری از رخدادها دیده‌اند و از آنجا که بر زبان یک یهودی فرانسوی از خودشان جاری شده است.

والآن بعد أن تبيّن لك أنّ الوصي المذكور في النبوءة هو وصي المهدي أعرج بك على الحساب:

أولاً: (اليماني هو الوصي)

حال بعد از اینكه برايت روشن شد كه وصی ذكر شده در پیشگویی همان وصی مهدی می‌باشد به حساب برمی‌گرديم:

**اول: اليمانی هو الوصی**.

كلمة (وصي):

١- و      ص      ي

  6  + 90 + 10 =  106  بالجمع الكبير ، وتحول إلى الجمع الصغير:

(6 + 100) فتكون بالجمع الصغير (6 + 1) = (7)

٢- و    ص   ي

6 +  9 + 1  =  16 بالجمع الصغير

كلمه‌ی «وصی»:

**۱ -** و ص ی = 6 + 90 + 10 = 106 با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع كوچک :

6 + 100 بعد از حساب کردن با جمع كوچک: 6 + 1 = 7.

**۲ -** و ص ی = 6 + 9 + 1 = 16 با جمع کوچک.

كلمة (اليماني):

١-   ا      ل     ي      م      ا     ن      ي

1 + 30 + 10 + 40 + 1 + 50 + 10 =  142

بالجمع الكبير، وتحول إلى الجمع الصغير، (2 + 40 + 100) فتكون بالجمع الصغير (2+ 4 + 1) = 7

٢-  ا    ل     ي    م    ا    ن    ي

1 + 3 + 1 + 4 + 1 + 5 + 1 = 16 بالجمع الصغير

کلمه‌ی «الیمانی»:

**۱ -** ا ل ی م ا ن ی = 1+ 30 + 10 + 40 + 1 + 50 + 10 = 142

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع كوچک: 2 + 40 + 100

و بعد از حساب کردن با جمع کوچک: 2+ 4 + 1 = 7.

**۲ -** ا ل ی م ا ن ی = 1+ 3 + 1 + 4 + 1 + 5 + 1 = 16 با جمع کوچک.

فتبيّن لك مما سبق من الحساب أن كلمة:

(وصي) = (اليماني) = (٧) بعد حسابهما بالجمع الكبير وتحويله إلى الجمع الصغير.

(وصي) = (اليماني) = (١٦) بعد حسابهما بالجمع الصغير.

و از حساب‌های گذشته روشن شد كه:

وصی = الیمانی = ۷ ، بعد از حساب کردن با جمع بزرگ و تبدیلشان به جمع كوچک.

وصی = الیمانی = ۱۶ ، بعد ازحساب کردن آن دو با جمع كوچک.

ثانياً: عند السؤال عن شخص اليماني نقول: (من هو اليماني)، فإذا كان اليماني وصي الإمام المهدي (أي المهدي الأول المذكور في وصية رسول الله )، يكون الجواب: (هو وصي المهدي) أو (هو وصي). وعدد المهدي هو:

 ا       ل      م     هـ     د     ي

1 + 30 + 40 + 5 + 4 + 10 = 90

**دوّم**: هنگام سؤال كردن از شخصیت یمانی می‌گوییم «من هو اليمانى» (یمانی کیست) و اگر یمانی، وصیّ امام مهدی (یعنی مهدی اوّل كه در وصیت رسول خدا ذكر شده است) باشد، جواب «هو وصى المهدى» (او وصی مهدی است) يا «هو وصى» (او وصی است) می‌باشد. عدد المهدى به صورت زیر است:

ا ل م هـ د ی = 1 + 30 + 40 + 5 + 4 + 10 = 90

بالجمع الكبير وتحول إلى الجمع الصغير، (90) فتكون (9) = 9

والآن احسب:

(من هو اليماني)

م     ن     هـ    و   + (ا ل ي م ا ن ي)

4 + 5 + 5 + 6 +      (7)       =  27

(هو وصي المهدي)

هـ  و   +   (و ص ي)  +  (ا ل م هـ د ي)

5 + 6 +      (7)     +       (9)     = 27

(هو وصي)

هـ   و   + (و ص ي)

5 + 6  + (16)   = 27

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع كوچک: 90 = 9

حالا محاسبه کن:

من هو اليمانی: م ن هـ و + (ا ل ی م ا ن ی) = 4 + 5 + 5 + 6 + (7) = 27.

هو وصی المهدی: هـ و + (وص‌ی) + (ا ل م هـ د ی) = 5 + 6 + (7) + (9) = 27.

هو وصی = هـ و + (و ص ی) = 5 + 6 + (16) = 27.

فتبيّن لك أنّ عدد: (من هو اليماني) = (هو وصي المهدي) = (هو وصي).

پس روشن شد كه از نظر عدد: من هو الیمانی = هو وصی المهدی = هو وصی.

واحسب عدد (هو اليماني) بالجمع الصغير ستجده يساوي الـ (٢٧) حرفاً من العلم التي يبثها القائم في الناس.

با جمع کوچک، عدد «هو الیمانی» را حساب کن خواهی دید برابر با 27 حرفی که قائم بین مردم منتشر خواهد ساخت، می‌شود.

عن أبي عبد الله ، قال: (**العلم سبعة وعشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها الحرفين حتى يبثها سبعة وعشرين حرفاً**) ([[199]](#footnote-199)).

از ابو عبد الله روایت شده است كه فرمود: «**علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چیزی كه انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم،‌ ظهور كند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج و آن را بین مردم منتشر می‌كند و این دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منشتر شود**»[[200]](#footnote-200).

هـ   و      ا     ل    ي    م    ا     ن    ي

5 + 6 + 1 + 3 + 1 + 4 + 1 + 5 + 1 =  27

ثم احسب عدد (أصحاب اليمين ) في الآية: *﴿***كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ***﴾*([[201]](#footnote-201))، واليمين تحسب بالجمع الكبير وتحول إلى الجمع الصغير فتكون النتيجة.

هـ و ا ل ی م ا ن ی = 5 + 6 + 1 + 3 + 1 + 4 + 1 + 5 + 1 = 27

سپس عدد «اصحاب الیمین» را در این آیه، حساب كن: «(**هر نفسی در گروه عملی است كه انجام داده است \* مگر اصحاب یمین**)»[[202]](#footnote-202). «الیمین» با جمع بزرگ محاسبه و بعد به جمع كوچک تبدیل و نتیجه حاصل می‌شود:

 ا   ص   ح    ا    ب  + (ا ل ي م ي ن)

1 + 9 + 8 + 1 + 2 + (1 + 4 + 1) =  27

وقد عرفت أنّ رقم (٢٧) يمثّل السبعة والعشرين حرفاً من العلم (المعرفة بالله وتوحيده سبحانه) التي يبثها الإمام المهدي في الناس.

ا ص ح ا ب + (ا ل ی م ی ن) = 1 + 9 + 8 + 1 + 2 + (1 + 4 + 1) = 27.

و دانستی كه عدد ۲۷ بیانگر بیست و هفت حرف از علم (شناخت خدا و توحيد او سبحان) است كه امام مهدی در بین مردم منتشر می‌كند.

ومن الحساب السابق تعلم أنّ اليماني وهو وصي المهدي وهو المهدي الأول وعاء السبعة والعشرين حرفاً من العلم، فهو الوعاء الذي يستقبل الفيض من الإمام المهدي ويفيضه على أصحابه، فاليماني نسبة إلى الإمام المهدي يكون النون ونقطة النون.

از محاسبات گذشته متوجّه شدی كه یمانی، وصی مهدی، و اوّلین مهدی، ظرف بیست و هفت حرف از علم می‌باشد؛ او ظرفی است كه این فیض‌ها را از امام مهدیدریافت می‌كند و به یارانش می‌بخشد؛ پس یمانی نسبت به امام مهدی نون و نقطه‌ی نون می‌باشد.

قال تعالى: *﴿***نْ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْراً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ***﴾*([[203]](#footnote-203))، واليماني نسبة إلى الثلاث مائة وثلاثة عشر أصحاب الإمام المهدي هو الباء، وهو نقطة الباء في بسم الله الرحمن الرحيم، فله مقاما الرسالة والولاية، فهو في هذا الزمان يمثل محمداً وعلياً ، وهو المدينة وهو الباب، فأين تذهبون *﴿***وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ***﴾*([[204]](#footnote-204)).

خداوند متعال می‌فرماید: «(**نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نويسند \* که تو، به فضل پروردگارت، ديوانه نيستی \* و تو را پاداشی پايان‌ناپذير است \* و تو بر خُلقی عظيم هستی \* زودا که تو ببينی و آنها نيز ببينند \* که ديوانگی در کدام يک از شما است \* هر آينه پروردگار تو بهتر می‌داند چه کسی از طريق او گمراه گشته است، که او به ره‌يافتگان داناتر است**)»[[205]](#footnote-205) و یمانی نسبت به سیصد و سیزده تن از یاران امام مهدی حرف باء و نقطه‌ی حرف باء در بسم الله الرحمن الرحیم است. پس او داراى دو مقام رسالت وولایت می‌باشد. بنابراین او در این زمان شخصيت محمّد و علی را تمثيل مى‌كند. او شهر علم است، او دربِ شهر است؛ پس به کجا می‌روید؟ «(**و آن سخن، سخن شيطان رجيم نيست \* پس به کجا می‌رويد؟ \* اين کتاب چیزی نیست جز پندی برای جهانيان \* برای هر کس از شما که بخواهد به راه راست افتد \* و شما** **نمی‌خواهيد مگر آنچه را که پروردگار** **جهانيان خواسته** **باشد**)»[[206]](#footnote-206).

ومن الحساب السابق تعلم أنّ أصحاب اليمين وهم أصحاب اليماني أيضاً وعاء السبعة والعشرين حرفاً من العلم، فهم الوعاء الذي يستقبل الفيض من اليماني وصي ورسول الإمام المهدي إلى الناس كافة، ثم إنهم يفيضون العلم على الناس، وهم الثلاث مائة والثلاثة عشر.

از محاسبات گذشته متوجّه شدی که اصحاب الیمین که همان اصحاب یمانی هستند، ظرف بیست و هفت حرف علم می‌باشند. آنها ظرف‌هایی هستند که علم را از یمانی وصی و فرستاده‌ی امام مهدی به سوی همه‌ی مردم، دریافت می‌کنند و سپس به همه‌ی مردم می‌رسانند و ایشان، سیصد و سیزده تن می‌باشند.

وأزيدك أيّها الأخ:

إنّ أدلة الدعوة كثيرة، وقد جئت بما جاء به الأنبياء والمرسلون  ومحمد  والأئمة ، وقد صنف أحد الإخوة أنصار الإمام المهدي وهو الأستاذ ضياء الزيدي عشرات الأدلة في كتابه النور المبين، وهو مطبوع ويمكنك الاطلاع عليه، وكذلك البلاغ المبين ج1 للشيخ ناظم العقيلي (حفظه الله) ومن أدلة الدعوة:

ای برادر، اضافه می‌نمایم که:

دلایل دعوت، بسیار است و دلایلی كه انبیا و فرستادگان و محمّد و ائمه آورده بودند من هم آورده‌ام. یكی از برادران انصار امام مهدی به نام استاد ضیاء الزیدی، ده‌ها دلیل را در كتاب خود «نور المبین» به نگارش درآورده است؛ این كتاب چاپ شده است و می‌توانید آن را مطالعه نمایید، و همچنین كتاب «بلاغ المبین جلد ۱» نوشته‌ی شیخ ناظم عُقیلی که خدا حفظش کند. از جمله دلایل این دعوت:

١- الروايات عن الرسول محمد  والأئمة والتي تنص على الاسم والبلد والصفات.

**۱ -** روایات رسول خدا محمّد و ائمه كه به اسم و شهرو ویژگى‌ها تصریح دارند.

٢- العلم بالمحكم والمتشابه وطرق السماوات، وهو من خصوصيات وأسرار الأئمة .

**۲ -** علم به محكمات و متشابهات و راه‌های آسمان كه از ویژگی‌ها و اسرار ائمه می‌باشد.

٣- المباهلة / قسم البراءة / الدعوة إلى الحق و … و … و.

**۳ -** مباهله، قسم برائت، دعوت به سوی حق و.... و.... و....

٤- الكشف في اليقظة والرؤى الصادقة في النوم التي رآها عدد كبير جدّاً من الناس بالرسول محمد  وعلي والزهراء  والأئمة ، وهم يؤكدون على أحقية هذه الدعوة، والرؤيا بهم  ثابتة، وإنّها حق بالقرآن والروايات عنهم .

**۴ -** مکاشفه در عالم بیداری و در رؤیاهای صادقه كه تعداد بسیار زیادی از مردم به وسیله‌ی حضرت محمّد، علی، زهرا و ائمه دیده‌اند که ایشان بر حقانیت این دعوت تاکید کرده‌اند و صحت رؤیاهای آنها ثابت شده و از طریق قرآن و روایات ائمه ثابت شده است که حق می‌باشند.

إضافة لما قررته أنت وألزمت به نفسك من نبوءة نوستر أداموس في كتابك الفصل الثاني حيث نقلت هذا النص: (القرن الثالث، النبوءة الرابعة والتسعين لمدة خمسمائة سنة أخرى سوف ينتبهون إليه فهو زينة عصره، ثم سيبعث فجأة وحي عظيم سيجعل ناس ذلك القرن مسرورين).

به اضافه‌ی آنچه از پیش‌گویی‌های نوستراداموس که تو خودت اقرار نمودی و خودت را به آنها ملزم نمودی؛ آنجا که در فصل دوم کتابت چنین متنی آورده‌ای:

«قرن سوم، پیش‌گویی نود و چهارم: تا مدت پانصد سال دیگر او را درخواهید يافت. پس او زینت زمان خودش خواهد بود. پس به ناگاه وحی بزرگ فرستاده خواهد شد كه مردم آن قرن را مسرور و خوشحال خواهد نمود».

فما هو الوحي العظيم إلاّ الرؤيا التي يراها عدد كبير جدّاً من الناس تبيّن الحق وصاحبه ؟

آن وحی بزرگ چیست؟ جز رویاهایی كه تعداد زیادی از مردم آنها را می‌بینید و حق و صاحبش را بیان خواهند كرد؟

اقرأ بتأنٍ أيّها الأخ، واجعل طلب الحق نصب عينيك، وابحث بدقة وأنصف نفسك وأنقذها من النار، أسأل الله لك الهداية إن شئتها، وأن يريك الحق حقّاً ويرزقك اتباعه، ويريك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه.

والحمد لله وحده.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

ای برادر با تأمل و اندیشیه بخوان، و همواره طلب حق را نصب العین خود بگردان (فقط در جست‌وجوی حق باش) و با دقت به بحث و بررسی بپرداز و با خودت به انصاف رفتار کن و خود را از عذاب جهنم نجات بده. از خداوند برای تو هدایت طلب می‌کنم و اینكه حقیقت را آن گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از ان را روزی‌ات گرداند.

**والحمد لله وحده.**

**احمد الحسن - جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٣٦: السلام عليكم .. أنا عراقي في المهجر هي ألمانيا، وميونخ بالتحديد، قد قرأت بعض الذي ذكرت ولكن كيف التصديق وقد سمعنا إن للمهدي (عجل الله فرجه الشريف) هناك الكثير من الناس الذين يدعون بأنهم رسل المهدي ، وهم ليسوا إلاّ كذابين آسف أنا لا أقصدك.

**پرسش ۳۶: چگونه می‌توانم باور کنم و حال آنکه مدعیان، بسیارند**

سلام علیكم. من یک عراقی هستم و در مهجر در آلمان و به طور مشخص در مونیخ زندگی می‌كنم. مطالبی را درباره‌ی شما خوانده‌ام ولی چطور باور كنم و حال آنکه افراد بسیاری دیده‌ایم كه ادعا می‌كنند فرستاده‌ی امام مهدی می‌باشند در حالی كه دروغ‌گویی بیش نیستند؛ متاسفم منظورم شما نیستید.

ولكن كيف أصدق وكيف أعلم بك وأنت ها قد قلت بأنك تعلمت علم من علم الإمام المهدي ؟ سؤالي: هل تستطيع أن تلتقي بي ؟ وأقسم بأني خائف لأني أريد الآخرة ولا أريد الدنيا، فبالله عليك قربني من الإمام المهدي ولك السلام.

طارق الأنصاري

ربيع الثانيس ١٤٢٦ هـ . ق

ولی من چطور شما را تصدیق كنم و چطور به یقیین برسم و شما گفته‌اید كه دانش را از امام مهدی آموخته‌ای. سؤال من این است که آیا می‌توانید با من ملاقاتی داشته باشید؟ و قسم می‌خورم كه من ترسانم چرا که من آخرت را می‌خواهم نه دنیا را. پس تو را به خدا قسم می‌دهم که امام مهدی را به من نزدیک نمایی. و سلام بر تو!

طارق الانصاری

ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

أخي وجود الباطل لا يدل على بطلان الحق، فوجود مسيلمة الكذاب (لعنه الله) لا يدل على بطلان محمد ، اغتسل وصم ثلاثة أيام وأدعو بهذا الدعاء … (الدعاء الموجود في جواب: س١٤)، وأسأل الله أن يهديك سواء السبيل، وأن يريك الحق حقاً ويرزقك اتباعه، ويريك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

برادرم! وجود داشتن باطل، دلیل بر باطل بودن حق نیست؛ وجود مسیلمه‌ی كذاب (که لعنت خدا بر او باد) دلیل بر باطل بودن حضرت محمّد نیست. غسل كن، سه روز، روزه بگیر و این دعا را بخوان.... (دعا در پاسخ سؤال ۱۴ وجود دارد). از خداوند برای تو طلب هدایت به راه راست می‌کنم و اینكه حق را آن گونه که هست، به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزی‌ات گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزی‌ات گرداند.

**احمد الحسن**

**جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٣٧: بسمه تعالى ..

إذا كان القرآن قد جمع في زمن الرسول فلماذا لم يجمع حسب التنزيل. لماذا أستغرق خلق الأرض أربعة أيام بينما أستغرق خلق السماء يومين فقط ؟

نرجوا الإجابة يرحمكم الله.

يوسف العلي

٢٢/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۳۷: چرا قرآن بر حسب نزول آیات جمع نشده است**

**بسمه تعالی....**

اگر قرآن در زمان رسول خدا جمع شده، چرا بر حسب نزول آیات جمع نشده است؟ چرا آفرینش زمین چهار روز و آفرینش آسمان فقط دو روز به طول انجامیده است.

يوسف علی - ۲۲ ربيع الثانی ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

بالنسبة لجمع القرآن الموجود بين أيدي الناس فالجميع يعرفون أنه متأخر عن زمن الرسول محمد ، أمّا ما جمع في حياة رسول الله  فهو عند الإمام .

أمّا السؤال الثاني فالجواب موجود في (المتشابهات ج٤) وهو في الطباعة وسينشر قريباً إن شاء الله.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

در رابطه با جمع‌آوری قرآنی كه اکنون بین مردم هست، همه می‌دانند كه پس از زمان رسول خدا حضرت محمد جمع شده، اما آنچه در زمان حیات رسول خدا جمع شده است نزد امام می‌باشد.

اما در خصوص سؤال دوّم، پاسخ در متشابهات جلد چهارم موجود می‌باشد و به زودی منتشر خواهد شد؛ ان شاء الله.

**احمد الحسن**

**جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٣٨: لقد سمعت الشريط المسجل تمامه لكن هناك تنديد بالشرطة وأنهم عملاء لأمريكا، هذا غير صحيح؛ لأنه هم ذاهبون لطلب العيش، ومنهم من لديه عوائل متكفلون بهم، من أين يعيشوا ؟ أرجو الجواب بأسرع وقت، أنا من المتابعين لكم وأنا طالب حوزة اعتزلت لكثرة الفتن وعمري ٢٣سنة.

أحمد

٢١/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۳۸: چرا پلیس محکوم می‌شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشتشان است**

من به تمام نواری كه ضبط شده بود گوش دادم؛ ولی در این نوار پلیس محكوم شده بود و اینكه آنها مزدوران آمریكايى هستند. این درست نیست؛ چرا که آنها به دنبال معیشت خود هستند و برخی از آنها کسانی را دارند که سرپرستی‌شان می‌كنند و از كجا مخارج زندگی خود را تأمین کنند؟ امیدوارم در کوتاه‌ترین زمان به سؤال من پاسخ دهید. من از پيروان شما و طلبه‌ی حوزه هستم و به خاطر فتنه‌های زیاد گوشه‌نشینی را برگزیده‌ام و ۲۳ سال دارم.

احمد - ۲۱ ربيع الثانی ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

١- الذي كان يحمل السلاح جنباً إلى جنب مع الأمريكان الكفرة، ويهجم على ضريح علي بن أبي طالب ، ويتبجح بقتل الشباب في ضريح علي بن أبي طالب ، ويخرج على شاشات الفضائيات وفمه يقطر من دماء الشباب الذين يلوذون بضريح علي بن أبي طالب كالجزائري المجرم مدير شرطة النجف، أليس عميلاً للشيطان ولجنود الشيطان الأمريكان ؟

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

**۱ -** كسی كه دوشادوش آمریكای کافر سلاح برمی‌دارد و به ضریح مطهر علی بن ابی طالب حمله و به كشتن جوانان در حرم علی بن ابی طالب افتخار مى‌كند و در ماهواره‌ها ظاهر می‌شود در حالی كه از دهانشان خون جوانانی كه به حرم مطهر علی پناه برده بودند؛ امثال جزایری‌های جنایتكار رئیس پلیس نجف، آیا مزدور و سربازان سپاه شیطان، یعنی آمریكا نیست؟

٢- لقد أسقط شرطة النجف مئات القتلى من المدنيين الذين كانوا يسيرون بمسيرة سلمية خالية من السلاح، هؤلاء الذين أطلقوا العنان لمدافع حقدهم، أنّ تردي مئات المساكين مضرجين بدمائهم، أليسوا عملاء للشيطان ولجنود الشيطان الأمريكان ؟

**۲ -** پلیس نجف صدها نفر از شهروندان را در حالی که در راهپیمایی آرام و بدون اسلحه بودند، به قتل رسانید. اینان كه از سرِ حقد و کینه‌هایی که دارند عنان از کف داده و صدها بدبخت و بیچاره را آغشته به خون كرده‌اند، آیا مزدوران و سربازان سپاه شیطان، یعنی آمریكا نیستند؟‌

٣- يوجد الآن بعض أفراد الشرطة والحرس … عادوا إلى رشدهم وآمنوا بهذه الدعوة الحقّة، ومنهم ضباط برتب كبيرة وقد طلبت منهم جميعاً أن لا يعينوا ظالماً ولو بشق تمرة، وأن ينصفوا المظلوم ولو على أنفسهم، وأن يكونوا في كل وقت مستعدين لمواجهة الأمريكان الكفرة وأذنابهم الفجرة.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**۳ -** در حال حاضر بعضی از این پلیس‌ها وسپاهيان.... سر عقل آمده و به این دعوت حق ایمان آورده‌اند و در میان اینها افرادی با درجه‌ی بالا نیز وجود دارد. من از همه‌ی آنها خواستم كه به ظالم كمک نكنند حتی به اندازه‌ی شكافتن خرمایی و اینكه انصاف را در بین مظلومان رعایت كنند حتی اگر علیه خودشان باشد، و در همه حال آماده‌ی مبارزه با آمریكای کافر و پیروان جنایتكارش باشند.

**احمد الحسن**

**جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٣٩: السلام على قائم آل محمد (صلى الله عليه وعلى أبائه الطاهرين وعلى أولاده المنتجبين), السلام على المضطر الذي يجاب إذا دعى, السلام على الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء, السلام على الطالب بدم المقتول بكربلاء, السلام عليك يا مولاي ورحمة الله وبركاته ...

السلام على رسول الأمام ووصيه، السلام على المظلوم كجده محمد في أمته، السلام على المغصوب حقّه كجدّه علي في أمته، السلام عليك يا مولاي ورحمة الله وبركاته ...

أخوة الإيمان، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته وتحياته، وبعد ..

**پرسش ۳۹: حکم تراشیدن موی گونه‌ها در آرایشگاه‌ها چیست؟**

سلام بر قائم آل محمد (که سلام و صلوات خداوند بر او و پدران پاکش و فرزندان برگزیده‌اش باد). سلام بر مضطرّی که اگر دعا کند، اجابت می‌شود. سلام بر خواهان انتقامِ انبیا و فرزندان انبیا. سلام بر خون‌خواهِ خونِ مقتول کربلا. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و برکاته....

سلام بر فرستاده‌ی امام و وصیّ‌اش. سلام بر مظلومی که همانند جدّش محمد در بین امّتش می‌باشد. سلام بر کسی که حقّش مانند علی بن ابی طالب در امّتش غصب شده است. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و برکاته....

برادران ایمانی، سلام عليكم ورحمة الله وبركاته وتحياته، و اما بعد....

سيدي ومولاي، ما هو حكم إزالة الشعر من الوجنتين كما هو متعارف عليه لدى الحلاقين؟

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته، نصركم الله ونصر بنصركم دينه وشريعته.

خادم أنصار الإمام (أبو علي)

٢٠/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

 مولای من، حكم تراشیدن موی گونه‌ها كه نزد آرایش‌گرها مرسوم است، چیست؟‌

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته. خداوند شما را یاری دهد و با یاری شما دین و شریعتش را یاری نماید!

خادم انصار امام (ابو علی) - ۲۰ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

تحرم حلاقة (اللحية) (الذقن)، ويجوز إزالة الشعر من الوجنتين.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

تراشیدن ریش حرام، ولی تراشیدن موی گونه‌ها جایز است.

**احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٠: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أشكركم جزيل الشكر على إجابة رسالتي السابقة، ولدي بعض الأسئلة الأخرى أكون شاكراً جدّاً للإجابة عليها:

**پرسش ۴۰: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی در زمان قائم چیست؟**

**سلام عليكم و رحمة الله و بركاته**

از اینكه به سؤال قبلی‌ام پاسخ دادید، بسیارمتشكرم.... پرسش‌های دیگری نیز دارم. بسیار ممنون می‌شوم كه اگر به اینها نیز پاسخ دهید.

١- النهر الذي يبتلى به أصحاب القائم ، هل هو نهر مادي معلوم أم هو شيء آخر يرمز له بالنهر؟

**۱ -** رودی كه یاران قائم با آن آزموده می‌شوند چیست؟ آیا یک رود مادی معلوم است یا چیز رمزگونه‌ی دیگری كه با رودخانه به آن اشاره می‌شود؟

٢- ما المقصود مما ورد في الحديث عن المعصوم : (**ودخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر**) ؟

**۲ -** مقصود از آنچه در این حدیث از معصوم وارد شده است، چیست؟ «**و در آن شبیه خورشید پرستان و ماه‌پرستان داخل مى‌شوند**».

٣- من علامات الظهور قراءة كتابان بالبراءة من علي في البصرة والكوفة، هل هي قراءة علنية وبموافقة أهل البصرة والكوفة، أم ماذا ؟

**۳ -** از علامت‌های ظهور این است كه دو بيانیه براى برائت از علی در كوفه و بصره خوانده مى‌شود. آیا این خوانده شدن، علنی است و با موافقت اهل بصره و كوفه انجام می‌شود یا چیزی دیگری می‌باشد؟

ولكم جزيل الشكر والامتنان.

فهمي صالح

١٨/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

از شما بسیار سپاس‌گزار و ممنونم.

فهمی صالح - ۱۸ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

ج س١: يبتلى أصحاب القائم بشيء آخر وليس نهراً مادياً.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

**جواب سؤال ۱**: اصحاب قائم با چیز دیگری مورد آزمایش قرار مى‌گیرند که یک رودخانه‌ی مادی نیست.

عن أبي عبد الله ، قال: (**إنّ أصحاب طالوت ابتلوا بالنهر الذي قال الله تعالى:** *﴿***إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَر***﴾*([[207]](#footnote-207))**،** **وإنّ أصحاب القائم يبتلون بمثل ذلك**) ([[208]](#footnote-208)).

از امام صادق روایت شده است كه فرمود: «**یاران طالوت با رودی مورد آزمایش قرار گرفتند که خداوند در موردش می‌فرماید**: «(**خداوند شما را به جوی آبی می‌آزمايد**)»[[209]](#footnote-209) **و اصحاب قائم** **نیز به چیزی مانند این رود مورد آزمایش قرار می‌گیرند**»[[210]](#footnote-210).

وهو باب آل محمد  الذي كما ورد عن الصادق : (**الركن اليماني بابنا الذي يدخل منه الجنة، وفيه نهر من الجنة تلقى فيه أعمال العباد**)([[211]](#footnote-211)). وأركان الإمام المهدي أربعة: هم الخضر ، وإيليا (إلياس)، وعيسى ، واليماني.

او، همان دروازه‌ی آل محمّد همان طور كه در روایت از امام صادق نقل شده است، می‌باشد: «**ركن یمانی دروازه‌ی ما است كه از آن وارد بهشت می‌شوند و در آن رودی از بهشت وجود دارد كه اعمال بندگان در آن انداخته می‌شود**»[[212]](#footnote-212) و امام مهدی چهار رکن دارد: خضر، ایلیا (الیاس)، عیسی و یمانی.

واليماني هو الحجر الذي في الركن اليماني في الكعبة المسمّى بالحجر الأسود (وكما ورد عنهم  أنّه ملك ابتلع كتاب العهد والميثاق) ([[213]](#footnote-213))، واليماني هو كتاب العهد والميثاق المأخوذ على بني آدم وعلى الأنبياء والمرسلين لنصرة قائم آل محمد ، واليماني هو المهدي الأول المذكور في وصية رسول الله ، واليماني هو النهر الذي يبتلي به أصحاب القائم ولكن هذه المرّة من شرب منه فإنّه مني ومن لم يشرب فليس مني، وهو السبعة والعشرون حرفاً من العلم التي تبث في الناس ولم تبث في الناس فيما سبق ولم يؤذن لهم بورودها فيما سبق.

یمانی، همان سنگی است كه در ركن یمانی در كعبه وجود دارد و به حجر الاسود معروف است (همان طور كه از ائمه روایت شده كه او ملکی است كه كتاب عهد و میثاق را بلعيده است)[[214]](#footnote-214) و یمانی، كتاب عهد و و پیمانی است كه از بنی آدم و انبیا و فرستادگان گرفته شده است، و یمانی همان مهدی اوّل ذکر شده در وصیت رسول خدا می‌باشد و یمانی همان رودی است كه اصحاب قائم با آن آزموده می‌شوند، ولی این مرتبه هرکس که از آن بنوشد از من است و هر کس كه از آن ننوشد، از من نخواهد بود؛ همان بيست و هفت حرف علم است که بین مردم منتشر می‌شود و پیشتر منتشر نشده و به آنها اجازه‌ی ورود به این علم داده نشده بود.

ج س٢: أصحاب عقيدة فاسدة أو شبه فاسدة قبل أن يهتدوا إلى الحق.

**جواب سؤال ۲:** افرادى كه عقيده‌ی فاسد يا نيمه‌فاسد داشتند؛ قبل از اينكه به حق هدايت شوند.

ج س٣: علي ليس حيث تذهب إنّه علي بن أبي طالب ، فهو عند عامة المسلمين شيعة وسنة شخصية مقدسة، وحبّه إيمان وبغضه كفر ونفاق بحسب ما روى الشيعة والسنة عن رسول الله محمد  ([[215]](#footnote-215)).

**جواب سؤال ۳:** در اينجا منظور از علی، علی بن ابی طالب نيست؛ چرا که او در بین عموم مسلمان چه شیعه و چه سنی شخصیتی مقدس به شمار می‌آید و طبق آنچه شیعه و سنی از رسول خدا نقل كرده‌اند، دوست داشتن وی، ایمان و دشمنی با وی، كفر و نفاق محسوب می‌گردد[[216]](#footnote-216).

بل علي الذي يبرأ منه القوم، هو شخص يمثل علي بن أبي طالب في زمن ظهور الإمام المهدي ، وفي سنين إرهاصات الظهور بالخصوص.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

آن علی كه مردم از او برائت خواهند جست شخصی است كه بیانگر و تمثیلی از شخصيت علی ابن ابی طالب در زمان ظهور امام مهدیمى‌باشد؛ به ویژه هنگامی كه علایم ظهور مهدی آشكار می‌شود.

**احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤١: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسن وصي ورسول الإمام  المهدي (عج)، يدور في الآونة الأخيرة إشكال في الشارع الشيعي، وهو من المعروف أنّ الإمام عندما يظهر أو يظهر من ينوب عنه تكون كافة الأحكام صادرة من الجهة المقدسة، وهذا يخالف ما صدر منكم من العمل بالاحتياط بثلاث رسائل عملية، وهي (السيد الصدر الأول والسيد الصدر الثاني والسيد الخميني)، فما فائدة العمل بالاحتياط ؟ ومن المعروف أنّ أغلب الرسائل تحتوي على الأحكام الظنية، فأن أصاب لم يؤجر وإن أخطأ آثم، مع بالغ أسفي إذا أخطأت الكلام أو التعبير.

ولكم جزيل الشكر.

سيد ضياء

٢٦/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۴۱: عمل با احتیاط به رساله‌های سه‌گانه**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

وصی و فرستاده‌ی امام مهدی، سید احمد الحسن، اخیراً اشکالی در تشریع شیعه به نظر می‌رسد به این صورت که آن گونه كه در میان شیعیان معروف است، در زمان ظهور امام یا ظهور نایب خاصّ وی، همه‌ی احكام از ناحیه‌ی مقدّسه صادر می‌گردد. این موضوع در تضاد با چیزی است كه از شما صادر شده؛ عمل با احتیاط به رساله‌های شرعی سه‌گانه‌ی سید صدر اوّل، سید صدر دوّم و سید خمینی! فایده‌ی عمل با احتیاط چیست؟ می‌دانیم که بیشتر رساله‌ها شامل احكام ظنّی است؛ كه اگر حکمش درست باشد پاداش ندارد و اگرحکمش درست نباشد گناه محسوب می‌گردد. اگر در سخن به بی‌راهه رفتم یا کلام نابه‌جایی گفتم، بسیار متاسف می‌باشم.

سید ضیاء - ۲۶ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

لك أن تسأل عن أي حكم شرعي ، وعليَّ أن أوصل لك الجواب.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

شما در مورد هر حكم شرعی که سؤال داری بپرس من جواب را به شما می‌رسانم.

**احمد الحسن**

**جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٢: بسم الله الرحمن الرحيم

ورد في روايات أهل العصمة عن صيحة جبرائيل ما معناه: أنّ الحق مع آل فلان. من هم آل فلان ؟

علاء رزاق

٢٧/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۴۲: آل فلان در صیحه‌ی جبرئیل چه کسانی هستند؟**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

در روایت اهل عصمت و طهارت آمده است كه جبرئیل فریاد می‌زند حق با آل فلان است؛ آل فلان چه كسانی هستند؟

علاء رزاق - ۲۷ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

إنّ الحق مع آل الإمام المهدي ، وهم بقية آل محمد  وهم المهديون الاثنا عشر.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

به درستی كه حق با آل امام مهدی است و ایشان باقی‌مانده‌ی آل محمّد و ایشان، مهدیون دوازده‌گانه می‌باشند.

والحق مع اليماني وأصحابه، وهم اليمانيون الثلاث مائة وثلاثة عشر ومن يتبعهم، أمّا أهل الباطل فهم كثيرون منهم السفياني وآل السفياني.

حق با یمانی و یارانش است؛ آنها یمانی‌های سیصد و سیزده‌گانه و هر كس كه از آنها پیروى کند، می‌باشند. اما اهل باطل بسیارند؛ از جمله سفیانی و آل سفیانی.

والتفت إلى أنّ أبا سفيان كان من ولد أمية وهو أخو هاشم جدّ النبي محمد  وكلاهما أي أمية وهاشم من ولد إبراهيم .

توجّه داشته باشید كه ابوسفیان از فرزندان امیّه است و او، برادر هاشم، جدّ حضرت محمّد می‌باشد؛ بنابراین هر دو آنها یعنی امیّه و هاشم از فرزندان ابراهیم می‌باشند.

فكذلك لآخر الزمان أبو سفيان ومحمد وكلاهما.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

در آخرالزمان نیز چنین است؛ ابوسفیان، محمّد و هردوى آنها.

**احمد الحسن**

**جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٣: السلام عليكم

أرجو منكم الإجابة على سؤالي لأنكم أكثر علماً بأمور الدين، تقدّم إلى خطبتي رجل مسيحي (كاثوليكي) وأنا وافقت؛ لأنه إنسان صادق ومؤمن بالله ومخلص، لكنني أود أن أستشير حضرتكم، هل يجوز الزواج به ؟ وهل الزواج به حلال أم حرام عند الله ؟ أنا أسأل هذا السؤال لأنني مسلمة، أرجو منك الإجابة على سؤالي لأنني حائرة في أمري (فالبعض يقول حلال والبعض يقول حرام والآن أنا ألجأ لك)، شكراً.

هبة من الأردن - مسلمة، العمر ٢١ سنة

٢٩/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۴۳: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی.**

**سلام علیكم.**

امیدارم به سؤال من پاسخ دهید؛ چرا که شما نسبت به امور دینی عالم‌ترین هستی. یک مرد مسیحی (كاتولیک) به خواستگاری من آمد و از آنجا که انسان صادق و مؤمن به خدا و مخلصی بود قبول كردم؛ ولی مایلم با شما مشورت كنم که ازدواج با وی جایز است؟ آیا ازدواج به او حلال است یا حرام؟ این سؤال را می‌پرسم چون من یک زن مسلمان هستم. خواهش می‌كنم به این سؤال من پاسخ دهید؛ حیران مانده‌ام (بعضی می‌گویند حلال است و بعضی می‌گویند حرام، و اکنون به شما پناه آورده‌ام). با تشکر.

هبة از اردن - مسلمان ۲۱ ساله - ۲۹ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

إذا كنت مسلمة فلا يجوز أن تتزوجي بغير مسلم.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

اگر مسلمان هستی، جایز نیست با غیرمسلمان ازدواج كنی.

**احمد الحسن**

**جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٤: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

عندي سؤال أود أن أطرحه على السيد أحمد الحسن.

نُقِل عنكم إنّكم تبطلون مرجعية العلماء، إذن كيف للمكلف معرفة أحكام دينه ؟ وإن قيل خذوا بأقوالهم ولا تأخذوا بأفعالهم فهذا تناقض، حيث كيف أخذ بقول شخص مطعون في ثقته وعدالته، هل يصح أن أتعلم الاستقامة من شخص غير مستقيم مثلاً ؟ أرجو الإجابة على هذا السؤال مع الشكر.

أبو صالح

٢٩/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۴۴: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل می‌دانید؟**

**سلام عليكم و رحمة الله و بركاته**

سؤالی دارم که مایلم برای سید احمد الحسن مطرح کنم.

از شما نقل شده است كه شما مرجعیّتِ علما را باطل می‌دانید؛ پس شخص مكلّف چطور می‌تواند احكام دینی را دریابد؟ اگر گفته شود گفتارشان را قبول کنید ولی كردارشان را نه، این نوعی تناقض است؛ چرا که چطور می‌توانم گفتار شخصی که از نظر اعتبار و عدالت محل تردید است را قبول کنم؟ آيا درست است از کسی که راه مستقیم را نمی‌شناسد، راه رفتن بیاموزم؟ امیدوارم به این سؤال پاسخ گویید. با تشکر.

ابو صالح - ۲۹ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

لك أن تسأل عن الأحكام الشرعية، وعليَّ أن أوصل لك الجواب.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

شما در مورد هر حكم شرعی که سؤالی دارید بپرسيد، من جواب را به شما می‌رسانم.

**احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٥: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين محمد بن عبد الله عليه أفضل الصلاة وأتم التسليم. أمّا بعد:

**پرسش ۴۵: تهدید حمد آل ملحان**

**بسم الله الرحمان الرحيم ، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين محمّد بن عبد الله عليه أفضل الصلاة وأتم التسليم.... اما بعد :**

إلى مدعي رؤية المهدي المنتظر الذي علمه عند الله سبحانه وتعالى، ولم يظهر من الدلائل الواضحة والبراهين القاطعة ما يثبت ظهوره، خصوصًا ونحن في ثورة عظيمة من تقنية الاتصالات السلكية واللاسلكية والتقنية التسجيلية الحديثة، مما يخول لمن ادعى رؤيته أن يقوم بتسجيل الكلام معه بالصوت والصورة، أسألك بالله الذي خلق كل شيء ويسر كل أمر عسير أن تعود إلى رشدك، وتترك النفاق وبث الفتنة والتفرقة بين المسلمين، وعدم الإفتاء للضالين من الجن والأنس بجواز ضلالهم، والإدعاء بأنك شفيع لهم عند ظهور المهدي المنتظر الحقيقي.

به کسی که ادعای رویت مهدی منتظر که علمش نزد خداوند سبحان و متعال است را دارد؛ در حالی كه هیچ دلیل واضح و آشكاری وجود ندارد كه ظهور او را اثبات نماید، به ویژه که ما اكنون در انقلاب عصر ارتباطات سیمی و بی‌سیمی و تكنولوژی صوتى و تصويرى مدرن زندگی می‌كنیم و این امكان برای كسى كه ادعاى ملاقات را می‌کند وجود دارد كه به آسانى سخنان و یا تصویر ایشان را ضبط كند. از خداوندی كه همه چیز را آفریده و هر مسأله‌ی دشواری را آسان نموده است می‌خواهم كه تو را سر عقل بیاورد تا نفاق و گسترش فتنه و تفرقه بین مسلمانان و صدور فتواهای گمراه کننده‌ی انسان‌ها و جن‌ها را ترک گویی و ادعای اينكه شفيع آنها هنگام ظهور مهدى منتظر حقيقى خواهى بود را رها کنی.

هذا إنذارٌ لك وهو الإنذار الأخير، ولأن لم تنته عن إظهار الإيمان وإبطان الكفر فأقسم بالله الذي لا إله غيره أن أقتلك بسيفي، أيها المنافق بليغ اللسان مستخدم السحر في إغواء الناس.

این هشدارى بود برای تو و آخرین هشدار است؛ كه اگر از این ادعایت مبنی بر ظاهر ساختن ایمان و باطل نمودن کفر دست برنداری، به خداوند یكتا سوگند كه من خودم با شمشیرم تو را خواهم كشت. ای منافق شیرین زبان كه از سحر و جادو برای گمراه کردن مردم استفاده می‌كنی!

واعلم بأنّ مكانك معروف ومحدد من قبل أجهزتي الخاصة مهما حاولت التخفي، والله الهادي إلى سواء السبيل.

(السعودية)

المعتصم بحبل الله، حمد بن حسن بن زايد آل ملحان

٣٠/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

بدان كه مكان سكونت تو به كمک دستگاه‌های مخصوص من شناسایی شده است؛ هرچند سعی کرده باشی که آن را مخفی نمایی! و خداوند هدایت کننده به راه مستقیم است.

عربستان سعودی

چنگ‌زننده به ریسمان الهی، حمد بن حسن بن زايد آل ملحان

۳۰ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

تدعي أنك معتصم بحبل الله، وحبل الله القرآن، وفي القرآن آية لو قرأتها لتأنيت كثيراً، قال تعالى: *﴿***بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ***﴾*([[217]](#footnote-217)).

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

ادعا مى‌كنی به ریسمان الهی چنگ زده‌ای در حالی كه ریسمان الهی قرآن است و در قرآن آیه‌ای وجود دارد كه اگر آن را خوانده بودی بسیار به آن می‌اندیشی و تأمّل می‌‌كردی. خداوند متعال می‌فرماید: «(**بلکه چيزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نيافته و هنوز از تأويل آن بی‌خبر بودند. کسانی که پيش از آنان بودند نيز (پيامبران را) چنين به دروغ نسبت دادند. پس بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است**)»[[218]](#footnote-218).

فبأي حجّة وبأي علم تتهمني بالكذب والنفاق ؟!!

با كدام دلیل و با كدام برهان مرا متهم به دروغ و نفاق می‌كنی؟!!

وفي القرآن آية لو قرأتها لما أرعدت وأقسمت وهددت، قال تعالى: *﴿***وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ***﴾*([[219]](#footnote-219)).

در قرآن آیه‌ای هست كه اگر آن را خوانده بودی اینچنین خشمگین نمی‌شدی و قسم نمی‌خوردی و تهدید نمی‌كردی. خداوند متعال می‌فرماید: «(**اگر پاره‌ای سخنان را به افترا بر ما ببندد \* با قدرت او را فرومی‌گيريم \* سپس شاهرگ قلبش را پاره می‌کنيم**)»[[220]](#footnote-220).

وقال الإمام الصادق : (**إنّ هذا الأمر لا يدعيه غير صاحبه إلّا بتر الله عمره**) ([[221]](#footnote-221)).

‌امام صادقفرموده است: «**كسی جز صاحبش ادعای چنین امرى را نمی‌كند مگر اینكه خداوند عمرش را کوتاه می‌کند**»[[222]](#footnote-222).

وفي القرآن آية لو قرأتها لما اتهمتني بالسحر، قال تعالى: *﴿***كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ***﴾*([[223]](#footnote-223)).

و در قرآن آیه‌ای هست كه اگر آن را خوانده بودی مرا به سحر و جادو متهم نمی‌كردی. خداوند متعال می‌فرماید: «**(بدين سان بر آنهايی که پیش از اين بودند فرستاده‌ای مبعوث نشد مگر آنکه گفتند: جادوگری است، يا ديوانه‌ای است**)»[[224]](#footnote-224).

ثم أقول لك: إنّ مثلي لا يخاف ولا يطمع إلاّ من الله، وبالله سبحانه وتعالى. فلي بجدّي رسول الله  أسوة لما أراد كفار قريش قتله، ولي بجدّي الحسين أسوة لمّا ذبح من الوريد إلى الوريد، وأخيراً لن أغلق الباب بوجهك، بل أدعوك لتتضرع إلى الله وتسأله معرفة ما اختلف فيه من الحق، ومعرفة حقيقة أمري من عالم السر وأخفى سبحانه وتعالى، وادعُ بهذا الدعاء (الدعاء الخاص بالرؤيا المذكور فيما سبق في جواب: س١٤).

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

حال به تو می‌گویم: کسی چون من، جز از خدا از كسی نمی‌ترسد و به کسی جز از سوی خدا و جز به خداوند سبحان و متعال، امید ندارد. الگوی من، جدّم رسول خدا است، آن هنگام كه كفّار خواستند او را بكشند و الگوی من، جدم حسین است زمانی كه گردن مبارک وی را بریدند. در انتها، در را به روی تو نمی‌بندم بلكه تو را دعوت می‌کنم به اینکه به درگاه خداوند گریه و زاری کنی و شناخت حقانیت مرا از او سبحان و متعال که عالِم به اسرار و ناپیدا است، طلب نمایی. این گونه دعا کن: (دعای مخصوص رویا در پاسخ سؤال ۱۴ آمده است).

**احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٦: بسم الله الرحمن الرحيم

السيد أحمد الحسن، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سيدي الفاضل لا أعرف كيف أبدأ، ولكن تعودت الحديث معك بصراحة.

ذكرت القضية التي جئت بها إلى صديق لي وعزيز على قلبي، وإنك تستطيع فعل المعاجز التي جاء بها الأنبياء، وهو طبعاً (أي صديقي) معوق منذ الصغر، فهو يعاني من شلل الأطفال من أكثر من ٣٠ سنه تقريباً، وهو على درجه لا بأس بها من الثقافة والوعي الديني، علماً إن عوقه جاء نتيجة لزرق إبرة بالخطاء مما سببت في شلله وهو بعد طفل رضيع، المهم عندما سمع بك انفرجت له بوارق الأمل في الله تعالى، وقال له والده وأكثر أهل بيته أنه إذا استطاع أحمد الحسن أن يشفيك فكلنا سنكون خدم له ومطيعين، وذلك لأن الطب آيس من يده، وقالوا ليس له أي علاج، وأنا طبعاً بدوري لي أشخاص من الوسط الديني لا بأس به، ولي علاقات أشبه بالكثيرة قلنا له بأن يدك إذا شفيت على يد السيد الحسن كلنا سنؤمن معك وندخل في القضية ونكون من الأنصار الذين يختارهم الإمام المعصوم. فما هو جوابك سيدي، أفتونا مأجورين.

وجزاك الله خير جزاء المحسنين.

أبو مريم حيدر/ البصرة

٣٠/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۴۶: اگر مرا شفا دهی، خادمت خواهم شد.**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**سید احمد الحسن.... سلام عليكم ورحمة الله وبركاته**

سید گران‌قدرم، نمی‌دانم چطور شروع كنم ولی عادت كرده‌ام با شما صریح صحبت کنم.

داستان شما را براى یکی از دوستان عزیز و گرامی‌ام تعریف كردم و به وی گفتم معجزه‌هایی كه پیامبران آورده‌اند، شما هم می‌توانی انجام دهی. دوست من سی سال سن دارد و از کودکی زمین‌گیر بوده است و از فلج اطفال رنج می‌برد. وی از فرهنگ و آگاهی دینی نسبتاً خوبی بر خوردار است. او از وقتی که كودک شیر خواره بود، به دلیل تزریق اشتباه آمپول، فلج شد. مهم این است كه وقتی ندای شما را شنید در وى نور اميدى از سوی خداوند متعال زنده شد و پدر و مادرش و بیشتر خانواده‌اش به وی گفتند اگر سید احمد الحسن بتواند تو را شفا دهد، خادم و مطیع وی خواهیم بود؛ زیرا در مورد وی كارى از دست پزشكان برنمی‌آید و به وی گفتند كه هیچ درمانی ندارد. طبیعتاً بر من نیز به عنوان یک فردِ با سوادِ متوسط دینی وظیفه‌ای نهاده شده است و من علاقه‌مند به کثرت (و زیاد شدن مومنین) هستم بنابراین همگی ما به او گفتیم اگر سید احمد الحسن تو را شفا دهد ما نیز همراه تو به وی ایمان خواهم آورد و از انصار انتخاب شده‌ی امام معصوم خواهیم شد. مولای من، جوابتان چیست؟ لطفاً ما را بهره‌مند گردانید.

خداوند به شما بهترین پاداش نیكوكاران را عطا فرماید!

ابو مريم - حيدر/ بصره - ۳۰ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن، الرحيم والحمد لله رب العالمين

الأخ أبو مريم، الإيمان لا يمكن أن يكون بالإلجاء، حيث ينتفي سبب مجيئنا إلى هذا العالم الجسماني، وهو الامتحان والتمحيص. ولو أنّ كل نبي دار يشفي المرضى ويحيي الموتى ولم يكن هنالك مجال للبس، لصدقه الناس كلهم، ولكن تصديقهم قهري ألجئوا إليه، فعيسى شافى وأحيى بعض من آمن به، لتكون آية يزداد بها المؤمنون يقيناً، ولم تزد الكافرين إلاّ كفراً وتعنتاً وتكذيباً له، ولمن حصلت معه تلك الآيات. فاسأل نفسك، وليسأل نفسه هذا الشخص، هل هو يريد إتباع الحق، أم أنه يريد أن يشفى ؟! فإذا كان يريد اتباع الحق وهو واعٍ - كما تقول - فيكفيه آخر بيان صدر وهو بيان اليماني ([[225]](#footnote-225))، ويكفيه آلاف الرؤى التي رآها عدد كبير من الناس، ويكفيه شفاء المرضى من الأنصار، بعضهم مصاب بمرض السرطان وحاله ميئوس منه، وهو موجود الآن وتقاريره المرضية موجودة، وهو يشهد أمام الله أنه شفي بسبب إيمانه بهذه الدعوة الحقّة ([[226]](#footnote-226)).

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

برادر ‌ابو مریم، ایمان با جبر حاصل نمی‌شود؛ چرا كه در این صورت علت آمدنمان به این عالم جسمانی که همان امتحان و آزمایش می‌باشد، منتفی می‌گردد. اگر همه‌ی پیامبران مریضان را شفا می‌دادند و مرده‌ها را زنده می‌كردند دیگر جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند تا مردم به درستی‌شان ایمان بیاورند و در این صورت، تایید و تصدیق مردم از روی جبر و قهری می‌شد. عیسی برخی از كسانی كه به وی ایمان آورده بودند را شفا داد و زنده كرد تا نشانه‌ای باشد و به یقین مؤمنان بیفزاید؛ ولی برای کافران جز به كفر و تكذیب و آزار و اذیت او و کسانی که آن نشانه‌ها برایشان حاصل شده بود، نیفزود. تو از خودت بپرس و آن شخص (مریض) نیز از خودش بپرسد آیا می‌خواهد از حقیقت پیروی كند یا می‌خواهد شفا یابد؟!‌ اگر می‌خواهد از حقیقت پیروی كند و آن طور که می‌گویی شخص مطّلعی است، آخرین بیانیه‌ی صادر شده که بیانیه‌ی یمانی است، او را کفایت می‌کند[[227]](#footnote-227). همچنین هزاران رؤیا كه تعداد زیادی از مردم دیده‌اند برای وی كافی است، و نیز شفای مریضان انصار كه یكی از آنها قبلاً به سرطان مبتلا شده بود و حال وی نیز از این بیمار ناامیدكننده‌تر بود؛ این شخص اکنون زنده است و پرونده‌های پزشکی وی نیز موجود می‌باشد و او در حضور خداوند گواهی می‌دهد که به سبب ایمان به این دعوت حق، شفا یافته است[[228]](#footnote-228).

ويوجد أحد الأنصار مصاب بشلل الأطفال، وهو معاق الآن ومؤمن بالدعوة منذ عهد الطاغية صدام، ومتفانٍ ومخلص ويجاهد في هذه الدعوة بماله وبجسده المعاق، وبكل ما يستطيع وهو على يقين كامل، ولم أسمع منه في يوم أنه يريد الشفاء جزاء على أتعابه.

وأنتم تريدون الجزاء في هذه الحياة الدنيا وحتى قبل العمل وقبل الإيمان.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

یکی از انصار هست كه به فلج اطفال دچار می‌باشد و او اکنون زمین‌گیر است ولی از زمان رژیم صدام به این دعوت ایمان آورده و در راه این دعوت با مال و بدن بیمارش با اخلاص، تلاش و کوشش می‌كند و همچنین با هر چیزی كه بتواند به این دعوت کمکی برساند و یقین کامل دارد ولی حتی یک بار هم از او نشنیده‌ام که در عوض پیروی‌اش از دعوت، تقاضای شفا نماید؛ در حالی که شما در این دنیا، حتی قبل از اینکه عملی انجام دهید و ایمان بیاورید، تقاضای پاداش می‌کنید!

**احمد الحسن**

**جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٧: بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة السيد أحمد الحسن .. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أوجه لك احترامي وشكري على أجابتك شخصياً على سؤال بعثته لك سابقاً، وأنا أعمل إن شاء الله على ذلك وإذا لم تمانع سأبقى على مراسلتك إن لم يعيقك ذلك ، وأنا لك من المتابعين.

**پرسش ۴۷: بیست سؤال متنوع**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**جناب سید احمد الحسن.... سلام عليكم ورحمة الله وبركاته**

از اینکه شخص جنابعالی به سؤالی كه پیشتر فرستاده بودم جواب دادید، از شما تشكر می‌كنم و انشاء الله که به آن عمل خواهم نمود. اگر مانعی وجود نداشته باشد و باعث خستگی و ناراحتی شما نشود، مکاتبه با شما را ادامه خواهم داد. من از پیروان شما هستم.

عندي أسئلة أرجو من جنابكم المحترم أن تتفضل مشكوراً بالإجابة شخصياً عليها، حتى وان كانت تافهة طالباً بذلك تبيان الحق والحقيقة، ولعلمي إنك تجيب على كل سؤال في القرآن والتوراة والإنجيل، حسب تصريحك التي أقرأ وأسمع عنها:

سؤال‌هایی دارم كه مایلم از حضرت عالی بپرسم و امیدوارم لطف بفرمایيد و شخصاً به آنها پاسخ دهید؛ اگرچه سؤال‌های بیهوده‌ای هستند ولی به جهت طلب حق و حقیقت پرسیده می‌شوند و می‌دانم كه شما به هر سؤالی از قرآن و تورات و انجیل، طبق اظهارت صریحی که از شما خوانده و شنیده‌ام، پاسخ می‌دهید.

س١: هل بالإمكان معرفة تفاصيل حياتك قبل أن تكلف بهذا الأمر، وإذا تفضلت مشكوراً فبالتفصيل الممل لطفاً لطفاً لطفاً.

**سؤال ۱:** آیا ممکن است جزئیات زندگیتان را قبل از اینکه به این مهم مکلّف شوید، بیان فرمایید؟ اگر لطف بفرمایید و با تفضیل بیان نمایید، لطفاً لطفاً لطفاً.

س٢: متى تركت الدراسة الحوزوية ؟ وهل حالياً أنت معمم أم لا ؟

**سؤال ۲:** چه زمان دروس حوزه را ترک كردید؟ آیا شما در حال حاضر معمّم هستید یا خیر؟‌

س٣: أين درست في الحوزة العلمية ؟ ومن هم أساتذتك (في حينها) ؟

**سؤال ۳:** در كدام حوزه‌ی علمیه درس خوانده‌اید؟ و استادهای شما در آن زمان چه كسانی بودند؟‌

س٤: كم هو عمرك حالياً ؟ (أي بالميلادي).

**سؤال ۴:** در حال حاضر چند سال دارید؟ (به میلادی)

س٥: أين كنت من هذه الدعوة في زمن الطاغية هدام ؟ ولماذا ألان أعلنت بها ؟

**سؤال ۵:‌** این دعوت در زمان صدام طغیانگر چه وضعیتی داشت؟ ‌و چرا الآن آن را آشكار كردید؟

س٦: هل صحيح أن يمد الله في عمرك حتى بعد موت الإمام المهدي (عج) وتحكم من بعده؟

**سؤال ۶:** آیا درست است كه خداوند بعد از رحلت امام مهدی به شما عمر خواهد داد و بعد از وی، حكومت را به دست خواهید گرفت؟

س٧: ما هو رأيك بالموسوعة المهداويه، للسيد محمد محمد صادق الصدر ؟

**سؤال ۷:** نظرتان درباره‌ی دایرت المعارف مهدویت كه سید محمّد صادق صدر تألیف كرده‌اند، چیست؟‌

س٨: هل معك أجداد في عمرك من الإمام المهدي أصغر أو أكبر منك سناً ؟

**سؤال ۸:** آیا اجدادی در زندگیتان از امام مهدی كه از لحاظ سنی كوچک‌تر یا بزرگ‌تر از شما باشند، دارید؟‌

س٩: هل إنّ الإمام المهدي (عج) جدك الخامس كما يدعون أنصارك ؟

**سؤال ۹:** آیا آن گونه که انصار شما ادعا می کنند، امام مهدی جدّ پنجم شما است؟

س١٠: هل الإمام المهدي(عج) ما زال ينجب الأطفال (ذكور وإناث) وكم يصبح عددهم؟

**سؤال ۱۰:** آیا امام مهدی همچنان فرزندانى به دنیا مى‌آورند (مذكر یا مؤنث) و تعداد آنها چند تا است؟

س١١: حسب تقديرك وقربك من الأمام ما هو زمن أو تاريخ ظهور الحجة (عج) ولو تقديراً ؟

**سؤال ۱۱:** به نظر شما و به دلیل نزدیكی شما به امام، تاریخ تقریبی ظهور حجّت چه وقت می‌باشد؟

س١٢: هل الإمام المهدي(عج) متزوج أكثر من امرأة، أم هي نفسها امرأة واحدة باقي عليها، وإذا كان متزوج أكثر من واحدة فهل يعرفن أنه الإمام نفسه، أم أنه شخص عادي ؟

**سؤال ۱۲:** آیا امام مهدی با بیش از یک زن ازدواج كرده یا فقط یک همسر داشته است؟ و اگر با بیش از یک زن ازدواج كرده آیا زنان وی می‌دانند كه وی، امام است یا فكر می‌كنند وی فردی عادی است؟‌

س١٣: هل سافرت إلى أوربا أو أفريقيا أو أميركا لبيان حقيقة دعوتك أو أمر المهدي المنتظر (عج) ؟

**سؤال ۱۳:** آیا به اروپا، آفریقا یا آمریكا برای بیان حقیقت دعوت خود یا مسأله‌ی مهدی منتظر مسافرتی داشته‌اید؟

س١٤: هل يوجد من ذرية الإمام المهدي(عج) من هو فاسق أو خارج عن الشريعة (أجلهم الله جميعاً) ؟

**سؤال ۱۴:** آیا از نسل امام مهدی (که خداوند عمر همه‌شان را طولانی فرماید) كسی هست كه فاسق یا خارج از شریعت باشد؟

س١٥: هل إقامة الإمام المهدي خلال فترة الغيبة الكبرى في مكان واحد، أم عدّة أمكنه ؟

**سؤال ۱۵:‌** آیا امام مهدی در طول غیبت كبری در یک مكان اقامت داشته‌اند یا در چند مكان؟‌

س١٦: ما هو تكليف الإمام المهدي خلال هذه الفترة التي يرى فيها القتل والدمار ؟

**سؤال ۱۶:** تكلیف امام مهدی در این زمان که قتل و خون‌ریزی می‌بیند، چیست؟‌

س١٧: هل صحيح إنك تعرف بالغيبيات كقولك لأنصارك أنك سوف تتعرض للسجن وأمثال ذلك كثير ؟

**سؤال ۱۷:** آیا درست است كه شما غیب می‌دانید مانند این گفته‌ی شما به انصارتان که به زندان خواهید افتاد و موارد دیگر؟

س١٨: لقائك بالإمام المعصوم هل يتم بطلب منه، أم أنك تستطيع أن تراه بأي لحظة ومتى شئت، أليس أنت ابنه ؟

**سؤال ۱۸:** آیا دیدار شما با امام معصوم با خواست وی قابل انجام است؟ یا هر وقت و هر لحظه که شما بخواهید می‌توانید او را ببینید؟ مگر شما فرزند وی نیستید؟!

س١٩: ما هو أقرب الطريق الموصل إلى الله تعالى ؟

**سؤال ۱۹:** نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند متعال چیست؟‌

س٢٠: ما هي نصيحتك لي، أرجو أن لا تبخل عليّ، فأنا وأمثالي من الذين ران الله على قلوبهم، ولكن نطلب رحمة الله تعالى.

**سؤال ۲۰:** نصیحت شما براى من چیست؟ امیدوارم كه در نصیحت بر من بُخل نورزید! من و افرادی مانند من از کسانی هستیم که خداوند بر قلب‌شان حجاب افکنده است ولی رحمت خداوند متعال را خواستاریم.

سيدي الفاضل، الهدف من الأسئلة ليس اختبار أو انتقاص (والله على ما أقوله شهيد)، ولكن أسئلة كنا نتداولها نحن الشباب فيما بيننا عندما جاء ذكرك والقضية التي تحملها، هذا كل ما في الأمر.

سرور بزرگوار، هدف از طرح این سؤال‌ها آزمایش یا منکوب کردن شما نیست و خداوند بر آنچه می‌گویم گواه است؛ سؤال‌هایی است که هر بار که یاد شما و قضیه‌ی شما به میان می‌آید، بین ما جوان‌ها پرسیده می‌شود؛ فقط همین.

أنا شاكر لك سعة صدرك وطول أناتك على تقبل الأسئلة، أيدك الله بنصره إن كنت من الصادقين. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أبو مريم من البصرة

از شما برای سعه‌ی صدرتان و تحملتان در قبول کردن سؤال‌ها، سپاس‌گزارم. خداوند شما را با یاری‌اش، یاری فرماید که از راست‌گویان می‌باشی. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

ابو مريم از بصره

 الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

ج س١: موجود في الموقع.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

**جواب سؤال ۱:** در سایت موجود است.

ج س٢،٣: أنا وأعوذ بالله من الأنا في بداية دخولي إلى الحوزة تقريباً التقيت بالإمام المهدي وبدأت أتعلم منه، ولم أهتم للسفسطة اليونانية الموجودة في الحوزة.

**جواب سؤال ۲ و ۳:** من و پناه می‌برم به خدا از منیّت، در ابتدای ورودم به حوزه با امام مهدی ملاقات كردم و شروع به علم‌آموزی از ایشان نمودم و به سفسطه‌گری‌های یونانی كه در حوزه وجود دارد، توجّهی نمی‌کردم.

ج س٤: (٣٥) عاماً تقريباً.

**جواب سؤال ۴:** تقریبأ ۳۵ سال.

ج س٥: الدعوة موجودة في زمن الطاغية وعلنية، وطلبت من الناس البيعة، وبايع كثير من الناس في محافظات شتى، في بغداد والنجف وكربلاء والناصرية والبصرة والعمارة وبعض الأقضية، وحاول الطاغية صدام اعتقالي في حينها وأنجاني الله، وهذا الأمر بحد ذاته معجزة إن كنتم تعقلون، وكثير من الناس الذين بايعوا في زمن الطاغية موجودون الآن، وهم من الأنصار ويمكنك سؤالهم ومعرفة التفصيل منهم.

**جواب سؤال ۵:** این دعوت در زمان رژیم صدام به صورت آشكار وجود داشت و از مردم بیعت خواستم و بسیاری از مردم در استان‌های مختلف مثل بغداد، نجف، كربلا، ناصریه، بصره، عماره و برخی شهرستان‌ها با من بیعت كردند. صدام طغیانگر در آن موقع اقدام به دستگیری من نمود كه خداوند مرا نجات داد و این مورد در جای خودش، معجزه است، اگر که بیندیشید. بسیاری از کسانی كه در زمان صدام با من بیعت كردند، اکنون وجود دارند و از انصار می‌باشند و شما می‌توانید از ایشان سؤال كنی و جزئیات را از آنها بشنوی.

ج س٦: يفعل الله ما يريد، ولكني انتظر الموت ولقاء ربي ليلاً ونهاراً.

**جواب سؤال ۶:** خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد؛ ولی من شب و روز منتظر مرگ و ملاقات با پروردگارم هستم.

ج س٧: تمثل تمهيداً للإمام .

**جواب سؤال ۷:** زمینه‌سازی‌ای برای ظهور امام می‌باشد.

ج س ٨، ٩، ١٠: كلا.

**جواب سؤال ۸، ۹ و ۱۰:** خیر.

ج س١١: لا أوقت.

**جواب سؤال ۱۱:** تعین وقت نمی‌كنم.

ج س١٢: ألا تخجل من هذا السؤال، وما يخصك وغيرك بحياة المعصوم الخاصة.

**جواب سؤال ۱۲:** آیا از این سؤال خجالت نمی‌كشی؟! زندگی خصوصی معصوم به تو و غير تو چه ارتباطی دارد؟!

ج س١٣: كلا.

**جواب سؤال ۱۳:** خیر.

ج س١٤: هم مكلفون كغيرهم، ولا فرق بين عربي وأعجمي ولا بين أبيض وأسود إلاّ بالتقوى.

**جواب سؤال ۱۴:** آنها نیز مانند دیگران مكلّف هستند و هیچ فرقی بین عرب و عجم و بین سفید و سیاه نیست جز در تقوی.

ج س١٥: عدّة أمكنة.

**جواب سؤال ۱۵:** در چند مكان اقامت می‌کند.

ج س١٦: ومن أنا حتى أتكلم بتكليف ولي الله الأعظم.

**جواب سؤال ۱۶:** من چه کسی هستم كه بخواهم از تكلیف خلیفه‌ی بزرگ خداوند صحبت کنم!

ج س١٧: أعرف ما أطلعني الله عليه بفضله ومنه، ولا أتحدث بها لأجل إثبات الدعوة.

**جواب سؤال ۱۷:** از چیزهایی به فضل و منّت خداوند مطلع می‌شوم ولی برای اثبات این دعوت از آنها حرفی نمی‌زنم.

ج س ١٨: متى ما أراد هو: *﴿***قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْراً***﴾*([[229]](#footnote-229)).

**جواب سؤال ۱۸:** هر وقت او بخواهد: «(**گفت: اگر از پیِ من می‌آيی، نبايد که از من چيزی بپرسی تا من خود، تو را از آن آگاه کنم**)»[[230]](#footnote-230).

ج س١٩: هو المذكور بالقرآن: *﴿***قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا***﴾*([[231]](#footnote-231))، *﴿***وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَماً كَثِيراً وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً***﴾*([[232]](#footnote-232))، وأرض الله وسبيل الله هو الحجة على الخلق، فالإمام هو طريق الهجرة إلى الله وهو أقرب طريق موصل إلى الله.

**جواب سؤال ۱۹:** در قرآن ذكر شده است: «(**آيا زمين خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنيد**؟) ، «(**آن کس که در راه خدا مهاجرت کند، روی زمين برخورداري‌های بسيار و گشايش‌ها خواهد يافت و هر کس که از خانه‌ی خويش بيرون آيد تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دريابد، مزدش بر عهده‌ی خداوند است، و خداوند آمرزنده و مهربان است**)»[[233]](#footnote-233) »[[234]](#footnote-234). زمین خدا و راه خدا همان حجّت بر خلق می‌باشد؛ پس امام، راه هجرت به خداوند است، حتی نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند می‌باشد.

ج س٢٠: إقرأ إضاءات من دعوات المرسلين الجزء الثاني بتأنٍ وتدبّر.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**جواب سؤال ۲۰:** کتاب روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان جلد دوم را با تأنّی و دقت بخوان و تدبّر کن.

**احمد الحسن**

**جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٨: بسمه تعالى، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أرجو من سماحتكم الإجابة عن السؤالين التاليين جزاكم الله خيراً.

**پرسش ۴۸: چگونگی مشاهده‌ی امام مهدی و دعوت به مناظره**

**بسمه تعالى، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته**

از حضرتعالی تقاضا می کنم به دو سؤال زیر، پاسخ دهید؛ خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

س١: من معاجزكم لإثبات أنكم مرسلون من الإمام المهدي (عج)، أنه يرى الشخص في منامه صورة الإمام ويجبره بإتباعكم، ولكنني حاولت ذلك فلم أفلح فأرجو أن تعطوني الكيفية لذلك جزاكم الله خيراً.

**سؤال ۱:** از معجزه‌های شما برای اثبات این که فرستاده از جانب امام مهدی می‌باشید این است که فرد، امام را در خوابش می‌بینند و آن حضرت او را به پیروی از شما فرمان می‌دهد. من تلاش كردم ولی تا حالا موفق نشده‌ام؛ خواهشمندم چگونگی این كار را برای من بفرمایید. خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

س٢: هناك من يدعي أنه الأعلم، وأنه هو الأقرب إلى الله تعالى، وهو سماحة السيد محمود الحسني ويدعي أنه ولي أمر المسلمين، ويطالب بالمناظرة، وبما أنكم تصديتم للمناظرة لإثبات حجتكم فلماذا لا تناظرون هذا الشخص لإثبات عدم صدق دعواه في الأعلمية؛ لأنه يدعي أنه من الأدلة على أعلميته أنه لا يناظره أحد، وهو لحد الآن لم يناظر.

**سؤال ۲:** كسانی ادعا می‌كنند كه از همه عالم‌تر و از همه به خداوند نزدیک‌ترند؛ مانند جناب سید محمود حسنی که ادعا می‌كند ولیّ امر مسلمین و خواهان مناظره است. از آنجا كه شما برای اثبات حجّت‌تان آمادگی خود برای مناظره را اعلام کرده‌اید، چرا با این شخص مناظره نمی‌كنید تا ادعای دروغ وی در اعلم بودن را فاش کنید؛ زیرا سید محمود حسنی ادعا كرده است یكی از دلایل اعلم بودن او این است که تا حالا كسی نتواسته با او مناظره كند و او تا کنون در مناظره بی‌رقیب مانده است.

أرجو من سماحتكم أن تجيبوني عن هذين السؤالين؛ لأنني قد تأثرت بكم بنسبة معتد بها، ولكن لحد الآن لم أجد إجابة عن هذين السؤالين.

وفقكم الله تعالى لمرضاته.

مرتضى

٥/ جمادي الأولى/ ١٤٢٦هـ . ق

امیدوارم حضرتعالی به این دو سؤال پاسخ دهید؛ چرا که من بيش از حد معمول تحت تأثیر شما قرار گرفته‌ام ولی تا کنون پاسخی براى اين دو سؤال پیدا نكرده‌ام.

خداوند در آنچه مورد رضایتش است شما را توفیق عطا فرماید!

مرتضى - ۵ جمادی الاولی ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

يوجد دعاء في الموقع ادعُ به (الدعاء الموجود في: ج س١٤).

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

دعا در سایت وجود دارد، آن را بخوان (این دعا در پاسخ سؤال ۱۴ موجود است).

أنا وأعوذ بالله من الأنا دعوت الجميع للمناظرة بالقرآن الكريم؛ لإثبات الحق، ومنهم السيد محمود الحسني الذي يدعو للمناظرة بعلم أصول الفقه، وقد رد عليه الشيخ ناظم العقيلي وهو من الأنصار بكتاب الإفحام، وهو مطبوع الآن ولم يرد عليه السيد محمود الحسني ولا أحد يمثله.

من و پناه می‌برم به خدا از منیّت، همه را برای اثبات حق به مناظره به وسیله‌ی قرآن كریم دعوت كرده‌ام و از جمله‌ی آنها سید محمود حسنی كه به وسیله‌ی علم اصول فقه به مناظره دعوت می‌كند می‌باشد. شیخ ناظم عُقیلی كه از انصار است در كتاب «الافحام» پاسخ وی را داده است؛ این كتاب چاپ شده است و سید محمود حسنی یا هر کس دیگری مانند او، پاسخی به آن نداده است.

وكتاب الإفحام يمثل مناظرة بين السيد محمود الحسني وأنصار الإمام المهدي ، فاقرأه وتدبّر لتعرف صاحب الحق، وأسأل الله أن يهديك إلى سواء السبيل ويريك الحق حقاً، ويرزقك أتباعه ويريك الباطل باطلاً ويرزقك اجتنابه.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

كتاب «الافحام» در واقع مناظره‌ای فرضی بین سید محمود حسنی و انصار امام مهدی است؛ این كتاب را مطالعه كن و در آن بیندیش تا صاحب حق را بشناسی. از خداوند می‌خواهم كه تو را به راه راست هدایت فرماید و حق را آن گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزیت گرداند!

**احمد الحسن - جمادی الاولی ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٤٩: لماذا دائماً تحاجج العلماء وتقول أنك سوف تظهر المعجزة في حال وجودهم، ولماذا لا ترسل هذه الحجة إلى عوام الناس كي يتبعوك كما فعل رسول الله، وان قلت إنّ موسى حاجج فرعون أولاً، فالجواب على ذلك إنّ فرعون كان يمتلك قدرة عسكرية باستطاعته إبادة بني إسرائيل، باعتبار أنهم كانوا تحت حكمه، على العكس من العلماء لا يوجد هذا لهم، أخيراً أطلب وجود صورة لك للتعرف عليك. وسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

محمد الهلالي - العراق/ العمر٢٦ سنة

٥/ جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۴۹: چرا برای عامه‌ی مردم معجزه ظاهر نمی‌کنی؟**

به طور مرتب برای علما دلیل و برهان می‌آوری و می‌گویی اگر علما باشند من معجزه نشان خواهم داد؟ برای چه این حجّت و برهان را برای عوام نمی‌آوری تا از تو پیروی كنند همان گونه که پیامبر خدا انجام داد. اگر بگویی موسی ابتدا برای فرعون دلیل و برهان آورد، پاسخ این خواهد بود كه فرعون از قدرت نظامى برخوردار بود و قادر بود بنی‌اسرائیل را نابود كند، چرا که آنها تحت سیطره‌ی او بودند در حالی که در رابطه با علما، موضوع، بر عكس می‌باشد و چنین وضعیتی برای آنها وجود ندارد. در انتها تصویری از شما می‌خواهم تا شما را بشناسم. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

محمّد الهلالی - العراق - ۲۶ ساله - ۵ جمادی الاولی ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

١- عوام الناس عبيد أم أحرار ؟

فإذا كانوا أحراراً فتوجد الآن أدلة كثيرة جدّاً على صدق الدعوة وأحقيتها تأخذ برقبة كل طالب حق، هي بعينها أدلة رسول الله محمد ، ومنها أمور معجزة وإخبارات غيبية كثيرة جدًا حصلت مع الأنصار، وجمع شيء يسير منها طبع ونشر ([[235]](#footnote-235)).

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

**۱ -** عوام مردم یا بنده‌اند و یا آزاد؟

اگر آزاد باشند که دلایل زیادی برای اثبات حقانیت این دعوت وجود دارد که هر طالب حقی را می‌تواند اقناع کند. این دلایل، همان دلایل حقانیت رسول خدا حضرت محمّد می‌باشد؛ از آن جمله معجزه‌ و اخبار غیبی زیادی که برای انصار حاصل شده است می‌باشد كه بخش کوچکی از آنها چاپ و منتشر شده است[[236]](#footnote-236).

٢- وهل المعجزة يجب أن يراها كل الناس ؟!

فلم يرَ تسبيح الحصى في يد رسول الله  إلاّ حذيفة، ولم يكلم الذئب إلاّ اليهودي، ولم يسمع حنين الجذع على رسول الله إلاّ أصحابه وأنصاره، ولم ير تحرك الشجرة إلاّ القليل من كفرة قريش، وكذلك در شاة أم معبد وغيرها من معاجزه  ([[237]](#footnote-237))، وشبيه بهذه الأمور حصلت في هذه الدعوة.

**۲ -** آیا همه‌ی مرم باید معجزه ببینند؟!

جز حُذیفه کس دیگری تسبیح سنگریزه‌ها در دست حضرت محمّد را ندید و كسی جز یک یهودی با گرگ صحبت نکرد و به جز اصحاب و انصارش، کس دیگری گریه‌ی ساقه‌ی درخت به خاطر رسول خدا را نشنید و راه رفتن درخت را جز اندكی از كافران قریش كس دیگری نديد و به همین صورت دوشیدن شیر گوسفند أم معبد و سایر معجزات ایشان را[[238]](#footnote-238)؛ و موارد شبیه اینها نیز در این دعوت، به وقوع پیوسته است.

ومن المعاجز أني العبد المسكين المستكين بين يدي ربّه مسحت على عيني بعض شيوخ الحوزة العلمية بالنجف في بداية الدعوة في عهد صدام الكافر (لعنه الله) وكشف عنهم الغطاء وأصبحوا يرون الملائكة وملكوت السماوات، وحصلت مع بعضهم معجزات مادية، وبعد مدّة كفروا وقالوا ساحر و يحضر الجن و …و.. وكأنهم لم يسمعوا قوله تعالى: *﴿***وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَاباً مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ***﴾* ([[239]](#footnote-239)).

از جمله معجزه‌های این بنده‌ی مسکین بی‌نوا در پیشگاه پروردگارش، این است كه به چشمان بعضی از طلاب حوزه‌ی علمیه در نجف در آغاز دعوتم در زمان صدام كافر (که لعنت خدا بر او باد) دست كشیدم و پرده از روی چشمانشان کنار رفت و آنان فرشتگان و ملكوت آسمان‌ها را دیدند و برای برخی از آنها معجزات مادی نیز اتفاق افتاد ولی بعد از مدتی كافر شدند و گفتند ساحر و جادوگر است و جن احضار می‌كند و.... و.... گویی اصلاً این سخن خداوند متعال را نشنیده بودند که: «(**اگر برايشان از آسمان دری بگشاييم که از آن بالا روند**)»[[240]](#footnote-240).

والآن بعضهم عاد وبايع من جديد بعد أن ارتد عن الدعوة فيما مضى، فيا أخي ملأتم كبدي قيحاً كما ملأ أسلافكم كبد أمير المؤمنين قيحاً.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

حال بعضی از آنها آمدند و پس از اینکه در گذشته از دعوت مرتد شده بودند، دوباره بیعت كردند. پس ای برادر، شما دل مرا خون کردید همان طور كه گذشتگان شما دل امیر المؤمنین را خون کردند.

**احمد الحسن**

**جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٥٠: بسم الله الرحمن الرحيم

أنا وأعوذ بالله من الأنا أحد المؤمنين بالدعوة الذين أنعم عليهم الله بهذه النعمة، وقد رأيت رؤيا بالسيد أحمد الحسن وكأنه ممن يرافقون الإمام الحجة (عج)، وكأني أعرفه بشخصه هو السيد، علماً أني كنت من مقلدي السيد علي الموسوي، أي من الفرقة الشيخية أرجوا منكم إعطائي تفاصيل عن موضوع الخمس والزكاة، إضافة إلى رأي السيد باللحم الهندي المستورد من الكويت وهو لحم عجل غير مثروم ، هل أكله حلال أم لا ؟

الأخت رشا - من البصرة

٨/ جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۵۰: لطفا تفاصیل خمس و زکات را بفرمایید.**

**‌ بسم الله الرحمن الرحیم**

من و پناه می‌برم به خدا از منیّت، یكی از ایمان آورندگان که خداوند با این نعمت بر آنها منّت نهاده است، می‌باشم. در رؤیا سید احمد الحسن را دیدم؛ گویا او از كسانی بود كه امام زمان را همراهی می‌کرد و گویا من او را می‌شناختم که سید است؛ با توجّه به اینکه من در گذشته از مقلّدين سید علی موسوی يا همان فرقه‌ی شیخیه بودم. از شما تقاضا دارم كه شرح تفصیلی خمس و زكات را عنایت فرمایید و نظر سید را در مورد حکم گوشت هندی كه از كویت وارد می‌شود و به صورت گوشت گوساله‌ی چرخ نشده است، بفرمایید؛ آیا خوردنش حلال است یا حرام؟

خواهر رشا از بصره - ۸ جمادی الاول ۱۴۲۶هـ ق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الأخت المؤمنة، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أسأل الله أن يوفق كل مؤمن ومؤمنة لخير الآخرة والدنيا، أمّا الخمس والزكاة ففيهما تفصيل كثير جدّاً ولكن لا بأس ببيان شيء.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

**خواهر مؤمن، سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.**

از خداوند مسألت می‌کنم كه به همه‌ی مردان و زنان مؤمن خیر دنیا و آخرت را توفیق عطا فرماید. اما خمس و زكات، جزئیات بسیار زیادی دارند ولی به طور خلاصه چیزهایی را بیان می‌کنم:

الخمس يخص الإمام المعصوم والحجة على الخلق في كل زمان، وهم أوصياؤه لهم أن يضعوه حيث يشاؤون.

خمس مخصوص امام معصوم و حجّت بر مردم در هر زمان است؛ آنها اوصیای ایشان می‌باشند و به هر صورت که بخواهند می‌توانند آن را مصرف کنند.

ويجب الخمس في أمور: منها الأموال والمواد غير المستعملة (الجديدة)، ولا خمس في الدار التي يسكن فيها الإنسان، ولا في الأثاث المستعمل، ولا في السيارة التي يحتاجها الإنسان للتنقل، ولا في مصدر رزق الإنسان.

خمس در مواردی واجب می‌باشد؛ از جمله اموال و دارایی‌های استفاده نشده (نو). به خانه‌ای كه انسان در آن زندگی می‌كند و نیز اثاثیه‌هایی كه استفاده می‌شوند و اتومبیلی كه انسان جهت نقل و انتقال به آن نیازمند است و همچنین منبع درآمدِ روزی انسان، خمس تعلق نمی‌گیرد.

وإذا كان لدى الإنسان دار أخرى أو سيارة ثانية أو مصدر رزق ثانٍ فيجب فيها الخمس.

اگر انسان خانه‌ی دیگری یا ماشین دیگری یا منبع درآمد دیگری داشته باشد، خمس بر آنها واجب می‌شود.

أمّا اللحم الهندي المستورد وغيره، فيحرم أكله، حتى يثبت أنّه مذكّى بأيدي مسلمين وبصورة شرعية صحيحة.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

اما گوشت هندی وارداتی و سایر موارد، خوردنش حرام است مگر اینکه ثابت شود به دست مسلمان و به صورت درست و شرعی ذبح شده باشد.

**احمد الحسن**

**جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

السؤال/ ٥١: عندما يقرأ الناس دعواكم تظهر السخرية على وجوههم؛ لأنه الأدلة والبينات والحجج غير كافية على هذه الدعوة، فتنسب دعواكم إلى علامات ظهور المبطلين والمغرضين والضالين والمضلين الذين يسبقون ظهور الإمام المهدي (عج)، (كالحسني واليماني أو الذي يدعي هو المهدي (عج) )، فماذا يميزكم عن كل هؤلاء ولو بشيء يلفت النظر.

حسين العوادي - العراق

١١/ جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

**پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟!**

وقتی انسان ادعاهای شما را می‌خواند، خنده‌اش می‌گیرد؛ چرا که دلیل و برهان و حجّت كافی برای این دعوت وجود ندارد. این ادعاهای شما انسان را به یاد افراد باطل و مغرض و گمراه و گمراه‌کننده‌ای می‌اندازد كه قبل از ظهور امام مهدی ظاهر می‌شوند (مانند مدعیان حسنی، یمانی و یا کسی که ادعا می‌کند مهدی است). چه چیزی شما را از این افراد متمایز می‌سازد؟ حتی اگر مورد کوچکی باشد، بگویید!

حسين العوادی - عراق - ۱۱ جمادی الاول ۱۴۲۶

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

هذه الدعوة مؤيدة بأدلة كثيرة، وأنا وأعوذ بالله من الأنا لم أقل لأحد اتبعني أعمى، بل أقول افتح عينيك وميّز الدليل واعرف صاحب الحق لتنقذ نفسك من النار، فدعوة الحق ترافقها دعاوى باطلة كحال رسول الله  لما رافقته دعوة مسيلمة الكذاب (لعنه الله) وأشباهه.

**پاسخ:**

**بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین**

این دعوت با دلایل بسیاری تایید شده است و من و پناه می‌برم به خدا از منیّت، به كسی نمی‌گویم كه كوركورانه از من پیروی كند بلكه می‌گویم، چشمانت را باز كن و دلایل را درست تشخیص بده و صاحب حق را بشناس تا خود را از آتش برهانی. در كنار دعوت حق همواره ادعاهای باطلی نیز وجود داشته است؛ مانند وضعیت زمان رسول خدا كه هم‌زمان با وی، مُسَیلمه‌ی كذّاب (لعنت خدا بر او باد) و نظایرش نیز بودند.

وكما عن المفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله يقول: (**إياكم والتنويه، أما والله ليغيبن إمامكم سنيناً من دهركم، ولتمحصن حتى يقال مات، قتل، هلك، بأي واد سلك؟ ولتدمعن عليه عيون المؤمنين، ولتكفأن كما تكفأ السفن في أمواج البحر فلا ينجو إلا من أخذ الله ميثاقه، وكتب في قلبه الإيمان، وأيده بروح منه، ولترفعن اثنتا عشرة راية مشتبهة، لا يدرى أي من أي،** قال: فبكيت، ثم قلت: فكيف نصنع؟ قال: **فنظر إلى شمس داخلة في الصفة فقال: يا أبا عبد الله ترى هذه الشمس ؟** قلت: نعم، فقال : **والله لأمرنا أبين من هذه الشمس**) ([[241]](#footnote-241))، فقد بيّن الإمام أنّ دعوة الحق أبين من الشمس، وهي أبيّن من الشمس؛ لأنّ أدلتها أدلة الأنبياء والمرسلين والرسول محمد  والأئمة ، فالتفت إلى أدلة هذه الدعوة وقارنها بدليل الرسول محمد ، اقرأ بعض أدلة الدعوة في كتاب النور المبين للأستاذ ضياء الزيدي، وفي كتاب البلاغ المبين للشيخ ناظم العقيلي، وستجد الأدلة كثيرة جدّاً، منها وصية رسول الله  والروايات عن أهل البيت  والعلم والحق والهداية والمباهلة وقسم البراءة والكشف والرؤيا بالرسول والأئمة والأنبياء  التي رآها المؤمنون والمعجزات والغيبيات.

مفضّل بن عمر مى‌گوید: شنیدم ابا عبد الله می‌فرمود: «**بپرهيزيد از شهرت دادن و فاش كردن! به خدا سوگند كه امام شما سال‌هاى سال از روزگار شما غايب شود و هر آينه شما در فشار آزمايش قرار گيريد تا آنجا كه بگويند: امام مُرد، كشته شد و به كدام دره افتاد و ديده‌ی اهل ايمان بر او اشک بارد، و شما مانند كشتی‌هاى گرفتار امواج دريا متزلزل و سرنگون شويد، و نجات و خلاصى نيست، جز براى كسى كه خدا از او عهد و پيمان گرفته و ايمان را در دلش ثبت كرده و به وسيله‌ی روحى از جانب خود تقويتش نموده باشد. دوازده پرچم مشتبه برافراشته گردد كه هيچ يک از ديگرى تشخيص داده نشود**». مفضل گويد: من گريستم و عرض كردم: پس ما چه كنيم؟ حضرت به شعاعى از خورشيد كه در ايوان تابيده بود اشاره كرد و فرمود: «**اى ابا عبد الله، اين آفتاب را می‌بينى**؟» عرض كردم: آرى. فرمود: «**به خدا سوگند، امر ما از اين آفتاب روشن‌تر است**»[[242]](#footnote-242). بنابراین امام روشن كردند كه دعوت حق از خورشید هم روشن‌تر است. این دعوت نیز از خورشید روشن‌تر است؛ چرا که دلایل آن، همان دلایل انبیا و فرستادگان و حضرت محمّد و ائمه می‌باشد. پس به دلایل این دعوت توجّه كن و با دلایل رسول خدا حضرت محمد مقایسه كن. برخی از این دلایل را می‌توانی در كتاب «نورالمبین» نوشته‌ی استاد «ضیاء زیدی» و «البلاغ المبین» نوشته‌ی «شیخ ناظم عقیلی» مطالعه كنی. در این صورت خواهی دید كه دلایل بسیاری زیادی وجود دارد از جمله وصّیت رسول اكرم و روایات اهل بیت، علم، حق و هدایت، مباهله، قسم برائت، مکاشفه و رؤیای رسول اكرم و ائمه كه بسیاری از مؤمنان دیده‌اند و معجزات و غیبیات.

وإن لم تنفعك كل هذه الأدلة *﴿***فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ***﴾*([[243]](#footnote-243))، وعندها قل مع القائلين: *﴿***رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ***﴾*([[244]](#footnote-244))، وسيأتيكم الجواب*: ﴿***أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ***﴾*([[245]](#footnote-245)).

و اگر همه‌ی این دلایل سودی به تو نرساند: «(**چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بياورد \* و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و اين عذابی است دردآور**)»[[246]](#footnote-246) و در آن هنگام به همراه دیگران بگو: «(**ای پروردگار ما، اين عذاب را از ما دورگردان که ما ايمان آورده‌ايم**)»[[247]](#footnote-247)  و پاسختان این گونه خواهد بود: «(**کجا پند می‌پذيرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد \* سپس از او روي‌گردان شدند و گفتند: ديوانه‌ای است تعليم يافته**)»[[248]](#footnote-248).

سبحان الله، ألم تتعظوا بحال الأمم التي سبقتكم ؟ فحالكم اليوم كحال اليهود مع أنبيائهم.

سبحان الله! آیا از حال امّت‌های پیشین عبرت نمی‌گیرید؟ وضعیت امروز شما مانند وضعیت یهود با پیامبرانشان است.

ألم تتعظوا بكلام الله وبالقصص التي في القرآن ؟ انظروا إلى حالكم، أليس هو حال علماء اليهود ومقلديهم عندما سخروا من زكريا ومن يحيى ومن عيسى ، ما فرقكم عنهم بالله عليك ؟!

آیا از كلام خداوند و داستان‌هایی که در قرآن هست، پند و عبرت نمی‌گیرید؟ به وضیت خودتان بنگرید؛ آیا همان وضعیت علمای یهود و مقلّدانشان نیست آن هنگام كه زكریا و یحيی و عیسی را به ریشخند می‌گرفتند؟ شما را به خدا سوگند، فرق شما با آنها چیست؟

وإن كنت ممن ألقى السمع وهو شهيد، ستجهش بالبكاء وتقول والله نحن أسوء من اليهود وعلمائهم الذين انكبوا على الدنيا وحاربوا الأنبياء وأنصارهم الذين ساروا إلى الآخرة، وأمنوا بها وبملكوت السماوات والغيب.

ما الذي يدفعكم للسخرية مني ومن المؤمنين بهذه الدعوة الحقة ؟ أسأل نفسك وراجع ربك و *﴿***اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيباً***﴾*([[249]](#footnote-249)).

اگر از كسانی باشی كه به سخن حق گوش فرا می‌دهند در حالی که او شاهد است، حتما با حالت گریان خواهی گفت: به خدا سوگند که ما از یهود و از علمای یهود هم بدتر هستیم؛ کسانی كه به دنیا چسبیدند و با انبیا و انصارشان به نبرد پرداختند؛ همان انصاری که به سوی آخرت شتافتند و به آن و به ملكوت آسمان‌ها و غیب ایمان داشتند.

چه چیزی باعث می‌شود كه من و مؤمنان به این دعوت را به باد مسخره بگیرید؟‌ از خودت سؤال کن و به پروردگارت رجوع نما و «(**‌بخوان نامه‌ات را که امروز تو خود برای حساب کشيدن از خود، بسنده‌ای**)»[[250]](#footnote-250).

وعلى مرّ العصور من هم المستهزئون ؟ وهل سمعت أو قرأت أنّ الأنبياء والمرسلين  والمؤمنين يستهزئون ؟ لكنك دائماً تجد أنّ الاستهزاء والسخرية هو ديدن المكذبين والكافرين بدعاوى الأنبياء والمرسلين.

در طول قرن‌ها مسخره كننده‌ها چه كسانی بودند؟ آیا شنیده یا خوانده‌اید كه انبیا، فرستادگان و مؤمنین كسی را مسخره کرده باشند؟‌ ولی همواره ملاحظه می‌کنید كه استهزا و مسخره کردن، روش و شیوه‌ی تكذیب كننده‌ها و كافران به دعوت‌های انبیا و فرستادگان، بوده است.

بئس القوم كنتم لي يا أهل العراق، اتبعتم كبراءكم الذين اتبعوا أمريكا وهادنوها واقروا ديمقراطيتها، ورضيتم أخيراً بسقيفة الظالمين، وأعطيتم العذر لمن نحى أمير المؤمنين علياً ، وانقلبتم على أعقابكم كافرين بتنصيب الله وحاكميته سبحانه وتعالى، وحاربتم هذه الدعوة الحقة طلباً للدنيا العفنة.

چه بد قومی هستید شما ای اهل عراق! از بزرگانتان كه از آمریكا پیروی می‌كنند تبعیت می‌کنید، با آمریکا سازش و دموكراسی‌اش را تایید می‌‌كنید و در نهایت به سقیفه‌ی ظالمان راضی شدید و عذر كسانی كه امیر المؤمنین را از مقامش کنار زدند موجّه دانستید و به آیین پیشینیانتان که کافر به تنصیب از سوی خداوند و حاکمیت او سبحان و متعال بودند، بازگشتید و به طلب این دنیای کثیف و متعفّن، با این دعوت حق به مبارزه برخاستید.

اتبعتم من لم يزده ماله ودنياه إلاّ خساراً، كما اتبع أهل مكة أبا سفيان وحاربوا جدّي رسول الله محمداً ، وما تنقمون مني وأنا أدعوكم لكتاب الله ولولي الله الأعظم الإمام المهدي ولنبذ الباطل وأهله، ما خرجت إلاّ لطلب الإصلاح في أمة جدّي رسول الله ، وبأمر أبي الإمام المهدي ، كما خرج جدّي الحسين فإن اتبعتم أئمة الضلالة فقديماً فعل آباؤكم واتبعوا فقهاء الضلالة، شبث بن ربعي وشمر بن ذي الجوشن وشريحاً القاضي وأعانوا ابن زياد ويزيد (لعنهم الله) على قتل الحسين بن علي ، وإنّ لفي العين قذى، وفي الحلق شجى، وإنا لله وإنا إليه راجعون، وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون، ولا حول ولا قوة إلاّ بالله العلي العظيم.

از كسی پیروی كردید كه مال و دنیایش چیزی جز ضرر نداشت؛ همان طور كه اهل مكه از ابوسفیان پیروی كردند و با جدّم رسول خدا به مبارزه برخاستند. چرا با من دشمنی می‌کنید در حالی كه من شما را به كتاب خدا و ولیّ بزرگوار خداوند حضرت مهدی و کنار گذاشتن باطل و اهلش دعوت می‌كنم؟! من جز برای اصلاح امّت جدم رسول خدا و به فرمان پدرم امام مهدی برنخاستم؛ همان طور كه جدّم امام حسین قیام كرد. اگر از رهبران گمراهی پیروی كنید که در گذشته نیز پدرانتان چنین کردند و فقهای گمراهی مانند شبث بن ربعی، شمربن ذی الجوشن و شریح قاضی را پیروی نمودن و ابن زیاد و یزید (كه لعنت خداوند بر آنان باد) را برای كشتن امام حسین یاری دادند، در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو دارم و همه از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم، در این صورت «(**به زودی کسانی که ظلم کردند خواهند فهمید به کدامین بازگشت‌گاه باز خواهند گشت**)» و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظیم.

تدبّروا قوله تعالى: *﴿***إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ  فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيّاً حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ***﴾*([[251]](#footnote-251))، ثم اسخروا واضحكوا كثيراً، فلا تخطئون سنّة أسلافكم وستحلبونها دماً عبيطاً، وسيلعنكم التالون كما يُلعن اليوم من حارب محمداً  وسخر منه، وستعلمون من الرابح غداً عندما لا ينفعكم العلم شيئاً.

در این سخن خداوند متعال به نیکی تدبّر کنید: «(**آری، گروهی از بندگان من می‌گفتند: ای پروردگار ما، ايمان آورديم، ما را بيامرز، و بر ما رحمت آور که تو بهترين رحمت آورندگانی \* و شما ريشخندشان می‌کرديد تا ياد مرا از خاطرتان بزدودند و شما همچنان به آنها می‌خنديديد \* امروز آنها را به پاداش صبری که می‌کردند پاداش می‌دهم که آنها سعادتمند هستند**)»[[252]](#footnote-252). پس شما مسخره كنید و بسیار بخندید و سنّت گذشتگان خود را زیر پا نگذارید که به زودی ثمره‌ی آن را خون‌های ریخته‌شده برداشت خواهید کرد و آیندگان شما را لعنت خواهند نمود همان طور كه امروز كسانی كه با حضرت محمّد جنگیدند و او را مسخره كردند، لعن می‌شوند و فردا خواهید فهمید كه چه كسی سود برده است؛ زمانی كه دیگر عِلمتان سودی براى شما نخواهد داشت!

وأنا وأعوذ بالله من الأنا سأقص لك ولغيرك هذه الرؤيا لعلكم تتعظون: (رأيت في المنام: إنّ أحد الشيوخ في حوزة النجف - وأنا أعرفه - واقف بقربي، وبقربنا مجموعة من الملائكة وهم بصورة البشر، فسألوا الشيخ المذكور عني وعرضوا عليه أدلة الدعوة، فكذب الدعوة، ثم جاء شخص مهيب وعظيم القدر وكأنه مهيمن على الملائكة وعلى الرؤيا وكل ما فيها، فقال الملائكة للشيخ المذكور: وهذا الشخص أيضاً لديه دعوة وهذه أدلتها، فعرضوا عليه أدلة دعوة هذا الشخص العظيم القدر، فقال: إنّ دعوة هذا الشخص كأدلة دعوة أحمد الحسن، فقال الملائكة للشيخ المذكور: أو تعرف من هذا ؟! هذا محمد بن عبد الله صاحب السيف القاطع والسهم النافذ، رسول الله ، فقال الشيخ المذكور: أنا لا أصدق بمحمد ولا بأحمد، وأعرض بوجهه) وأقسم بالله العلي العظيم إنّي رأيت هذه الرؤيا وفيها الرسول محمد ، ولم أقص عليك هذه الرؤيا كدليل استدل به على أحقية هذه الدعوة، وإن كانت الرؤيا دليلاً، ولكني قصصتها لأني أعتبرها رسالة من الله، لعل الله ينفعك وغيرك بالمعاني التي وردت فيها فتتعظ وأمثالك والله ولي التوفيق.

من و پناه می‌برم به خدا از منیّت، رؤیایی را برای شما و دیگران تعریف می‌کنم، شاید که پند و عبرت بگیرید: «در خواب دیدم یكی از شیخ‌های حوزه‌ی علمیه‌ی نجف كه من او را می‌شناسم كنار من ایستاده بود و در نزدیكی ما گروهی از فرشتگان در هیأت انسان، ایستاده بودند. آنها از آن شیخ درباره‌ی من سؤال پرسیدند و دلایل این دعوت را به وی عرضه نمودند و شیخ این دعوت را تكذیب كرد. شخص با ابهت و والامقامی كه گویا بر این فرشتگان و بر همه‌ی عالم رؤیا سیطره داشت، آمد. فرشتگان به شیخ مذکور گفتند: این شخص نیز دعوتی دارد و اینها دلایلش هستند؛ و ملائکه به شیخ دلایل دعوت آن شخص والامقام را عرضه داشتند. شیخ گفت: دعوت این شخص مانند دلایل دعوت احمد الحسن است. ملائكه به آن شیخ گفتند: آیا می‌دانی این مرد كیست؟! ‌این شخص محمّد بن عبد الله صاحب شمشیر بُرنده و تيرِ تیز است! شیخ یاد شده گفت: من نه به محمّد و نه به احمد ایمان ندارم. سپس رویش را برگرداند». به خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگوار قسم مى‌خورم كه من این رؤیا را دیدم و در این رؤیا رسول خدا حضرت محمد حاضر بود. من این رؤیا را به عنوان دلیلی بر حقانیت این دعوت برایت تعریف نکردم ـ‌اگرچه رؤیا خود دلیل است‌ـ این رؤیا را برایت گفتم چون آن را نامه‌ای از جانب خداوند می‌دانم شاید خداوند توسط این رؤیا و مفاهیمی که در آن وجود دارد، به تو و دیگران سود برساند و پند بگیريد؛ و خداوند توفیق‌رسان است.

والحمد لله الذي جعلنا مؤمنين بملكوت السماوات والغيب والآخرة وهي من الغيب والحمد لله وحده، ولعنة الله على كل كافر جاحد بملكوت السماوات والغيب.

أحمد الحسن

جمادي الأول/ ١٤٢٦ هـ . ق

سپاس خداوندی را كه ما را مؤمن به ملكوت آسمان‌ها و غیب و آخرت كه از غیب است، قرار داد. حمد و ستایش مخصوص خداوند یگانه است و لعنت خداوند بر هر كافری که به ملكوت آسمان‌ها وغيب ایمان ندارد.

**احمد الحسن - جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق**

\* \* \*

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم تسليماً.

**و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلی الله على سيدنا محمّد وآله وسلم تسليما**

الفهرس

تقديم ........................................................................................................... 5

س1: كيف أستطيع التصديق بالسيد أحمد الحسن ............................................................ 7

س2: ما هي مضامين دعوتك وأهدافها ........................................................................... 7

س3: كيف يصلي عيسى خلف غير نبي ..................................................................... 8

س4: كيف أفهم عبارة: (أما الخمس فقد أبيح لشيعتنا ...) ........................................................ 9

س5: ما المقصود بكلب أصحاب الكهف ....................................................................... 10

س6: تفسير رؤيا بحضرة أمير المؤمنين ...................................................................... 11

س7: تفسير رؤيا بخصوص سطح وحديقة خضراء ............................................................... 12

س8: هل أثر قطف آدم على الشجرة ...................................................................... 12

س9: كيف تثبت للعوام أنك كذلك ............................................................................ 13

س10: كيفية العمل بعلم الحروف .............................................................................. 13

س11: هل تعلم بساعة موتك .................................................................................. 14

س12: ما المواصفات التي أهلتك لهذه المهمة ..................................................................... 14

س13: هل أنت من المحتوم وأي شخصية تمثل ................................................................... 15

س14: قوله تعالى: (وإذ قال موسى لقومه ... التواب الرحيم) .................................................... 17

س15: كيف تثبت بالدليل العقلي والنقلي أنك سفير رقم 5 ...................................................... 21

س16: هل هناك قوة تسيطر على اللاشعور عندك ............................................................... 31

س17: هذا دليل على روح أخلاقك العالية ...................................................................... 32

س18: كيف لايعلمك إمامك من أنا ومستواي الدراسي ......................................................... 32

س19: هل أنت وصي الامام أم ابنه ....................................................................... 33

س20: الافادة من قصة موسى في رحلة لقائه بالخضر .................................................. 34

س21: السيرة الذاتية للسيد أحمد الحسن ................................................................... 36

س22: هل تستطيع أن تعلمني بالغيبيات المأذون بها ............................................................... 38

س23: ما هو روح القدس في القرآن ........................................................................... 38

س24: قوله تعالى: (ومن يتق الله يجعل له مخرجاً ..) ............................................................. 40

س25: ما هي الفئات التي يطالها سيف الامام .............................................................. 41

س26: ما هو كليفي بالدعوة المباركة ........................................................................... 41

س27: توقيع السمري ......................................................................................... 42

س28: على يد من درس السيد وهل من صلب الامام ...................................................... 44

س29: هل يجوز ذهاب المرأة الى الزيارة بلا محرم ................................................................ 45

س30: ما هي اطروحتك الدينية التي جئت بها ................................................................... 46

س31: معرفة شجرة النسب الكاملة ............................................................................ 47

س32: معرفة أصل الموضوع الذي أتيت بالدعوة عنه ............................................................. 48

س33: كيف يمكن تصديق ادعاءكم هذا ........................................................................ 50

س34: ادعاء القيسي وتكذيبه للوصاية الرسالة ................................................................... 50

س35: سؤال ماجد المهدي حول الاسمان المضمران في الفاتحة ..................................................... 54

س36: كيف أستطيع التصديق والمدعين كثر .................................................................... 68

س37: لماذا لم يجمع القرآن حسب التنزيل ....................................................................... 69

س38: لماذا التنديد بالشرطة مع ان قصدهم طلب العيش ......................................................... 70

س39: ما حكم إزالة الشعر من الوجنتين ....................................................................... 71

س40: ما المقصود بـ (النهر ، عبدة الشمس، البراءة من علي ) زمن القائم ................................... 71

س41: العمل بالاحتياط بثلاث رسائل عملية .................................................................... 74

س42: من هم آل فلان في صيحة جبرئيل ................................................................. 75

س43: زواج المسلمة من المسيحي .............................................................................. 75

س44: كيف للمكلف معرفة الأحكام وانتم تبطلون المرجعية ..................................................... 76

س45: تهديد حمد آل ملحان ................................................................................... 76

س46: سأكون خادماً له إذا شافاني ............................................................................ 78

س47: عشرون سؤالاً متنوعاً .................................................................................. 79

س48: كيفية رؤية الامام المهدي والدعوة الى المناظرة ....................................................... 83

س49: لماذا لا تظهر المعجزة لعوام الناس ........................................................................ 84

س50: أرجو تفاصيل عن موضوع الخمس والزكاة .............................................................. 86

س51: ما الذي يميزكم عن باقي المدعين ........................................................................ 87

الفهرس ....................................................................................................... 91

والحمد لله رب العالمين

1. - 7 فروردین 1384 هـ ش (مترجم) [↑](#footnote-ref-1)
2. - إنجيل متى الأصحاح الثالث: 13 – 16. [↑](#footnote-ref-2)
3. - انجیل متی: اصحاح سوم: 13 تا 16. [↑](#footnote-ref-3)
4. - دوم اردیبهشت 1384 هـ ش (مترجم). [↑](#footnote-ref-4)
5. - قال عزّ وجل: ﴿**سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْماً بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاء ظَاهِراً وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَداً**﴾ الكهف:22. [↑](#footnote-ref-5)
6. - خداوند عزوجلّ می‌فرماید: «(خواهند گفت: سه تن بودند و چهارميشان، سگشان بود و می‌گويند: پنج تن بودند و ششميشان، سگشان بود. تير به تاريکی می‌افکنند و می‌گويند: هفت تن بودند و هشتميشان سگشان بود. بگو: پروردگار من به تعداد آنها داناتر است و شمارِ ايشان را جز اندک کسان، نمی‌دانند. پس تو درباره‌ی آنها جز به ظاهر مجادله مکن و در این خصوص از کسی نظر مخواه)» کهف: 22. [↑](#footnote-ref-6)
7. - الكهف: 18. [↑](#footnote-ref-7)
8. - سبحان الله لقد سُئل يماني آل محمد كما سُئل جدّه أمير المؤمنين عن كلب أصحاب الكهف، فقد جاء وفد من أحبار اليهود لعمر بن الخطاب، فقالوا له: يا عمر أنت ولي الأمر بعد محمد  وصاحبه، فسألوا عمر عدّة أسئلة فأطرق برأسه ولم يجب، فقالوا: نشهد أن محمدا لم يكن نبياً وان الإسلام باطل. فوثب سلمان الفارسي لليهود وقال لهم قفوا قليلاً، ثم جاء إلى أبي الحسن علي بن أبي طالب ، فأخذوا يسألونه عن عظائم الأمور، فكان مما سألوه عن كلب أصحاب الكهف.

   روى الشيخ الأميني في الغدير رواية طويلة مما جاء فيها: فوثب اليهودي قائماً وقال: يا علي إن كنت عالما فأخبرني ما كان لون الكلب واسمه؟ فقال: يا أخا اليهود حدثني حبيبي محمد صلى الله عليه وسلم إن الكلب كان أبلق بسواد وكان اسمه " قطمير" قال فلما نظر الفتية إلى الكلب قال بعضهم لبعض: إنا نخاف أن يفضحنا هذا الكلب بنبيحه فألحوا عليه طردا بالحجارة، فلما نظر إليهم الكلب وقد ألحوا عليه بالحجارة والطرد أقعى على رجليه وتمطى وقال بلسان طلق ذلق: يا قوم لم تطردونني وأنا أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، دعوني أحرسكم من عدوكم وأتقرب بذلك إلى الله سبحانه وتعالى. فتركوه ومضوا فصعد بهم الراعي جبلا وانحط بهم أعلى كهف. الغدير: ج6 ص152. [↑](#footnote-ref-8)
9. - کهف: 18. [↑](#footnote-ref-9)
10. - سبحان الله از یمانی آل محمد درباره‌ی سگ اصحاب کهف همان سؤالی پرسیده شد که از جدّش امیر المؤمنین پرسیده شد. گروهی از احبار یهود نزد عمر بن خطاب رفتند و به او گفتند: «ای عمر، تو ولیّ امر بعد از محمد و یار او هستی» و سؤالاتی از عمر پرسیدند. او سرش را پایین انداخت و پاسخ نگفت. پس گفتند: شهادت می‌دهیم که محمد پیامبر نبود و اسلام باطل است. سلمان فارسی ناگهان به سمت یهودیان رفت و به ایشان گفت که کمی صبر کنند. سپس نزد ابو الحسن علی بن ابی طالب رفت و آنها از او از بزرگ‌ترین امور سؤال کردند که از جمله، سگ اصحاب کهف بود.

    شیخ امینی در الغدیر در ضمن حدیثی طولانی روایت می‌کند: یهودی ناگهان ایستاد و گفت: ای علی، اگر تو عالِم هستی به ما بگو رنگ و نام سگ چیست؟ فرمود: «ای برادر یهودی، حبیبم محمد مرا باخبر کرد که سگ، ابلقِ تیره و نامش قطمیر بود. فرمود: هنگامی که جوان‌مردان به سگ نگاه کردند، بعضی به بعضی دیگر گفتند: می‌ترسیم این سگ با آوازش ما را آشکار کند، و شروع به پرتاب کردن سنگ به سوی او کردند. سگ به آنها که به سویش سنگ می‌انداختند و می‌خواستند از خود برانندش نگاه کرد، روی پاهایش نشست و با زبانی گویا گفت: ای جماعت، مرا از خود نرانید و من شهادت می‌دهم که خدایی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد، وجود ندارد، اجازه دهید شما را در برابر دشمنانتان محافظت کنم و از این طریق به خدای سبحان و متعال نزدیکی جویم. او را رها کردند و اجازه دادند. پس با ایشان از دامنه‌ی کوه بالا رفت و با ایشان بر بالای غار شد». الغدیر: ج 6 ص 152. [↑](#footnote-ref-10)
11. - طـه: 115. [↑](#footnote-ref-11)
12. - طـه: 116. [↑](#footnote-ref-12)
13. - طه: 115. [↑](#footnote-ref-13)
14. - طه: 116. [↑](#footnote-ref-14)
15. - این کتاب هم‌اکنون منتشر و به فارسی نیز ترجمه شده است (مترجم). [↑](#footnote-ref-15)
16. - راجع: عدّة الداعي: ص204. [↑](#footnote-ref-16)
17. - رجوع نمایید به عدّة الداعی: ص 204. [↑](#footnote-ref-17)
18. - البقرة:54. [↑](#footnote-ref-18)
19. - بقره: 54. [↑](#footnote-ref-19)
20. - الكافي: ج1 ص430، بحار الأنوار: ج24 ص285. [↑](#footnote-ref-20)
21. - کافی: ج 1 ص 430 ؛ بحار الانوار: ج 24 ص 285. [↑](#footnote-ref-21)
22. - عيون أخبار الرضا : ص145، بحار الأنوار: ج3 ص7. [↑](#footnote-ref-22)
23. - المائدة: 111. [↑](#footnote-ref-23)
24. - مائده: 111. [↑](#footnote-ref-24)
25. - الأنعام: 19. [↑](#footnote-ref-25)
26. - الرعد: 43. [↑](#footnote-ref-26)
27. - الأحقاف: 8. [↑](#footnote-ref-27)
28. - الإسراء: 96. [↑](#footnote-ref-28)
29. - انعام: 19. [↑](#footnote-ref-29)
30. - رعد: 43. [↑](#footnote-ref-30)
31. - احقاف: 8. [↑](#footnote-ref-31)
32. - إسراء: 96. [↑](#footnote-ref-32)
33. - الصافات: 104 – 105. [↑](#footnote-ref-33)
34. - التحريم: 12. [↑](#footnote-ref-34)
35. - يوسف: 3 – 4. [↑](#footnote-ref-35)
36. - صافات: 104 و 105. [↑](#footnote-ref-36)
37. - تحریم: 12. [↑](#footnote-ref-37)
38. - یوسف: 3 و 4. [↑](#footnote-ref-38)
39. - الأنبياء: 1 – 5. [↑](#footnote-ref-39)
40. - یوسف: 44. [↑](#footnote-ref-40)
41. - يوسف: 44. [↑](#footnote-ref-41)
42. - يوسف: 46. [↑](#footnote-ref-42)
43. - یوسف: 46. [↑](#footnote-ref-43)
44. - الدخان: 10 – 16. [↑](#footnote-ref-44)
45. - دخان: 10 تا 16. [↑](#footnote-ref-45)
46. - الإسراء: 15. [↑](#footnote-ref-46)
47. - إسراء: 15. [↑](#footnote-ref-47)
48. - عن زرارة وحمران ومحمد بن مسلم، عن أبي جعفر وأبي عبد الله (عيهما السلام) في قوله تعالى: " **يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لاَ يَنفَعُ نَفْساً إِيمَانُهَا** " قال: (**طلوع الشمس من المغرب، وخروج الدابة، والدخان، والرجل يكون مصراً ولم يعمل على الايمان ثم تجئ الآيات فلا ينفعه إيمانه**) بحار الأنوار: ج6 ص312.

    وجاء في شرح إحقاق الحق: ( في "الدخان" علي بن الحسين: **هو دخان يجئ قبل القيامة يأخذ بأنفاس الكفار**) شرح إحقاق الحق للسيد المرعشي: ج28 ص98. [↑](#footnote-ref-48)
49. - الجمعة: 1 – 4. [↑](#footnote-ref-49)
50. - جمعه: 1 تا 4. [↑](#footnote-ref-50)
51. - يونس: 47. [↑](#footnote-ref-51)
52. - یونس: 47. [↑](#footnote-ref-52)
53. - تفسير العياشي: ص119، بحار الأنوار: ج24 ص306. [↑](#footnote-ref-53)
54. - تفسیر عیاشی: ص 119 ؛ بحار الانوار: ج 24 ص 306. [↑](#footnote-ref-54)
55. - الأصحاح الخامس: 26 – 30. [↑](#footnote-ref-55)
56. - اصحاح پنجم: 6 تا 30. [↑](#footnote-ref-56)
57. - لقد وردت روايات في فضل أصحاب القائم ، منها ما رواه الصدوق عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله : (**ما كان قول لوط لقومه ﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴾ إلاّ تمنيا لقوة القائم ولا ذكر إلاّ شدة أصحابه، وإن الرجل منهم ليعطى قوة أربعين رجلاً، وإن قلبه لأشد من زبر الحديد، ولو مروا بجبال الحديد لقلعوها، ولا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عز وجل**) كمال الدين وتمام النعمة: ص673. [↑](#footnote-ref-57)
58. - در مورد فضایل یاران قائم روایاتی وارد شده است؛ از جمله روایتی که صدوق از ابو بصیر نقل کرده است که گفت: ابو عبدالله فرمود: «این سخن لوط به قومش «(کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم يا می‌توانستم به رکن شدید پناه ببرم)» نبود مگر آرزوی او بر داشتن نیروی قائم و ذکری بر شدت یاران او؛ هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد را خواهد داشت، قلبش از زبرجد سخت‌تر است، اگر بر کوه‌های آهن عبور کنند، ریشه‌کن‌شان کنند و شمشیرهای خود را بر زمین نگذارند تا خداوند عزوجلّ راضی شود» کمال الدین و تمام النعمة: ص 673. [↑](#footnote-ref-58)
59. - الأصحاح الحادي عشر: 1 – 10. [↑](#footnote-ref-59)
60. - اصحاح یازدهم: 1 تا 10. [↑](#footnote-ref-60)
61. - راجع: كمال الدين: ص417، باب ما روي في السيدة نرجس أم القائم (عليهما السلام). [↑](#footnote-ref-61)
62. - رجوع نمایید به کمال الدین: ص 417 باب «آنچه درباره‌ی سیده نرجس مادر قائم روایت شده است». [↑](#footnote-ref-62)
63. - راجع: إصدارات أنصار الإمام المهدي ، فلقد بينوا فيها ما ذكره . [↑](#footnote-ref-63)
64. - الأصحاح الثاني: 31 – 36. [↑](#footnote-ref-64)
65. - اصحاح دوم: 31 تا 36. [↑](#footnote-ref-65)
66. - سفر دانيال الأصحاح السابع. [↑](#footnote-ref-66)
67. - سفر دانیال اصحاح هفتم. [↑](#footnote-ref-67)
68. - راجع علامات الظهور التي ذكرها النبي  وآله الطاهرين  في مصادر المسلمين. وقد ذكر الكثير منها السيد أحمد الحسن في كتاب العجل: ج2 فراجع. [↑](#footnote-ref-68)
69. - به علامت‌های ظهور که پیامبر و اهل بیت طاهر او در منابع مسلمانان مراجعه نمایید. سید احمد الحسن بسیاری از آنها را در کتاب فتنه‌ی گوساله جلد 2 توضیح داده‌اند. [↑](#footnote-ref-69)
70. - إنجيل متي الأصحاح السابع عشر. [↑](#footnote-ref-70)
71. - انجیل متی اصحاح هفدهم. [↑](#footnote-ref-71)
72. - الأصحاح الحادي عشر. [↑](#footnote-ref-72)
73. - اصحاح یازدهم. [↑](#footnote-ref-73)
74. - متي الأصحاح الحادي والعشرون. [↑](#footnote-ref-74)
75. - متی: اصحاح بیست و یکم. [↑](#footnote-ref-75)
76. - في الأصحاح الرابع والعشرون. [↑](#footnote-ref-76)
77. - اصحاح بیست و یکم. [↑](#footnote-ref-77)
78. - إنجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر. [↑](#footnote-ref-78)
79. - انجیل یوحنا اصحاح شانزدهم. [↑](#footnote-ref-79)
80. - إنجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر. [↑](#footnote-ref-80)
81. - انجیل یوحنا اصحاح شانزدهم. [↑](#footnote-ref-81)
82. - مختصر بصائر الدرجات: ص117، بحار الأنوار: ج52 ص336. [↑](#footnote-ref-82)
83. - مختصر بصائر الدرجات: ص 117 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 336. [↑](#footnote-ref-83)
84. - يوحنا الإصحاح الاول – آية : 46. [↑](#footnote-ref-84)
85. - يوحنا الإصحاح السابع – آية : 52. [↑](#footnote-ref-85)
86. - يوحنا الإصحاح السابع – آية : 41 – 42. [↑](#footnote-ref-86)
87. - یوحنا اصحاح اول - آیه: 46. [↑](#footnote-ref-87)
88. - یوحنا اصحاح هفتم - آیه: 52. [↑](#footnote-ref-88)
89. - یوحنا اصحاح هفتم - آیه: 41 و 42. [↑](#footnote-ref-89)
90. - إنجيل يوحنا الأصحاح الثامن. [↑](#footnote-ref-90)
91. - انجیل یوحنا: اصحاح هشتم. [↑](#footnote-ref-91)
92. - روى الشيخ الطوسي بسنده عن أبي عبد الله الصادق ، عن أبيه الباقر، عن أبيه زين العابدين ، عن أبيه الحسين الشهيد ، عن أبيه أمير المؤمنين ، عن النبي  قال: (... **يا علي إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماماً ومن بعدهم إثنا عشر مهدياً،**...) غيبة الطوسي: ص150، مختصر بصائر الدرجات: ص159.

    وروى القاضي النعمان المغربي في شرح الأخبار عن علي بن الحسين ، أنه قال: (**يقوم القائم منا** - يعني المهدي - **ثم يكون بعده اثنا عشر مهدياً** - يعني من الأئمة من ذريته - ) شرح الأخبار:ج3 ص400. ولمعرفة المزيد راجع كتاب المهدي والمهديين في القرآن والسنة، المهديين في حديث أهل البيت ، وغيرها من إصدارات أنصار الإمام المهدي. [↑](#footnote-ref-92)
93. - شیخ طوسی با سند خودش از امام صادق از پدرش باقر از پدرش زین العابدین از پدرش حسین شهید از پدرش امیر المومنین از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: «.... ای علی! بعد از من دوازده امام خواهد بود و بعد از ایشان، دوازده مهدی....». غیبت طوسی: ص150 ؛ مختصر بصائر الدرجات: ص159.

    قاضی نعمان مغربی در شرح الاخبار از علی بن الحسین روایت می‌کند که فرمود: «قائم از ما قیام می‌کند (یعنی مهدی) سپس بعد از او دوازده مهدی خواهد بود (یعنی ائمه از فرزندانش)....». شرح الاخبار: ج 3 ص 400. جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتاب‌های مهدی و مهدیّین در قرآن و سنت، مهدیّون در حدیث اهل بیت، و سایر انتشارات انصار امام مهدی مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-93)
94. - البيان الذي ورد ذكره في العبارة المذكورة في المتن هو بيان الثورة الصادر في 3/ شوال/ 1224 هـ . ق [↑](#footnote-ref-94)
95. - بیانیه‌ای که عبارت مذکور در آن روایت شده است بیانیه‌ی صادر شده در 3 شوال 1224 هـ .ق می‌باشد. [↑](#footnote-ref-95)
96. - يشير إلى ما روي عن أبي عبد الله الصادق حيث قال للمفضل: (**يا مفضل يظهر، في شبهة ليستبين فيعلو ذكره ويظهر أمره وينادي باسمه وكنيته ونسبه، ويكثر ذلك على أفواه المحقين والمبطلين والموافقين لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به على أنه قد قصصنا ودللنا عليه ونسبناه وسميناه وكنيناه وقلنا سمي جدّه رسول الله  وكنيته لئلا يقول الناس ما عرفنا له اسماً ولا كنية ولا نسباً، والله ليتحقق الإيضاح به وباسمه ونسبه وكنيته على ألسنتهم حتى ليسميه بعضهم لبعض كل ذلك للزوم الحجة عليهم، ثم يظهره كما وعد به جدّه  في قوله عز وجل: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾** ) مختصر بصائر الدرجات: ص179، بحار الأنوار: ج53 ص3. [↑](#footnote-ref-96)
97. - يشير لما قصّه الله تعالى من قول إبليس عندما قاس نفسه بنبي الله آدم : ﴿**قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلاَّ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَاْ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ**﴾ الأعراف:12. [↑](#footnote-ref-97)
98. - روي عن أبي عبد الله ، أنه قال: (**بينا الرجل على رأس القائم يأمره وينهاه إذ قال: أديروه، فيديرونه إلى قدامه فيأمر بضرب عنقه، فلا يبقى في الخافقين شيء إلاّ خافه**) غيبة النعماني: ص245، بحار الأنوار: ج52 ص355. [↑](#footnote-ref-98)
99. - اشاره می‌فرمایند به آنچه از ابو عبدالله امام صادق در حدیث مفضل روایت شده است: «ای مفضّل، در شبهه ظاهر می‌گردد تا آشکار شود. پس ذکرش بلند می‌شود و امرش آشکار می‌گردد و به نام و کنیه و نسبش ندا داده می‌شود. نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم باایمان و بی‌ایمان نقل می‌گردد تا حجّت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان و نسب او را اعلام کرده‌ایم و گفته‌ایم که او هم‌نام جدّش خاتم الانبیا و هم‌کنیه‌ی او است تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه‌ی او را نمی‌دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه‌ی او بر زبان مردم جاری می‌شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. تمام اینها برای این است که حجّت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند همان گونه که به جدّش وعده داده است، امر به ظهورش می‌فرماید: «(او کسی است که فرستاده‌اش را با هدايت و دين حق فرستاد تا آن دين را بر همه‌ی اديان پيروز گرداند حتی اگر مشرکان را خوش نیاید)» ». مختصر بصائر الدرجات: ص 179 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 3. [↑](#footnote-ref-99)
100. - اشاره می‌فرماید به داستانی که خداوند متعال از زبان ابلیس بیان فرموده است آن هنگام که خودش را با آدم قیاس نمود: «(خداوند گفت: وقتی تو را به سجده فرمان دادم، چه چيز تو را از آن بازداشت؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفريدی و او را از گل)» اعراف: 12. [↑](#footnote-ref-100)
101. - از ابو عبدالله امام صادق روایت شده است که فرمود: «مردی که بالای سر قائم به او امر و نهی می‌کند. ناگهان می‌فرماید: بیاوریدش. او را پیش پاهایش می‌آورند و امر می‌کند گردنش را بزنند، و کسی باقی نمی‌ماند مگر اینکه از او ترسان و خاشع باشد». غیبت نعمانی: ص 245 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 355. [↑](#footnote-ref-101)
102. - مختصر بصائر الدرجات: ص117، الخرائج والجرائح: ج2 ص841، عنه: بحار الأنوار: ج52 ص336. [↑](#footnote-ref-102)
103. - مختصر بصائر الدرجات: ص 117 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 336 ؛ خرائج و جرائح: ج 2 ص 841. [↑](#footnote-ref-103)
104. - روى الكليني بسنده عن حمران بن أعين، قال: قال أبو جعفر : (**إنّ علياً كان محدثاً**، فخرجت إلى أصحابي فقلت: جئتكم بعجيبة، فقالوا: وما هي ؟ فقلت: سمعت أبا جعفر يقول: كان علي محدثا، فقالوا: ما صنعت شيئاً ألا سألته من كان يحدثه، فرجعت إليه فقلت: إني حدثت أصحابي بما حدثتني فقالوا: ما صنعت شيئاً ألا سألته من كان يحدثه ؟ فقال لي: **يحدثه ملك**، قلت: تقول: إنه نبي ؟ قال: فحرك يده - هكذا - **أو كصاحب سليمان أو كصاحب موسى أو كذي القرنين، أو ما بلغكم أنه قال: وفيكم مثله**) الكافي: ج1 ص271 ح4، بصائر الدرجات: ص341. [↑](#footnote-ref-104)
105. - کلینی با سند خودش از حمران بن اعین روایت می‌کند که گفت: ابو جعفر فرمود: «علی محدث بود (به او وحی می‌شد)». به سوی یارانش رفت و گفت: چیزی عجیبی برایتان آوردم. گفتند: چیست؟ شنیدم ابو جعفر می‌فرماید: «علی محدث بود». گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او به پرسی چه کسی به او وحی می کرد. به سوی او بازگشتم و گفتم: آنچه شما فرمودید به یارانم گفتم و آنها گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او بپرسی چه کسی به او وحی می‌کرد؟ به من فرمود: «ملکی به او وحی می‌کرد». گفتم: آیا می‌فرمایی او پیامبر بود؟ در حالی که دستش را این گونه حرکت می داد، فرمود: «مثل یار سلیمان یا یار موسی یا مثل ذوالقرنین، یا آنچه به شما برسد که فرمود: و در میان شما هم نظیر او هست». کافی: ج 1 ص 271 ح 4 ؛ بصائر الدرجات: ص 341. [↑](#footnote-ref-105)
106. - عن أبي جعفر : (**إذا قام القائم سار إلى الكوفة، فيخرج منها بضعة عشر آلاف أنفس يدعون البترية عليهم السلاح فيقولون له: ارجع من حيث جئت فلا حاجة لنا في بني فاطمة، فيضع فيهم السيف حتى يأتي على آخرهم، ثم يدخل الكوفة فيقتل بها كل منافق مرتاب، ويهدم قصورها، ويقتل مقاتليها حتى يرضى الله عز وعلا**) بحار الأنوار: ج52 ص338. [↑](#footnote-ref-106)
107. - عن أبي بصير، قال: سمعت أبا جعفر الباقر يقول: (**في صاحب هذا الأمر سنة من أربعة أنبياء: سنة من موسى، وسنة من عيسى، وسنة من يوسف، وسنة من محمد** . فقلت: ما سنة موسى؟ قال: **خائف يترقب**. قلت: وما سنة عيسى؟ فقال: **يقال فيه ما قيل في عيسى**. قلت: فما سنة يوسف؟ قال: **السجن والغيبة**. قلت: وما سنة محمد ؟ قال: **إذا قام سار بسيرة رسول الله  إلا أنه يبين آثار محمد، ويضع السيف على عاتقه ثمانية أشهر هرجاً مرجاً حتى يرضي الله**. قلت: فكيف يعلم رضاء الله؟ قال: **يلقي الله في قلبه الرحمة**) غيبة النعماني: ص168، بحار الأنوار: ج52 ص347. [↑](#footnote-ref-107)
108. - روى العياشي خبراً طويلاً عن أبي عبد الله الصادق، إلى أن يقول: (... **حتى إذا بلغ إلى الثعلبية قام إليه رجل من صلب أبيه وهو من أشد الناس ببدنه وأشجعهم بقلبه، ما خلا صاحب هذا الأمر، فيقول: يا هذا، ما تصنع؟ فو الله إنك لتجفل الناس إجفال النعم، أفبعهد من رسول الله  أم بماذا؟ فيقول المولى الذي وليّ البعية: والله لتسكنن أو لأضربن الذي فيه عيناك، فيقول له القائم : اسكت يا فلان، أي والله إنّ معي عهداً من رسول الله ، هات لي يا فلان العيبة أو الطيبة أو الزنفليجة، فيأتيه بها فيقرأه العهد من رسول الله ، فيقول: جعلني الله فداك أعطني رأسك أقبله، فيعطيه رأسه فيقبله بين عينيه ثم يقول: جعلني الله فداك جدد لنا بيعة، فيجدد لهم بيعة**) تفسير العياشي: ج2 ص58، عنه: بحار الأنوار: ج52 ص341. [↑](#footnote-ref-108)
109. - عن أبي جعفر : (لو يعلم الناس ما يصنع القائم إذا خرج لأحب أكثرهم أن لا يروه، مما يقتل من الناس، أما إنه لا يبدأ إلاّ بقريش، فلا يأخذ منها إلاّ السيف ولا يعطيها إلاّ السيف، حتى يقول كثير من الناس: ليس هذا من آل محمد، ولو كان من آل محمد لرحم) غيبة النعماني: ص238، بحار الأنوار:ج52 ص354. [↑](#footnote-ref-109)
110. - از ابو جعفر: «هنگامی که قائم به پا خیزد به سوی کوفه می‌رود. چند ده هزار نفر از بتریه که با خود سلاح دارند به او می‌گویند: به همان جا که آمده‌ای برگرد، ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. پس شمشیر را در میانشان قرار می‌دهد و تا آخرینشان را می‌کشد. سپس به کوفه داخل شده، تمام منافقین شکاک را از بین می‌برد، کاخ‌هایشان را ویران می‌کند و مبارزینشان را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی گردد». بحار الانوار: ج 52 ص 338. [↑](#footnote-ref-110)
111. - از ابو بصیر نقل شده است: شنیدم ابو جعفر می‌فرماید: «در صاحب این امر، سنت چهار پیامبر وجود دارد: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف و سنتی از محمد». گفتم: سنتی موسی چیست؟ فرمود: «ترسان و مراقب». گفتم: سنتی عیسی چیست؟ فرمود: «آنچه درباره‌ی عیسی گفته شد، درباره‌ی او گفته می‌شود». گفتم: سنت یوسف چیست؟ فرمود: «زندان و غیبت». گفتم: سنت محمد چیست؟ فرمود: «هنگامی که قیام کند به روش رسول خدا حرکت می‌کند با این تفاوت که او آثار محمد را آشکار می‌کند. شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می‌کند و می‌کشد و می‌کشد تا خداوند راضی گردد». گفتم: چگونه رضایت خداوند را متوجّه می‌شود؟ فرمود: «خداوند رحمت را در قلبش می‌اندازد». غیبت نعمانی: ص 168 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 347. [↑](#footnote-ref-111)
112. - عیاشی در خبری طولانی از ابو عبدالله امام صادق روایت می‌کند تا آنجا که فرمود: «.... تا به ثعلبیه می‌رسد که مردی از پشت پدرش و از همه‌ی مردم نیرومندتر و شجاع‌تر است (به غیر از صاحب این امر)، در مقابلش می‌ایستد و می‌گوید: فلانی، این چه کاری است که می‌کنی؟ به خدا قسم! تو مردم را مانند چهارپایان فراری می‌دهی. آیا این کارها با عهدی از رسول خدا انجام می‌شود یا چیز دیگری؟ پس آن خدمتکاری که متصدی امر بیعت بود بر او بانگ می‌زند: در جایت بنشین وگرنه به خدا سوگند سر از بدنت جدا می‌کنم. اما حضرت قائم به او می‌فرماید: فلانی ساکت باش. آری، به خدا سوگند عهدنامه‌ای از رسول‌خدا همراه من است! بعد صدا می‌زند: فلانی، آن خورجین یا کیف یا صندوقچه را بیاور. پس آن را می‌آورند و عهدنامه‌ی رسول خدا را می‌خواند. آن مرد عرض می‌کند: خداوند مرا فدای تو گرداند، سر مبارکت را نزدیک بیاور تا بر آن بوسه زنم. پس آن جناب سر مبارک خویش را پیش می‌آورد و آن مرد میان چشمان حضرت را می‌بوسد. سپس می‌گوید: خداوند مرا فدای تو سازد، بار دیگر از ما بیعت بگیر؛ که آن حضرت بیعت خود را تجدید می‌کند». تفسیر عیاشی: ج 2 ص 58 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 341. [↑](#footnote-ref-112)
113. - از ابو جعفر روایت شده است که فرمود: «اگر مردم می‌دانستند قائم هنگامی که خروج کند، چه می‌کند، بیشتر مردم ترجیح می‌دادند که او را نمی‌دیدند از آنچه از مردم می‌کشد؛ او شروع نمی‌کند مگر از قریش و از آنها قبول نمی‌کند مگر شمشیر و به آنها جز شمشیر نمی‌دهد، تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: او از آل محمد نیست که اگر از آل محمد می‌بود، رحم می کرد». غیبت نعمانی: ص 238 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 354. [↑](#footnote-ref-113)
114. - لمعرفة المزيد عن القصص الثلاث راجع كتاب رحلة موسى إلى مجمع البحرين الذي كتبه مؤخراً قائم آل محمد السيد أحمد الحسن. [↑](#footnote-ref-114)
115. - جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی داستان‌های سه‌گانه به کتاب سفر موسی به مجمع البحرین که قائم آل محمد سید احمد الحسن به نگارش درآورده است، رجوع نمایید. [↑](#footnote-ref-115)
116. - کتاب «کرامات و غیبیات» در حال حاضر منتشر شده است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-116)
117. - الشورى: 52. [↑](#footnote-ref-117)
118. - بصائر الدرجات: ص475، ينابيع المعاجز: ص70. [↑](#footnote-ref-118)
119. - شوری: 52. [↑](#footnote-ref-119)
120. - بصائر الدرجات: ص 475 ؛ ینابع المعاجز: ص 70. [↑](#footnote-ref-120)
121. - الإسراء: 85. [↑](#footnote-ref-121)
122. - الكافي: ج1 ص273. [↑](#footnote-ref-122)
123. - إسراء: 85. [↑](#footnote-ref-123)
124. - کافی: ج 1 ص 273. [↑](#footnote-ref-124)
125. - الشورى: 52. [↑](#footnote-ref-125)
126. - الكافي: ج1 ص274. [↑](#footnote-ref-126)
127. - شوری: 52. [↑](#footnote-ref-127)
128. - کافی: ج 1 ص 274. [↑](#footnote-ref-128)
129. - الطلاق : 2 – 3. [↑](#footnote-ref-129)
130. - طلاق: 2 و 3. [↑](#footnote-ref-130)
131. - نهج البلاغة بشرح محمد عبده: ج2 ص13. [↑](#footnote-ref-131)
132. - كمال الدين: ص526، غيبة الطوسي: ص395. [↑](#footnote-ref-132)
133. - کمال الدین: ص 526 ؛ غیبت طوسی: ص 395. [↑](#footnote-ref-133)
134. - يونس:39. [↑](#footnote-ref-134)
135. - یونس: 39. [↑](#footnote-ref-135)
136. - النور: 40. [↑](#footnote-ref-136)
137. - نور: 40. [↑](#footnote-ref-137)
138. - يوسف: 6. [↑](#footnote-ref-138)
139. - یوسف: 6. [↑](#footnote-ref-139)
140. - نوح: 5 – 9. [↑](#footnote-ref-140)
141. - نوح: 5 تا 9. [↑](#footnote-ref-141)
142. - لمعرفة طبيعة الاعتراضات التي تعرّض لها حجج الله سبحانه راجع كتاب المعترضون على خلفاء الله أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي . [↑](#footnote-ref-142)
143. - برای شناخت کیفیّت اعتراض‌های معترضین به حجّت‌های خداوند سبحان به کتاب «اعتراض‌کنندگان به جانشینان خداوند» از انتشارات انصار مهدی مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-143)
144. - سيستان: هي محافظة من محافظات إيران الشرقية. قال الشيخ عباس القمي في الكنى والألقاب: سجستان معرب سيستان ناحية كبيرة واسعة واقعة على جنوب هراة أرضها كلها سبخة رملة ينسب إليها رستم الشديد. الكنى والألقاب: ج1 ص 45. [↑](#footnote-ref-144)
145. - سیستان: استانی از استان‌های شرقی ایران است. شیخ عباس قمی در الکنی و الاقاب می‌گوید: سجستان معرب سیستان، ناحیه‌ی بزرگ وسیعی واقع در جنوب هرات است که زمینش رمله‌زار (شن‌زار) و رستم نیرومند منسوب به آنجا می‌باشد. الکنی و الالقاب: ج 1 ص 45. [↑](#footnote-ref-145)
146. - الشعراء: 63. [↑](#footnote-ref-146)
147. - شعرا: 63. [↑](#footnote-ref-147)
148. - القلم: 1 – 6. [↑](#footnote-ref-148)
149. - قلم: 1 تا 6. [↑](#footnote-ref-149)
150. - الأنبياء: 1 – 5. [↑](#footnote-ref-150)
151. - انبیا: 1 تا 5. [↑](#footnote-ref-151)
152. - الأحزاب: 40. [↑](#footnote-ref-152)
153. - الأحزاب: 45 – 48. [↑](#footnote-ref-153)
154. - احزاب: 40. [↑](#footnote-ref-154)
155. - احزاب: 45 تا 48. [↑](#footnote-ref-155)
156. - هود: 103 – 104. [↑](#footnote-ref-156)
157. - هود: 103 و 104. [↑](#footnote-ref-157)
158. - الغيبة للشيخ الطوسي: ص164 – 166 ح 127، وص336 ح282، دلائل الإمامة للطبري (الشيعي): ص529 – 530 ح504، الاختصاص للشيخ المفيد: ص209، الهداية الكبرى للحسين بن حمدان الخصيبي: ص362 باختلاف يسير. [↑](#footnote-ref-158)
159. - غیبت طوسی: ص 164 تا 166 ح 127 و ص 336 ح 282 ؛ دلایل الائمه طبری (شیعه): ص 529 و 530 ح 504 ؛ اختصاص شیخ مفید: ص 209 ؛ هدایت الکبری حسین بن حمدان خصیبی: ص 362 با کمی اختلاف. [↑](#footnote-ref-159)
160. - غيبة الشيخ الطوسي: ص279، جمال الأسبوع: ص306، مصباح الكفعمي: ص547، مفاتيح الجنان: 618. [↑](#footnote-ref-160)
161. - غیبت طوسی: ص 279 ؛ جمال الاسبوع: ص 306 ؛ مصباح کفعمی: ص 547 ؛ مفاتیح الجنان: ص 618. [↑](#footnote-ref-161)
162. - ضرب المثلی عربی (مترجم). [↑](#footnote-ref-162)
163. - قال أمير المؤمنين في إحدى خطبه: (... **ولقد علمتم وعلم المستحفظون من أصحاب رسول الله  إني وأهل بيتي مطهرون من الفواحش، وقد قال  لا تسبقوهم فتضلوا ولا تخالفوهم فتجهلوا ولا تخلفوا عنهم فتهلكوا، لا تعلموهم فإنهم أعلم منكم كباراً وأحكمكم صغاراً**... ) مصباح البلاغة، مستدرك نهج البلاغة: ج1 ص142. [↑](#footnote-ref-163)
164. - امیر مومنان در یکی از خطبه‌هایش فرمود: «.... و قطعا دانستید و مستحفظان از اصحاب رسول خدا را شناختید. من و اهل بیتم از گناهان مبرّا هستیم. ایشان فرمود: از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و با آنها مخالفت نکنید که در جهل می‌مانید و از ایشان عقب نمانید که هلاک می‌گردید. به آنها نیاموزید که ایشان از شما عالم‌تراند و کوچک‌هایشان از شما حکیم‌تر....». مصباح البلاغه، مستدرک نهج البلاغه: ج 1 ص 142. [↑](#footnote-ref-164)
165. - البقرة: 196. [↑](#footnote-ref-165)
166. - بقره: 196. [↑](#footnote-ref-166)
167. - عن عبد العزيز القراطيسي، قال: قال لي أبو عبد الله : (**يا عبد العزيز، إنّ الإيمان عشر درجات بمنزلة السلم يصعد منه مرقاة بعد مرقاة، فلا يقولن صاحب الاثنين لصاحب الواحد لست علي شيء حتى ينتهي إلى العاشر، فلا تسقط من هو دونك فيسقطك من هو فوقك، وإذا رأيت من هو أسفل منك بدرجة فارفعه إليك برفق ولا تحملن عليه ما لا يطيق فتكسره، فإن من كسر مؤمناً فعليه جبره**) الكافي: ج2 ص45. [↑](#footnote-ref-167)
168. - قال النبي : (**سلمان منا أهل البيت**) عيون أخبار الرضا : ج1 ص70.

     وعن أبي عبد الله : (**الإيمان عشر درجات، فالمقداد في الثامنة، وأبو ذر في التاسعة، وسلمان في العاشرة**) بحار الأنوار: ج22 ص341. [↑](#footnote-ref-168)
169. - از عبد العزیز قراطیسی نقل شده است که گفت: ابو عبدالله به من فرمود: «ای عبد العزیز، ایمان ده درجه دارد که مانند نردبان است که پله پله باید از آن بالا رفت. فردی که دو پله بالا رفته نباید به کسی که در پله‌ی اول است بگوید که تو بهره‌ای نداری، تا اینکه به دهمین پله برسد. کسی که پایین‌تر از خودت است را ساقط نکن تا بالاتر از تو، تو را ساقط نکند و اگر کسی را در درجه‌ای پایین‌تر از خودت دیدی، او را با محبت بالا بکش و بر او بیش از توانش تحمیل مکن که می‌شکند و اگر کسی مومنی را بشکند، شکسته‌بندی‌اش بر او واجب می‌گردد». کافی: ج 2 ص 45. [↑](#footnote-ref-169)
170. - پیامبر فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است». عیون اخبار رضا: ج 1 ص 70.

     از ابو عبد الله نقل شده است که فرمود: «ایمان ده درجه دارد؛ مقداد در درجه‌ی هشتم، ابوذر در درجه‌ی نهم و سلمان در درجه‌ی دهم بود». بحار الانوار: ج 22 ص 341. [↑](#footnote-ref-170)
171. - القصص: 5. [↑](#footnote-ref-171)
172. - قصص: 5. [↑](#footnote-ref-172)
173. - الإسراء: 46. [↑](#footnote-ref-173)
174. - عن هارون، عن أبي عبد الله ، قال: قال لي: (**كتموا بسم الله الرحمن الرحيم فنعم والله الأسماء كتموها: كان رسول الله  إذا دخل إلى منزله واجتمعت عليه قريش يجهر ببسم الله الرحمن الرحيم ويرفع بها صوته، فتولى قريش فراراً فأنزل الله عز وجل في ذلك: ﴿ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْاْ عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُوراً﴾**) الكافي: ج8 ص266. [↑](#footnote-ref-174)
175. - إسراء: 46. [↑](#footnote-ref-175)
176. - از هارون از ابو عبدالله روایت شده است که به من فرمود: «بسم الله الرحمن الرحیم را کتمان کنید که به خدا سوگند اسماء بسیاری در آن مخفی است: هر وقت رسول خدا به منزلش وارد می‌شد و قریش دورش جمع می‌شدند، بسم الله الرحمن رحیم را آشکار و با صدای بلند می‌گفت. قریش پشت کرده، فرار می‌کردند. پس خداوند عزوجلّ در این خصوص نازل فرمود: «(و چون پروردگارت را در قرآن به يکتايی ياد کنی، بازمی‌گردند و می‌رمند)» ». کافی: ج 8 ص 266. [↑](#footnote-ref-176)
177. - المدثر: 30 – 31. [↑](#footnote-ref-177)
178. - مدثر: 30 و 31. [↑](#footnote-ref-178)
179. - المدثر: 38 – 39. [↑](#footnote-ref-179)
180. - مدثر: 38 و 39. [↑](#footnote-ref-180)
181. - الغيبة للطوسي: ص150، غاية المرام: ج2 ص241، بحار الأنوار: ج53 ص147. [↑](#footnote-ref-181)
182. - غیبت طوسی: ص 150 ؛ غایة المرام: ج 2 ص 241 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 147. [↑](#footnote-ref-182)
183. - الغيبة للطوسي: ص385، البرهان: ج3 ص310، بحار الأنوار: ج53 ص148. [↑](#footnote-ref-183)
184. - غیبت طوسی: ص 385 ؛ برهان: ج 3 ص 310 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 148. [↑](#footnote-ref-184)
185. - مختصر بصائر الدرجات: ص38، الغيبة الطوسي: ص478، بحار الأنوار: ج53 ص145. [↑](#footnote-ref-185)
186. - مختصر بصائر الدرجات: ص 38 ؛ غیبت طوسی: ص 478 ؛ بحار الانوار: ج 53 ص 145. [↑](#footnote-ref-186)
187. - غيبة النعماني: ص223، بحار الأنوار:ج51 ص40، معجم أحاديث الإمام المهدي : ج3 ص237. [↑](#footnote-ref-187)
188. - غیبت نعمانی: ص 223 ؛ بحار الانوار: ج 51 ص 40 ؛ معجم احادیث امام مهدی: ج 3 ص 237. [↑](#footnote-ref-188)
189. - بشارة الإسلام: ص148، مجمع النورين: ص331، إلزام الناصب:ج2 ص174. [↑](#footnote-ref-189)
190. - بشارت الاسلام: ص 148 ؛ مجمع النورین: ص 331 ؛ الزام الناصب: ج 2 ص 174. [↑](#footnote-ref-190)
191. - بشارة الإسلام: ص181. [↑](#footnote-ref-191)
192. - بشارت الاسلام: ص 181. [↑](#footnote-ref-192)
193. - كمال الدين: ص653، جامع أحاديث الشيعة: ج14 ص568، معجم أحاديث الإمام المهدي : ج3 ص41. [↑](#footnote-ref-193)
194. - کمال الدین: ص 653 ؛ جامع الاحادیث شیعه: ج 14 ص 568 ؛ معجم احادیث امام مهدی: ج 3 ص 41. [↑](#footnote-ref-194)
195. - منتخب الأنوار المضيئة: ص343. [↑](#footnote-ref-195)
196. - مصباح المتهجد: ص826، مصبح الكفعمي: ص543، مختصر بصائر الدرجات: ص35، مفاتيح الجنان : ص215. [↑](#footnote-ref-196)
197. - منتخب الانوار المضیئه: ص 343. [↑](#footnote-ref-197)
198. - مصباح المجتهد: ص 826 ؛ مصباح کفعمی: ص 543 ؛ مختصر بصائر الدرجات: ص 35 ؛ مفاتیح الجنان: ص 215. [↑](#footnote-ref-198)
199. - مختصر بصائر الدرجات: ص117، بحار الأنوار: ج52 ص336. [↑](#footnote-ref-199)
200. - مختصر بصائر الدرجات: ص 117 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 336. [↑](#footnote-ref-200)
201. - المدثر: 38 – 39. [↑](#footnote-ref-201)
202. - مدثر: 38 و 39. [↑](#footnote-ref-202)
203. - القلم: 1 – 7. [↑](#footnote-ref-203)
204. - التكوير: 25 – 29. [↑](#footnote-ref-204)
205. - قلم: 1 تا 7. [↑](#footnote-ref-205)
206. - تکویر: 25 تا 29. [↑](#footnote-ref-206)
207. - البقرة: 249. [↑](#footnote-ref-207)
208. - الغيبة للنعماني: ص316. [↑](#footnote-ref-208)
209. - بقره: 249. [↑](#footnote-ref-209)
210. - غیبت نعمانی: ص 316. [↑](#footnote-ref-210)
211. - جامع السعادات: ج3 ص314. [↑](#footnote-ref-211)
212. - جامع السعادت: ج 3 ص 314. [↑](#footnote-ref-212)
213. - عن بكير بن أعين، قال: سألت أبا عبد الله : لأي علة وضع الله الحجر في الركن الذي هو فيه ولم يوضع في غيره، ولأي علة تقبل، ولأي علة أخرج من الجنة؟ ولأي علة وضع ميثاق العباد والعهد فيه ولم يوضع في غيره؟ وكيف السبب في ذلك؟ تخبرني جعلني الله فداك فإن تفكري فيه لعجب، قال: فقال: (سألت وأعضلت في المسألة واستقصيت فافهم الجواب وفرغ قلبك واصغ سمعك أخبرك إن شاء الله، إن الله تبارك وتعالى وضع الحجر الأسود وهي جوهرة أخرجت من الجنة إلى آدم، فوضعت في ذلك الركن لعلة الميثاق وذلك أنه لما أخذ من بني آدم من ظهورهم ذريتهم حين أخذ الله عليهم الميثاق في ذلك المكان، وفي ذلك المكان ترائى لهم ومن ذلك المكان يهبط الطير على القائم ، فأول من يبايعه ذلك الطائر وهو والله جبرئيل ، وإلى ذلك المقام يسند القائم ظهره وهو الحجة والدليل على القائم وهو الشاهد لمن وافا [ه] في ذلك المكان والشاهد على من أدى إليه الميثاق والعهد الذي أخذ الله عز وجل على العباد. وأما القبلة والاستلام فلعلة العهد تجديداً لذلك العهد والميثاق وتجديداً للبيعة؛ ليؤدوا إليه العهد الذي أخذ الله عليهم في الميثاق، فيأتوه في كل سنة ويؤدوا إليه ذلك العهد والأمانة اللذين آخذاً عليهم، ألا ترى أنك تقول: أمانتي أديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة، ووالله ما يؤدي ذلك أحد غير شيعتنا ولا حفظ ذلك العهد والميثاق أحد غير شيعتنا وإنهم ليأتوه فيعرفهم ويصدقهم ويأتيه غيرهم فينكرهم ويكذبهم وذلك أنه لم يحفظ ذلك غيركم، فلكم والله يشهد وعليهم والله يشهد بالخفر والجحود والكفر، وهو الحجة البالغة من الله عليهم يوم القيامة يجيئ وله لسان ناطق وعينان في صورته الأولى يعرفه الخلق ولا ينكره، يشهد لمن وافاه وجدد العهد والميثاق عنده، بحفظ العهد والميثاق وأداء الأمانة ويشهد على كل من أنكر وجحد ونسي الميثاق بالكفر والانكار. فأما علة ما أخرجه الله من الجنة فهل تدري ما كان الحجر؟ قلت: لا، قال: كان ملكاً من عظماء الملائكة عند الله فلما أخذ الله من الملائكة الميثاق كان أول من آمن به، وأقر ذلك الملك فاتخذه الله أميناً على جميع خلقه فألقمه الميثاق وأودعه عنده واستعبد الخلق أن يجددوا عنده في كل سنة الاقرار بالميثاق والعهد الذي أخذ الله عز وجل عليهم، ثم جعله الله مع آدم في الجنة يذكره الميثاق ويجدد عنده الاقرار في كل سنة، فلما عصى آدم واخرج من الجنة أنساه الله العهد والميثاق الذي أخذ الله عليه وعلى ولده لمحمد  ولوصيه وجعله تائهاً حيراناً، فلما تاب الله على آدم حول ذلك الملك في صورة درة بيضاء فرماه من الجنة إلى آدم وهو بأرض الهند، فلما نظر إليه آنس إليه وهو لا يعرفه بأكثر من أنه جوهرة، وأنطقه الله عز وجل فقال له: يا آدم أتعرفني؟ قال: لا، قال: أجل استحوذ عليك الشيطان فأنساك ذكر ربك ثم تحول إلى صورته التي كان مع آدم في الجنة، فقال لآدم: أين العهد والميثاق؟ فوثب إليه آدم وذكر الميثاق وبكى وخضع له وقبله وجدد الإقرار بالعهد والميثاق، ثم حوله الله عز وجل إلى جوهرة الحجر درة بيضاء صافية تضيئ فحمله آدم على عاتقه إجلالاً له وتعظيماً، فكان إذا أعيا حمله عنه جبرئيل حتى وافا به مكة فما زال يأنس به بمكة ويجدد الإقرار له كل يوم وليلة، ثم إن الله عز وجل لما بنى الكعبة وضع الحجر في ذلك المكان؛ لأنه تبارك وتعالى حين أخذ الميثاق من ولد آدم أخذه في ذلك المكان وفي ذلك المكان ألقم الملك الميثاق ولذلك وضع في ذلك الركن، ونحى آدم من مكان البيت إلى الصفا وحوا إلى المروة ووضع الحجر في ذلك الركن فلما نظر آدم من الصفا وقد وضع الحجر في الركن كبر الله وهلله ومجده فلذلك جرت السنة بالتكبير واستقبال الركن الذي فيه الحجر من الصفا، فإن الله أودعه الميثاق والعهد دون غيره من الملائكة؛ لان الله عز وجل لما أخذ الميثاق له بالربوبية ولمحمد  بالنبوة ولعلي بالوصية اصطكت فرائص الملائكة، فأول من أسرع إلى الإقرار ذلك الملك لم يكن فيهم أشد حبا لمحمد وآل محمد  منه، ولذلك اختاره الله من بينهم وألقمه الميثاق وهو يجيئ يوم القيامة وله لسان ناطق وعين ناظرة يشهد لكل من وافاه إلى ذلك المكان وحفظ الميثاق) الكافي: ج4 ص184، علل الشرائع: ج2 ص429 – 431. ولمعرفة المزيد راجع ما بينه السيد أحمد الحسن في آخر كتاب التوحيد: ص142. [↑](#footnote-ref-213)
214. - از بكير بن اعين روایت شده است که مى‌گويد: از حضرت ابا عبد اللَّه پرسيدم: براى چه خداوند حجر را در ركنى كه فعلاً در آن است قرار داد نه در اركان ديگر؟ و براى چه بوسيده مى‌شود؟ و براى چه از بهشت خارج شد؟ و براى چه ميثاق و عهد بندگان در آن قرار داده شده است نه در جای دیگر؟ فدايت شوم از علت این موارد مرا با خبر كنيد كه سرگردان و متحیّر مى‌باشم؟ بکیر می‌گوید: امام فرمودند: «از مسأله‌ی بسيار مشكل و سختى پرسيدی و پى‌گيرى نمودى. پس بدان و دلت را فارغ بدار و گوش فراده تا ان شاء اللَّه تو را باخبر سازم. خداوند تبارك و تعالى حجر الأسود را كه گوهری بود از بهشت بيرون آورد و نزد حضرت آدم قرار داد و در آن ركن قرار داده شد زيرا ميثاق و پيمان خلایق در آن بود. به این صورت که: زمانى كه ذریه‌ی بنى آدم را از صلب آن‌ها خارج نمود، خداوند در همین مكان از آن‌ها عهد و پیمان را اخذ نمود و در این مکان ايشان را رؤيت كرد و نيز از همین مكان پرنده بر حضرت قائم فرود می‌آید و اولین نفری که با قائم بیعت می‌کند آن پرنده است که به خدا سوگند، همان جبرئیل می‌باشد. به همین مقام قائم تکیه می‌دهد در حالی که او دلیل و حجّتی است برای قائم و شاهدی است برای کسی که عهدش را در آن مکان وفا می‌کند و شاهدی است بر کسی که در آن مکان عهد و میثاقی که خداوند عزّوجلّ از بندگان گرفته است را ادا می‌نماید. اما بوسيدن و لمس کردنش به جهت تجدید عهد و میثاق است؛ تجدید پیمانی به جهت بازگردانیدنش به او، پیمانی که خداوند در عالم ذرّ از آنها گرفته است. بنابراین در هر سال نزد حجر می‌آیند و آن عهد و پیمانی که از ایشان گرفته شده است را به او بازمی‌گردانند؛ آیا توجّه نمى‌كنى كه وقتى به حجر می‌رسی مى‌گویى: امانتم را ادا كردم و ميثاقم را تجديد نمودم تا برايم شهادت دهى كه به عهدم وفا نمودم؟ به خدا سوگند غير از شيعيان ما احدى آن عهد را ادا نمى‌كند و غير از ايشان هيچ كس آن عهد و ميثاق را نگه نداشته است. هرگاه شیعیان نزدش مى‌آيند ايشان را می‌شناسد و تصديقشان مى‌كند و ديگران كه به حضورش مى‌رسند انكارشان كرده، تكذيبشان مى‌نمايد؛ به این جهت كه غير از شما شيعيان كسى آن امانت و عهد را حفظ و نگه‌دارى نكرده است و به خدا سوگند که به نفع شما و عليه و به ضرر ديگران شهادت مى‌دهد؛ يعنى شهادت مى‌دهد كه شما به عهد وفا كرديد و غيرشما آن را نقض و انكار كردند و به آن كفر ورزيدند در حالی که شهادت حجر در روز قيامت حجّت بالغه‌ی خداوند بر آنان است. در روز قيامت حجر مى‌آيد در حالى كه زبانى گويا و دو چشم دارد و اين هيأت حجر همان صورت اوّلین او است كه تمام خلایق او را با آن صورت می‌شناسند و انكارش نمى‌كنند. برای هر كسى که به آن وفا نماید و عهد و میثاقی که نزد او است را با حفظ کردنش و ادای امانت به جا آورد، شهادت می‌دهد و علیه هر كسى که آن را انکار نماید و عناد ورزد و با کفر و انکار، میثاق را فراموش نماید، شهادت می‌دهد. اما علّت این که خداوند آن را از بهشت خارج نمود، آيا مى‌دانى اصل حجر الأسود چيست؟ بكير مى‌گويد: عرضه داشتم: خير. حضرت فرمودند: حجر، مَلَکی عظيم‌الشأن و از بزرگان ملائكه بود و وقتى خداوند از ملائکه ميثاق را اخذ نمود آن ملک اولين نفرى از ملائکه بود كه به آن ایمان آورد و اقرار نمود. بنابراین خداوند او را بر جميع مخلوقاتش امين قرار داد و ميثاق خلایق را در او به رسم امانت قرار داد و از تمام مخلوقات اقرار گرفت كه در هر سال نزد او ميثاق و عهدى كه خداوند عزّوجلّ از آن‌ها گرفته است را تجديد نمايند. سپس خداوند او را همنشین آدم در بهشت قرار داد تا وى را متذكّر ميثاق مزبور نماید و نيز هر سال آدم نزد او به عهد و پيمان گرفته شده اقرار كند و آن را به اين وسيله تجديد نمايد. وقتى آدم عصيان نمود و از بهشت بيرون شد خداوند متعال آن عهد و پیمانی را که از او گرفته بود و همچنین برای فرزندانش بر محمد و وصیش گرفته بود از یادش برد و او را سرگردان و حیران نمود. هنگامى كه خداوند توبه‌ی آدم را پذیرفت، آن ملک را به صورت مروارید سفیدی از بهشت به سوی آدم پرتاب نمود در حالی که او در سرزمین هند بود. هنگامی که نگاه آدم به او افتاد، با او انس گرفت ولی بیش از این که گوهری گران‌قدر است، شناختی نسبت به آن نداشت. خداوند عزّوجلّ آن سنگ را به نطق آورد و گفت: اى آدم آيا مرا مى شناسى؟ گفت: خير! سنگ گفت: البته که مرا مى‌شناسى منتهى شيطان بر تو غالب شد و پروردگارت را از يادت برد. سپس به همان صورتى كه در بهشت با آدم بود درآمد و به او گفت: كجا رفت آن عهد و ميثاق؟ آدم به سوی او پريد و ميثاق به يادش آمد و گريست و براى سنگ خضوع و خشوع نمود و آن را بوسيد و اقرار به عهد و ميثاق را نزد او تجديد كرد. سپس خداوند او را به گوهری سفيد و شفاف و نورانى و درخشنده تبديل فرمود. آدم با عزت و احترام آن را بر دوش خود گرفت و حمل نمود و هرگاه خسته مى‌شد جبرئیل آن را از آدم مى‌گرفت و با خود حمل مى‌كرد و به همين منوال مى‌رفتند تا به مكّه رسیدند. آدم در مکه پیوسته با آن مأنوس بود و روز و شب ميثاق و عهد را با اقرار برای او، تجديد مى‌نمود. سپس خداوند عزّوجلّ وقتى كعبه را بنا نمود، سنگ را در آن مکان قرار داد چرا که وقتی خداوند تبارک و تعالی از فرزندان آدم عهد و میثاق گرفت، در آن مکان اخذ نمود و در آن مکان آن مَلَک میثاق را در خود فرو برد؛ به همين علت خداوند حجر را در آن ركن قرار داد. سپس خداوند آدم را از جاى بيت به طرف صفا و حوّا را به جانب مروه راند و سنگ را در آن ركن قرار داد. وقتى آدم از صفا چشمش به حجر افتاد كه در ركن نصب شده بود، اللَّه اكبر و لا اله اّلا اللَّه گفت و خدا را تمجيد و تعظيم نمود به همین علت سنّت است كه در هنگام روبه‌رو شدن با ركنى كه حجر در آن است، از صفا تكبير بگويند. خداوند عهد و ميثاق را در او به ودیعه نهاد نه در هیچ ملک دیگری؛ چرا که وقتی خداوند عزّوجلّ بر ربوبیت خودش و بر پیامبری حضرت محمد و بر وصایت امیر المؤمنین پیمان گرفت، پشت ملائکه لرزید در حالی که آن مَلَک اولين كسى بود که به اقرار شتاب نمود و در بین ایشان، دوست‌دارتر از او نسبت به محمد و آل محمد وجود نداشت. از این رو خداوند او را از بین ایشان اختیار فرمود و میثاق را در او قرار داد. او روز قیامت می‌آید در حالی که زبانی گویا و چشم بینا دارد و برای هر کسی که در آن مکان عهد خود را وفا کند و میثاقش را حفظ نماید، شهادت خواهد داد». کافی: ج 4 ص 184 ؛ علل الشرایع: ج 2 ص 429 تا 431، و برای کسب اطلاعات بیشتر به آنچه سید احمد الحسن در انتهای کتاب تفسیر سوره‌ی توحید صفحه‌ی 142 به نگارش درآورده است، رجوع نمایید. [↑](#footnote-ref-214)
215. - روى القندوزي عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن جده أمير المؤمنين علي ، قال: قال رسول الله : ( **إنّ الله قد فرض عليكم طاعتي، ونهاكم عن معصيتي، وفرض عليكم طاعة على بعدي ونهاكم عن معصيته، وهو وصيي ووارثي، وهو مني وأنا منه، حبه إيمان وبغضه كفر، محبه محبي، ومبغضه مبغضي، وهو مولى من أنا مولاه، وأنا مولى كل مسلم ومسلمة وأنا وهو أبو هذه الأمة**) ينابيع المودة لذوي القربى: ج1 ص 369. [↑](#footnote-ref-215)
216. - قندوزی از علی بن حسین از پدرش از جدش امیر المومنین روایت می‌کند که رسول خدا فرمود: «خداوند اطاعت از من را بر شما واجب گردانیده و نافرمانی از من را نهی فرموده است و پس از من، اطاعت از علی را بر شما واجب و نافرمانی از وی را نهی نموده است. او، وصی و وارث من است. او از من است و من از اویم؛ دوستی با او، ایمان و دشمنی با وی، کفر محسوب می‌شود. دوست دار او، دوست‌دار من و دشمن او، دشمن من است. او مولای کسی است که من مولای اویم و من مولای تمام مردان و زنان مسلمان هستم و من و او، پدران این امّت می‌باشیم». ینابیع المودة لذوی القربی: ج 1 ص 369. [↑](#footnote-ref-216)
217. - يونس: 39. [↑](#footnote-ref-217)
218. - یونس: 39. [↑](#footnote-ref-218)
219. - الحاقة: 44 – 46. [↑](#footnote-ref-219)
220. - حاقه: 44 تا 46. [↑](#footnote-ref-220)
221. - الكافي: ج1 ص373، الإمامة والتبصرة: ص136، ثواب الأعمال: ص214. [↑](#footnote-ref-221)
222. - کافی: ج 1 ص 373 ؛ امامت و تبصره: ص 136 ؛ ثواب الاعمال: ص 214. [↑](#footnote-ref-222)
223. - الذاريات: 52. [↑](#footnote-ref-223)
224. - ذاریات: 52. [↑](#footnote-ref-224)
225. - وهو البيان الصادر بتاريخ: 21/ ربيع الثاني/ ١٤٢٦ هـ . ق، وهو عبارة عن سؤال لبيان حدود شخصية اليماني ، وتجده في المتشابهات: الجزء الرابع. [↑](#footnote-ref-225)
226. - راجع كتاب كرامات وغيبيات أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي ، فقد ذُكر فيه غيض من فيض تلك الكرامات التي منّ الله بها على أنصار الإمام أحمد الحسن روحي فداه. [↑](#footnote-ref-226)
227. - بیانیه‌ی صادر شده در تاریخ 21 ریع الثانی 1326 هـ ق که عبارت است از سؤالی برای بیان حدود شخصیت یمانی و می‌توانید آن را در کتاب متشابهات جلد چهارم مطالعه نمایید. [↑](#footnote-ref-227)
228. - به کتاب کرامات و غیبیات از انتشارات انصار امام مهدی مراجعه نماید که در آن فیوضات کرامات بسیاری که خداوند به انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد، منّت نهاده است، به نگارش درآمده است. [↑](#footnote-ref-228)
229. - الكهف: 70. [↑](#footnote-ref-229)
230. - کهف: 70. [↑](#footnote-ref-230)
231. - النساء: 97. [↑](#footnote-ref-231)
232. - النساء: 100. [↑](#footnote-ref-232)
233. - نسا: 100. [↑](#footnote-ref-233)
234. - نسا: 97. [↑](#footnote-ref-234)
235. - يشير إلى كتاب كرامات وغيبيات، وهو أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي ، فقد ذُكر فيه غيض من فيض تلك الكرامات التي منّ الله بها على أنصار الإمام أحمد الحسن روحي فداه. [↑](#footnote-ref-235)
236. - اشاره می‌فرمایند به کتاب کرامات و غیبیات که از انتشارات انصار امام مهدی می‌باشد که در آن گوشه‌ای از عنایاتی که خداوند بر انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد منّت نهاده، نگاشته شده است. [↑](#footnote-ref-236)
237. - راجع كتاب العجل: الجزء الأول؛ فقد ذكر السيد أحمد الحسن بعضاً من تلك المعاجز التي جاءت على يد الرسول محمد . [↑](#footnote-ref-237)
238. - به کتاب فتنه‌ی گوساله جلد اول مراجعه نمایید که در آن سید احمد الحسن برخی از معجزاتی که به دست رسول خدا انجام شده را بیان فرموده است. [↑](#footnote-ref-238)
239. - الحجر: 14. [↑](#footnote-ref-239)
240. - حجر: 14. [↑](#footnote-ref-240)
241. - الكافي: ج1 ص336. [↑](#footnote-ref-241)
242. - کافی: ج 1 ص 336. [↑](#footnote-ref-242)
243. - الدخان: 10 – 11. [↑](#footnote-ref-243)
244. - الدخان: 12. [↑](#footnote-ref-244)
245. - الدخان: 13 – 14. [↑](#footnote-ref-245)
246. - دخان: 10 و 11. [↑](#footnote-ref-246)
247. - دخان: 12. [↑](#footnote-ref-247)
248. - دخان: 13 و 14. [↑](#footnote-ref-248)
249. - الإسراء: 14. [↑](#footnote-ref-249)
250. - اسراء: 14 [↑](#footnote-ref-250)
251. - المؤمنون: 109 – 111. [↑](#footnote-ref-251)
252. - مومنون: 109 تا 111. [↑](#footnote-ref-252)